

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال دهم

شماره چهل و یک

زمستان ۱۴۰۰

شاپا: ۲۸۷۵-۲۳۲۲



فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: مظفر صرافی

معاون سردبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): احمدی، قادر؛ احمدی، محمدآزاد؛ ادیب زاده، بهمن؛ اسدپور، علی؛ اکبری، حسن؛ پژوهان، موسی؛ جواهری پور، مهرداد؛ حنایی، تکتم؛ خادم زاده، محمد حسن؛ خاکزند، مهدی؛ خلیقی، نینا؛ دانش مهر، حسین؛ ده‌ده جانی، جواد؛ درویش، بهروز؛ ربانی، طاها؛ رفیعیان، مجتبی؛ سجادزاده، حسن؛ سرور، رحیم؛ سعیدی، مهدی؛ شعله، مهسا؛ شیعه، اسماعیل؛ عادل، زینب؛ عبادی، هادی؛ غفاری گیلانده، عطا؛ قره‌بگلو، مینو؛ لطفی، صدیقه؛ لک، آزاده؛ محمدی، علیرضا؛ محمدی، اکبر؛ مدیری، آتوسا؛ معینی، سید مهدی؛ مولانایی، صلاح‌الدین؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ یوسفی، زاهد...

۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

تلفن:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه‌آرا: جواد ده‌ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷-۱۵۱۷۵

این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه کردستان و انجمن جغرافیا و برنامه‌ریزی مناطق مرزی ایران است. این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICeST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شهرک فهرست

- تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی برنامه‌های آموزش شهرسازی در جهان و ایران با رویکرد توسعه پایدار، با تأکید بر دوره‌های کارشناسی ارشد
محمد مهدی عزیزی، سمانه خسروانی نژاد
۳
- تاثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران بر مطلوبیت ادراکی - بصری از منظر شهروندان، متخصصان و هنرمندان
فرانک کبیری، بهادر زمانی، علیرضا خواجه احمد عطاری
۱۷
- بررسی الگوی کاشت گیاهان در مقیاس بصری مطلوب در پارک‌های محله‌ای
نمونه مورد مطالعه: پارک‌های محله‌ای منطقه ۱۸ و ۱۹ تهران | زهرا صادقی، مجتبی انصاری، مهدی حقیقت‌بین
۳۱
- تبیین مدل مفهومی نقش آفرینی فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی
علی محمد سعادت، فرشته احمدی، علی غفاری، الهام ناظمی
۴۳
- ساخت، هنجاریابی، اعتبارسنجی مقیاس امنیت محیطی پارک‌های شهری مبتنی بر ترجیح کاربران
نمونه مورد مطالعه: پارک ملت تهران | سودابه قلی‌پور، جمال‌الدین مهدی نژاد، بهرام صالح صدق‌پور
۵۹
- کاربست تاثیر شناختی «شاخص خاطره» بر ارتقای حس تعلق ساکنان محلات جدید و قدیم شهر شیراز
شهراد پورمحمد، سید علیرضا شجاعی، حسین کلانتری خلیل‌آباد، مسعود تقوایی
۷۳
- سنجش هنایندگی خُنیابانی بر زندگی همگانی فضاهای شهری
نمونه مورد مطالعه: قلمرو همگانی شهر شیراز | سید مجتبی فخر احمد، سهند لطفی، گلرخ ذوالقدری، زهرا نامداری نوروزانی
۸۵
- تحلیل مقیاس طرح‌های بازآفرینی شهری و اثرات آن بر کیفیت زندگی ساکنان با تأکید بر تجربه ایران
مجید روستا، محمد سلیمانی، مظفر صراف، مجتبی رفیعیان
۹۹

تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی برنامه‌های آموزش شهرسازی در جهان و ایران با رویکرد توسعه پایدار، با تاکید بر دوره‌های کارشناسی ارشد^۱

محمد مهدی عزیزی^۲ - استاد، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سمانه خسروانی نژاد - دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ آبان ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۵ فروردین ۱۴۰۰

چکیده

از جمله دلایل تغییر نگرش رشته شهرسازی از پارادایم رشد به توسعه پایدار، ناکارآمدی رشته و حرفه در پاسخ به دغدغه‌های محیطی از نیمه دوم قرن بیستم بود. نتیجه چنین تغییر نگرشی در اواخر قرن بیستم در آموزش رسمی و غیررسمی شهرسازی در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد که انعکاس آن در حرفه، محصول شهرسازی متفاوتی را رقم زد. نوع نگاه به آموزش توسعه پایدار در کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه ای مانند ایران موضوعی است که می‌تواند از منظر تحلیل محتوای برنامه‌های درسی شهرسازی در کشورهای منتخب دنبال شود. براین اساس، هدف مقاله حاضر تحلیل جهت‌گیری آموزش‌های رشته شهرسازی به سمت مفهوم توسعه پایدار است. در این مقاله که به نوعی تحقیق کاربردی است، با توجه به ماهیت موضوع، از روش کیفی تحلیل محتوا و قابلیت‌های نرم افزاری SPSS در تحلیل داده‌ها استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی برنامه‌های درسی شهرسازی در کشورهای منتخب، که به عنوان کشورهای خاستگاه در توسعه پایدار بوده و برنامه‌های درسی آنها نیز توسط نهادهای بین‌المللی اعتبارسنجی شده‌اند، جمع‌آوری گردیده‌اند. نتایج بررسی‌های این مقاله در ۱۲۸ دانشگاه از ۹ کشور مختلف نشان می‌دهد که جهت‌گیری غالب در آموزش توسعه پایدار به ارائه «درسی مستقل با موضوع توسعه پایدار و مفاهیم محیطی» و نیز «تدریس توسعه پایدار در رویه و محتوای دروس شهرسازی» است. نتایج این امر در نمونه ایران حاکی از آن است که اگرچه دروسی با «محتوا و عنوان موضوعات محیطی» در تمامی گرایش‌های کارشناسی ارشد ارائه شده، اما توجه به موضوع توسعه پایدار را به طور رسمی می‌توان در گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ترتیب در یک و دو درس اختیاری مشاهده کرد که در مقایسه با یافته‌های جهانی محدود و ناکافی است. با این حال، توجه به آموزش توسعه پایدار به عنوان یکی از معیارهای نظام رتبه‌بندی گرین متریک می‌تواند درون مایه پژوهش‌های کاربردی آتی باشد و گامی به سوی توسعه پایدار قلمداد شود.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، آموزش شهرسازی در ایران، کارشناسی ارشد شهرسازی، تحلیل محتوا.

نکات برجسته

- تحلیل جهت‌گیری آموزشی رشته شهرسازی به مفهوم توسعه پایدار و جایگاه آن در حوزه دانشگاهی
- الگوهای جهت‌گیری آموزش به سمت توسعه پایدار
- جهت‌گیری غالب در آموزش پایداری ارائه «یک دوره مستقل در زمینه مفاهیم پایداری و زیست محیطی» و همچنین «آموزش پایداری در رویه و محتوای دروس شهرسازی» در جهان است.
- توجه به موضوع پایداری در آموزش کارشناسی ارشد شهرسازی در ایران در گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ترتیب در یک و دو درس اختیاری قابل مشاهده است.

۱ این مقاله بخشی از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان «تبیین ارتباط آموزش شهرسازی و حرفه در ایران» است که به وسیله نویسنده دوم و با راهنمایی نویسنده اول و در دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: mmazizi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

تا اوایل دهه هشتاد میلادی، پارادایم غالب بر جامعه جهانی، پارادایم رشد بود و تمام رویکردهای اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده بود. توجه به رشد شهری از ابتدای قرن بیستم وجود داشت ولی بعد از اهمیت یافتن موضوع عدالت اجتماعی و بوم‌شناسی و شناخت بیشتر سامانه (سیستم)ها، رفته رفته به نحو گسترده‌تری به مباحث توسعه‌ای پرداخته شد. در این راستا، نظام‌های آموزش عالی و رویکردهای آن نیز از این قاعده مستثنا نبودند. با ظهور پارادایم توسعه پایدار و تغییر فرضیات بنیادین، نظام‌های آموزش عالی نیز تلاش می‌کنند تا ساختارهای خود را با این شرایط منطبق نمایند. آموزش شهرسازی نیز به مانند هر رشته دانشگاهی، مسئولیت تولید و انتقال این دانش را به دانشجویانی که در آینده در حرفه اشتغال دارند، بر عهده دارد. در حقیقت، یکی از مؤلفه‌های مؤثر در تبیین ارتباط آموزش شهرسازی و حرفه، برخورد آموزش با چگونگی ورود مفاهیم نو ظهور همچون توسعه پایدار، جهانی شدن، تاب‌آوری و ... در عصر جدید است. چگونگی جهت‌گیری رشته شهرسازی در آموزش و پژوهش به سمت «توسعه پایدار» منجر به شکل‌گیری رویکردهای مختلف به این مفهوم و تربیت حرفه‌مندانی با درک متفاوت از آن در سراسر جهان شده است. بر این اساس، در یک دهه گذشته تلاش گردیده است تا خلأ و حلقه مفقوده در تمامی علوم مرتبط دنبال شود. شهرسازی و گرایش‌های مرتبط با آن نیز از این امر متأثر بوده و تلاش شده است تا پیشنهادها اصلاحی و موارد بازننگری در رشته - آموزش و پژوهش - با هدف توانمندسازی حرفه برای مرتفع کردن خلأ یاد شده ارائه شود. سؤال اساسی که این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن است، در قالب گزاره زیر مطرح می‌شود: «با توجه به جایگاه شهرسازان در طرح‌ها و برنامه‌ها با نقش مدیر تخصصی و هماهنگ‌کننده، مبحث توسعه پایدار با تأکید بر مسائل زیست محیطی و اجتماعی، چه جایگاهی در آموزش شهرسازی دارد و چگونه می‌توان فارغ‌التحصیلان شهرسازی را در این حوزه ارتقا داد تا به ارتقای کیفی فعالیت‌های حرفه‌ای بینجامد؟». بر این اساس، هدف عملیاتی این مقاله تحلیل جایگاه و جهت‌گیری آموزش به توسعه پایدار در برنامه دروس شهرسازی است. ضرورت تأکید این مقاله بر تحلیل رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌های درسی رشته شهرسازی از دو جهت است. از یک سو، به دلیل پذیرش استحاله پارادایمی شهرسازی به پارادایم مقبول، توجه پذیر و مشروع مبتنی بر تئوری جامع یکپارچه و بر پایه رویه تئوری انتقادی و محتوای پایداری در محافل علمی و حرفه‌ای شهرسازی در سراسر جهان است (Bahrainy & Bakhtiar, 2016). از سوی دیگر، می‌توان به خلأ علمی بومی اشاره کرد که در مواجهه با کلان مسئله‌های محیطی بومی در جوامع علمی ایران قابل طرح است.

در راستای پیدا کردن پاسخ به سئوالات مطرح، گام‌ها و مراحل زیر دنبال می‌شود: نخست، بررسی سیر تحول و نحوه ورود توسعه پایدار در جوامع دانشگاهی و آموزش رسمی و غیررسمی شهرسازی بررسی می‌گردد. در گام دوم، بررسی و تحلیل شرایط موجود آموزش توسعه پایدار در دانشکده‌ها و گروه‌های شهرسازی در دانشگاه‌های جهان صورت می‌گیرد. در گام سوم، بررسی و تحلیل شرایط موجود و حاکم بر آموزش شهرسازی با تأکید بر توسعه پایدار و در قالب سرفصل دروس مقاطع

و گرایش‌های مختلف آموزش شهرسازی در ایران با تحلیل محتوای برنامه‌های درسی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها انجام می‌شود. نهایتاً در گام چهارم، تحلیل و ارائه یافته‌ها با استفاده از مقایسه تطبیقی، تحلیل‌های آماری و ابزار نمودارهای راداری^۱ در انطباق با جهت‌گیری‌های تحقیق صورت می‌گیرد. در ادامه، نحوه ورود موضوع و رویکرد توسعه پایدار و پرداختن به آن در دانشگاه‌های پیشرو و سپس جوامع علمی و حرفه‌ای در این حوزه مورد بررسی واقع می‌شود. سپس، بیانیه‌های مهم در آموزش توسعه پایدار ارائه و نمونه‌ای از جوامع حرفه‌ای که در پیشبرد آموزش توسعه پایدار مؤثر بوده‌اند، معرفی می‌شود.

۲. مبانی نظری و مروری بر ادبیات

۲.۱. ظهور توسعه پایدار در آموزش رسمی و دانشگاهی شهرسازی در جهان

با تغییر پارادایم توسعه از توسعه اجتماعی و اقتصادی به توسعه پایدار، نقش و کارکرد نظام آموزش عالی نیز دچار تحولات اساسی شده است. نظام آموزش عالی در چارچوب پارادایم توسعه اقتصادی نهادی است که با تبعیت از رویکرد بازار و عقلانیت ابزاری - که مناسب جوامع سرمایه‌داری است - در تلاش برای تربیت نیروی انسانی ماهر برای اشتغال در اقتصاد سرمایه‌داری، تجاری‌سازی دانش و خلق ثروت از دانش است. اما آموزش عالی در چارچوب پارادایم توسعه پایدار، نهادی است که با تبعیت از عقلانیت جوهری^۲ در قبال جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، دارای مسئولیت اجتماعی است. این نهاد درصدد تحقق ارزش‌های اقتصادی (کاهش بیکاری، افزایش رفاه، کاهش فاصله طبقاتی، از میان برداشتن فقر و ...)، اجتماعی (عدالت اجتماعی، دموکراسی، رفع تبعیض و ...) و زیست‌محیطی (مصرف مسئولانه انرژی‌های تجدیدناپذیر، حفظ تنوع زیستی و جلوگیری از تغییرات اقلیمی و ...) (Malekinia, et al., 2014:2) برای نسل‌های کنونی و آینده است.

بر این اساس، پس از آن که فراخوان توسعه پایدار در سراسر جهان انعکاس یافت، دانشگاه‌ها (آموزش رسمی) و جوامع علمی و حرفه‌ای (آموزش غیررسمی) شهرسازی در مقام پاسخ به آن برآمدند. در واقع، وجود این نیاز ملتهب در حرفه و حلقه مفقوده در طرح‌ها و برنامه‌ها، باعث شد تا رشته نیز متأثر از این تغییر پارادایم، بازننگری اساسی در محتوا و ساختار داشته باشد. با توجه به دسترسی به منابع و اطلاعات موجود، چگونگی ظهور، پرداختن و جهت‌گیری آموزشی در نمونه‌های مطالعاتی در دستور کار قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب نمونه‌ها از کشورهای آمریکا و بریتانیا (انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی) فارغ از بحث توسعه پایدار، پیشگامی و صاحب سبک بودن آنها در آموزش رسمی شهرسازی در جهان است^۳. دلیل انتخاب کشورهای کانادا، استرالیا و نیوزلند، پیشرو بودن این کشورها در پرداختن به توسعه پایدار در تمامی ارکان است^۴. دلیل انتخاب کشور هند نیز استفاده از آموزه‌های آن به

1 Radar chart

2 Substantive Rationality

3 نخستین درس با موضوع شهرسازی با عنوان "معماری منظر: ده اصل شهرسازی" و نخستین دوره مستقل کارشناسی ارشد "برنامه‌ریزی و طراحی شهری" در سال ۱۹۰۹ به ترتیب در دانشگاه هاروارد آمریکا و دانشگاه لیورپول انگلستان ارائه و راه‌اندازی شدند.

4 برای نمونه می‌توان به نحوه پرداختن به توسعه پایدار دانشگاه بریتیش کلمبیا اشاره کرد. اطلاعات بیشتر بنگرید به <https://sustain.ubc.ca/>

در ادامه، چکیده محتوای بررسی تحلیلی بستر محیطی، اجتماعی و آکادمیک در کشورهای منتخب و تأثیرپذیری آموزش های رسمی و غیررسمی در این کشورها به منظور توجه به آموزش توسعه پایدار و ضمن بررسی تطبیقی، در جدول شماره ۱ جمع بندی شده است.

عنوان یک کشور موفق در زمینه توسعه پایدار و کشوری در حال توسعه در همسایگی و با زمینه های فرهنگی و تاریخی مشترک با کشور ایران بوده است. از سوی دیگر، تمامی برنامه های درسی بررسی شده در این پژوهش، توسط انجمن ها و هیئت های اعتبارسنجی، تأیید شده اند.

جدول شماره ۱: ظهور توسعه پایدار در آموزش شهرسازی دانشگاه های جهان

کشور	سال ورود	چگونگی ورود توسعه پایدار در آموزش شهرسازی	پژوهشگران
آمریکا	۱۹۸۵	برانگیختن جنبش های زیست محیطی و عدالت خواهانه ای در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی و افزایش توجه به پدیده نوظهور توسعه پایدار در حوزه دانشگاهی	فریدمن (۱۹۹۶)، واشنگتن و استرانگ (۱۹۹۷)، دالتون (۲۰۰۱)، وایت و مایو (۲۰۰۴)
انگلستان	۱۹۹۰	مطرح شدن توسعه پایدار به عنوان یک گفتمان کلیدی شهرسازی در دهه ۹۰ با افزایش تنش های ناشی از ساخت مسکن در حومه های شهرهای انگلیسی، مطرح شدن توسعه پایدار به عنوان شعار مرکزی مؤسسه سلطنتی شهرسازی به منظور مفهوم سازی برنامه ریزی فضایی در گزارش «چشم انداز جدید شهرسازی»	داوودی (۲۰۰۰)، مؤسسه سلطنتی شهرسازی (۲۰۰۱) مورداک و آبرام (۲۰۰۲)
استرالیا	۱۹۹۰	توجه به موضوعات محیطی از اوایل دهه ۹۰ میلادی در دروس شهرسازی بدون ذکر نام توسعه پایدار	گاندرو فوکس (۱۹۹۵) ساندرکاک (۱۹۹۷)
نیوزلند	۱۹۹۵	تغییر رویکرد در برنامه های آموزشی به دلیل غلبه ارزش های نئولیبرال و تمرکز قوانین و مقررات شهرسازی نیوزلند بر مدیریت پایدار منابع و اعمال فشار بر برنامه های آموزشی شهرسازی	کاردیو (۱۹۹۹)، دیکسون (۲۰۰۱)، فریمن (۲۰۰۵)

رتبه بندی مؤسسه ها استفاده می کند (جدول شماره ۲). در این بین، معیار «آموزش» با هشت شاخص کلیدی، سهم ۱۸ درصدی در این رتبه بندی دارد و این حاکی از اهمیت رسالت اصلی دانشگاه ها در حرکت به سوی توسعه پایدار است:

- تعداد دوره های مربوط به محیط زیست و توسعه در دانشگاه،
- تعداد کل درس های ارائه شده،
- کل منابع تحقیقاتی اختصاص یافته به تحقیقات زیست محیطی و پایداری (دلار آمریکا)،
- کل منابع تحقیقاتی (دلار آمریکا)،
- تعداد انتشارات علمی در مورد محیط زیست و توسعه،
- تعداد رویدادهای علمی مربوط به محیط زیست و توسعه،
- تعداد سازمان های دانشجویی مربوط به محیط زیست و پایداری و
- وب سایت محیط زیست و توسعه دانشگاه.

در حال حاضر، مرکز همکاری های علمی و بین المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای امتیازدهی و رتبه بندی دانشگاه ها براساس معیارها و شاخص های گرین متریک، گروه های آموزشی را ملزم به امتیازدهی و وزن دهی شاخص های معیار آموزش کرده است تا در نظام رتبه بندی جدید در سال ۲۰۲۰ دانشگاه های ایران نیز شرکت داشته باشند. این مهم نشان از اهمیت موضوع در سطح جهانی و بین المللی دارد. زیرا حرکت به سوی توسعه پایدار در دانشگاه می تواند در حرفه نیز منعکس شود و جامعه را به سوی رفاه و زندگی بهتر رهنمون سازد.

۲.۲. چگونگی پرداختن به مفهوم توسعه پایدار در آموزش غیررسمی و جوامع علمی و حرفه ای شهرسازی

از ریشه های موضوع آموزش توسعه پایدار و تلفیق مفاهیم آن در برنامه درسی، همایش سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در سال ۱۹۶۸ در مورد زیست کره^۴ است که توسعه برنامه درسی به منظور مطالعه محیط زیست در تمام سطوح آموزشی را

از جمله رسالت های نوین دانشگاه ها می تواند نقش آفرینی آنها در توسعه پایدار در سطوح ملی و بین المللی باشد. بر این اساس، دانشگاه اندونزی با هدف ترویج توسعه پایدار در آموزش عالی، از سال ۲۰۱۰ اقدام به ارزیابی و رتبه بندی دانشگاه های جهان در قالب معیارها و شاخص های مرتبط با مسائل زیست محیطی در دانشگاه ها نموده است. در این رتبه بندی، تلاش برای داشتن فضای سبز و تلاش برای افزایش آن مهم است. آنچه در این رتبه بندی مورد سنجش قرار می گیرد، جایگاه دانشگاه در حفظ محیط زیست و تأثیر آن در پایداری محیط است. مشارکت در رتبه بندی گرین متریک^۱ گامی در جهت فعالیت های بین المللی سازی دانشگاه ها، معرفی آنها به سایر دانشگاه ها و برجسته کردن اهمیت موضوع پایداری، مسائل محیط زیستی و چالش هایی مانند فرایند گرم شدن زمین، بهره برداری بیش از حد از منابع، وابستگی به منابع نفتی و کمبود آب و غذا در سطح جهانی است. ارائه چشم اندازی جامع از شرایط و سیاست های مرتبط با محیط زیست و توسعه پایدار در دانشگاه های کشورهای گوناگون از اهداف این رتبه بندی جهانی است. بر اساس اطلاعات انتشار یافته در سایت گرین متریک، در سال ۲۰۱۹ دانشگاه واخنینگن^۲ با بیشترین امتیاز، سبزترین دانشگاه جهان بود. برپایه این رتبه بندی، دانشگاه «زنجان» با ۷۶۲۵ امتیاز در رتبه ۴۸، در فهرست مؤسسه های برتر این نظام رتبه بندی قرار گرفت و برای پنجمین سال پیاپی جایگاه نخست ملی را به خود اختصاص داد (<http://www.znu.ac.ir/pg/18625>). در رویدادی خاص و اثرگذار، این دانشگاه در خردادماه سال ۱۳۹۹ میزبان ششمین کارگاه بین المللی رتبه بندی گرین متریک دانشگاه های دنیا با موضوع «نقش دانشگاه ها در توسعه پایدار و چالش های پیچیده دنیا» و سومین کنفرانس بین المللی دانشگاه سبز بود^۳. گرین متریک از شاخص های کلیدی مکان و زیرساخت، سیاست های انرژی و تغییرات اقلیمی، مدیریت پسماند، آب، حمل و نقل و آموزش و پژوهش برای

1 Green metric

2 Wageningen University & Research

3 برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: <https://iwgm.ui.ac.id/>

4 Biosphere

شد (Faham, et al., 2015). در ادامه، چکیده محتوای چهار بیانیه معروف و تأثیرگذار از اجلاس‌هایی که در آموزش غیررسمی به آموزش توسعه پایدار توجه کرده‌اند، ضمن بررسی تطبیقی در جدول شماره ۳ جمع بندی شده است.

مطرح ساخت و توجه جهانیان را به مشکلات زیست محیطی جلب کرد. دیدگاه تمرکز بر جنبه زیست محیطی توسعه پایدار تا زمان برگزاری کمیسیون برانتلند^۱ در سال ۱۹۸۷ تداوم یافت. پس از گزارش کمیسیون برانتلند و اجلاس ریو، اصطلاح توسعه پایدار به صورت گسترده مطرح

جدول شماره ۲: معیارها، شاخص‌ها و وزن هر معیار در نظام رتبه‌بندی گرین متریک

وزن	شاخص‌ها	معیارها
٪۱۵	کل مساحت دانشگاه با پوشش گیاهی جنگلی (درصد) کل مساحت پوشش گیاهی دانشگاه (درصد) کل مساحت دانشگاه برای جذب و ذخیره آب در کنار جنگل و پوشش گیاهی (درصد) تعداد کل دانشجویان (پاره وقت و تمام وقت) تعداد کل کارکنان هیئت علمی و غیرهیئت علمی بودجه دانشگاه برای توسعه و محیط زیست در یک سال	نوع مؤسسه آموزش عالی تعداد سایت های دانشگاه کل محوطه دانشگاه (متر مربع) کل محوطه اصلی محوطه ساختمان ها (متر مربع) کل ساختمان های اصلی محوطه دانشگاه (متر مربع) کل ساختمان پردیس اصلی ساختمان هوشمند (متر مربع) پارکینگ کل (متر مربع)
٪۲۱	نسبت تولید / تولید انرژی تجدیدپذیر نسبت به کل مصرف انرژی در سال عناصر پیاده سازی ساختمان سبز برنامه کاهش گازهای گلخانه ای انتشار CO2 در ۱۲ ماه گذشته، در متریک تن	جایگزینی وسایل انرژی کارآمد ساختمان های هوشمند دانشگاه تولید انرژی قابل تجدید در محوطه دانشگاه مصرف برق در هر سال (در کیلووات ساعت)
٪۱۸	تفکیک و دفع زباله های آلی تفکیک و دفع زباله های معدنی دفع فاضلاب	برنامه برای کاهش استفاده از کاغذ و پلاستیک در دانشگاه برنامه های بازیافت برای زباله های دانشگاه تفکیک و دفع زباله های سمی
٪۱۰	استفاده از لوازم کارآمد آب (شیرآب، فلاش تانک توالت، و غیره) تصفیه آب	اجرای برنامه ذخیره آب پیاده سازی برنامه بازیافت آب
٪۱۸	نوع پارکینگ های دانشگاه کاهش پارکینگ برای وسایل نقلیه خصوصی ظرف مدت سه سال ابتکارات برای کاهش وسایل شخصی در محوطه دانشگاه سیاست های مربوط به دوچرخه سواری و مسیرهای پیاده روی در محوطه دانشگاه مسافت تقریبی طی شده توسط یک وسیله نقلیه در هر روز در محوطه دانشگاه (کیلومتر)	تعداد خودروهای متعلق به دانشگاه تعداد خودروهایی که روزانه وارد دانشگاه می شوند. تعداد موتورسیکلت هایی که روزانه وارد دانشگاه می شوند. تعداد اتوبوس های دانشگاه تعداد متوسط مسافران هر اتوبوس تعداد سفرهای روزانه اتوبوس ها در محوطه دانشگاه
٪۱۸	تعداد انتشارات علمی در مورد محیط زیست و توسعه تعداد رویدادهای علمی مربوط به محیط زیست و توسعه تعداد سازمان های دانشجویی مربوط به محیط زیست و پایداری وب سایت محیط زیست و توسعه دانشگاه	تعداد دوره های مربوط به محیط زیست و توسعه در دانشگاه تعداد کل درس های ارائه شده کل منابع تحقیقاتی اختصاص یافته به تحقیقات زیست محیطی و پایداری (دلار آمریکا) کل منابع تحقیقاتی (در دلار آمریکا)

مآخذ: <http://greenmetric.ui.ac.id/>

دهه ۲۰۱۴-۲۰۰۵ را دهه آموزش برای توسعه پایدار نامید (UNESCO, 2005). در این اعلامیه‌ها، توسعه پایدار به عنوان عنصر کلیدی آموزش عالی مطرح شده است. بررسی‌های پیش گفته همه دال بر ضرورت پرداختن به توسعه پایدار در رشته و حرفه شهرسازی است. در ادامه، دانشگاه‌های منتخب جهان که در پرداختن به توسعه پایدار در زمره سرآمدان بوده‌اند و برنامه‌های درسی آنها در دوره کارشناسی ارشد شهرسازی مورد بررسی قرار گرفته، آمده است.

همچنین در پنجمین کنفرانس بین المللی بارسلونا در سال ۲۰۱۰ در زمینه آموزش عالی با عنوان «تعهد آموزش عالی به پایداری، از درک تا عمل»، بزرگ‌ترین چالش آموزش عالی در دهه‌های آینده «به کارگیری دانش در خدمت تحول اجتماعی» معرفی شد که عامل حرکت به سمت توسعه پایدار است (Global University Network for Innovation, 2010). همانطور که مشاهده شد، میزان پایبندی نهادهای آکادمیک و دانشگاهی توانسته است توسعه پایدار را در ارکان مختلف آموزش و حرفه وارد کند. ضرورت این امر را می‌توان در اقدام یونسکو دید که

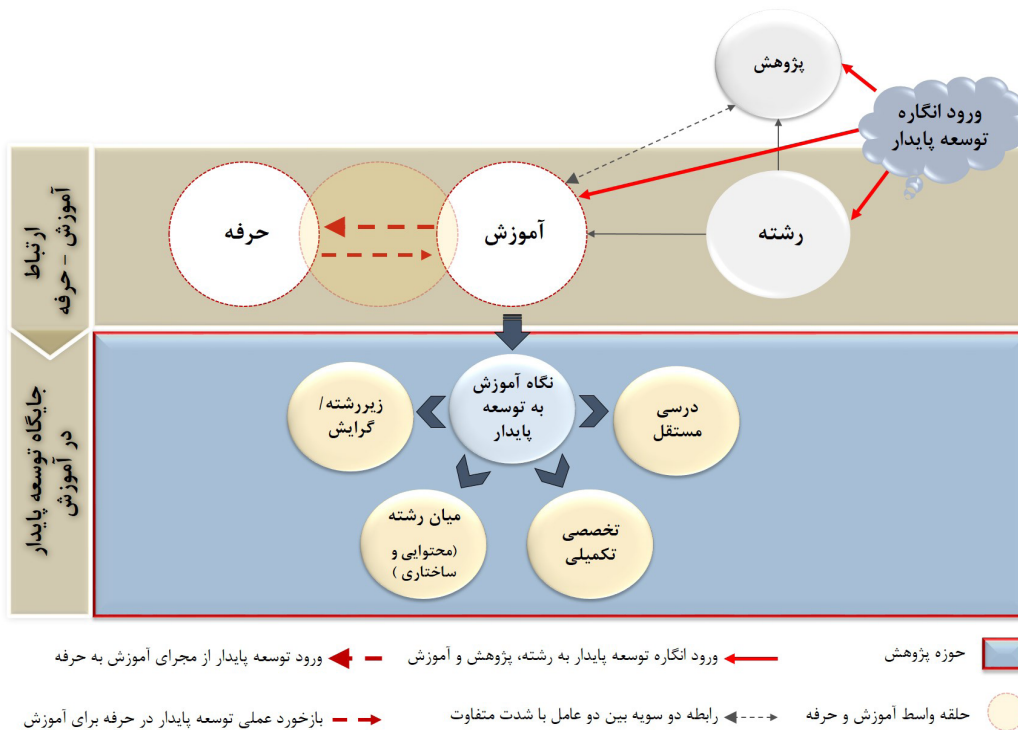
جدول شماره ۳: بیانیه‌های دانشگاهی و اجلاس‌های جهانی معروف در آموزش دانشگاهی توسعه پایدار

عنوان بیانیه	مکان	زمان	اعضا	شعار	مفاد بیانیه
تالویرز (Talloires)	تالویرز فرانسه - شعبه اروپایی دانشگاه تافتسی	۱۹۹۰	۲۰ دانشگاه از سراسر جهان	رهبران دانشگاهی برای آینده پایدار (ULSF)	- افزایش توان علمی اساتید دانشگاه در آموزش توسعه پایدار و موضوعات محیطی به دانشجویان در تمامی مقاطع دانشگاهی - دانشگاه به عنوان نمونه موفق در تعهد به مسئولیت محیط‌زیستی با حفاظت از منابع، بازنیافت و کاهش زباله در دانشگاه - همکاری دولت، صنعت و سازمان‌های غیردولتی با دانشگاه به منظور یافتن راه‌حل‌های زیست‌محیطی
هالیفکس (Halifax)	دانشگاه دالهاوزی، کانادا	۱۹۹۱	۳۳ دانشگاه از سراسر جهان	ایجاد آینده‌ای مشترک: برنامه اقدامی برای دانشگاه‌ها	- تأکید بر تعهد اخلاقی نسل حاضر برای غلبه بر استفاده نادرست کنونی از منابع - ارتقای ظرفیت دانشگاه برای آموزش عملی اصول توسعه پایدار، افزایش سواد زیست محیطی، ارتقای درک اخلاق زیست محیطی در میان اساتید، دانشجویان و عموم مردم
دستور کار ۲۱ (21 Agenda)	ریودو ژانیرو، برزیل	۱۹۹۲	اعضای اجلاس عمومی سازمان ملل متحد	دستور کار ۲۱ منشوری برای آینده	- گسترش آگاهی‌های عمومی در خصوص مفاهیم توسعه پایدار - آموزش نیروی کار
سوانسی (Swansea)	ولز، انگلستان	۱۹۹۳	۴۰۰ عضو انجمن جامعه دانشگاهیان	مردم و محیط زیست: حفظ تعادل	- ملزم کردن دانشگاه‌های عضو به ایجاد و انتشار درک روشن‌تری از توسعه پایدار؛ «توسعه‌ای که نیازهای حال حاضر را بدون به خطر انداختن نیازهای نسل آینده مدنظر قرار می‌دهد» و اصول و شیوه‌ای عملی مناسب‌تری از توسعه پایدار را در سطوح محلی، ملی و جهانی ترویج می‌دهد که سازگار با مأموریت‌های آن باشد

۳. الگوی مفهومی، چارچوب نظری و روش‌شناسی

چگونگی ورود و پرداختن به یک انگاره نوظهور در هر دانشی، ارتباط مستقیم با رشته دارد. گذار از نظر به عمل، نیازمند عبور آن انگاره از فرایند علمی و دانشی آموزش است؛ آموزشی که دروندادهای خود را از پژوهش و حرفه احصا می‌کند، سپس آن را مفهوم‌سازی می‌کند و در قالب محتوای آموزشی دانش، مهارت و ارزش- برنامه‌های درسی شهرسازی به دانشجویان و حرفه‌مندان آتی انتقال می‌دهد. بدین ترتیب، نوع پذیرش و چگونگی برخورد آموزش با پدیده‌ها و انگاره‌های

نوظهور در رشته شهرسازی می‌تواند بازخوردهای متفاوتی را به حرفه دهد. در این بین، حلقه مفقوده‌ای حد واسط آموزش و حرفه وجود دارد که موجود در حرکت به سوی توسعه پایدار از مجرای آموزش به حرفه مرتفع می‌شود. اما آنچه حوزه پژوهشی و خلأ مطالعاتی تدقیق شده در این تحقیق را تعیین می‌کند، احصای الگوهای جهت‌گیری آموزش به سمت توسعه پایدار است که براساس روش تحقیق مشخص می‌شوند (نمودار شماره ۱۵).



نمودار ۱: الگوی مفهومی مقاله

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. تحلیل محتوای رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌های درسی شهرسازی در دانشگاه‌های جهان

بررسی پژوهش‌های مختلف در منابع داخلی و خارجی و لزوم دسترسی به اطلاعات برای انجام تحقیق حاضر، منجر به تحدید حوزه مطالعاتی شد. بدین ترتیب، برنامه‌های درسی دانشگاه‌های ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های آمریکا - انجمن اعتبارسنجی شهرسازی (PAB)^۱.
- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های کانادا - مؤسسه شهرسازان کانادایی (CIP)^۲.
- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های بریتانیا شامل کشورهای اسکاتلند، ولز، انگلستان و ایرلند شمالی - مؤسسه سلطنتی شهرسازی (RTPI)^۳.
- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های استرالیا - انجمن شهرسازان استرالیا (PIA)^۴.
- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های هندوستان - مؤسسه شهرسازان هندوستان (ITPI)^۵.
- برنامه‌های درسی دانشگاه‌های نیوزلند - مؤسسه شهرسازی نیوزلند (NZPI)^۶.

1 Planning Accreditation Board

2 Canadian Institute of Planners

3 Royal Town Planning Institute

4 Planning Institute of Australia

5 Institute of Town Planners, India

6 New Zealand Planning Institute

مقاله حاضر، پژوهشی کاربردی است که با توجه به ماهیت موضوع، از روش کیفی تحلیل محتوا و قابلیت‌های نرم افزاری SPSS و نمودار راداری به عنوان ابزار، در تحلیل داده‌ها بهره برده است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی محتوای برنامه‌های درسی شهرسازی در کشورهای منتخب (کشورهای خاستگاه و پیشرو در توسعه پایدار که برنامه‌های درسی آنها توسط نهادهای بین‌المللی اعتبارسنجی شده‌اند، به استثنای کشور هند به عنوان کشوری در حال توسعه در قرابت با ایران) جمع‌آوری شدند. در این پژوهش، به دو دلیل دوره کارشناسی ارشد برای بررسی نمونه‌های مطالعاتی انتخاب و دامنه تحدید این مقاله را تعیین می‌کند: الف) تعداد زیاد دوره‌های مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته شهرسازی در جهان و ب) قرابت نزدیک دوره کارشناسی ارشد و رسالت آن در تربیت حرفه‌مند متخصص و مدیر پروژه. تحلیل محتوا یک روش منظم را برای اندازه‌گیری و توجه به تکرار و یا فراوانی، منظور، شدت و اهمیت کلمات، واژه‌ها و عبارات و یا جملات موجود در متن (در اینجا مبانی نظری و محتوای برنامه‌های درسی) فراهم می‌کند. براساس این روش، داده‌های مستخرج از برنامه‌های درسی شهرسازی، تحلیل و چهار الگوی موجود در آنها احصا می‌گردد که شامل الف - توسعه پایدار به عنوان درسی مستقل، ب - توسعه پایدار و موضوعات محیطی به عنوان تخصصی تکمیلی، ج - توسعه پایدار به عنوان موضوعی در رویه و محتوای آموزش ود - توسعه پایدار به عنوان یک گرایش مستقل هستند. نتایج بررسی‌ها با استفاده از قابلیت‌های نرم‌افزاری SPSS و تحلیل نمودار راداری جهت‌گیری برنامه‌های درسی دوره کارشناسی ارشد شهرسازی در جهان را به سمت توسعه پایدار براساس الگوهای احصا شده نشان می‌دهد.

ایرلند شمالی)، چهار دانشگاه در استرالیا، چهار دانشگاه در نیوزلند و ۱۱ دانشگاه در هندوستان دارای شرایط دوگانه یاد شده هستند. با توجه به تعداد بالای نمونه‌ها، برای هر نمونه مطالعاتی، یک دانشگاه انتخاب گردید (جدول شماره ۴).

دانشگاه‌های منتخب: در مجموع از تعداد ۱۲۸ دانشگاه در آمریکا، ۷۰ دانشگاه در آمریکا، ۳۰ دانشگاه در بریتانیا (شامل کشورهای اسکاتلند، ولز، انگلستان و

جدول شماره ۴: نمونه‌هایی از تحلیل محتوای رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌های شهرسازی نمونه‌های مطالعاتی

دانشگاه	عنوان دوره کارشناسی ارشد	عنوان درس مرتبط با توسعه پایدار	تحلیل ساختاری						
			عنوان اصلی / اختیاری	تعداد ساعات	پیش‌نیاز	موضوع	عنوان درس توسعه پایدار	میان رشته‌ای (محتوایی و ساختاری)	اختیاری / اصلی
ایالتی بال / ایالات متحده	برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای	مسکن پایدار / برنامه‌ریزی جوامع پایدار	اختیاری	۳	اجرای ساختمان	برنامه‌ریزی جامع و پایدار	تحلیل اثرات زیست محیطی / بوم‌شناسی شهرسازی	اصلی	خبر
بریتیش کلمبیا / کانادا	برنامه‌ریزی شهری و منطقه	تبدیل شدن به یک حرفه‌مند خوب در برنامه‌ریزی پایدار / برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه اقتصادی جوامع پایدار	اختیاری / اصلی	۳	خبر	برنامه‌ریزی محیطی و شهرهای سالم	کاربری زمین و سیاست‌گذاری محیطی	اختیاری	خبر
داندی / بریتانیا	برنامه‌ریزی فضایی	پایداری در شهرهای معاصر	اصلی	۳	خبر	طراحی شهری پایدار	ارزیابی زیست محیطی	اختیاری	طراحی شهری پایدار پیشرفته
ملبورن / استرالیا	برنامه‌ریزی شهری	برنامه‌ریزی پایدار شهری	اصلی	۳	خبر	خبر	خبر	-	خبر
آکلند / نیوزلند	برنامه‌ریزی شهری	شهرنشینی پایدار	اصلی	۳	خبر	خبر	برنامه‌ریزی شهری و محیط زیست	اصلی	خبر
آنا / هند	شهرسازی	توسعه پایدار	اختیاری	۳	خبر	خبر	برنامه‌ریزی زیست محیطی	اصلی	خبر

دوره‌های کارشناسی ارشد ارائه شده: دانشگاه‌های بیان شده در دانشکده‌ها و گروه‌های مختلفی رشته شهرسازی را ارائه داده‌اند. در این بین، ۱۲ دانشگاه موضوع محیط و محیط‌زیست را در عنوان دوره کارشناسی ارشد و یک دانشگاه توسعه پایدار را در عنوان دوره لحاظ کرده‌اند که تأکیدی بر توجه به موضوع توسعه پایدار، هم در ساختار و هم در محتواست (جدول شماره ۴).

توسعه پایدار به عنوان درسی مستقل در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد: از ۱۲۸ دانشگاه بررسی شده ۶۰ دانشگاه حداقل یک درس مستقل با عنوان توسعه پایدار در دوره کارشناسی ارشد ارائه می‌دهند که اغلب به عنوان یک درس اصلی سه واحدی در برنامه درسی دانشگاه‌های منتخب لحاظ شده و در بیشتر موارد پیش‌نیازی ندارد.

توسعه پایدار و موضوعات محیطی به عنوان تخصصی تکمیلی در دوره کارشناسی ارشد: تفاوت در برنامه‌های درسی باعث شده است تا تمایز چشمگیری در این مورد به وجود آید. از مجموع دانشگاه‌های منتخب، ایالات متحده با ۵۶ دوره تخصصی تکمیلی در دوره کارشناسی ارشد با اختلاف در رتبه نخست قرار می‌گیرد. پس از ایالات متحده، بریتانیا و کانادا به ترتیب با چهار و سه دانشگاه در رتبه دوم و سوم قرار می‌گیرند. چنین نتیجه‌ای برای دانشگاه‌های کانادا به دلیل نزدیکی در سیستم

آموزشی قابل درک است. همچنین از ۵۶ دانشگاه آمریکایی، تعداد ۲۶ دانشگاه دارای حداقل یک درس با عنوان توسعه پایدار در دوره تخصصی تکمیلی کارشناسی ارشد با موضوعات محیطی است.

توسعه پایدار به عنوان موضوعی در رویه و محتوای آموزش شهرسازی^۳: نتایج بررسی‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که موضوعات محیطی و توسعه پایدار در برنامه‌های درسی شهرسازی به اشکال مختلف مورد توجه قرار گرفته است. از ۱۲۸ دانشگاه منتخب، تعداد ۵۷ دانشگاه با درصد فراوانی ۴۳٫۸، دروسی با موضوعات محیطی و توسعه پایدار ارائه می‌دهند. این امر نشان از آن دارد که تمامی دانشگاه‌های منتخب توجه به موضوعات محیطی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

توسعه پایدار به عنوان یک گرایش مستقل در دوره کارشناسی ارشد^۴: بیشترین درصد فراوانی از این گونه برخورد را می‌توان در سیستم آموزشی بریتانیا یافت. بر این اساس، پس از بریتانیا با ۳۲ درصد، ایالات متحده و کانادا با ۱۲٫۹ و ۱۱٫۱ درصد در رده دوم قرار می‌گیرند (جدول شماره ۵). به منظور ایجاد تصویری صحیح از این روند و براساس جهت‌گیری‌های چهار گانه، نمودار تحلیلی راداری ترسیم گردید تا تمایل به هر جهت و روند پیش‌گرفته شده در دانشگاه‌های منتخب مشخص شود (نمودار شماره ۲).

3 Inter-discipline (substance & procedure)

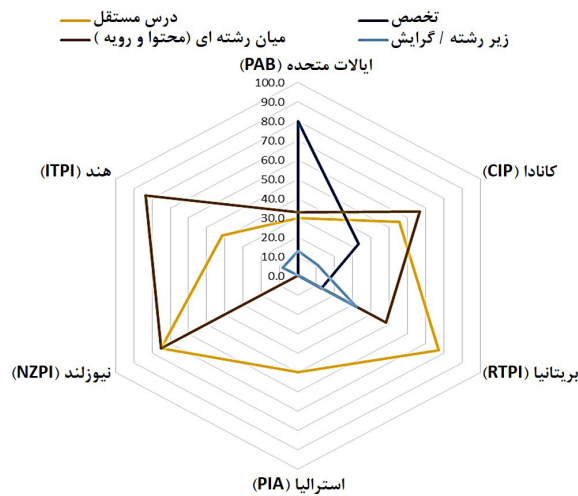
4 Sub-Discipline

1 Independent Course

2 Specialization

جدول شماره ۵: تحلیل محتوای رویکرد توسعه پایدار در برنامه های شهرسازی نمونه های مطالعاتی براساس جهت گیری های چهارگانه

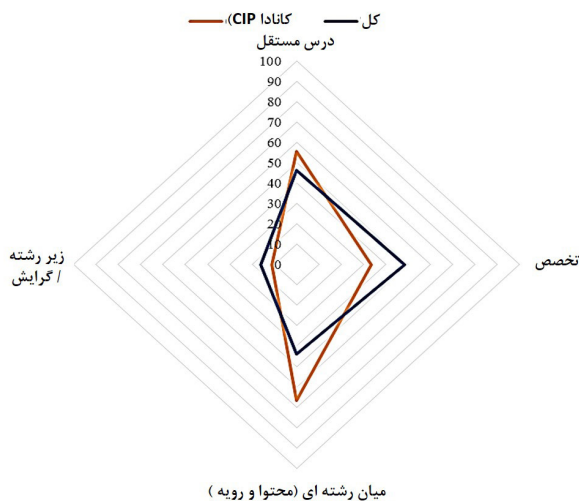
دانشگاه	توسعه پایدار به عنوان	تعداد دانشگاه ها	درس مستقل		تخصص		میان رشته (محتوایی و ساختاری)		زیررشته / گرایش
			درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
ایالات متحده (PAB)		۷۰	۳۰،۰	۲۱	۸۰،۰	۵۶	۳۲،۹	۲۳	۹
کانادا (CIP)		۹	۵۵،۶	۵	۳۳،۳	۳	۶۶،۷	۶	۱
بریتانیا (RTPI)		۳۰	۷۷،۴	۲۴	۱۲،۹	۴	۴۸،۴	۱۵	۱۰
استرالیا (PIA)		۴	۵۰،۰	۲	۰،۰	۰	۰،۰	۰	۰
نیوزلند (NZPI)		۴	۷۵،۰	۳	۰،۰	۰	۷۵،۰	۳	۰
هند (ITPI)		۱۱	۴۱،۷	۵	۰،۰	۰	۸۳،۳	۱۰	۱
کل		۱۲۸	۴۶،۲	۶۰	۴۸،۵	۶۳	۴۳،۸	۵۷	۲۱



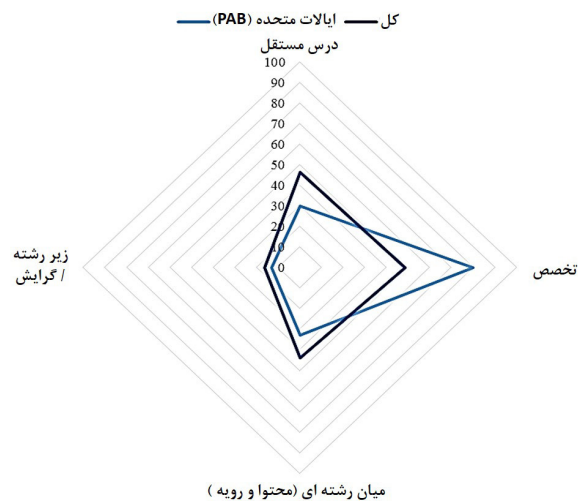
نمودار ۲: جهت گیری دانشگاه های جهان در آموزش توسعه پایدار در دوره کارشناسی ارشد شهرسازی

در کانادا به صورت کلی تمایل به آموزش توسعه پایدار به ترتیب در سه جهت «طرح در محتوا و رویه دروس و برنامه درسی»، «ارائه به صورت درسی مستقل» و در ادامه به صورت «تخصص تکمیلی» در دوره کارشناسی ارشد وجود دارد. با این حال، مانند آموزش آمریکایی ارائه «گرایشی مستقل» در دوره کارشناسی ارشد شهرسازی کمتر دیده می شود (نمودار شماره ۴).

در ایالات متحده، تمایل به ارائه «تخصص تکمیلی» با موضوع توسعه پایدار و مفاهیم محیطی در دوره کارشناسی ارشد شهرسازی مورد تأکید است. این دوره ها متشکل از دروسی با ساختار و محتوای مشخص است و به عنوان گواهینامه ای در امتداد دوره کارشناسی ارشد شهرسازی به دانشجو اعطا می شود. دانشجویان در پایان دوره، مهارت ها و دانش لازم را برای حرکت به سوی توسعه پایدار در حرفه را تا حد زیادی و در تکمیل با دیگر دروس فرا می گیرند (نمودار شماره ۳).



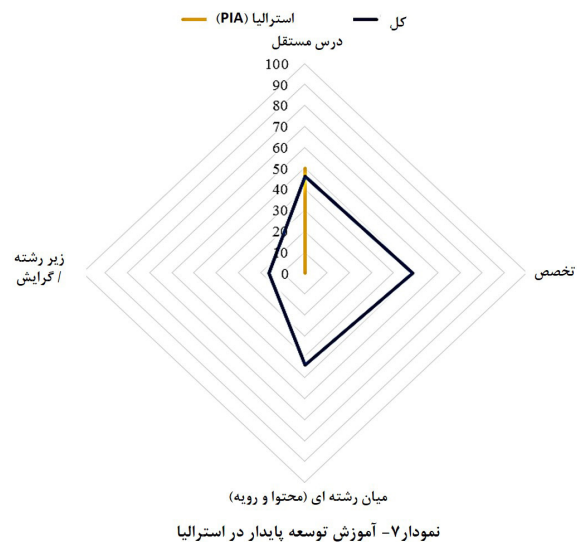
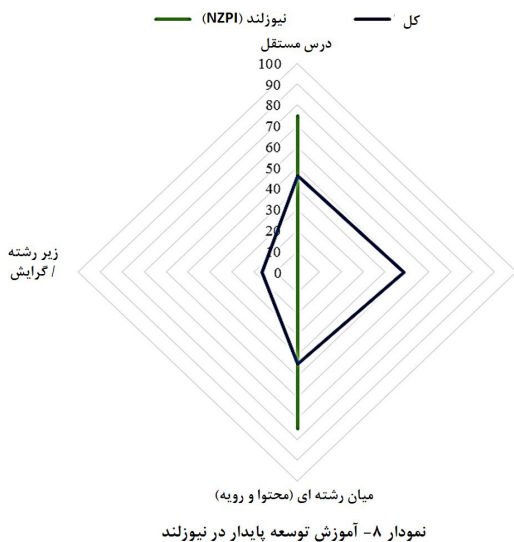
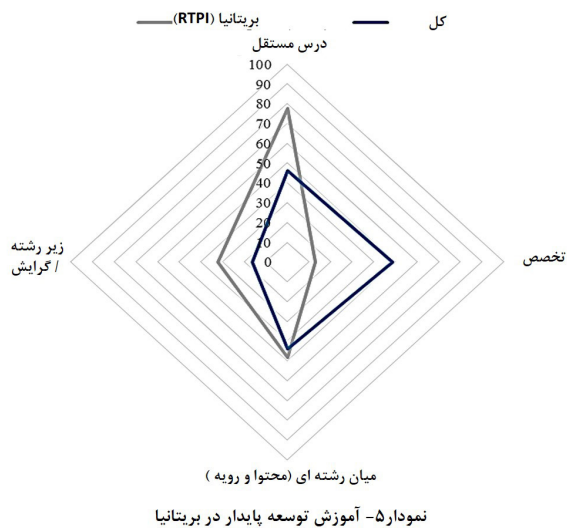
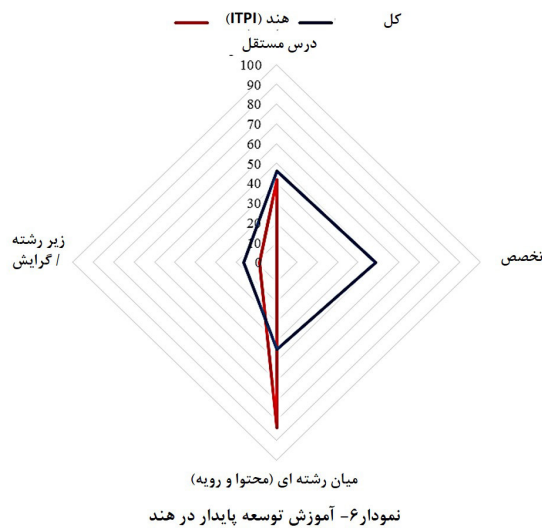
نمودار ۴- آموزش توسعه پایدار در کانادا



نمودار ۳- آموزش توسعه پایدار در آمریکا

توجه را می‌توان به ارائه دوره‌ای تخصصی در تکمیل با دوره کارشناسی ارشد شهرسازی مشاهده کرد (نمودار شماره ۶). در استرالیا و نیوزلند، جهت‌گیری اصلی به سوی ارائه درسی مستقل در دوره کارشناسی ارشد با موضوع توسعه پایدار و مفاهیم محیطی است، اما نمی‌توان از جهت‌گیری دانشگاه‌های نیوزلند به تدریس توسعه پایدار در «محتوا و رویه دروس و برنامه درسی» غافل ماند. با این حال این نوع نگرش در یک محور جهت‌گیری قرار می‌گیرد (نمودار شماره ۷ و ۸).

در دانشگاه‌های بریتانیا، بیشترین جهت‌گیری در آموزش توسعه پایدار در کارشناسی ارشد شهرسازی به سمت ارائه «درس مستقل» در برنامه درسی است. پس از آن، «طرح در محتوا و رویه دروس و برنامه درسی» قرار می‌گیرد. اما آنچه این گروه از دانشگاه‌ها را متمایز می‌کند، جهت‌گیری شدید به سمت ارائه «گرایش مستقل» برخلاف رویکرد آمریکا و کانادا است (نمودار شماره ۵). در هندوستان، تمایل به آموزش توسعه پایدار در «محتوا و رویه دروس و برنامه درسی» بیشتر از ارائه آن به صورت درسی مستقل و یا گرایش مستقل است. اما کمترین



می‌کند که تمایل هر دو گروه دانشگاه‌های آمریکایی و کانادایی به محور افقی راست است. آموزش توسعه پایدار در دانشگاه‌های استرالیا و نیوزلند بیشتر با ارائه درس مستقل در دوره کارشناسی ارشد همراه بوده است. در هر دو گروه، تأکید اصلی بر محور عمودی (ارائه درس مستقل- تدریس در محتوا و رویه) است. به نظر می‌رسد، ادامه این مقایسه‌ها می‌تواند راهگشا باشد و تأثیر آن بر حرفه شهرسازی را منعکس کند.

روند آموزش توسعه پایدار در هندوستان، اگرچه روندی خلاف جهت روند اخیر پیش گرفته در کشورهای مشابه بریتانیا است، اما می‌توان متأثر بودن مؤسسه شهرسازی هندوستان از مؤسسه سلطنتی

توسعه پایدار در آموزش شهرسازی دانشگاه‌های منتخب: نتایج انطباق تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که در مجموع، محور عمودی (ارائه درس مستقل- تدریس در محتوا و رویه) نسبت به محور افقی (دوره تخصصی تکمیلی- گرایش مستقل) بیشتر مورد توجه است. این روند را در مقایسه دو به دو کشورهای منتخب نیز می‌توان مشاهده کرد (نمودار شماره ۹).

آنچه که تا اینجا اهمیت می‌یابد، روند مشابه در کشورهای آمریکا و کانادا با ارائه تخصص تکمیلی در دوره کارشناسی ارشد شهرسازی است. اگرچه این تمایل در آمریکا بیشتر است، اما این موضوع را تقویت

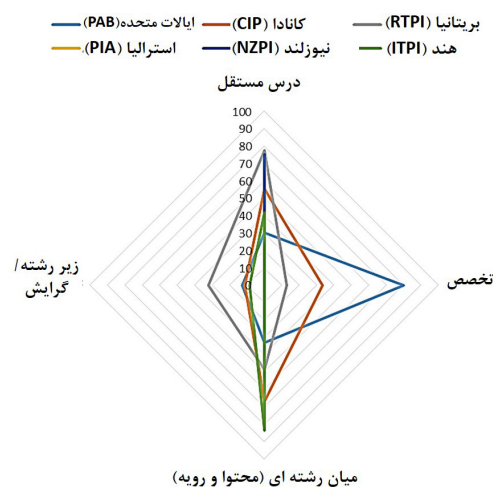
با عنوان اولیه مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست در دانشگاه تهران تأسیس گردید (<https://env.ut.ac.ir/history>). همچنین پژوهشکده سبز دانشگاه علم و صنعت ایران در حوزه موضوعات محیطی فعالیت داشته است. این پژوهشکده با هدف تحقیق بنیادی و کاربردی در زمینه انرژی تجدیدپذیر، فناوری‌های مؤثر، تبدیل انرژی، مدیریت انرژی و محیط زیست در سال ۱۳۷۸ (<http://www.iust.ac.ir/content/27786>) کار خود را به صورت فعال آغاز نمود.

در آخرین برنامه درسی مصوب کارشناسی (۹۱/۰۸/۰۷)، کارشناسی ارشد (۹۲/۰۴/۲۳) و دکتری شهرسازی (۹۲/۰۴/۲۳) در ایران، تنها درس مستقل با موضوع توسعه پایدار، درسی با عنوان «توسعه شهری پایدار» است که در مقطع دکتری شهرسازی به تصویب کارگروه ویژه معماری - شهرسازی شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور رسیده است. این درس در زمره دروس اختیاری قرار می‌گیرد و به صورت دو واحد نظری ارائه می‌شود. این موضوع در مقطع کارشناسی ارشد شهرسازی در گرایش‌های مختلف برنامه‌های درسی مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه دروسی با محتوا و عنوان موضوعات محیطی در تمامی گرایش‌ها ارائه می‌گردد، اما توجه به موضوع توسعه پایدار به طور رسمی را می‌توان در گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ترتیب در یک و دو درس اختیاری مشاهده کرد (جدول شماره ۶).

در جهت تعمیق بیشتر موضوع، تعداد هفت دانشگاه ایران که سابقه طولانی در ارائه دوره کارشناسی ارشد شهرسازی دارند، انتخاب و نتایج پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر، تعداد ۱۶۴ پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد با موضوع توسعه پایدار به انجام رسیده است. در این بین، مقاطع دیگر شهرسازی در این دانشگاه‌ها نیز توسعه پایدار را موضوع کار خود قرار داده‌اند. بدین معنا که در هفت دانشگاه مورد بررسی، هشت پایان‌نامه در مقطع کارشناسی و یک پایان‌نامه در مقطع دکتری با تأکید بر موضوع توسعه پایدار به انجام رسیده است (جدول شماره ۷). این امر نشان‌دهنده تلاش برای کاربردی شدن این موضوع در مقطع کارشناسی ارشد است. این در حالی است که تمایل به نظری و بنیادی شدن آن در مقطع دکتری، مقطعی که می‌تواند درونداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد را فراهم آورد، کم‌رنگ و گاه به فراموشی سپرده شده است.

علاوه بر بخش آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، «قطب‌های علمی در جهان به عنوان مراکزی که از امکانات برتر و ویژگی‌های برجسته در رشته خاص برخوردارند، شناخته می‌شوند. با این رویکرد، گروه آموزشی شهرسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۲ از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان قطب علمی در رشته‌های برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری انتخاب شد. در سال ۱۳۸۴، «قطب علمی شهرسازی و توسعه شهری پایدار» فعالیت‌های خود را دنبال نمود» (<https://sud.ut.ac.ir>). همچنین، در نیمسال اول سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ سمیناری با عنوان «توسعه شهری پایدار» برای دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران برگزار گردید. سخنرانی‌های ایراد شده در این سمینار در قالب مجموعه مقالاتی در با عنوان «مجمومه مقالات توسعه شهری پایدار» در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسید.

شهرسازی بریتانیا را دلیل برخی تشابهات قلمداد کرد. بدین معنا که اگر در دانشگاه‌های بریتانیا تمایل به ایجاد درس مستقل برای آموزش توسعه پایدار بیشتر است، در جهت مخالف آن در هندوستان تمایل بیشتر به تدریس آن در رویه و محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد است. با این حال، هر دو گروه تمایل کمتری به ارائه دوره تخصصی تکمیلی نسبت به ارائه گرایشی مستقل با موضوع توسعه پایدار دارند. بر این اساس، می‌توان تأکید هر دو گروه بر محور عمودی با تمایل به محور چپ افقی را در حرفه نیز دنبال کرد. لزوم توجه به زمینه مورد بررسی این مقاله که آموزش و پژوهش موضوع توسعه پایدار در دانشکده‌های شهرسازی کشورهای در حال توسعه مانند ایران است، باعث می‌شود تا نحوه برخورد با این موضوع در آموزش رسمی و غیررسمی شهرسازی ایران مورد واکاوی قرار گیرد.



نمودار ۹: تحلیل محتوای رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌های شهرسازی نمونه‌های مطالعاتی

۴.۲. تحلیل محتوای رویکرد توسعه پایدار در برنامه‌های درسی شهرسازی در ایران

در ایران، تنها دانشگاهی که با پیوستن به انجمن «رهبران دانشگاهی برای آینده‌ای پایدار»، شعار «پیش‌تاز در توسعه پایدار در دهه آینده» را به عنوان راهبرد اصلی دانشگاه برگزیده و در این زمینه برنامه‌های مختلفی را تدارک دیده، دانشگاه صنعتی امیرکبیر است. این دانشگاه در زمینه آموزش برای توسعه پایدار سه راهبرد را در پیش گرفته است: ۱- ایجاد پژوهشکده محیط زیست، ۲- ارائه دروس جدید زیست محیطی برای رشته‌های مختلف در دانشگاه و ۳- ایجاد دوره کارشناسی ارشد مهندسی عمران محیط زیست (Alavi Moghaddam et al., 2007). مهم‌ترین اقدام این دانشگاه ایجاد «دفتر توسعه پایدار دانشگاه امیرکبیر» سال ۲۰۱۱ بود که در پی حرکت به سوی دانشگاهی پایدار هم در محتوا و هم در رویه است. از سویی دیگر دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران از اوایل ۱۳۷۰ نیز در مفاهیم توسعه پایدار هم عنوان با مباحث شهرسازی در طول دوره مطالعه فعال بوده است. هسته اولیه دانشکده محیط زیست در شهریور ۱۳۵۳ به نام مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست در دانشگاه تهران تشکیل شد. این دانشکده که نخستین دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران است، بعد از کنفرانس سران زمین در استکهلم در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۲ میلادی) و توجه جهانی به محیط زیست

جدول شماره ۶: توجه به موضوعات محیطی و توسعه پایدار در برنامه درسی کارشناسی ارشد شهرسازی در قالب دروس مجزا در ایران

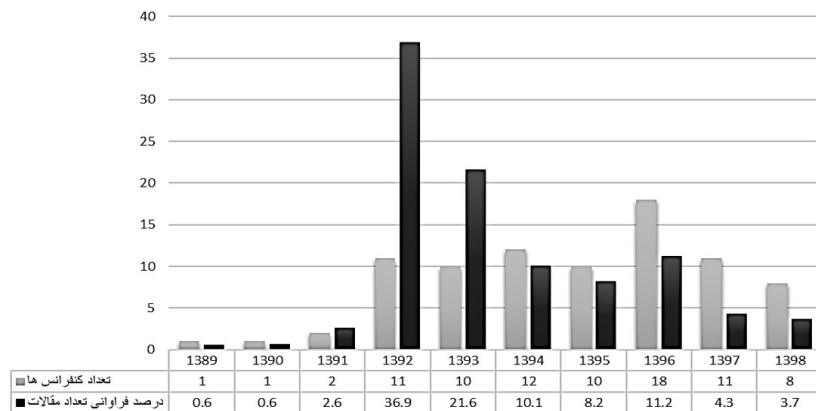
سرفصل مصوب سال ۹۲				سرفصل مصوب سال ۸۸				سرفصل مصوب سال ۶۵				رشته / گرایش					
پیش نیاز	تعداد واحد	نوع درس	نام درس	پیش نیاز	تعداد واحد	نوع درس	نام درس	پیش نیاز	تعداد واحد	نوع درس	نام درس						
				*				ندارد	۲	پایه	بوم‌شناسی (اکولوژی) اقلیم و پوشش گیاهی	طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای					
								ندارد	۲	جبرانی	مطالعات و برنامه ریزی منابع طبیعی						
ندارد	۲	اختیاری	مبانی طراحی شهری پایدار و ارزیابی اثرات زیست محیطی	ندارد	۲	اختیاری	طراحی محیط و ارزیابی اثرات زیست محیطی پروژه‌های شهرسازی	*	۲	اختیاری	روانشناسی محیط	طراحی شهری					
ندارد	۲	اختیاری	مبانی و اصول طراحی زیست‌بوم شهرها										ندارد	۲	اصلی	توان‌ها و محدودیت‌های طبیعی منطقه	برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای
ندارد	۲	اختیاری	ارزیابی اثرات توسعه طبیعت و شهر														
	۲	اختیاری	ارزیابی اثرات توسعه طبیعت و شهر	ندارد	۲	اصلی	توان‌ها و محدودیت‌های طبیعی منطقه	*	۲	جبرانی	برنامه‌ریزی منطقه‌ای						
	۲	اختیاری	بوم‌شناسی منطقه‌ای									ندارد	۲	اصلی	توان‌ها و محدودیت‌های طبیعی منطقه	*	۲
	۲	اختیاری	تحلیل و مدیریت پایدار منابع	ندارد	۲	اختیاری	ارزیابی اثرات توسعه بر محیط زیست	*	۲	اختیاری	مدیریت شهری						
	۲	اختیاری	مدیریت پایدار منطقه‌ای									ندارد	۲	اختیاری	توسعه پایدار و محیط زیست		۲

جدول شماره ۷: تعداد رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها با موضوع توسعه پایدار در هفت دانشگاه ایران با سابقه طولانی در ارائه دوره کارشناسی ارشد

کارشناسی ارشد	دانشگاه
۴۸	تهران
۴۳	شهید بهشتی
۱۳	تربیت مدرس
۳۲	علم و صنعت
۱۶	هنر تهران
۱۲	اصفهان
۳	شیراز
۱۶۴	جمع

مأخذ: براساس مرکز اسناد و پایان‌نامه‌های دانشجویی کتابخانه‌های کشور

است. نکته دیگر آن است که نتیجه این همایش‌ها به بیانیه قابل استنادی ختم نشده‌اند. با این حال، نتایج این بررسی‌ها قابل تأمل است، به طوری که از سال ۱۳۷۹ تا انتهای سال ۱۳۹۸، تعداد ۱۹ هزار و ۱۷۸ مقاله در ۸۴ کنفرانس و همایش ملی و بین‌المللی با موضوع توسعه شهری پایدار در حوزه شهرسازی ارائه شده است^۱ (نمودار شماره ۱۰).



نمودار ۱۰- تعداد کنفرانس‌های و درصد مقالات ارائه شده در همایش‌ها و کنفرانس‌های برگزار شده با موضوع پایداری و توسعه پایدار در سال‌های ۹۹-۱۳۷۹

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹ براساس سیویلیکا، ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران

ماخذ: براساس سیویلیکا، ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران

در جهان بود. این عوامل در کنار ناکارآمدی رشته در پاسخ به مشکلات حرفه، زمینه‌های تغییر در الگوی آموزش شهرسازی را با حرکت از پارادایم رشد به سمت پارادایم توسعه پایدار فراهم کرد، حرکتی بطئی و زمینه‌مند که منجر به جهت‌گیری‌های مختلف در آموزش شهرسازی در جهان شد. نتایج این جهت‌گیری‌های متفاوت، محصول شهرسازی متفاوت در زمینه و بوم‌های مختلف بود. توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم متعالی دوران دسترس بود و تلاش به تدقیق آن نیز با انتقادهای بسیاری همراه شد. در حال حاضر نیز جامعه جهانی، هم در رشته و هم در حرفه، به سوی پارادایم غالب توسعه پایدار در حال حرکت است. این روند با وجود زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و سرزمینی، جهت‌گیری‌های متفاوتی را به خود گرفته است. دستیابی به توسعه پایدار در پهنه سرزمین در آمریکا و کانادا و متأثر کردن یک منطقه از الگوی رشد و دیگر مناطق از الگوی توسعه پایدار در اروپا و به خصوص بریتانیا را می‌توان از آن جمله برشمرد.

در مقاله حاضر، تحلیل محتوای برنامه‌های درسی شهرسازی با رویکرد توسعه پایدار در کشورها و دانشگاه‌های منتخب نتایج قابل توجهی را نشان می‌دهد. نتایج انطباق تحلیل‌های آماری در بررسی ۱۲۸ دانشگاه در ۱۱ کشور جهان و شش دسته مطالعاتی (دانشگاه‌های اعتبارسنجی شده ایالات متحده، کانادا، بریتانیا با چهار کشور عضو انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند جنوبی، استرالیا، نیوزلند و هند) نشان از آن دارد که در کل، محور عمودی (ارائه درس مستقل-تدریس در محتوا و رویه) نسبت به محور افقی (دوره تخصصی تکمیلی-گرایش مستقل) بیشتر مورد توجه است. این روند در کشورهای در حال توسعه

در آموزش غیر رسمی شهرسازی، می‌توان به برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌هایی با موضوع توسعه پایدار اشاره کرد. این همایش‌ها و کنفرانس‌ها لزوماً متشکل از مجموعه‌ای از دانشگاه‌ها نبوده است. در برخی مسئول برگزاری همایش‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی بوده‌اند که البته در بیشتر مواقع با حمایت دانشگاهی نیز همراه بوده

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که تعداد همایش‌های برگزار شده با عنوان یا محوریت توسعه پایدار در حوزه معماری و شهرسازی، نسبت به سایر علوم، تعداد زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. نخستین همایش در حوزه شهرسازی با محوریت توسعه پایدار با عنوان «همایش ملی توسعه شهری پایدار» در سال ۱۳۸۹ توسط قطب علمی توسعه شهری پایدار دانشگاه تهران برگزار شد. پس از آن نیز همایش‌هایی با محوریت این موضوع توسط نهادهای مختلف علمی، حرفه‌ای و دولتی برگزار شدند. برخی از این همایش‌ها تنها به صورت الکترونیکی برگزار شده‌اند و گاه با پذیرش حجم بالایی از مقاله همراه بوده‌اند. نمونه این موارد را می‌توان در مقایسه بین دو سال ۱۳۹۲ با بالاترین تعداد مقاله و سال ۱۳۹۶ با بالاترین تعداد همایش مشاهده کرد. نکته حائز اهمیت دیگر این است که برگزاری همایش‌های سالانه با عنوان «کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری پایدار ایران» توسط «مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار» است (<http://www.sdcenter.ir/fa/>) که هشتمین همایش آن در آبان ماه ۱۳۹۹ برگزار شد، اما نمی‌توان نمود و خروجی قابل توجهی از آنها در رشته و حرفه یافت.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تأکید بر توسعه پایدار در برنامه‌های درسی شهرسازی از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی و غالباً با دروسی با موضوعات محیطی آغاز شد. این امر ناشی از زمینه ملتهب کشورهای بود که پس از دوران صنعتی شدن با مشکلات و معضلات محیطی و نابرابری در دسترسی به منابع محیطی مواجه شده بودند و نتیجه آن جنبش‌های مردمی خواهان عدالت محیطی

۱ همایش‌ها و کنفرانس‌های سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم برگزاری در بررسی‌ها لحاظ نشده‌اند.

- [about]. Urban planning school. College of fine arts university of tehran. Retrieved from <https://sud.ut.ac.ir> (in Persian).
- Center of Achieving Sustainable Development policy (2021). National Conference on Civil Engineering, Architecture and Sustainable Urban Development of Iran. Retrieved from <http://sdcenter.ir/fa/> (in Persian).
 - Dalton, L. (2001). Weaving the fabric of planning as education. *Journal of Planning Education and Research* 20(4): 423-436.
 - Davoudi, S. (2000). Sustainability: A new vision for the British planning system. *Planning Perspectives* 15(2), 123-137
 - Dixon, J. (2001). "Trends and prospects for planning education in New Zealand. Paper presented at the First World Planning Schools Congress, China, Shanghai.
 - Environment school (2021) moarefi va tarikhche [about]. Environment school. College of engineering university of tehran. Retrieved from <https://env.ut.ac.ir/history> (in Persian).
 - Freeman, C. (2005). Is sustainability an appropriate focus for planning education? A discussion paper. ANZAPS/GPEAN 2005—Planning education & sustainability: Sustaining Planning Education conference proceedings. Adelaide, University of South Australia, 106-117.
 - Faham, E.; Rezvanfar, A.; Movahed Mohammad, H. (2015). Tahlil e mohtavaye mafahim e paydari dar sarfasl e doroose reshtehaye keshavarzi e pardis e keshavarzi va manabe tabiei daneshgahe Tehran [Content Analysis of Sustainability Concepts in the syllabuses of Agricultural Courses of the Campus of Agriculture and Natural Resources], University of Tehran, Iranian Agricultural Economics and Development Research, 46 (3), 540-529, (in Persian).
 - Friedmann, J. (1996). "The Core Curriculum in Planning". *Planning Education and Research*, 15(2), 89-104.
 - Global University Network for Innovation. (2010). Higher Education's Commitment to Sustainability: from Understanding to Action. Retrieved from http://www.guninetwork.org/guni.conference/2010_guni-conference.
 - Gunder, M. (2006), Sustainability: Planning's Saving Grace or Road to Perdition?. *Planning Education and Research*, 26(2), 208-221
 - IUST Research Institutes (2021) pajooheshgah e
- روندی متمایز را پیموده است. اگرچه توجه به توسعه پایدار با تأخیر و متأثر از جامعه جهانی در آموزش شهرسازی صورت گرفته است، اما حرفه راهی جدای از آموزش را پی گرفته است. برای نمونه در ایران، با وجود این که توسعه پایدار در برنامه چهارم توسعه به جد مطرح می‌شود، اما تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی به دنبال طرح این موضوع از بالا و به صورت سطحی در قالب همایش، پسوند نمادین در طرح‌ها و... توسعه پایدار را مورد استفاده و گاهی مورد سواستفاده قرار داده‌اند. این موضوع منجر به دور شدن توسعه پایدار از مفهوم و اهداف اولیه خود شده، پنداری که توسعه پایدار قابل دستیابی نیست.
- صرف نظر از این که برخی به توسعه پایدار جهت‌ی سیاسی می‌دهند و برخی اجتماعی و توسعه‌ای، ولی قبل از ارائه آن در سال ۱۹۸۷ و بعد از جنگ جهانی دوم موارد دیگری در ارتباط با مفاهیم توسعه‌ای مطرح شده و اهمیت یافته بود که از آن جمله به مباحث بوم‌شناسی (اکولوژی) و عدالت اجتماعی و توجه به مباحث غیرکالبدی شهر اشاره می‌شود. یافته‌های این مقاله در ایران نیز حاکی از آن است که اگرچه دروسی با «محتوا و عنوان موضوعات محیطی» در تمامی گرایش‌های کارشناسی ارشد ارائه شده است، اما توجه به موضوع توسعه پایدار را به طور رسمی می‌توان در گرایش طراحی شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای به ترتیب در یک و دو درس اختیاری مشاهده کرد که در مقایسه با روند های جهانی محدود و ناکافی به نظر می‌رسد. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ اجرایی برنامه‌های درسی نیازمند بازنگری در رویکرد به توسعه پایدار شهری هستند. پیشنهاد می‌شود نگاه به توسعه پایدار شهری در برنامه‌های درسی به عنوان یک تخصص دنبال شود. دروس مرتبط با توسعه پایدار به عنوان درسی مستقل و اصلی و نه اختیاری ارائه شود. از سویی در حوزه پژوهش، درون‌مایه نظری پژوهش‌های فعلی را دانشی شکل می‌دهد که دغدغه بومی ندارند. نتیجه آن، پژوهش‌هایی می‌شوند که کاربرد کمتر در حرفه دارند. شهرسازی علمی اقتضایی و زمینه‌گراست و توجه به آموزش توسعه پایدار به عنوان یکی از معیارهای نظام رتبه بندی گرین متریک می‌تواند درون‌مایه پژوهش‌های کاربردی آتی بوده و گامی به سوی توسعه پایدار قلمداد شود.

References:

- Alavi Moghaddam, M. R., Taher-shamsi, A. & Maknoun, R. (2007). The role of environmental engineering education in sustainable development in Iran AUT experience. *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 8 (2), 123-130. DOI: 10.1108/14676370710726599
- Bahrainy, H.; Bakhtiar, A. (2016). *Toward an Integrative Theory of Urban Design*, Springer International Publishing Switzerland.
- Cardew, R. (1999). Two cultures, common purpose. *Australian Planner* 36(3), 134-141.
- Center of excellence of urban planning and sustainable urban development (2021) moarefi va tarikhche

- sabz [green research institute]. IUST. Retrieved from Retrieved from <http://iust.ac.ir/content/27786>(in Persian).
- Malekinia, E.; Bazargan, A.; Waezi, M.; Ahmadian, M. (2014). Shenasy va olaviyatbandi moalefchayeh daneshgah e paydar [Identifying and Prioritizing the Components of a Sustainable University], Research and Planning in Higher Education, 20 (3), 1-26 (in Persian).
 - Murdoch, J.; Abram, S. (2002). Rationalities of planning, Aldershot, Ashgate.
 - Sandercock, L. (1997). The planner tamed: Preparing planners for the twenty-first century. Australian Planner 34(2), 90-95.
 - Sanyal, B. (2012), Comparative Planning Cultures. New York: Routledge.
 - UI Green Metric (2021). Criteria and indicators of Green Metric ranking system. Retrieved from <http://greenmetric.ui.ac.id/>.
 - United Nations Conference on Environment and Development (1992). Agenda 21: Earth summit - United Nations programme of action from Rio, Retrieved from <http://www.un.org>
 - UNESCO. (2009). UNESCO world conference on education for sustainable development, Bonn declaration. Retrieved from http://www.esd-worldconference2009.org/fileadmin/download/ESD2009_BonnDeclaration080409.pdf
 - Virtual Campus for Sustainable Europe. (2008). Declarations on higher education and sustainable development. Retrieved from http://www2.leuphana.de/vcse/uploads/media/Declarations_on_higher_education_and_sustainable_development.pdf
 - Washington, R. O.; Strong, D. (1997). A model for teaching environmental justice in a planning curriculum. Planning and Education Research, 16, 280-290.
 - White, S, Mayo M. (2004), Learning Expectations in Environmental Planning: Predictions and Interpretations, Journal of Planning Education and Research, 24(1), 78-8, Retrieved from <https://doi.org/10.1177/0739456X04267712>
 - Wright, S. A. T. (2002). Definitions and frameworks for environmental sustainability in higher education. sustainability in higher education, 3(3), 203-220.
 - Zanzan University news site (2019) daneshgah e zanzan dar jaygah e nokhoste meli green metric [Zanzan University in the first place of National Green Metric] Retrieved from <http://znu.ac.ir/pg/18625>(in Persian).

نحوه ارجاع به مقاله:

عزیزی، محمد مهدی؛ خسروانی نژاد، سمانه؛ (۱۴۰۰) تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی برنامه‌های آموزش شهرسازی در جهان و ایران با رویکرد توسعه پایدار، با تاکید بر دوره‌های کارشناسی ارشد، مطالعات شهری، 10 (41)، 16-3. doi: 10.34785/J011.2022.462/Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تأثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران بر مطلوبیت ادراکی - بصری از منظر شهروندان، متخصصان و هنرمندان^۱

فرانک کبیری - استادیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، فارس، ایران.
بهادر زمانی^۲ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
علیرضا خواجه احمد عطاری - دانشیار، گروه صنایع دستی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۱ فروردین ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۲ آذر ۱۳۹۹

چکیده

از آنجا که ایستگاه‌های مترو در زمره فضاهای همگانی شهرها قرار می‌گیرند، جداره آنها مشتمل بر آثار هنری همگانی به ویژه دیوارنگاره‌ها، بخشی از منظر شهری به حساب می‌آید. آثار هنری موجود در جداره می‌تواند با ایجاد سامانه ارتباطی میان اثر، هنرمند و مخاطب، زمینه‌ای برای تعامل بیشتر میان مردم و محیط فراهم آورد. بدین جهت، شناخت عوامل مؤثر بر ترجیحات بصری مخاطبان برای ایجاد مطلوبیت ادراکی - بصری ضرورت دارد. هدف این پژوهش، شناخت چگونگی تأثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر بر مطلوبیت ادراکی - بصری با تأکید بر بعد بصری جداره ایستگاه است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر چگونه بر مقبولیت و مطلوبیت بصری جداره ایستگاه تأثیرگذارند؟ برای پاسخ به این پرسش، از روش آمیخته و برای گردآوری داده‌ها از روش‌های مشاهده، مصاحبه و تکنیک ترجیح بصری استفاده شده است. از بین شهرهای گوناگون، به لحاظ موقعیت الگوفرستی، شهر تهران و از میان ایستگاه‌های مترو در این شهر، ایستگاه متروی تئاتر شهر به دلیل موقعیت مکانی و نزدیکی به خیابان ولی عصر، تئاتر شهر و پارک دانشجو انتخاب شد. از میان دیوارنگاره‌های این ایستگاه، سه دیوارنگاره مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که مطلوبیت ادراکی - بصری در هر سه گروه ناظران تعلیم‌نیافته (شهروندان)، ناظران تعلیم‌یافته (متخصصان هنرهای تجسمی) و خالقان آثار (هنرمندان) وجود داشته و نظر شهروندان و هنرمندان به یکدیگر نزدیک‌تر بوده است. در ارزیابی به عمل آمده، شهروندان از به‌کارگیری طرح‌های دارای نوآوری، ریتم و تضادهای فرمی استقبال نموده و از نظر ایشان محل نصب دیوارنگاره‌ها به لحاظ میدان و زاویه دید و ارتباط با جداره‌ها مطلوب ولی نورپردازی آثار، نامطلوب ارزیابی شد. این موارد در نمونه‌های مورد مطالعه به عنوان عوامل اصلی مطلوبیت ادراکی - بصری با تأکید بر بعد بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه شناخته شد.

واژگان کلیدی: عناصر بصری، مطلوبیت ادراکی - بصری، دیوارنگاره، ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران.

نکات برجسته

- آثار هنری موجود در جداره به مثابه رسانه ارتباطی میان اثر، هنرمند و مخاطب و زمینه ساز تعامل بیشتر با مکان.
- اشتراك نظر ناظران تعلیم‌نیافته (شهروندان)، ناظران تعلیم‌یافته (متخصصان هنرهای تجسمی) و خالقان آثار (هنرمندان)، در ارزیابی مطلوبیت ادراکی - بصری دیوارنگاره.
- نزدیکی نظر شهروندان و هنرمندان در ارزیابی مطلوبیت ادراکی - بصری دیوارنگاره.
- استقبال بیشتر شهروندان از به‌کارگیری طرح‌های دارای نوآوری، ریتم و تضادهای فرمی در ارزیابی مطلوبیت ادراکی - بصری دیوارنگاره.

۱ این مقاله از رساله دکتری با عنوان "تبیین تأثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌ها بر افزایش مطلوبیت بصری - ادراکی ایستگاه‌های مترو (مطالعه‌ی موردی: ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران)" استخراج شده که به وسیله نویسنده اول، با راهنمایی نویسنده دوم و سوم در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: b.zamani@aui.ac.ir

۱. مقدمه

مسئله زیباسازی فضاهای همگانی و حساسیت نسبت به در معرض دید گذاشتن آثار نازل بر روی جداره‌های این فضاها، توجه به ترجیحات بصری مخاطبان در فرایند دریافت و ادراک پیام‌های مخابره شده توسط این آثار به ذهن و کنترل تأثیر آن بر روح و روان شهروندان و مدیریت آن را ضرورت می‌بخشد. دستیابی به این مهم، با در اولویت قراردادن آموزش سواد بصری، تهیه اسناد راهبردی در زمینه منظر عینی و ملاک عمل قراردادن اسناد هدایت و کنترل متناسب با استانداردهای نگاشته شده از سوی متخصصان با همکاری هنرمندان و بر اساس خواست شهروندان، تسهیل خواهد شد. در این راستا توجه به منظر به عنوان ابزار پایه (و نه کافی) در راستای پاسخگویی به بخشی از مسائل شهری و حقوق شهروندی، افزایش حس تعلق و رضایتمندی و همچنین پیشگیری از رفتارهای آسیب‌رسان و تخریب عمدی (وندالیسم) را به دنبال خواهد داشت. هدف از نگارش این مقاله، شناخت چگونگی تأثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر بر مطلوبیت بصری جداره ایستگاه است. از این رو مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که: عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر چگونه بر مطلوبیت ادراکی - بصری جداره ایستگاه تأثیرگذارند؟

به این منظور پس از مرور پیشینه، نظرات سه گروه شهروندان، متخصصان و هنرمندان به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل‌ها بر مبنای آمار توصیفی و استنباطی ارائه می‌شوند. استخراج نقاط اشتراک و افتراق تجربیات سه گروه ادراکی و نزدیک کردن آنها برای ادراک بهتر، مبنایی برای افزایش مطلوبیت ادراکی - بصری از دیوارنگاره‌ها را به دست خواهد داد.

مرور پیشینه، مطالعاتی مرتبط با این موضوع را نشان می‌دهد. نادعلیان، در مقاله «آسیب‌شناسی دیوارنگاری‌های تهران در تعامل با فضای تصویری، تزیینات و مبلمان شهری» عدم وجود تعامل بین شهرسازان، معماران، طراحان مبلمان شهری و هنرمندان را از مشکلات نقاشی دیواری در شهر تهران عنوان کرده و نتیجه آن را ناسامانی تصویری معرفی نموده است (Nadaliyan, 2014). موتویاما و هانیو، در مقاله ای با عنوان «آیا آثار هنری عمومی، موجب بهبود مناظر می‌شوند؟» نقش هنر عمومی در کیفیت بصری فضاهای عمومی باز را مورد بررسی قرار داده ولی تأثیر گونه هنر عمومی موجود در فضای بسته را مورد توجه قرار نداده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش هر چه ارزش بصری هنری اثر بالاتر باشد، حس رضایتمندی از فضا در افراد بیشتر است (Motoyama, & Hanyu, 2014). شهیبیان و قلی پور در مقاله «بررسی نقش هنرهای عمومی در مطلوبیت ایستگاه‌های مترو تهران (مطالعه موردی: ایستگاه‌های ولی عصر (عج) و تجریش)» نقش هنرهای عمومی در ارتقای سطح مطلوبیت در ایستگاه‌های مترو را مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بخش عمده کاربران، به کارگیری هنرهای عمومی را در ارتقای مطلوبیت ایستگاه‌های مترو یاد شده مؤثر می‌دانند. در این مقاله وجود تندیس‌های دیواری مهم‌ترین جلوه هنرهای عمومی در مترو ولیعصر (عج) عنوان شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هنرهای عمومی بصری

بیشترین میزان رضایت را در هر دو ایستگاه ولیعصر (عج) و تجریش کسب کرده‌اند. همچنین دیوارنگاری‌ها و نقش برجسته‌ها مؤثرترین عامل در ارتقای کیفیت ایستگاه مترو ولیعصر (تئاتر شهر) ارزیابی شده است (Shahabian & Gholipour, 2006). کنستانتین و نلسون در مقاله ای با عنوان «ترجیحات درک و عادات تصویری افراد^۱» به تشریح تکنیک ترجیح بصری پرداخته و مواردی را که برای کمک به تهیه یک برنامه برای مرکز شهر به ایشان سفارش داده شده و در سال ۱۹۷۹ با این شیوه انجام داده‌اند، بیان می‌کنند. در این پروژه نیز کلیه مراحل بیان شده ولی نکته حائز اهمیت، آوردن شهروندان، مأموران (اداری) منتخب، نمایندگان برنامه ریزی، مالکان دارایی‌ها، توسعه دهندگان و گروه‌های مخالف توسعه در کنار یکدیگر برای همکاری در ارائه ی تعریفی از "دیدگاه مشترک" برای آینده بود. این شیوه یکی از اصلی ترین تکنیک‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله است و از آن برای نزدیک کردن تجربیات و ادراک گروه‌های مختلفی مانند شهروندان، متخصصان و هنرمندان استفاده شده و پرسشنامه‌هایی مشترک و بخشی به صورت مصاحبه برای شناسایی افکار هنرمندان و متخصصان طراحی و برای ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار گرفت (Constantin & Nelessen, 1993). قربانی و همکاران، در مقاله «باز طراحی منظر تقاطع دستغیب زنجان با استفاده از تکنیک ترجیح بصری (VPT)» با تهیه پرسشنامه، میزان رضایت شهروندان از هر یک از عناصر کیفیت بصری و منظر شهری تقاطع دستغیب زنجان را بررسی کرده و با ارائه سه رویکرد طراحی با استفاده از تکنیک ترجیح بصری گزینه برتر را توسط کاربران فضا انتخاب و در نتیجه نیازهای اصلی کاربران بر اساس انتخاب گزینه برتر را نیز شناسایی کردند. تکنیک ترجیح بصری (VPT) یکی از بهترین و کارآمدترین فنون طراحی منظر فضاهای شهری با مشارکت کاربران آنهاست که میزان رضایت کاربران فضاهای شهری را در مرحله پس از طراحی و پیش از اجرا سنجیده و گزینه برتر را برای مرحله اجرا بنا به درخواست کاربران فضای شهری انتخاب می‌کند. نتایج حاصل از این سنجش رضایت مردم از فضاها پیش از اجرا و پس از طراحی بدون صرف هزینه اجرا و هدر رفت آن به کار بست (Ghorbani, et al., 2015). وزارت حمل و نقل کالیفرنیا در سال ۲۰۱۶ با استفاده از عبارت "هنر حمل و نقل" در روش‌های توسعه، پروژه‌های خود را بازنگری کرد تا رویکرد جدیدی در زمینه حقوق مالکیت معنوی هنرمندانی که آثار هنر عمومی‌ای را در سیستم حمل و نقل ایالتی خلق کرده‌اند، داشته باشد (Hom, 2019: 1). از جمله اقدامات در این راستا کاربست هنر عمومی در مترو به منظور ایجاد فرهنگ زنده و خلاقانه بوده است. مظفر و همکاران در مقاله «سنجش تأثیر هنرهای عمومی در زیبا سازی و بهبود کیفیت بصری منظر شهری» هنرهای عمومی را هنری چند وجهی دانسته‌اند که با سیاست خدمت به جامعه پدید می‌آیند و طیف بسیار گسترده‌ای از فعالیت‌ها و رویکردها را در بر می‌گیرند. ابتکارات هنرهای عمومی می‌تواند بسیار متنوع باشد و به قواعد از پیش تعیین شده یا توافقی محدود نشود. این هنرها که گاه حالتی بین رشته‌ای نیز پیدا می‌کنند، موجب پویایی فعالیت‌های زیست محیطی

می‌شوند (Mozaffar, et al., 2016: 65).

پژوهش حاضر دارای تفاوت‌های درخور توجهی نسبت به پژوهش‌های پیشین است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: در پیشینه موجود، تمرکز بیشتر بر جداره‌های خیابان‌ها و فضاهای باز شهری بوده و در موارد اندکی که به فضاهای زیرسطحی پرداخته شده، تأکید بیشتر بر توسعه حمل و نقل صورت گرفته و به مباحث مربوط به زیبایی‌شناسی و ارتقای کیفیت محیطی از منظر تأثیر بر ادراک و ایجاد رضایتمندی در مخاطب در فضاهای زیرسطحی کمتر پرداخته شده است. همچنین در زیرشاخه‌های هنر عمومی، پژوهشی به دیوارنگاره‌ها به ویژه با توجه به همه‌ی گونه‌های آن اعم از نقاشی‌های دو بعدی و نقش برجسته‌های سه بعدی جداره‌های ایستگاه‌های مترو نپرداخته و در مطالعات انجام گرفته، تکنیک ترجیح بصری بیشتر در زمینه‌هایی مانند سنجش اولویت بافت قدیم و جدید شهر توسط مخاطبان، بهره‌وری زمین، نشانه‌ها و علامت‌های شهری مانند علائم راهنمایی و رانندگی و تابلوها و جداره‌های مغازه‌های یک خیابان به کار گرفته شده است. در پژوهش حاضر، این تکنیک برای شناسایی اولویت دیوارنگاره‌های نصب شده بر جداره ایستگاه مترو مورد استفاده واقع شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲.۱. ادراک بصری

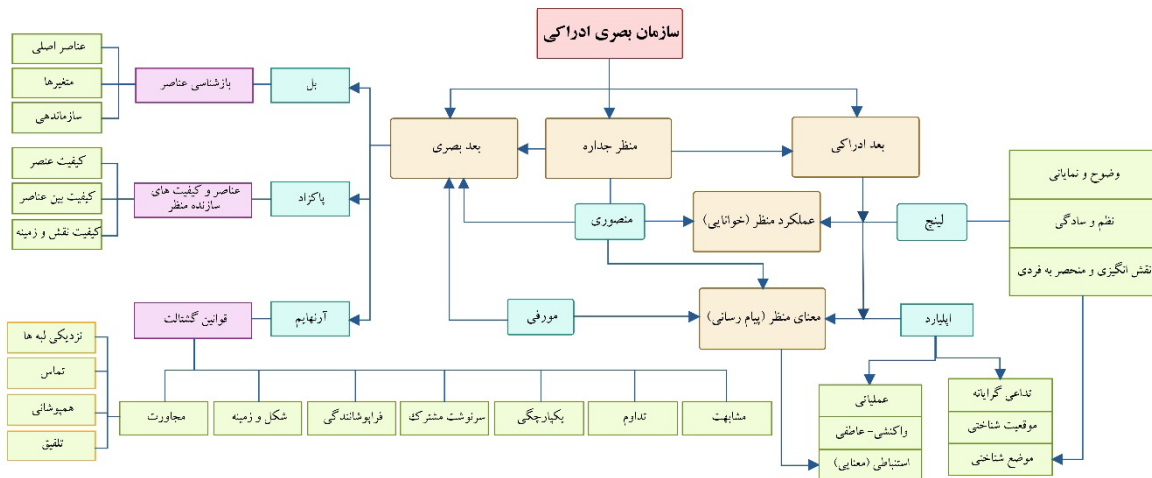
برای برقراری هر ارتباط، لازم است سامانه‌ای برای پیام، گیرنده و فرستنده آن وجود داشته باشد. اگر این ارتباط بین انسان با محیط با زبان تصویر باشد، سازمان بصری شکل می‌گیرد. سازمان بصری در شهر با ایجاد ارتباط و انتظام عناصر بصری، شهر را برای شهروندان قابل ادراک و معنی‌داری می‌کند. برای خوانش هر اثری بایستی به زبان آن آگاه بود. درک و فهم آثار هنری نیز از این قاعده مستثنی نیست. «عناصر بصری شامل خط، رنگ، درجه‌ی تیرگی / روشنی یا تونالیته، شکل، بافت و فضا است. این شش عنصر اصلی هنرهای تجسمی، نخستین اجزایی هستند که چشم، ادراک می‌کند» (Jansen, 1998: 69). «سبک، مفهومی است واسطه میان صورت (فرم) و کارکرد» (Morphy, 2006: 49) و روش خاص انجام دادن هر کاری است. «جنبه‌های عام یک سبک عبارتند از فرم، موضوع اثر یا آنچه به تصویر کشیده شده، محتوا یا علت و چرایی خلق شدن اثر هنری» (Dondis, 2005: 183). همچنین «فرم اجزایی دارد که عبارت است از تمهیدات تجسمی، اصول ترکیب بندی و عناصر بصری» (Jansen, 1998: 89). «اصول ترکیب بندی نیز خود به اصول اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. اصول اصلی شامل هماهنگی، تنوع، انسجام و وحدت می‌شود. اصول فرعی نیز عبارتند از تعادل، کنتراست، حاکم بودن / نقطه‌ی تمرکز، حرکت، تناسب / مقیاس، ریتم / تکرار، تکرار همراه با تنوع» (Jansen, 1998: 104). چهار اصل عمده‌ی تمهیدات تجسمی عبارتند از نزدیک بودن عناصر، شباهت بین عناصر، تداوم و تکمیل یا بستن تصویر که در قوانین گشتالت نیز مشاهده می‌شوند. با توجه به این که در این پژوهش، کیفیت منظر جداره‌های ایستگاه مترو مورد نظر است، در ادامه به مبانی نظری مرتبط با مفهوم منظر اشاره می‌شود.

۲.۲. عناصر و کیفیت‌های منظر

«بل» منظر را جزئی از محیط می‌داند که زمینه‌ی فعالیت‌های کنونی ما محسوب می‌شود. «منظر تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی انسان‌ها دارد و نباید آن را به اقتصاد یا تصمیمات صرفاً حرفه‌ای واگذار کرد» (Bell, 1993: 91). از نظر وی، هر منظری متشکل از عناصر پایه است که هر کدام از آنها ممکن است به شیوه‌های مختلفی تغییر یا به صورت الگوهای متفاوت سازمان پیدا کنند. این عناصر پایه عبارتند از نقطه، خط، صفحه (سطح) و حجم (صلب و باز). الگوهای آینده، منظر را آمیزه‌ای از سه جزء عناصر پایه، متغیرها و سازماندهی توصیف می‌کنند یا طرح‌های بصری و یا الگوهای جدید را به وجود می‌آورند. بنابراین در کل می‌توان گفت آن گونه طراحی‌ای صحیح است که بتواند متغیرهای انتخاب شده و حالت‌های مختلف سازماندهی آنها را در طرح، مشخص و هماهنگ کند و چنانچه این طراحی ناهماهنگ و نامشخص باشد یا بدون توجه به سلیقه‌های مردم یا اولویت‌های فردی انجام شود، نامناسب خواهد بود. طبق نظر پاکزاد، شاخص‌های یک منظر در سطوحی متعدد از سطحی تا بنیادی، خود را مطرح می‌کنند و کلیه آنها سرچشمه احساساتی هستند که در شخص ایجاد می‌شود (Pakzad, 2006). این احساس‌ها معلول کیفیت‌هایی هستند که بر اساس منشاء وجودی شان می‌توان آنها را به سه گروه دسته‌بندی کرد: کیفیت عنصر، کیفیت بین عناصر و رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (رابطه نقش و زمینه). بنابراین چگونگی عناصر و رابطه بین آنها در یک سازمان بصری و میزان سازگاری میان مؤلفه‌ها، کیفیت منظر را مشخص می‌کند. مؤلفه‌های مربوط به «کیفیت‌های عنصر: شدت، تنش و نقش‌انگیزی؛ کیفیت‌های بین عناصر: تعادل، تقارن، تناسب، تفوق، وضوح و تراکم؛ کیفیت رابطه‌ی عنصر خاص با دیگر عناصر (نقش و زمینه): تضاد (تباین)، تقابل، تجانس، مزیت، انسداد، تأکید، محصوریت، تنگی، گشادگی، توالی و تمرکز» هستند (Ibid: 121-136). با توجه به هدف مقاله، به منظور سنجش رابطه عناصر بصری دیوارنگاره‌ها با مطلوبیت ادراکی - بصری در مقاله حاضر عنصر، دیوارنگاره در نظر گرفته شده، کیفیت بین عناصر، رابطه‌ی بین دیوارنگاره‌ها با یکدیگر بوده و کیفیت‌های ناشی از رابطه نقش و زمینه، رابطه‌ی دیوارنگاره با جداره‌ی ایستگاه متروی تئاتر شهر از نظر زیبایی‌شناسی فرمی در نظر گرفته می‌شود. مشهورترین نظریه پرداز در مورد رابطه نقش و زمینه، رودولف آرنه‌ایم است. او به دلپذیری روانی فرم‌ها توجه دارد و زیبایی ذاتی و معانی فرم‌ها را بر اساس روانشناسی گشتالت تبیین می‌کند. قوانین گشتالت «به وسیله‌ی رودولف آرنه‌ایم در هنرهای بصری کاربرد پیدا کرد» (Dondis, 2005: 32-33). این قوانین، برای ارزیابی آثار هنر عمومی و حتی پیش از آن، برای طراحی مطلوب در هنرهای بصری مورد توجه قرار می‌گیرند. در مکتب روانشناسی گشتالت «رخداد مجموعه‌ی اصول در قالب نزدیکی، محصوریت، در هم چفت شدگی، تداوم، تشابه و نقش و زمینه آنها را به جنبش تأثیرگذار روان شناسی ادراک فضا، مربوط می‌سازد» (Bell, 1997: 111). این اصول با بیان‌ها و زیر مجموعه‌های متنوع شامل «اصل مشابهت، مجاورت، تداوم، یکپارچگی یا تکمیل، روابط شکل و زمینه، سرنوشت مشترک و فراپوشاندگی» (Shafighi & Rahbarnia, 2018: 89) یا «قانون زیاده‌نمایی یا شکل خوش، قانون مجاورت، قانون بستگی، قانون مشابهت، قانون تجربه» (Grutter, 2011: 34-)

بصری گشتالت مبانی تحلیل عناصر با ترکیب ساده یا پیچیده را فراهم می آورد. سازمان دهنده‌ی تمام این قوانین، قانون برجستگی است که براساس آن «سازماندهی روان شناختی» یک ترکیب بصری به اندازه‌ای «خوب» است که شرایط غالب اجازه می‌دهد. از این نظر «خوب» واژه‌ای ارزشی نیست. «اشکال خوب» دارای تقارن، جامعیت، وحدت، هماهنگی، نظم، ایجاز و نهایت سادگی هستند» (Ibid: 216). از مؤلفه‌های یادشده در تنظیم پرسشنامه استفاده شده است (تصویر شماره ۱ و جدول شماره ۱).

38) و همچنین «قانون شکل و زمینه، تقارن، مجاورت (نزدیکی لبه‌ها، تماس، همپوشانی، تلفیق کردن)، بستگی، تشابه، تداوم مطلوب، بسته بودن، سطح، شکل خوش، فرایوشاندگی و تجربه» (Sartippi & Valibeig, 2007: 172-173) از سوی نظریه پردازان حوزه هنر گسترش داده شده اند. «به دلیل قابلیت‌های نظریه‌ی گشتالت برای تدوین نظریه‌ی اثباتی طراحی باید مفاهیم فرم، هم‌شکلی و نیروهای فضایی این نظریه را درک کرد. روانشناسان گشتالت قوانین مجاورت، تشابه، بستگی، تداوم مطلوب، بسته بودن، سطح و تقارن را عوامل تأثیرگذار بر ادراک فرم برشمرده اند» (Lang, 2002: 100). «قوانین سازماندهی



تصویر شماره ۱: چارچوب نظری مقاله

جدول شماره ۱: جمع بندی شاخص‌های بازشناسی شده برای متغیرهای تحقیق

مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	شاخص‌ها	ماخذ
عناصر بصری شامل فرم، شکل، بافت، رنگ، نور، خط	کیفیت عنصر	جذابیت، شدت	(جنسن، ۱۳۸۷: ۸۹) و (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۲۴) و
	کیفیت بین عناصر	نظم، تعادل، تناسب، وضوح، تنوع	(پاکرادی، ۱۳۹۳: ۱۷۰) و (پاکرادی، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۲۱) و
مطلوبیت ادراکی - بصری منظر	شاخص‌های زیبایی‌شناسی فرمی	توالی، تکرار، ریتم، تضاد (تباين)، سلسله مراتب	(سجادزاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۲)
		تناسب و هماهنگی اثر از نظر مخاطب، وحدت و یکپارچگی اجزای تشکیل دهنده اثر	(گروتز، ۲۰۰۹: ۹) و (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۱۵-۲۰۶) و (مهديزاده، ۱۳۸۵: ۳)
از بعد زیبایی‌شناسی	شاخص‌های زیبایی‌شناسی حسی	بافت، بو، صدا	(گات، ۱۳۸۶: ۱۳۵)
	شاخص‌های زیبایی‌شناسی ذهنی - نمادین	تناسب موضوعی اثر با محیط	(لینچ، ۱۳۹۲: ۲۴) و (نسر، ۱۳۹۳: ۱۰-۷) و (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۲۴)
مطلوبیت ادراکی - بصری منظر	خوانایی، جهت یابی	نظم، سادگی، شدت فرم، نمایانی	(بارنت، ۱۳۹۱: ۷۳) و (معماریان و زمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۴)، (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۱۸)
عوامل فردی	هویت مندی و معنامندی، تصویرپذیری و خاطره انگیزی، مضمون و محتوا	به کارگیری نشانه‌های نوشتاری، تصویری، به کارگیری عناصر آشنا در محیط	(پاکرادی، ۱۳۹۳: ۱۷۱ و ۱۶۵)
		سن	
		جنسیت	
		تحصیلات	
		زمینه فرهنگی	

بخش کمی شامل فن تحلیل رگرسیون و همبستگی با استفاده از ابزار نرم افزار SPSS بوده است. نمونه مورد مطالعه، ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران است که از لحاظ تنوع جمعیتی با شاخص‌های گوناگون از جمله فرهنگی، موقعیت الگو فرستی دارد. گونه شناسی ایستگاه‌های شهر تهران و انتخاب ایستگاه متروی تئاتر شهر و انتخاب دیوارنگاره‌ها در این ایستگاه از طریق مشاهده با معیارهای مشخص صورت گرفته

۳. روش پژوهش

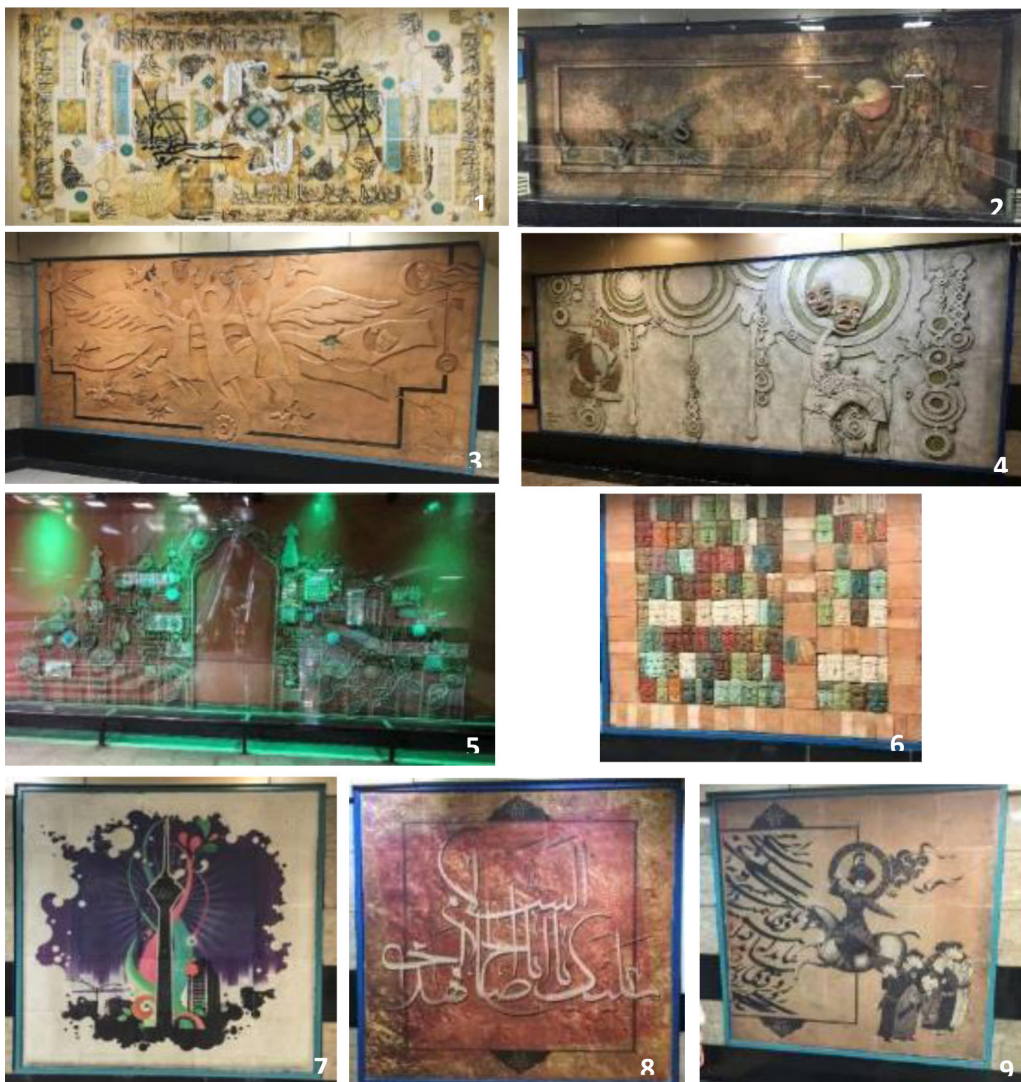
پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از راهبرد مطالعه موردی انجام گرفته است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در بخش مطالعه نظری، منابع مکتوب و اسناد کتابخانه‌ای و در بخش میدانی، مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه به کار گرفته شده است. روش تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به ماهیت داده‌ها، در

پس از مشخص شدن ایستگاه‌ها، کل آثار موجود در لابی ایستگاه، مورد ارزیابی قرار گرفته و نمونه‌های نصب شده در راهروها به دلیل این که ممکن است استفاده کنندگان از ایستگاه، آنها را در مسیر خود ندیده باشند، مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند. از این میان کلیه دیوارنگاره‌های موجود در ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران، تعدادی که در مسیرهای تعویض خط و انتظار بودند، به عنوان مطالعه موردی انتخاب شدند (جدول شماره ۲ و تصویر شماره ۲) تا از این طریق بتوان

است. به این گونه که ابتدا خطوط ریلی و هفت خط محدوده تهران و حومه شناسایی شد. خط مربوط به کرج (خط ۵) و خط مربوط به شهر ری (خط ۷)، تنها تا جایی که در محدوده شهر تهران قرار داشت، مورد بررسی قرار گرفت. سپس ایستگاه تئاتر شهر که در محل تقاطع دو خط ۳ و ۴ مترو قرار داشت، به دلیل دارا بودن بیشترین خط ریلی و ایستگاه که توانایی جابه جایی تعداد زیادی مسافر با ترکیب جمعیتی گوناگونی را دارد، برای مطالعه انتخاب شد.

جدول شماره ۲: دیوارنگاره‌های موجود در ایستگاه متروی تئاتر شهر که به عنوان مطالعه موردی انتخاب شدند

شماره اثر	نام هنرمند	نام اثر	تکنیک	اندازه	سبک
۱	محمد سعید نقاشیان	قطب عالم	چاپ روی کاشی	۲ دره	سنتی
۲	مهدی عباسی نژاد	سیمرغ ۲	سفال	۲ دره	سنتی
۳	پرویز حیدرزاده	ماسک‌های پرنده	سفال	۲ دره	سنتی
۴	هادی اصغرزاده	آنیما و آنیموس	سفال	۲ دره	جدید
۵	مهدی حیدری	سقاخانه	فلز	۳ در ۷	جدید
۶	مهدی حیدری	ماسک‌ها	سفال	۲ در ۲ (بخشی از اثر)	جدید
۷	مهدی میرباقری	برج میلاد	چاپ روی سنگ	۲ در ۲	جدید
۸	مهدی میرباقری	یا اباصالح المهدی	چاپ روی سنگ	۲ در ۲	جدید
۹	مهدی میرباقری	میناتور	چاپ روی سنگ	۲ در ۲	جدید



تصویر شماره ۲: نمونه دیوار نگاره های جداره ایستگاه (مطالعه موردی)

گنجانده شوند. تجربیات ایشان نیز از نوع دریافتی^۲ است. بخش نخست پرسشنامه در هر سه منبع اطلاعاتی مشترک بود و در بخش دوم به ارائه مختصری از تعاریف مفاهیم مشترک در حوزه شهرسازی و هنر عمومی با ادبیات شهرسازی پرداخته شد و سپس پرسش‌هایی بر اساس مصاحبه باز به صورت نیمه ساختار یافته نیمه عمیق تنظیم و ارائه گردید که ایشان دریافت تخصصی شان را بیان کردند.

۳.۳. گروه خالقان آثار (هنرمندان)

در این بخش، کلیه هنرمندان خالق آثار دیوارنگاره‌های مورد آزمون شناسایی و پرسشنامه‌های مشترک به ایشان ارائه شد. ^۳ دیوارنگاره مزبور متعلق به آقایان مهدی حیدری، محمد سعید نقاشیان، مهدی میرباقری، هادی اصغر زاده، مهدی عباسی نژاد و پرویز حیدرزاده هستند. پرسشنامه تنظیم شده بخش خالقان آثار نیز از دو قسمت تشکیل می‌شد. بخش نخست که به صورت عمومی در میان سه منبع اطلاعاتی مشترک بود و بخش دوم که به پرسش‌های باز اختصاص داشت و مصاحبه نیمه عمیق ساختار یافته بود. برخی پرسش‌ها به صورت تخصصی مربوط به خود هنرمند و بخش دیگر با ادبیات مرتبط، به نوعی در ارتباط با پرسش‌های متخصصان بود. با توجه به مؤثر بودن نظرات هنرمندان و از آنجایی که برای ادراک دریافت‌ها لازم است تجربیات ایشان که از نوع تجربه انگاشتی^۴ است، مد نظر قرار گیرد، پرسشنامه‌ها توزیع، داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شدند.

۳.۴. کیفیت روش پژوهش (روایی و پایایی)

با توجه به این که ابزار گردآوری داده‌ها در این مقاله پرسشنامه است، روایی محتوای پرسشنامه، بر اساس مبانی نظری پژوهش و همچنین نظر متخصصان در مورد این ابزار تأیید شده است. پایایی پرسشنامه از طریق ابزار آلفای کرونباخ توسط نرم افزار SPSS محاسبه و مورد سنجش قرار گرفت که این میزان برای پرسش‌های مرتبط با مطلوبیت بصری ۰.۸۴ درصد و در سطح عالی است.

۳.۵. روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای اطمینان از وجود مطلوبیت ادراکی - بصری عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر با تأکید بر بعد بصری، نظرسنجی از مردم صورت گرفت. در پرسشنامه‌ها متغیرهای پیش بین شامل عناصر بصری (رنگ، شکل، بافت، خط و تنالیت) و متغیر مطلوبیت ادراکی - بصری با تمرکز بر بعد بصری شامل ابعاد مطلوبیت مانند مؤلفه زیبایی و مؤلفه کیفیت بخشی به منظر (کیفیت عنصر، کیفیت بین عناصر و کیفیت نقش و زمینه) هستند. برای پیاده کردن مصاحبه‌های متخصصان و هنرمندان، ابتدا اظهاراتشان کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته می‌شود و زیر واژگان کلیدی مرتبط با موضوع، خط کشیده می‌شود و کدها استخراج شده، مفاهیم تدوین شده به دقت مطالعه شده و بر اساس تشابه، دسته بندی و نتایج برای توصیف مباحث مربوطه به یکدیگر مرتبط شده و دسته‌های کلی‌تری را به وجود می‌آورد و توصیف جامعی ارائه می‌شود. از آنجایی که

هم نظر افراد بیشتری که از آن مسیر تردد می‌کنند را جویا شد و هم در صورت نیاز ایشان برای دیدن دیوارنگاره‌ها از نزدیک، کار با سهولت بیشتری انجام شود.

برای گردآوری اطلاعات از سه تکنیک پرسشنامه، مصاحبه و پرسشنامه ترجیح بصری استفاده شده است. پرسشنامه برای نظرسنجی از هر سه گروه مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته نیمه عمیق با دو منبع اطلاعاتی (ناظران تعلیم یافته (متخصصان) و خالقان آثار (هنرمندان)) انجام گرفته و پرسشنامه ترجیح بصری برای هر سه منبع اطلاعاتی (ناظران تعلیم نیافته (شهروندان)، ناظران تعلیم یافته (متخصصان) و خالقان آثار (هنرمندان)) به کار رفته است. تحلیل داده‌ها نیز به دو شیوه رگرسیونی با استفاده از نرم افزار SPSS برای شناسایی میزان تأثیر هر یک از عناصر بصری بر مطلوبیت ادراکی - بصری و همچنین به صورت ارائه درصد فراوانی تجمعی انجام گرفته است. شیوه دوم برای ایجاد همگنی میان داده‌ها در سه منبع اطلاعاتی در بخش شهروندان نیز انجام شده است. زیرا به لحاظ تعداد کم متخصصان و هنرمندان، امکان تحلیل داده‌ها به صورت رگرسیونی فراهم نشد و این مسئله در سه گروه بر اساس تحلیل محتوا با فراوانی داده‌ها صورت می‌پذیرد تا امکان مقایسه برای دستیابی به نقاط اشتراک و افتراق فراهم گردد.

۳.۱. جامعه آماری و نمونه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال شناسایی وجوه اشتراک و افتراق ادراک سه گروه شهروندان، متخصصان و هنرمندان از طریق بررسی تجربه زیسته، دریافت و انگاشت آنهاست. نحوه محاسبه حجم نمونه در گروه شهروندان بر اساس روش کوکران با میزان اطمینان ۹۵ درصد خواهد بود. یعنی درصد خطا در نمونه‌های آماری، ۰/۰۵ است که این تعداد، ۳۸۲ نفر برآورد شده است. برای پیش بینی وجود تعدادی پرسشنامه خدشه دار در حین مصاحبه، ۳۹۴ عدد پرسشنامه تهیه شد که از این تعداد شش عدد از رده خارج و تعداد ۳۸۸ عدد مورد بررسی قرار گرفت. برای شناسایی نقاط افتراق و اشتراک با گروه متخصصان و هنرمندان، از طریق مقایسه درصد فراوانی تجمعی، تحلیل‌ها به صورت توصیفی ارائه خواهند شد. در این گروه، انتخاب مصاحبه شونده‌گان از بین نمونه‌های احتمالی، نمونه‌های تصادفی و از بین نمونه‌گیری‌های تصادفی، نمونه‌گیری تصادفی ساده مد نظر قرار گرفته و تلاش شد مصاحبه با همه طیف‌های مردم که از آن ایستگاه استفاده می‌کنند، انجام شود. هدف از تلاش برای جلب مشارکت عامه مردم، بهره‌گیری از تجربه زیسته^۱ آنهاست.

۳.۲. گروه ناظران تعلیم یافته (متخصصان)

در مورد انتخاب مصاحبه شونده‌گان متخصص، بر اساس اصول پایه‌ای پژوهش دلفی، این تعداد دست کم ۱۰ نفر اعلام شده است. از این جهت تعداد ۱۳ نفر متخصص برای این امر در نظر گرفته شد. برای انتخاب متخصصان، با توجه به منابع تخصصی مطالعه شده، بیشترین افرادی که اقدام به نگارش مطالب علمی تخصصی نموده بودند، شناسایی و با ایشان مذاکره شد. تلاش شد در میان متخصصان، تعدادی از افراد تحصیل کرده که به صورت عملی نیز در این حوزه فعالیت می‌نمایند،

2 perceived

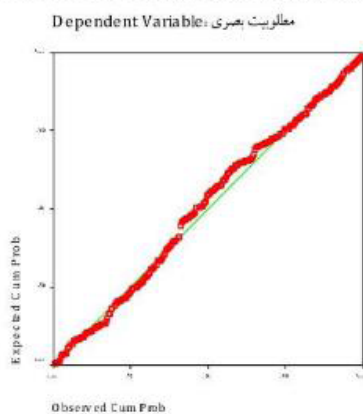
3 conceived

1 Lived experienced

را در مدل مشخص کرد. چنانچه بتا صفر باشد، به این معناست که آن متغیر در مدل تأثیری نداشته و مهم نیست. در گام بعدی، باید معنا دار بودن این رابطه ها را بررسی کرد که از آزمون t استفاده می شود. چنانچه میزان سطح خطای مقدار t، کمتر از ۰/۰۵ بود، نشان می دهد که تأثیر متغیرهای عناصر بصری بر متغیر مطلوبیت بصری، معنادار است. برای ورود متغیرها به نرم افزار و برای انجام تحلیل در این روش، کلیه متغیرهای مستقل به طور همزمان وارد مدل می شوند تا تأثیر کلیه ی متغیرها (مهم و غیر مهم) بر متغیر وابسته (مطلوبیت بصری) آشکار شود. در گام بعدی باید معنادار بودن این رابطه ها را بررسی کرد که با توجه به این که سطح خطای مقدار t در چهار متغیر عناصر بصری کمتر از ۰/۰۵ است، تأثیر چهار متغیر شکل، رنگ، تنالیت و خط بر متغیر مطلوبیت ادراکی - بصری معنادار و عنصر بصری بافت با وجود تأثیرگذار بودن رابطه، معنادار نیست (تصاویر شماره ۳، ۴ و ۵).

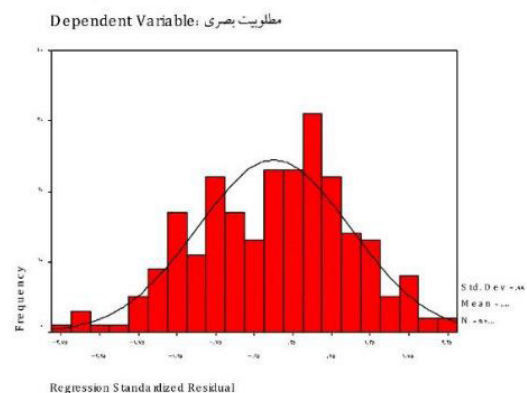
دو گروه متخصصان و هنرمندان، در این حوزه دارای نبوغ هستند، پرسش های مربوط به چگونگی برای ایشان تبیین می شود و فقط در گروه شهروندان از روش رگرسیونی به دست می آید. در پایان، با تجمیع نتایج پرسشنامه ها در سه گروه تأثیر عناصر بصری بر مطلوبیت ادراکی - بصری ایستگاه متروی تئاتر شهر با تأکید بر بعد بصری را می توان تبیین نمود. در گروه شهروندان، ابتدا با بررسی نتایج حاصل از جداول خلاصه مدل و معنی داری آزمون f، ضریب همبستگی و ضریب تعیین R² مد نظر قرار می گیرد. چنانچه آزمون f در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنا دار بود، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی پژوهش مرکب از پنج متغیر عناصر بصری و یک متغیر مطلوبیت بصری مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای عناصر بصری قادرند تغییرات مطلوبیت بصری را تا حد زیادی تبیین کنند. آماره بتا نیز نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای عناصر بصری بر روی متغیر مطلوبیت بصری است و با استفاده از آن می توان سهم نسبی هر متغیر

Normal P-P Plot of Regression Standardized Residual



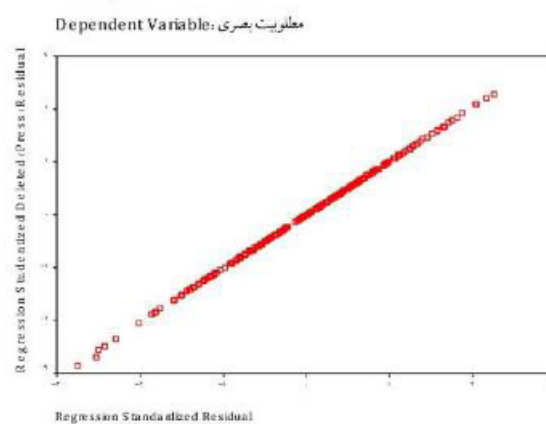
تصویر شماره ۴: نمودار نقطه ای (نحوه توزیع رگرسیون) مربوط به مطلوبیت بصری

Histogram



تصویر شماره ۳: نمودار میله ای (ستونی) مربوط به مطلوبیت بصری

Scatterplot



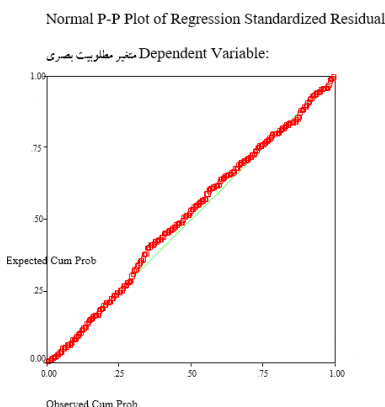
تصویر شماره ۵: نمودار پراکنده ی مربوط به مطلوبیت بصری

گام بیش رفته است. در گام نخست، متغیر «تنالیت» به عنوان قوی ترین متغیر وارد مدل شده و در گام دوم تا گام چهارم متغیرهای رنگ، شکل و خط به ترتیب به مدل افزوده شده اند و تحلیل رگرسیون تا چهار گام پیش رفته، زیرا متغیر بافت به دلیل معنادار نبودن از مدل حذف شده

در روش گام به گام، قوی ترین متغیرها یک به یک وارد مدل می شوند و این کار تا زمانی ادامه می یابد که خطای آزمون معناداری به ۵ درصد برسد. بنابراین با توجه به وجود ۵ عنصر بصری، تحلیل رگرسیون تا پنج

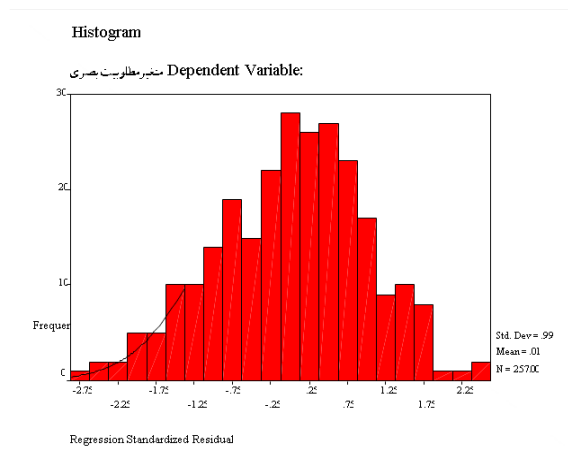
1 Stepwise method

متغیرهای تنالیته، رنگ و شکل به مدل وارد شده است. بررسی ضریب تعیین R2 بین عناصر بصری دیوارنگاره‌ها و مطلوبیت بصری، رقم ۰٫۸۱۵ را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده همبستگی قوی بوده و می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مرکب از چهار عنصر وارد شده به مدل و یک متغیر مطلوبیت بصری، مدل خوبی بوده و عناصر بصری قادرند در مجموع ۸۱ درصد (تا حد زیادی) تغییرات مطلوبیت بصری را تبیین کنند (تصاویر شماره ۶، ۷ و ۸). متغیر یافت به دلیل معنادار نبودن وارد مدل نشده است.

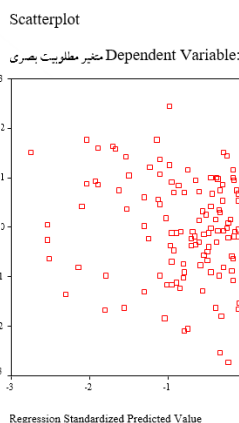


تصویر شماره ۷: نمودار نقطه‌ای (نحوه توزیع رگرسیون) مربوط به مطلوبیت بصری

است. در مدل نخست، متغیر تنالیته به عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده به‌کار گرفته شده و بررسی ضریب همبستگی و ضریب تعیین R2 بین عنصر بصری شکل دیوارنگاره‌ها و مطلوبیت بصری، ۰٫۶۵۶ را نشان می‌دهد. در مدل دوم علاوه بر متغیر تنالیته، عنصر رنگ وارد مدل شده و در مجموع این دو متغیر قادرند ۷۵ درصد تغییرات مطلوبیت بصری را تبیین کنند. در مدل سوم عنصر شکل علاوه بر متغیرهای تنالیته و رنگ وارد مدل شده و در مجموع این سه متغیر قادرند ۷۹ درصد تغییرات مطلوبیت بصری را تبیین کنند. در مدل چهارم عنصر خط علاوه بر



تصویر شماره ۶: نمودار میله‌ای (ستونی) مربوط به مطلوبیت بصری



تصویر شماره ۸: نمودار پراکندگی مربوط به مطلوبیت بصری

عنصر (دیوارنگاره)، ۰٫۱۶۹ درصد پاسخگویان گزینه کم و ۰٫۹۸۱ درصد باقیمانده گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. پس کیفیت دیوارنگاره‌های موجود تا حد بسیار زیادی مطلوب هستند. در زمینه مؤلفه کیفیت بین عناصر، اصلاً گزینه کم انتخاب نشده و ۱۰۰ درصد شهروندان گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. میزان در معرض دید قرار گرفتن دیوارنگاره‌ها، واضح و قابل درک بودن طرح‌ها و برتری آثار هنری این ایستگاه نسبت به سایر ایستگاه‌ها از نظر ایشان، زیاد و دلپذیر بودن نورپردازی کم است. به نظر می‌رسد هنرمندان با استفاده از اصول زیبایی‌شناسی توانسته‌اند آثاری ارائه نمایند که درک آنها به وسیله شهروندان به خوبی میسر شده باشد. در زمینه عدم رضایت شهروندان از نورپردازی می‌توان اعمال نظرات شخصی برخی کارکنان ایستگاه‌ها

۴. ارائه یافته‌ها به صورت درصد فراوانی تجمعی

با توجه به این که مقایسه سه منبع اطلاعاتی مد نظر است، برای همگن بودن داده‌ها لازم است داده‌های گروه ناظران تعلیم نیافته نیز به صورت درصد فراوانی تجمعی ارائه شود. از آنجایی که متغیر مطلوبیت بصری، خود متشکل از پرسش‌های مؤلفه زیبایی و کیفیت بخشی به منظر است، لازم است نتایج حاصل از درصد فراوانی ارائه شوند. با توجه به نظرات شهروندان، در کل درصد فراوانی مؤلفه زیبایی ۵٫۸ کم و ۹۴٫۲ متوسط تا زیاد است. بنابراین از نظر ایشان، دیوارنگاره‌های موجود در ایستگاه و در نهایت، جداره ایستگاه تا حد متوسط و زیادی زیبا هستند. در بخش کیفیت بخشی به منظر، در زمینه مؤلفه کیفیت

رفته در دیوارنگاره‌ها، سلسله مراتب موجود میان عناصر و اجزا به میزان کم و استفاده از عناصر آشنا و دوست داشتنی به میزان کم تا متوسط بوده است. در مورد نظم و تنوع به کار رفته در دیوارنگاره‌ها چون میزان انتخاب گزینه متوسط نسبت به دو گزینه کم و زیاد، بیشتر بوده و گزینه‌های کم و زیاد به یک میزان انتخاب شده‌اند، از رده خارج می‌شوند و میزان مطلوبیت کیفیت عنصر، کم و متوسط ارزیابی شده است.

ب-۲) کیفیت بین عناصر (رابطه بین دیوارنگاره‌ها): نتایج نظرسنجی نشان داد که گزینه کم اصلاً انتخاب نشده و ۱۰۰ درصد متخصصان گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. در کل، وحدت و پیوستگی میان عناصر، استفاده از رنگ‌های ملایم هم خانواده، میزان برتری دیوارنگاره‌ها نسبت به سایر ایستگاه‌ها کم ارزیابی شده‌اند. میزان دل‌انگیزی تنالیت، دلپذیری نورپردازی و جذابیت و تناسب میان خوشنویسی‌های به کار رفته در دیوارنگاره‌ها، کم تا متوسط و فاصله بیننده تا اثر هنری، در معرض دید بودن دیوارنگاره‌ها و وضوح و قابل درک بودن طرح‌های به کار رفته در دیوارنگاره‌ها به میزان متوسط تا زیاد ارزیابی شده‌اند. در کل، میزان مطلوبیت کیفیت بین عناصر، متوسط تا زیاد ارزیابی شده است.

ب-۳) کیفیت رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (رابطه دیوارنگاره با جداره): نتایج نظرسنجی نشان داد که گزینه کم اصلاً انتخاب نشده و ۱۰۰ درصد ایشان گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. از نظر متخصصان، میزان تشویق شدن به حرکت در مسیر و رفتن به سوی اثر هنری بعدی به خاطر نصب دیوارنگاره‌ها، میزان چشم‌نوازی استفاده از تضادهای فرمی در دیوارنگاره‌ها و میزان به هم آمدن دیوارنگاره‌ها با دیوارهای ایستگاه، کم و میزان جذابیت نصب دیوارنگاره‌ها و برتری موقعیت دیوارنگاره‌ها نسبت به بقیه ایستگاه‌ها، کم تا متوسط بوده است. در کل، میزان مطلوبیت از نظر کیفیت عنصر خاص با دیگر عناصر (نقش و زمینه)، متوسط تا زیاد ارزیابی شده است. همچنین از آنجایی که مطلوبیت بصری از تجمیع نتایج مربوط به مؤلفه زیبایی و مؤلفه کیفیت بخشی به محیط حاصل می‌شود، نتایج ارزیابی‌ها بر اساس درصد فراوانی نشان می‌دهد که هیچکدام از پاسخ دهندگان گزینه کم را انتخاب نکرده‌اند و ۱۰۰ درصد ایشان گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند.

ج) پرسش‌های باز مربوط به بخش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته نیمه‌عمیق با متخصصان

در پاسخ به این پرسش که یک دیوارنگاره مطلوب از نظر هنرهای تجسمی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ از نظر متخصصان، یک دیوارنگاره مطلوب باید دارای موضوع و محتوای متناسب با فرهنگ جامعه باشد و از نظر تجسمی دارای انسجام، تأکید و تمرکز بوده و به نمادها و نشانه‌ها اهمیت دهد. همچنین از طرح و رنگ خوب، زیبایی و چشم‌نوازی برخوردار باشد. ارتباط مطلوبی با فضا و مخاطب داشته باشد. در ذهن بماند و اثر باقی‌گذارد. قدرت بیان و جذابیت بصری داشته باشد.

در پاسخ به این پرسش که به نظر شما یک دیوارنگاره مطلوب چه احساسی را باید به مخاطب منتقل کند؟ و با کدام تمهیدات بصری؟ در پاسخ به بخش نخست، به مواردی چون آرامش، هماهنگی، جذابیت،

با فهم نادرست ایشان از مفاهیمی چون اسراف را تأثیرگذار دانست. در مورد کیفیت رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (رابطه دیوارنگاره با جداره) نتایج نظرسنجی نشان داد که ۱٫۷ درصد از پاسخگویان گزینه کم و ۹۸٫۳ درصد پاسخگویان گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. این مورد تأییدی بر استفاده از متخصصان با تجربه در مراحل اولیه ساخت ایستگاه بوده و نشان می‌دهد چنانچه کارفرما از مراحل ابتدایی بتواند هر کار را در حوزه تخصصی به انجام برساند، رضایتمندی حاصل خواهد شد.

۴٫۱. گروه ناظر تعلیم نیافته (شهروندان)

بیشترین میزان شرکت‌کنندگان در این پیمایش در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ یعنی جوانان هستند که نزدیکی ایستگاه به دانشگاه تهران در این نتیجه بی‌تأثیر نیست. از نظر جنسیت نیز بیشترین میزان شرکت‌کنندگان زنان هستند. از نظر تحصیلات نیز بیشتر شرکت‌کنندگان، در سطح دیپلم و با اندک اختلاف، در سطح لیسانس هستند. نکته جالب توجه این که، اکثر دست‌فروشان که در ایستگاه مشغول فروشنده‌گی بودند، دارای تحصیلات در سطح فوق لیسانس بودند. همچنین شهروندان آشنایی نسبی خوبی با محیط ایستگاه مورد مطالعه دارند و تصویر ذهنی مناسبی در ذهن ایشان وجود دارد.

۴٫۲. گروه ناظران تعلیم یافته (متخصصان)

بیشترین میزان شرکت‌کنندگان در این پیمایش در رده سنی ۳۰ تا ۴۰، مرد و دارای تحصیلات در سطح دکتری هستند و به میزان متفاوتی از این ایستگاه استفاده می‌کنند و با محیط آشنایی کافی دارند. همچنین پایایی و روایی کار مورد تأیید است.

۴٫۳. ارائه یافته‌ها به صورت درصد فراوانی تجمعی در گروه ناظران تعلیم یافته

نتایج نظرسنجی در رابطه با پرسش‌های پرسشنامه و مصاحبه بدین صورت به دست داده شد:

الف) پرسش‌های مرتبط با مؤلفه زیبایی

نتایج نظرسنجی نشان داد که ۲۳٫۱ درصد پاسخگویان گزینه کم و ۷۶٫۹ درصد باقیمانده گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. میزان چشم‌نوازی ریتم موجود در عناصر دیوارنگاره‌ها، برانگیخته شدن احساسات از دیدن دیوارنگاره‌ها، میزان پسندیده شدن طرح دیوارنگاره‌ها، میزان جذابیت موضوعات انتخاب شده برای طراحی دیوارنگاره‌ها، ظرافت به کار رفته در طراحی دیوارنگاره‌ها و نو و جدید بودن طرح دیوارنگاره‌ها کم، تناسب اندازه آثار نصب شده بر روی دیوارهای ایستگاه، کم تا متوسط و هویت مندی ایستگاه با توجه به استفاده از طرح‌های دیوارنگاره‌ها متوسط تا زیاد بوده است. در کل، مطلوبیت مؤلفه زیبایی از نظر متخصصان، متوسط تا زیاد ارزیابی شده است.

ب) پرسش‌های مرتبط با مباحث کیفیت بخشی به منظر

ب-۱) کیفیت عنصر (دیوارنگاره): نتایج نظرسنجی نشان داد که ۷٫۷ درصد پاسخگویان گزینه کم و ۹۲٫۳ درصد باقیمانده گزینه متوسط و زیاد را انتخاب کردند. از نظر متخصصان، رنگ‌های به کار

اجرا و در مواردی، نظارت بر عهده شخص هنرمند بوده است. در پاسخ به این پرسش که آیا به جز این اثر، آثار دیگری برای این ایستگاه یا هر فضای همگانی دیگری نیز خلق نموده‌اید؟ کلیه هنرمندان جواب مثبت داده و توضیحات تکمیلی را ارائه کرده‌اند.

در پاسخ به این پرسش که قصد شما از طراحی و یا اجرای این اثر، انتقال چه حس یا حسی به مخاطبان بوده است؟ کلیه هنرمندان به دنبال انتقال حس های مثبت و مطلوب نظیر آرامش، حفظ و تقویت هویت، غرور ملی، حس زیبایی شناختی و تداعی معانی مرتبط با ایستگاه مانند حرکت و نقل و انتقال بوده‌اند.

۴.۶. تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌ها

با توجه به نتایج حاصل از بررسی‌ها مشخص شد که میزان مطلوبیت مؤلفه زیبایی و کیفیت بخشی به منظر به ترتیب در گروه هنرمندان، شهروندان و متخصصان کاهش یافته است (تصویر شماره ۹).

مقایسه تطبیقی بین پاسخ‌های مطرح شده از سوی سه منبع اطلاعاتی درباره پرسش‌های مرتبط با مؤلفه زیبایی نشان داد، در گروه شهروندان و هنرمندان، گزینه‌های متوسط و زیاد انتخاب شده‌اند. یعنی از نظر آنها دیوارنگاره‌ها زیبا هستند و تنها از نظر متخصصان، میزان زیبایی دیوارنگاره‌های نصب شده بر جداره‌های ایستگاه تأثیر شهر، کم بوده است. همچنین نتایج بررسی تطبیقی نشان می‌دهد، نظر شهروندان و هنرمندان به یکدیگر نزدیک بوده و از نظر متخصصان فاصله دارد.

به نظر می‌رسد این نتایج نشان دهنده این مطلب است که هنرمندان تمام تلاش خود را برای ارائه توانایی‌های خود در جهت طراحی و اجرا به کار گرفته‌اند ولی موارد دیگری مانند نظر کارفرما، تأثیر پیش‌بینی بودجه بر تهیه مواد و مصالح و مؤثر بودن آن در کیفیت کار، عدم وجود شرایط برای اظهار نظر ایشان در نصب و جانمایی آثار و چگونگی آن و نادیده گرفتن ایشان در ایجاد تغییرات در آثار موجب شده که پیام‌رسانی و مواردی که مدنظر هنرمند بوده تا بالاترین میزان ادراک توسط مخاطب صورت پذیرد، محقق نشده است. «موقعیت استقرار هر دیوارنگاره از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا فرصت مخاطب در فضاهای تردد برای مشاهده دیوارنگاره کوتاه است و در فضاهای انتظار از فرصت بیشتری برای مشاهده دیوارنگاره برخوردار است. نحوه دیدن و مکانیزم کار چشم، نقش مهمی در چگونگی تجربه مردم از محیط پیرامون دارد» (Sajadzadeh, et al., 2007: 111). در نمونه‌های مورد مطالعه با وجود این که تا حدود زیادی پیام‌ها و حس‌هایی که هنرمند تلاش داشته به مخاطب منتقل کند، توسط وی درک شده ولی با توجه به موارد جنبی مانند عدم توجه به نورپردازی پیش‌بینی شده و استفاده سلیقه‌ای و گاه و بیگاه از چراغ‌های روشنایی مخصوص دیوارنگاره‌ها یا نصب الحاقاتی که به دلیل عدم وجود کارشناسی، بیشتر عامل ایجاد اغتشاش بصری در ایستگاه شده‌اند و اعمال و کنترل آنها نه در حیطه توان هنرمند و نه در حوزه اختیارات مخاطب بوده، تأثیر منفی بر ادراک شهروندان داشته و موجب شده میزان مطلوبیت از نظر ایشان در جایگاه دوم قرار گیرد.

در گروه متخصصان به دلیل وجود نبوغ و شهود و توجه خاص کارشناسی به موارد آمده در پرسشنامه و رعایت نشدن برخی از استانداردها در کل فرایند، از طراحی تا اجرا و نصب آثار، مطلوبیت ادراکی - بصری از

هویت، تداوم، خوانایی، غرور و تحیل اشاره شده است. در پاسخ به بخش دوم، موارد زیر مطرح شده‌اند: تضادها و تقابل‌های شکلی و موضوعی، توالی، تکرار، تجانس، تمرکز، وحدت، مزیت، ریتم، رنگ و تطابق پیام اثر با مکان.

در پاسخ به این مورد که برای بهبود کیفیت‌های محیطی ایستگاه متروی تئاتر شهر یا به کارگیری دیوارنگاره‌ها چه موارد دیگری را پیشنهاد می‌کنید؟ این پیشنهادات مطرح شد: فراهم کردن فضایی برای تعامل بیشتر بین افراد، استفاده از مجسمه‌های نمادین، استفاده از طرح‌های مناسب تر در کف ایستگاه، بهره‌گیری از دیوارنگاره‌های تعاملی با حضور مخاطب در مکان، آرام سازی محیط از نظر بصری و بهره‌گیری از موضوعاتی که نشان دهنده هویت ملی باشند.

۴.۴. ارائه یافته‌ها به صورت درصد فراوانی تجمعی در گروه خالقان آثار (هنرمندان)

نتایج نظرسنجی از خالقان آثار (هنرمندان) که همگی مرد، در سه گروه سنی ۳۰-۴۰ و ۴۰-۵۰ و ۵۰-۶۰ و بیشتر دارای تحصیلات در سطح فوق لیسانس هستند، بدین صورت به دست داده شد:

الف) پرسش‌های مرتبط با مؤلفه زیبایی

نتایج این بخش نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند و از نظر ایشان دیوارنگاره‌ها و ایستگاه به میزان متوسط تا زیاد، زیبا هستند.

ب) پرسش‌های مرتبط با مباحث کیفیت بخشی به منظر

ب-۱) کیفیت عنصر (دیوارنگاره): نتایج نشان دهنده این است که ۱۰۰ درصد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند و از نظر ایشان عنصر (دیوارنگاره / دیوارنگاره‌ها) به میزان متوسط تا زیاد، دارای کیفیت هستند.

ب-۲) کیفیت بین عناصر (رابطه بین دیوارنگاره‌ها): نتایج نظرسنجی نشان داد که بر اساس درصد فراوانی تجمعی، ۱۰۰ درصد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند و از نظر ایشان ارتباط بین عناصر به میزان متوسط تا زیاد، دارای کیفیت هستند.

ب-۳) کیفیت رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (رابطه دیوارنگاره با جداره): بر اساس درصد فراوانی تجمعی، ۱۰۰ درصد پاسخ دهندگان گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند و از نظر ایشان رابطه عنصر خاص با دیگر عناصر (ارتباط بین دیوارنگاره و جداره) به میزان متوسط تا زیاد، دارای کیفیت است.

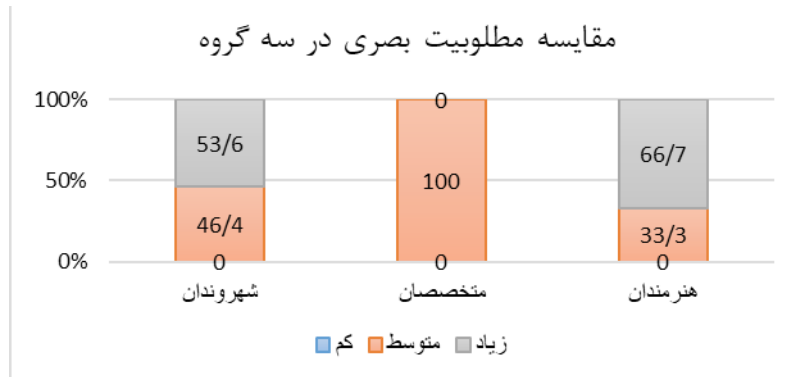
۴.۵. ارائه یافته‌ها بر اساس مصاحبه نیمه ساختار یافته نیمه عمیق با خالقان آثار

بر اساس شماره تصاویر در جدول شماره ۲، دیوارنگاره‌های شماره ۱ و ۳ و ۴ متعلق به مهدی میرباقری، دیوارنگاره‌های شماره ۲ و ۹ متعلق به مهدی حیدری، دیوارنگاره شماره ۵ متعلق به هادی اصغرزاده، دیوارنگاره شماره ۶ متعلق به پرویز حیدرزاده، دیوارنگاره شماره ۷ متعلق به محمد سعید نقاشیان و دیوارنگاره شماره ۸ متعلق به مهدی عباسی نژاد هستند.

در پاسخ به این پرسش که آیا تنها طراحی اثر بر عهده شما بوده یا اجرای آن را نیز انجام داده‌اید؟ مشخص می‌شود که در بیشتر آثار، طراحی و

همچنین به نظر می‌رسد شهروندان از به کارگیری طرح‌هایی که با بداعت و ریتم همراه باشند، استقبال می‌کنند. از نظر ایشان، تضادهای فرمی به کاررفته در دیوارنگاره‌ها، محل نصب دیوارنگاره‌ها از نظر میدان و زاویه دید و ارتباط با جداره‌ها متناسب و مطلوب است؛ از این رو

نظر ایشان در جایگاه پایین‌تری قرار گرفته است. البته ایشان ضمن آسیب‌شناسی، پیشنهادهاتی برای بهبود، اصلاح و راهکارهایی برای استفاده در کارهای بعدی ارائه کرده‌اند که امید است مورد توجه مسئولان و هنرمندان قرار گیرد.



تصویر شماره ۹: مقایسه مطلوبیت بصری در سه گروه مورد مطالعه

هماهنگی با فضا و محیط، جذابیت، هویت و برانگیزانندگی تخیل را ایجاد نماید. تمهیداتی که برای انتقال چنین حسی مد نظر است، عبارتند از: تضادها و تقابل‌های شکلی و موضوعی، وحدت، تضاد، مزیت، تجانس، ریتم، تلاقی تصویری، استفاده از رنگ به مثابه عنصر خوانایی بخش، تنوع، طرح مناسب، اندازه، توالی، تکرار، تمرکز، مواد و مصالح متناسب و نورپردازی.

پیشنهاداتی که برای بهبود کیفیت‌های محیطی ایستگاه متروی تئاتر شهر با به کارگیری دیوارنگاره‌ها ارائه شده اند، عبارتند از: استفاده از عناصری که نشان دهنده تعامل و ارتباط افراد با یکدیگر باشند و شرایطی برای ایجاد چنین فضایی فراهم نمایند. استفاده از هنرهای مشارکتی و تعاملی که حضور مخاطب در آن تأثیرگذار باشد. نظارت در انتخاب طرح و اجرا که موجب هماهنگی و بهبود شرایط بصری ایستگاه‌های مترو می‌شود. هماهنگی اثر با فضای پیرامون آن با برنامه ریزی قبلی و در نتیجه تعامل کارفرما، پیمانکار، هنرمند و تعدادی از شهروندان که به صورت تصادفی از اقشار مختلف انتخاب شده اند، توجه به نظر مخاطب و جلب نظروی، استفاده از طرح‌های مناسب تر در نقوش کف ایستگاه، نورپردازی مناسب، حذف یا برطرف کردن اغتشاشات بصری و آرام سازی محیط، ایجاد هماهنگی بصری و موضوعی، استفاده از مجسمه‌های نمادین تعزیه ای به عنوان نمایش اصیل ایرانی با توجه به موقعیت مکانی و نزدیکی به تئاتر شهر، استفاده از المان‌های مدرن و مینیمال به جای عناصر پیچیده و سنتی، ارائه آثاری با موضوعاتی از آثار ادبی ایران مانند شاهنامه که می‌تواند بیانگر احساس غرور ملی-ایرانی و اسلامی-باشد. بر اساس نتایج مقایسه تطبیقی بین نظرات سه گروه؛ شاید در نگاه نخست این مسئله به ذهن متبادر شود که متخصصان، تعامل نزدیکی با سایرین نداشته و نظر ایشان سختگیرانه تر بوده است. اما با توجه به بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که به کارگیری متخصصان از ابتدای شروع به کار راه اندازی ایستگاه تاکنون روند نزولی داشته و شاید هنرمندان نیز برای امرار معاش خود مجبور به اجرای آثاری مطابق با سلیقه کارفرمایان شده اند و به مرور زمان، مردم نیز به دیدن آثار یادشده عادت کرده و سلیقه شهروندان و هنرمندان به یکدیگر نزدیک شده و از دیدگاه متخصصان فاصله گرفته است.

ارتباط دیوارنگاره‌ها با جداره ایستگاه، مطلوب ارزیابی شده است. این نظر می‌تواند متناسب با واقعیت موجود باشد. زیرا در هنگام مصاحبه با خالقان آثار، ایشان به این نکته اذعان داشتند که در سال‌های اولیه احداث مترو، نیروهای متخصص و مهندسان کارآمد به کار گرفته می‌شدند و ایشان در هنگام طراحی، محل نصب آثار هنری و شرایط مربوطه را نیز در نظر می‌گرفتند. بنابراین از آنجایی که کار کارشناسی شده در این زمینه صورت گرفته، خروجی آن نیز رضایت بخش بوده و شهروندان ارتباط دیوارنگاره‌ها با جداره را مطلوب ارزیابی کرده اند. در ادامه، نظرات متخصصان و مقایسه تطبیقی آن با سایر گروه‌ها برای جمع بندی و استفاده در بخش تحلیل ارائه می‌شود. در مورد کم بودن میزان مطلوبیت به کارگیری رنگ نیز نظر متخصصان با ارزیابی نظرات شهروندان کاملاً تطابق دارد. زیرا شهروندان دیوارنگاره‌هایی که به میزان بیشتری از رنگ بهره گرفته اند را پسندیده اند و هر چه دیوارنگاره‌ها کمتر از رنگ استفاده کرده اند، کمتر ترجیح داده شده اند. در دو مورد نحوه نورپردازی نیز این نظر با نظر شهروندان نزدیک است. از نظر متخصصان، ویژگی‌های یک دیوارنگاره مطلوب از نظر هنرهای تجسمی می‌تواند در سه عرصه مختلف بیان شود. یکی ویژگی‌های خود دیوارنگاره که عبارت است از دارا بودن موضوع و محتوای ارزشمند، متناسب بودن با فرهنگ و باورهای جامعه، حساس بودن نسبت به مسائل روز بدون درگیر شدن با روزمرگی، بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌ها، غنی بودن از نظر طرح و رنگ، تناسب با موقعیت مکانی و فضایی، سادگی در طرح، اجرای خوب، ماندگاری در ذهن، ایجاد جذابیت، جلب توجه مخاطب با استفاده درست و به جا از کیفیات بصری چون تضاد، تقابل، تأکید، تمرکز و توالی برای ایجاد تحرک و پویایی، به کارگیری مؤلفه‌های انسجام اشکال، تأکید و تمرکز بر نقوش و وحدت، مزیت، تجانس، تعادل، خلاقیت، نوآوری، تأثیرگذاری و چشم‌نوازی، سادگی، محوریت، زیبایی، قدرت بیان، اندام وارگی و جذابیت بصری.

از نظر متخصصان یک دیوارنگاره مطلوب باید بتواند بیش از هر مورد دیگری احساس آرامش و غرور ملی را به مخاطب منتقل کند؛ خوشایندی، زیبایی، تنوع، پیوستگی فرهنگی، نظم و اعتماد،

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به منظور پاسخ به این پرسش که عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر چگونه بر مطلوبیت بصری جداره ایستگاه تأثیرگذارند؟ در گروه شهروندان، تحلیل رگرسیون چندگانه بر حسب متغیرهای عناصر بصری و مطلوبیت بصری شامل مؤلفه زیبایی و کیفیت بخشی به منظر با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS انجام و سپس میزان درصد فراوانی تجمعی در سه گروه مورد توجه قرار گرفت. با توجه به مقدار ضریب تعیین ۰٫۷۹۹، مشخص شد که این مدل تبیینی دارای کارایی بالایی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند ۷۹٫۹ درصد تغییرات مطلوبیت بصری را پیش بینی کنند. بررسی ضریب همبستگی و ضریب تعیین R2 نشان داد که بین عناصر بصری و مطلوبیت ادراکی - بصری دیوارنگاره‌ها همبستگی قوی وجود دارد و با توجه به معنی داری آزمون f در سطح خطای کوچکتر از ۰٫۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که عناصر بصری قادرند تغییرات مطلوبیت ادراکی - بصری دیوارنگاره‌ها را تا حد زیادی تبیین کنند. گفتنی است میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای بخش کیفیت بخشی به منظر ۷۸ درصد و در کل برای مطلوبیت بصری ۸۴ درصد بوده است.

نتایج به دست آمده نشان داد با توجه به این که متخصصان هنرهای تجسمی به دلیل بهره‌مندی از دانش تخصصی از حساسیت بصری بالاتری برخوردارند و در این زمینه دارای نبوغ بوده و به عنوان منبع معتبر در این زمینه شناخته می‌شوند، برخی آثار، استانداردهای لازم را نداشته‌اند و از این جهت میزان مطلوبیت بصری در زیر گروه‌های مربوطه از نظرایشان در حد متوسط ارزیابی شده است.

در بین مؤلفه‌های بصری زیادی که از سوی نظریه پردازان مختلف بیان شده بود، اصلی‌ترین مؤلفه‌های مشترک عبارتند از: رنگ، شکل، بافت، خط، تنالیت و نور. میزان درصد فراوانی تجمعی در سه گروه برای دستیابی به میزان مطلوبیت بصری در پاسخ به پرسش‌های مؤلفه زیبایی و کیفیت بخشی به منظر (کیفیت عنصر، کیفیت بین عناصر و کیفیت بین نقش و زمینه) بررسی شد. در این مقاله کیفیت عنصر، دیوارنگاره و برای کیفیت بین عناصر، رابطه بین دیوارنگاره‌ها و برای کیفیت بین نقش و زمینه، رابطه بین دیوارنگاره با جداره در نظر گرفته شد. مؤلفه‌های مربوط به کیفیت عنصر عبارتند از: شدت، تنش و نقش انگیزی، مؤلفه‌های کیفیت‌های بین عناصر عبارتند از: تعادل، تقارن، تناسب، تفوق، وضوح و تراکم؛ مؤلفه‌های کیفیت رابطه‌ی عنصر خاص با دیگر عناصر (نقش و زمینه): تضاد (تباين)، تقابل، تجانس، مزیت، انسداد، تأکید، محصوریت، تنگی، گشادگی، توالی و تمرکز در قالب پرسشنامه ارزیابی شد. نتایج حاصل از مجموع درصد فراوانی برای دستیابی به میزان زیبایی دیوارنگاره‌ها در سه گروه نشان می‌دهد، مؤلفه زیبایی در گروه شهروندان ۹۴/۲ درصد، در گروه متخصصان ۷۶/۹ درصد و در گروه هنرمندان ۱۰۰ درصد متوسط تا زیاد ارزیابی شده است. کیفیت عنصر در گروه شهروندان ۹۸/۱ درصد، در گروه متخصصان ۹۲/۳ درصد و در گروه هنرمندان ۱۰۰ درصد متوسط و زیاد ارزیابی شده است. همچنین کیفیت‌های بین عناصر در گروه شهروندان، متخصصان و هنرمندان ۱۰۰ درصد متوسط و زیاد ارزیابی شده است. در مورد کیفیت بین نقش و زمینه گروه شهروندان ۹۸/۳ درصد و دو گروه متخصصان و هنرمندان ۱۰۰ درصد میزان مورد نظر را متوسط و

زیاد ارزیابی کرده‌اند. بنابراین همانگونه که مشاهده می‌شود، کیفیت بخشی به منظر در هر سه گروه به میزان متوسط تا زیاد ارزیابی شده است. با جمع‌بندی نظرات ارائه شده در دو بخش پرسش‌های مربوط به مؤلفه زیبایی و کیفیت بخشی به منظر، مطلوبیت بصری به میزان متوسط تا زیاد ارزیابی و مورد تأیید سه منبع اطلاعاتی بوده است. با توجه به دریافت میزان اهمیت ابعاد یادشده می‌توان با نزدیک کردن تجربه‌انگاشتی، دریافتی و زیسته، میزان ادراک را بالا برد و رضایتمندی بیشتری ایجاد کرد.

References:

- Bell, S. translated by Ahmadinejad, M. (1997). Anasor-e Tarrahi-ye Basari-ye Me'mari-ye Manzar [Elements of visual design in the landscape]. Isfahan: Khaak. [in Persian]
- Bell, S. translated by Aminzade, B. (1993). Manzar, Olgoo, Edrak-o Farayand [Landscape: pattern, perception, and process] Tehran: Tehran University. [in Persian]
- Cheng, H. and Worrall, J. (2019). "The development strategies of public art in metro architectural space of mega cities in China", international conference on construction and real estate management.
- Constantin, J. and Nelessen, A. (1993). "Understanding and making use of people's visual preferences", planning commissioners journal, (9), 1-22
- Dondis, D, A. translated by Masih-e Tehrani, M. (2005). Mabadi-ye Savad-e Basari [A primer of visual literacy]. Tehran: Soroosh-e Danesh. [in Persian]
- Ghorbani, S., Sanaei-Hamalu, H. and Maarefi, M. (2015). Baaz tarrahi-ye manzar-e taghato-e Dastgheyb-e ZANJAN ba estefade az teknike tarjih-e basari (VPT) [Landscape redesign of ZANJAN Dastgheib intersection using visual preference technique (VPT)]. The Second National Conference on Sustainable Architecture and Urban Landscape. [in Persian]
- Grutter, J, K. translated by Pakzad, J and Homayoun, A. (2011). Ziba-yi shenasi dar memari [Aesthetics in architecture]. Tehran: Shahid Beheshti University. [in Persian]
- Horn, R. (2019). "Highway art policy revisited: Rethinking transfers of copyright ownership in state-owned transportation artwork.
- Jansen, Ch. R. J. translated by Avakian, B. (1998). Tajzie va Tahlil-e Asar-e Honar hay-e Tajassomi [Studying art history] Tehran: Samt. [in Persian]
- Lang, J. translated by Eynifar, A. (2002). Afarinesh-e

- nazri-e-ye memari, naghsh-e oloom-e raftari dar tarrahi-ye mohit [Creating architectural theory: the role of the behavioral sciences in environmental design]. Tehran: Tehran University. [in Persian]
- Morphy, H. translated by: Abdolhoseinzade, H. (2006). Ensan-Shenasi-ye Honar [The Anthropology of Art]. Khial, 17, 20-69. [in Persian]
 - Motoyama, Y., and Hanyu, K. (2014). "Does public art enrich landscapes? The effect of public art on visual properties and affective appraisals of landscapes", Journal of Environmental Psychology, (40), 14-25.
 - Mozaffar, F., Hoseyni, M. and Khodadadi, R. (2016). Sanjesh-e tasir-e honar-ha-ye omoomi dar ziba-sazi va behbood-e keifiyat-e basari-ye manzar-e shahri [Measuring the impact of public art on city beautification and improving the visual quality of urban landscape, case study]. Name-ye Honar-Ha-Ye Tajassomi va Karbordi, 18, 61-79. [in Persian]
 - Nadaliyan, A. (2014). Asib-Shenasi-ye divar-negari-ha-ye TEHRAN dar ta'amol ba faza-ye tasviri, tazyinat va mobleman-e shahri. [Pathology of Tehran murals in interaction with visual space, decorations and urban furniture]. Divarnegari-ye Shahri, Hanar-e memari-ye ghar Researches, Zibasazi-ye Tehran Org, 325-342. [in Persian]
 - Pakzad, J. (2006). Mabani-ye Nazari va Farayand-e Tarrahi-ye Shahri [Theoretical foundations and urban design process]. Tehran: Shahidi. [in Persian]
 - Pakzad, J. (2006). Rahnamay-e Tarrahi-ye Fazay-e Shahri dar Iran [Guide to designing urban spaces in Iran]. Tehran: Shahidi. [in Persian]
 - Sajadzadeh, H., Karimi-Moshave, M. and Vahdat, S. (2007). Khanesh-e basari-ye geraphik-e mohiti dar faza-ha-ye shahri ba ta'kid bar naghshi-ye divari, namoone-ye moredi: Tehran [Environmental Visual Graphic in Urban Spaces with Emphasis on Graffiti, Case Study: Tehran]. Memari Va Shahrsazi-ye Armanshahr, 19, 107-118. [in Persian]
 - Sartippi, B. and Valibeig, N. (2007). Tahlil-e edrak-e basari bar paye-ye hendese noghoosh-e ajorkari-ye posht-e baghal-e eyvan-ha-ye masjid-e Hakim-e Esfahan ba rooykerd-e Geshtalt [Analysis of Visual Perception based on the Geometry of brickwork Behind the Vaults of Hakim Mosque of Isfahan with Gestalt Approach]. Modiriati-e Shahri, 48, 169-178. [in Persian]
 - Shafiqhi, N. and Rahbarnia, Z. (2018). Khanesh-e chideman-e ta'amoli-e taypogegeraphi be manzoor-e control az manzar-e edrak-e basari-ye geshtalt [Reading an interactive installation of typography "In order to control" Through Gestalt visual perception principles]. Honar-Ha-Ye Ziba – Honar-Hay-e Tajassomi, 2, 87-98. [in Persian]
 - Shahabian, P, and Gholipour, M. (2006). Bar-rasi-e naghsh-e honar-ha-ye omoomi dar matloobi-yat-e istgah-ha-ye metro-ye Tehran, motal'e-ye moredi: istgah-ha-ye Vali-asr va Tajrish [An Investigation of public arts in Tehran metro stations desirability (Case study: VALI-ASR and TAJRISH Stations)] Hoviyat-e Shahr, 10(25), 75-91. [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

کبیری، فرانک؛ زمانی، بهادر؛ خواجه احمد عطاری، علیرضا؛ (۱۴۰۰) تاثیر عناصر بصری دیوارنگاره‌های ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران بر مطلوبیت ادراکی - بصری از منظر شهروندان، متخصصان و هنرمندان، مطالعات شهری، 10 (41)، 17-30. doi: 10.34785/J011.2022.551/.Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی الگوی کاشت گیاهان در مقیاس بصری مطلوب در پارک های محله ای^۱

نمونه مورد مطالعه: پارک های محله ای منطقه ۱۸ و ۱ تهران

زهرا صادقی - دانشجوی دکتری معماری منظر، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مجتبی انصاری^۲ - دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مهدی حقیقت بین - استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۶ آذر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۱۰ شهریور ۱۴۰۰

چکیده

پارک های محله ای در ارتباط بین مردم با طبیعت نقش مهمی را ایفا می کنند. در واقع فضای سبز مهمترین انگیزه برای حضور و تفریح در پارک است. به منظور ارتقای کیفیت فضای سبز پارک های محله ای و افزایش مشارکت مردمی، طراحی منظر پارک در ارتباط با ترجیحات مردم و ادراک آنها از منظر مطلوب ضروری به نظر می رسد، در حالی که در این زمینه کاستی هایی وجود دارد. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی پسندهای بصری مردم در راستای طراحی مطلوب پوشش گیاهی است. پژوهش حاضر قصد دارد این پسندها را در زمینه ترکیب فضایی پوشش گیاهی بر اساس شاخصه مهم و تأثیرگذار مقیاس بصری، مورد مطالعه قرار دهد. در این بررسی عوامل زمینه ای سن، جنسیت و تفاوت سطح اجتماعی - اقتصادی در نظر گرفته شد. روش پژوهش حاضر ترکیب روش کیفی و کمی است؛ ابتدا با مطالعه منابع و مشاهده میدانی ترکیب فضایی گیاهان در ایجاد انواع مقیاس بصری مورد شناسایی قرار گرفت سپس برای روش علی - مقایسه ای، داده ها مبتنی بر پیمایش جمع آوری شدند. با نمونه گیری تصادفی، ۳۶۳ نفر از مراجعه کنندگان به پارک های محله ای در دو منطقه شهر تهران، مورد پرسش قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش آزمون تعقیبی بونفرونی با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. نتایج تحلیل داده ها بیانگر این مهم است که بین نظرات پاسخ دهندگان در زمینه مقیاس بصری مطلوب در گروه های مختلف تفاوت کمی قابل مشاهده است. برای همه گروه ها مقیاس بصری کاملاً بسته و دید کاملاً باز مطلوب نیست. مناظر با مقیاس بصری میانه و دید باز در فضای سایبانی مطلوب تر هستند. بر اساس یافته های پژوهش حاضر، الگوی کاشت بر اساس ترکیب گیاهان در لایه های عمقی فضای سبز و در ارتفاعات مختلف پیشنهاد شد. پژوهش حاضر گام های نخستین را در برنامه ریزی منظر بر اساس آگاهی از پسندهای عمومی برداشته و این یافته ها ارائه کننده راهکارهای عملی برای طراحی کاشت در منظر هستند.

واژگان کلیدی: مقیاس بصری، ترکیب فضایی گیاهان، پارک محله، پسندهای بصری منظر.

نکات برجسته

- ترکیب فضایی گیاهان ایجاد کننده مقیاس بصری و دسترسی های بصری متفاوت در فضای سبز است.
- مقیاس بصری بسته و مقیاس بصری باز برای استفاده کنندگان از پارک محله ای مطلوب نیست.
- استفاده کنندگان مقیاس بصری نیمه باز و منظر سایبانی با دید باز را برای منظر پارک ترجیح می دهند.
- ترجیحات زنان نشان داد که محصوریت فضای سبز بیشتر برای آنها مطلوب تر است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «ارتقای خدمات فرهنگی فضای سبز شهری مبتنی بر ارزیابی بصری منظر (مورد مطالعاتی، پارک های شهری تهران)» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است. رساله به عنوان طرح پژوهشی از حمایت مالی و معنوی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران برخوردار است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: ansari_m@modares.ac.ir

۱. مقدمه

با افزایش روند شهرنشینی تا سال ۲۰۵۰، انتظار می رود ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی کنند (UN, 2014). از این رو برای افزایش کیفیت زندگی توجه به زیرساخت سبز شهری در اولویت اصلی برنامه توسعه شهری در سراسر جهان قرار گرفته است. پارک‌های شهری، به عنوان بخشی از زیرساخت سبز شهری نقش مهمی در ایجاد حس بهزیستی شهروندان دارند. پارک‌های شهری را می‌توان از نظر مقیاس عملکرد و حوزه نفوذ، دست کم به چهار دسته پارک‌های فراشهری، پارک‌های منطقه‌ای، پارک در مقیاس ناحیه‌ی شهری و پارک‌های محلی، دسته‌بندی کرد. پارک‌های محله‌ای، فضای سبز کوچک (در حد دو هکتار) با شعاع نفوذ حدود یک کیلومتر هستند و امکان دسترسی پیاده و آسان از بافت مسکونی به این فضاهای سبز وجود دارد. این پارک‌ها مردم را در سطح محلات با طبیعت پیوند می‌دهند و به سلامت روانی و جسمی ساکنان شهری کمک می‌کنند (Tavakoli & Majedi, 2013: 3). همچنین بازدیدکنندگان ترجیح می‌دهند تا مسافت‌های کوتاهی را برای استفاده از پارک طی کنند (Kabisch, et al., 2015: 26). با توجه به اهمیت فضای سبز محله‌ای، کمبود مطالعات و برنامه ریزی در زمینه کیفیت منظر پارک‌های محله‌ای در ایران (و به ویژه در شهر تهران که شهری متراکم است) کاملاً مشهود است. از این رو بوستان‌های محله‌ای هدف این مطالعه قرار گرفته‌اند.

در راستای عملکرد بهتر منظر، نیاز روزافزون نسبت به ارزیابی منظر به منظور بررسی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده احساس می‌شود (Farahani & Maller, 2018: 17). ۸۰ درصد اطلاعات محیط از طریق حس بینایی دریافت می‌شود و کیفیت بصری منظر از هسته‌های اصلی منظر محسوب می‌شود (Antrop & Eetvelde, 2017: 123). به همین دلیل ارزیابی بصری منظر از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به این که منظر دارای دو بعد عینی و ذهنی است، ارزیابی منظر نیز باید هر دو رویکرد را شامل شود (Mahan & Mansouri, 2018: 33). ارزیابی عینی منظر بر پایه تحلیل کالبدی منظر و بر اساس نظر متخصصان صورت می‌گیرد و ارزیابی ذهنی منظر به ادراکات ذهنی کاربران از منظر و کیفیت منظر می‌پردازد. افزایش میزان مشارکت مردم در فضاهای تفریحی باز و توجه آنها به طبیعت، از عوامل مهم افزایش پژوهش‌ها پیرامون شناخت ترجیحات یا پسندهای^۱ مردم در بوستان‌های شهری، در نقاط مختلف جهان است (Polat & Akay, 2015: 574). مطلوبیت بصری پارک در بین ساکنین محلی منجر به ایجاد حس تعلق به منطقه مسکونی می‌شود. هر قدر شرایط منظر و طراحی پارک تناسب بیشتری با پسندهای مردم داشته باشد، کارایی پارک بیشتر خواهد بود (Wang, et al., 2016: 212). از این رو پژوهش حاضر علاوه بر ارزیابی و شناسایی ویژگی کالبدی منظر، بر ادراک و ارزیابی پسندهای استفاده‌کنندگان از پارک تأکید می‌کند.

منظر پارک‌های شهری از ترکیب محیط انسانی و محیط کالبدی ایجاد شده که محیط کالبدی متشکل از لایه طبیعی و لایه مصنوع است (Matsuoka & Kaplan, 2008: 7). این نکته قابل توجه است که ویژگی از پارک که باعث می‌شود مردم پارک را برای تفریح انتخاب کنند، وجود فضای سبز و بهره‌مندی از محیط طبیعی پارک است (de la Barrera, 2016: 256). در ایران نیز مطالعات بر اهمیت پوشش گیاهی از نظر استفاده‌کنندگان از پارک تأکید کرده‌اند و از عوامل مهم رضایت از پارک را کیفیت پوشش گیاهی مطرح کرده‌اند (Mohammadi, 2017: 960). کیفیت بصری پوشش گیاهی بر مطلوبیت پارک به ویژه در زمینه تفریح و گردشگری تأثیر قابل توجهی دارد (Rahnema, 2019: 98). اما در ایران مطالعاتی در موضوع پسندهای بصری استفاده‌کنندگان در کیفیت طراحی پوشش گیاهی پارک‌ها باشد، وجود ندارد. در جهان مطالعاتی پیرامون ترجیحات استفاده‌کنندگان در مورد پوشش گیاهی پارک صورت گرفته‌است که اکثراً بر کاراکترهایی نظیر کیفیت نگهداری پوشش گیاهان، طبیعی به نظر رسیدن لایه طبیعی پارک، تراکم گیاهان، رنگ، اندازه و تنوع گونه‌های گیاهی تمرکز کرده‌اند (Polat & Akay, 2015: 574). اما با تأکید بر تئوری پناهگاه و نظرگاه^۲ (Appleton, 1996) و تئوری پروسه اطلاعات^۳ (Kaplan, et al., 1998: 52)، ویژگی مهم فضای سبز که بر کارکرد، امنیت، دسترسی و خوانایی پارک اثر می‌گذارد، مقیاس بصری^۴ یا گشایش فضایی است که از طریق ایجاد دسترسی بصری^۵ امکان دیدن اطراف را فراهم می‌کند و از کاراکترهای مهم منظر محسوب می‌شود. هر چند در مورد تراکم کاشت گیاهان در فضای سبز شهری و محصوریت مطلوب مطالعاتی صورت گرفته است (Zhang, Bjerke, et al., 2006: 35; Hami, et al., 2014: 107; et al., 2013: 45). ولی در زمینه مقیاس بصری مطلوب از طریق طراحی ترکیب فضایی گیاهان در فضای سبز شهری کمبود مطالعاتی وجود دارد. بنابراین در پژوهش حاضر ضمن شناسایی انواع ترکیب فضایی گیاهان در ایجاد انواع مقیاس بصری، هدف اصلی بررسی پسندهای استفاده‌کنندگان در مطلوبیت این مناظر است.

مطالعات نشان می‌دهند عوامل زمینه‌ای و ویژگی‌های فردی در ارزیابی ترجیحات استفاده‌کنندگان از منظر اثرگذارند (Semiari, et al., 2018). هر چند در مورد تأثیر این عوامل از جمله سن و جنس در الگوی رفتار و نوع استفاده از پارک، مطالعاتی در ایران وجود دارند (Pajooanfar, 2015: 213). ولی در زمینه تأثیر آنها در ترجیحات بصری در ایران مطالعه‌ای انجام نشده است. از میان عوامل تأثیرگذار، تفاوت سطح اقتصادی - اجتماعی در یک بستر فرهنگی، فاکتور مهم و تأثیرگذاری است (de la Barrera, et al., 2016: 255). تهران شهری است که نابرابری اقتصادی در آن مشهود و بین مناطق شمالی و جنوبی سطح توسعه‌یافتگی متفاوت است (Sadeghi, 2017: 174). از این رو در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی تأثیر جنسیت و سن استفاده‌کنندگان در ترجیحات بصری بر تفاوت

۱ در پژوهش حاضر از واژه «پسند» به دلیل آن که بر جنبه‌های ادراک حسی، وجوه درونی و ذهنی دلالت دارد، بیشتر استفاده می‌شود. در فرهنگ لغت، «پسند» اسم مصدر و از مصدر پسندیدن، به معنی گزینش و انتخاب مبتنی بر تجربه‌های آنی و سلیقه‌های فردی است. به این ترتیب، معادل «Landscape preferences»، «پسندهای منظر» است.

- 2 Prospect/Refuge theory
- 3 Information Process theory
- 4 Visual scale
- 5 Visual access

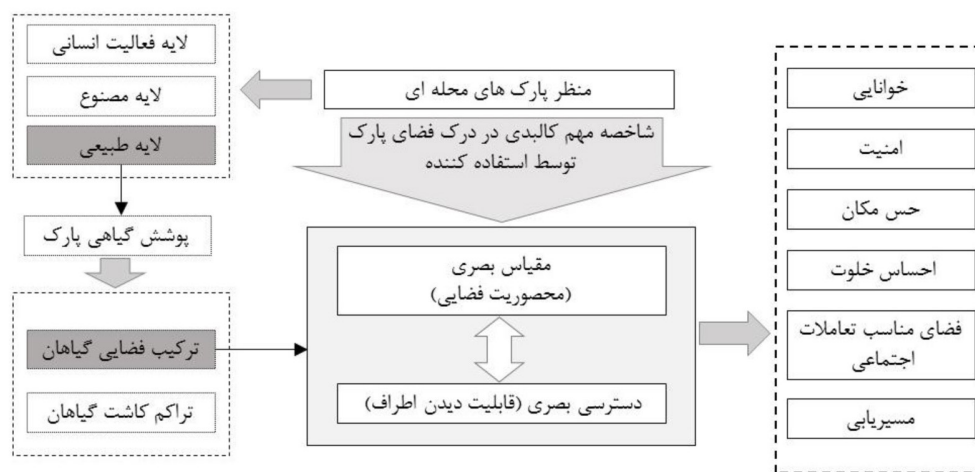
منظر پیشنهاد داده‌اند (Antrop & Eetvelde, 2017: 215). توییت و همکاران بر اساس نظریه‌های ذاتی و اکتسابی شکل‌گیری مطلوبیت منظر، نه شاخصه کلیدی را برای ارزیابی پسندهای منظر در قالب روش ساختار بصری ارائه داده‌اند. از میان شاخصه‌های معرفی شده در روش ساختار بصری، شاخصه مقیاس بصری عاملی مؤثر در ادراک منظر است و منعکس کننده تجربه میزان بسته بودن و محصوریت منظر در مقابل گشایش و گسترش دید در منظر است. مقیاس بصری منظر عاملی است که از طراحی کالبدی منظر ایجاد می‌شود و می‌تواند بر کیفیت منظر، اثرات مستقیمی داشته باشد. حس مکان، امنیت، احساس خلوت و فضای مناسب تعاملات اجتماعی از طریق کنترل مقیاس بصری و میزان محصوریت ایجاد می‌شوند (Tveit, et al., 2018: 47; Zekavat, 2013: 65) (تصویر شماره ۱). مسئله مهم در ارتباط با مقیاس بصری، دسترسی بصری است که در مناظر تفریحی به عنوان شاخصه مهمی تشخیص داده شده است؛ زیرا ایجاد دید به اطراف برای درک محیط اطراف و کاهش نگرانی محیطی بسیار مهم است (Arnberger, et al., 2017: 242). مقیاس بصری و دسترسی بصری اغلب تحت تأثیر ترکیب فضایی گیاهان و تراکم کاشت هستند (Kaplan, et al., 1998: 38; Tveit, 2018: 50). از آنجا که مطالعات در خارج از ایران حاکی از این مطلب است که مردم مناظر با ترکیب طبیعی را برای پارک ترجیح می‌دهند (Sang, et al., 2016: 268)، پژوهشگران ارتباط تراکم کاشت گیاهان و مقیاس بصری مطلوب را مورد مطالعه قرار داده‌اند (Zhang, et al., 2013: 44). اما هوفمن این طور اظهار می‌دارد که در پارک‌های طراحی شده نسبت به فضای سبز طبیعی، ترکیب فضایی برآمده از ترکیب کاشت انواع گیاهان به ویژه در لبه‌ها در ایجاد انواع مقیاس بصری نقش مهمتری نسبت به تراکم گیاهان دارد (Hofmann, 2012). اکثر پارک‌های محله‌ای تهران دارای ساختار طراحی شده و هندسی هستند. همچنین پارک‌های منظم و طراحی شده در اولویت مردم هستند (Feyzi, et al., 2015: 5). از این رو در پژوهش حاضر بر اساس تلفیق ارزیابی کالبدی - کمی منظر و ارزیابی ذهنی - کیفیتی، ابتدا ترکیب فضایی گیاهان در ایجاد انواع مقیاس بصری مورد شناسایی قرار گرفته سپس مطلوبیت انواع فضاهای ایجاد شده از نظر استفاده‌کنندگان از پارک ارزیابی می‌شود تا الگوی کاشت مناسب در لبه‌ها و میانه فضای سبز مشخص شود.

اجتماعی-اقتصادی مناطق مورد بررسی نیز تأکید و توجه خواهد شد. به این ترتیب پژوهش حاضر با رویکردی متفاوت و جدید قصد دارد بر چگونگی ترکیب گیاهان در پارک و نقش آنها در ایجاد انواع مقیاس بصری متمرکز شود و بر اساس ویژگی فرمی گیاهان، الگوی کاشت مناسب برای پارک محله‌ای پیشنهاد دهد. در این راستا ترجیحات زیبایی‌شناسانه استفاده‌کنندگان از پارک‌ها در مناطق با سطح درآمد مختلف و با توجه به جنسیت و سن آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا طراحی پوشش گیاهی زمینه‌ساز مطلوبیت پارک برای تفریح شهروندان باشد. اهداف پژوهش حاضر شامل موارد ذیل است:

۱. شناسایی و دسته بندی انواع مقیاس بصری بر اساس ترکیب فضایی گیاهان در پارک محله‌ای،
 ۲. بررسی پسندهای بصری مردم از انواع مقیاس بصری و
 ۳. ارائه راهکار برای طراحی ترکیب فضایی پوشش گیاهان.
- به این ترتیب نتایج پژوهش حاضر در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی منظر راهکارهای عملی را پیشنهاد خواهد داد.

۲. چارچوب نظری

تمایز اساسی بین مفهوم زمین و منظر این است که منظر شامل ادراک یک ناظر انسانی و تصویری است که او از منظره در ذهنش می‌سازد (Antrop & Eetvelde, 2017: 215). ترجیحات (پسندهای) منظر بر ارزیابی که فرد ناظر از این ادراک برایش ایجاد می‌شود، تمرکز دارد (Wang, et al., 2016: 212). یکی از مسائل اصلی طراحی منظر ایجاد ارتباط بین ویژگی‌های عینی منظر و تجربه ذهنی است تا بر مبنای پسندها و مطلوبیت منظر، عناصر منظر و ترکیب آنها طراحی شود (Douglas, et al., 2018: 3). بر اساس تحقیقات صورت گرفته (Wang, et al., 2015: 21; Hadavi, et al., 2016: 211) یافتن ترجیحات شهروندان شامل یافتن آن چیزی است که شهروندان نیاز دارند، می‌پسندند و از آن در پارک لذت می‌برند و می‌تواند شامل ارزیابی ساده از طرز تفکر شهروندان باشد و لازم نیست فرآیند عمیق شناختی و روند استنباطی را طی نمود و اغلب با مفاهیمی مثل مطلوب یا نامطلوب، زیبا یا نه، مفید یا غیرمفید می‌توان به پسندهای بصری منظر دست یافت و راهکارهایی برای طراحی مطلوب پیشنهاد داد (Farahani & Maller, 2018: 7). پژوهشگران شاخصه‌ها و روش‌های مختلفی را برای سنجش مطلوبیت



۳. روش

۳.۱. محدوده مورد بررسی

تهران در دامنه جنوبی کوه‌های البرز، بزرگترین شهر ایران است که در طی ۱۰ سال گذشته رشد جمعیت و مهاجرت به سمت آن افزایش چشمگیری داشته است. ویژگی بارز و قابل توجه تهران از نظر جمعیت شناختی، تفاوت شرایط اجتماعی - اقتصادی ساکنین در مناطق شمالی و جنوبی است. به طوری که آمار نشان می‌دهد، بالاترین قیمت مسکن و اجاره بهای آن در تهران برای منطقه ۱ و پایین‌ترین قیمت برای منطقه ۱۸ است. همچنین شغل ساکنین منطقه ۱۸ اغلب کارگران و گروه‌های شغلی فرودست است، در حالی که ساکنان منطقه ۱ در گروه‌های شغلی فرادست (نظیر متخصصین، کارگزاران و کارمندان عالی رتبه) مشغول هستند (Karami, 2014: 77). به طور کلی منطقه ۱ دارای سطح توسعه یافتگی بالا و منطقه ۱۸ از مناطقی است که پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی را دارد (Sadeghi & Zanjari, 2017: 174). این نتایج نشان از تفاوت‌های عمیق اجتماعی - اقتصادی در این دو منطقه از تهران است که بر سبک زندگی و بافت اجتماعی تأثیر قابل توجهی گذاشته است. با وجود این تفاوت‌ها، برنامه‌ریزی برای طراحی پارک محله‌ای بر اساس ترجیحات منظر وجود ندارد. بنابراین در پژوهش حاضر ترجیحات استفاده‌کنندگان از پارک در مناطق با سطح درآمد بالا (منطقه ۱) و پایین (منطقه ۱۸) بررسی شده است. از میان انواع پارک‌های شهری، هدف این مقاله مطالعه پارک‌های محله‌ای است؛ در منطقه با درآمد بالا، ۱۹ پارک محله‌ای و در منطقه با درآمد پایین ۲۲ پارک محله‌ای وجود دارد. با مشاهده میدانی و بررسی محلات و پارک‌های محله‌ای، پارک‌هایی که از نظر امکانات، امنیت و دسترسی به بافت مسکونی شرایط یکسان و مطلوبی را دارند، مشخص شدند. سپس پارک‌های با مساحت حدود دو هکتار که درصد فضای سبز مشابه دارند، انتخاب شدند. به این ترتیب در منطقه ۱، پنج پارک و در منطقه ۱۸، چهار پارک در نظر گرفته شد تا ویژگی ترکیب پوشش گیاهی آنها معرفی شود و ترجیحات بصری مراجعین به این پارک‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

۳.۲. مقیاس بصری منظر از طریق ترکیب فضایی پوشش گیاهی

در حالی که پژوهش‌ها مقیاس بصری را بر اساس تراکم کاشت گیاهان در سه دسته تقسیم کرده‌اند (Wang, et al., 2017)، پژوهش حاضر به شکل فرمی گیاهان و فاصله تا ناظر در ایجاد انواع مقیاس بصری توجه نموده است. ترکیب فضایی عناصر در منظر به معنی چگونگی قرارگیری عناصر منظر در کنار یکدیگر است (Hadavi, et al., 2015: 22). در تهران پارک محله‌ای از ترکیب مسیرهای حرکتی، محل مکث و فضای سبز تشکیل شده است. از این رو ترکیب فضایی کاشت انواع گیاهان در لبه‌های فضای سبز بر اساس دید ناظر مورد مطالعه قرار گرفت. در راستای ارزیابی و شناسایی عینی منظر، بر اساس منابع معتبر (Motloch, 2000: 195; Antrop & Eetvelde, 2017: 128) مشخص شد که برای تعیین انواع مقیاس بصری بر اساس ترکیب فضایی گیاهان، باید الگوی کاشت (ارتفاع گیاهان و لایه‌های کاشت) در ارتفاع دید ناظر و عمق دید وی بررسی شود. ارتفاع پوشش گیاهی با توجه به انواع گیاهان (گل و چمن و بوته - درختچه - درختان) و بر اساس خط دید

ناظر در سه سطح قابل مطالعه است: پایین تر، هم‌تراز و بالاتر از خط دید ناظر. همچنین عمق دید (فاصله بین ناظر و گیاه) در سه لایه قابل بررسی است: پس زمینه، میان زمینه و پیش زمینه. به این ترتیب پنج نوع ترکیب فضایی از الگوی کاشت می‌توان متصور شد که منجر به ایجاد انواع مقیاس بصری می‌شوند (جدول شماره ۱).

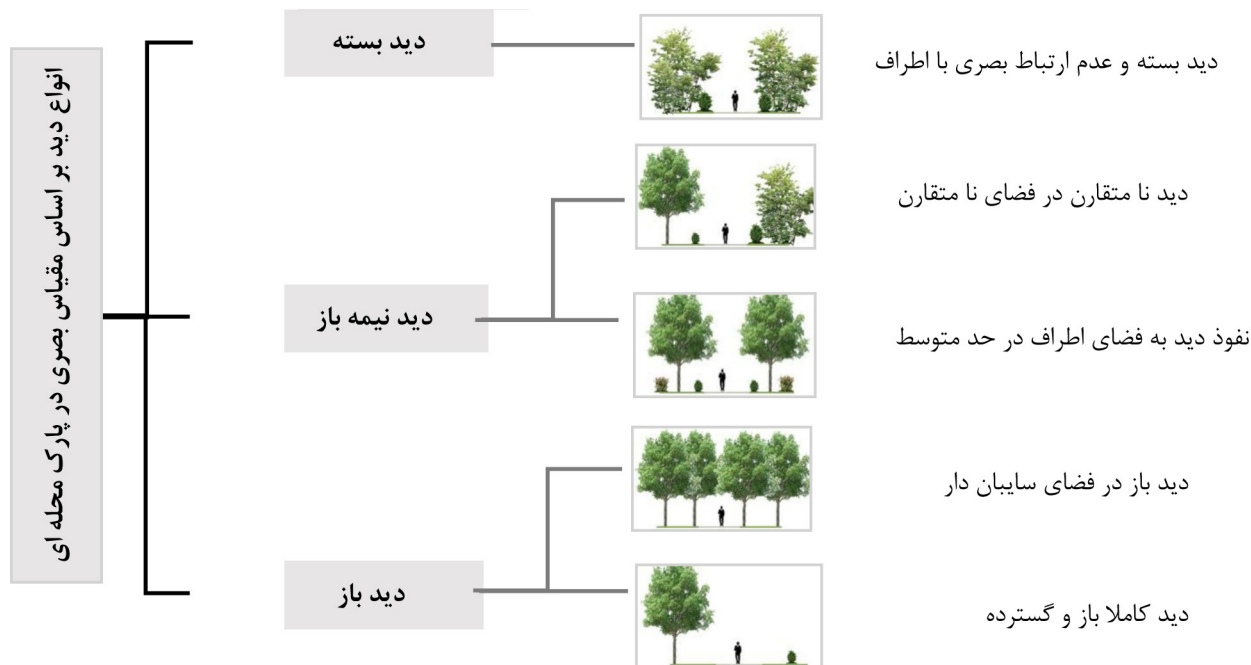
۳.۳. طراحی پرسشنامه

برای ارزیابی پسندهای منظر از روش پیمایشی علی مقایسه‌ای استفاده شده است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه محقق ساخته است که بر مبنای مطالعات صورت گرفته و نمونه پرسشنامه‌های موجود در ادبیات پژوهش تهیه شد. علاوه بر ثبت سن و جنس پاسخگویان، پرسشنامه دارای بخش ترجیحات بصری است. روش پرسشنامه تصویری روشی رایج برای سنجش ویژگی‌های بصری منظر است (Antrop & Eetvelde, 2017: 228). در این روش ابتدا کاراکترهای منظر و نحوه ترکیب آنها در فضا به وسیله کارشناسان مورد شناسایی قرار می‌گیرند. در این مرحله از تصاویر استفاده می‌شود تا ویژگی‌های منظر بر اساس شاخصه‌های اندازه‌گیری مشخص گردند. در نحوه استفاده از تصاویر دو رویکرد وجود دارد؛ یکی آن که تصاویر بر اساس کاراکترهای منظر تهیه می‌شوند (Polat & Akay, 2015) و دیگری این که با استفاده از نرم افزار فتوشاپ در یک تصویر تغییراتی ایجاد می‌شود تا حالت‌های متفاوتی از کاراکترهای مورد مطالعه اعمال شود (Wang, et al., 2017: 55). سپس مطلوبیت منظر برای استفاده‌کنندگان از طریق مشاهده تصویر سنجیده می‌شود. پاسخ‌دهنده تصاویر را بر اساس میزان مطلوبیت طبقه‌بندی می‌کند یا بر اساس طیف لیکرت به هر تصویر امتیاز می‌دهد (Farahani & Maller, 2018: 17). با تطبیق ارزیابی کالبدی و ارزیابی پسندهای مردم مشخص می‌شود ویژگی‌های کالبدی منظر در نظر کاربران چه میزان مطلوب هستند و یا این که با چه معنایی درک می‌شوند. به این ترتیب طراحان و برنامه‌ریزان منظر به راهکار عملی برای ارتقای کیفیت بصری منظر دست می‌یابند.

در پژوهش حاضر ترجیحات مقیاس بصری بر اساس انواع مناظر موجود در پارک مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای تهیه تصاویر از پارک‌های محله‌ای در ساعات بعد از ظهر روزهای بهار ۱۳۹۵ به پارک مراجعه شد و تعداد ۲۰۰ تصویر از فضای سبز تهیه گردید که فاقد سوزو انسانی باشد. در تصویر برداری دید ناظر در حالت ایستاده و دید به روبه رو لحاظ گردید. همچنین انواع مناظر از جمله مسیر مستقیم و غیر مستقیم تصویر برداری شد. تصاویر بر اساس پنج دسته مقیاس بصری (جدول شماره ۱) تقسیم شدند و بر اساس نظر محققین تعداد عکس‌ها به ۶۰ تصویر کاهش یافت. سپس تصاویر برای ۲۰ کارشناس ارشد معماری منظر از طریق ایمیل فرستاده شد و با توضیح موضوع مقیاس بصری از آنها خواسته شد از بین ۶۰ تصویر برای هر دسته مقیاس بصری سه تصویر انتخاب کنند. به این ترتیب با جمع بندی نظر کارشناسان ارشد تعداد تصاویر به ۱۵ عکس تقلیل پیدا کرد. سپس تصاویر به صورت چاپ شده در اختیار پنج استاد رشته معماری منظر قرار گرفت و ضمن توضیح موضوع پژوهش از آنها خواسته شد تا برای هر دسته از مقیاس بصری مد نظر دو تصویر انتخاب کنند که با جمع بندی نظر اساتید،

جدول شماره ۱: پنج نوع ترکیب فضایی گیاهان که ایجاد کننده انواع مقیاس بصری هستند (Antrop & Eetvelde, 2017:128; Motloch, 2000: 195)

مقیاس بصری	توضیح	دیاگرام
محصور- دید بسته و عدم ارتباط بصری با اطراف	از طریق کاشت درختچه و درختان در اشکوب پایین و میانی و بالایی و کاشت متراکم در پیش زمینه، دید ناظر به میان زمینه و پس زمینه محدود شده است.	
باز و گسترده- امکان نفوذ، ارتباط و کنترل بصری در فضاهای مجاور	شامل کاشت درختچه و بوته در اشکوب پایینی پیش زمینه و تراکم کاشت کم در میان زمینه امکان دید به اطراف وجود دارد و تا عمق فضا در پس زمینه قابل مشاهده است.	
باز در فضای سایبان دار-امکان نفوذ، ارتباط و کنترل بصری در فضاهای مجاور	با وجود کاشت متراکم درختان چتری سایه انداز، امکان دید تا عمق فضا در پس زمینه وجود دارد. اشکوب پایینی و میانی خالی است.	
نیمه باز - نفوذ دید به فضای اطراف در حد متوسط	با کاشت در اشکوب پایینی پیش زمینه و تراکم متوسط در اشکوب میانی و بالایی در پیش زمینه و میان زمینه، فضای پس زمینه و عمق فضا به صورت محدود قابل مشاهده است.	
نیمه باز - دید نا متقارن که از یک طرف دید بسته و در طرف دیگر دید باز	نوع کاشت در دو طرف منظره به نحوی است که از نظر عمق دید به پس زمینه تفاوت وجود دارد. در یک سمت با کاشت متراکم دید بسته شده و در سمت دیگر با کاشت باز دید گسترده دارد.	



تصویر شماره ۲: انطباق مقیاس بصری با سه درجه از گسترده دید

دو هفته، مجدداً پاسخگویان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. داده‌ها از این حکایت می‌کرد که گروه دوم ارتباط بین دو تصویر در هر مقیاس بصری را متوجه شده بودند. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و روش آماری t وابسته مقایسه شد و نشان داد تفاوت معناداری بین نظر آزمودنی‌ها در دو نوبت پاسخ‌دهی وجود ندارد. سپس با استفاده از آزمون ضریب همبستگی درون طبقه‌ای مشخص شد، پایایی زمانی بالاتر از ۰/۷۰ است. تصاویر پرسشنامه در تصویر شماره ۳ ارائه شده است.

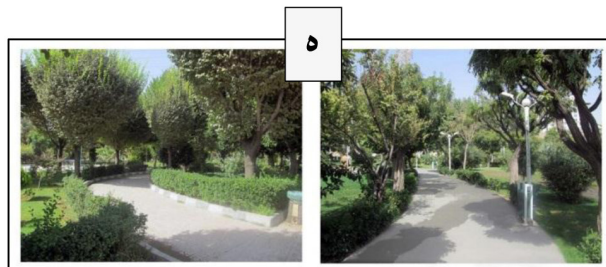
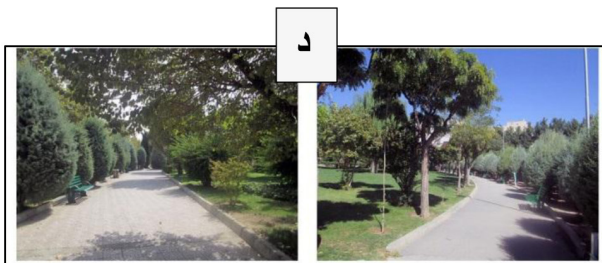
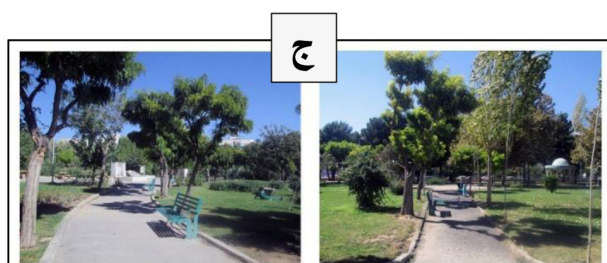
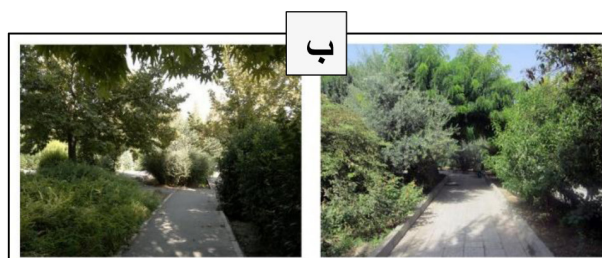
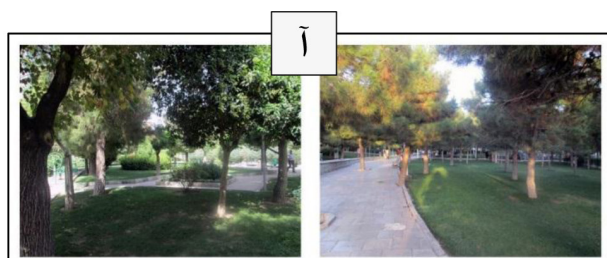
به این ترتیب پرسشنامه از دو بخش تشکیل شد:

بخش نخست

- سؤال درباره سن و جنسیت افراد

بخش دوم

- سؤال درباره پسندهای بصری شهروندان در رابطه با پنج دسته مقیاس بصری - چقدر این منظره را برای پارک محله‌ی خود مطلوب می‌دانید؟



تصویر شماره ۴: پنج دسته مناظر ارائه شده در پرسشنامه، آ: دید باز در فضای سایانی. ب: دید بسته. ج: دید باز و گسترده. د: دید نیمه باز در فضای نامتقارن. ه: دید نیمه باز

ساعات بعد از ظهر سه روز از هفته (روزهای تعطیل و غیر تعطیل) در تابستان سال ۱۳۹۵ به پارک‌ها مراجعه کردند. نمونه‌های پژوهش به صورت کاملاً تصادفی از بین استفاده‌کنندگان از پارک انتخاب شدند. تعداد ۱۸۰ نفر در منطقه با درآمد بالا (منطقه ۱) و ۱۸۳ نفر در منطقه با درآمد پایین (منطقه ۱۸) تهران پرسشنامه‌ها را به طور کامل تکمیل کردند.

۳.۴. جمع‌آوری داده‌ها

با توجه به این که روش‌هایی مانند ارسال پرسشنامه با پست یا ایمیل و یا تماس تلفنی در ایران رایج نیست، برای یافتن نمونه‌های آماری به پارک‌های محله‌ای مورد نظر در منطقه ۱ و منطقه ۱۸ مراجعه شد. همچنین با این اقدام، اطمینان حاصل می‌شود که فرد پاسخگو از پارک محله‌ای استفاده می‌کند. تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، تعداد ۳۸۴ نفر تعیین گردید. بعد از تکثیر پرسشنامه‌ها، محققین در

۳٫۵ روش آماری

به منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از روش‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار و نیز استفاده از نمودارها و جدول‌ها به دسته‌بندی و ارائه داده‌های خام پژوهش پرداخته شد. سپس با استفاده از روش امتیازدهی پنج سطحی لیکرت (شامل گزینه‌های اصلاً، کمی، متوسط، زیاد و خیلی زیاد)، امتیاز مربوط به هر طبقه و گروه محاسبه و مقایسه آنها با استفاده از آمار استنباطی انجام شد. برای مقایسه نظرات آزمودنی‌ها در ترجیح نوع مناظر، ابتدا از طریق آزمون همگنی واریانس‌های لوین، برابری واریانس‌ها بررسی شد و نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین واریانس متغیرها در گروه‌ها مشاهده نشد ($P < 0.05$). بنابراین برای مقایسه متغیرهای

مورد مطالعه از بین گروه‌ها از تحلیل واریانس یک راهه استفاده و در صورت وجود تفاوت معنی‌داری بین نظرات، از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که خطای نوع اول را کنترل می‌کند.

۴. بحث و یافته‌ها

۴٫۱ یافته‌ها

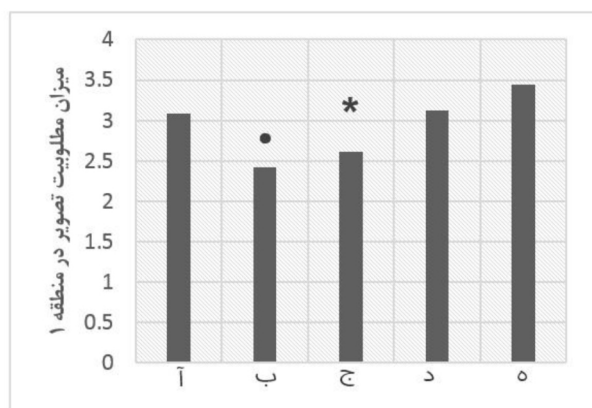
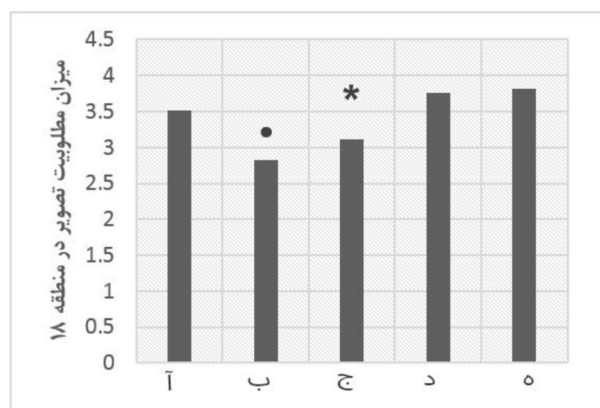
یافته‌های توصیفی پژوهش، در جدول شماره ۲ و نمودارهای ۱ تا ۳ ارائه شده است. این یافته‌ها شامل ویژگی‌های عمومی نمونه‌ها شامل سن و جنسیت آزمودنی‌ها و میزان مطلوبیت تصویر برای پارک محله‌ای است.

جدول شماره ۲: ویژگی‌های مربوط به سن و جنسیت نمونه‌ها

سن (سال)	جنسیت		تعداد	گروه‌ها
	زن (%)	مرد (%)		
35.69±16.91	56.32	43.68	180	منطقه ۱ 1
31.39±8.44	51.77	48.23	183	منطقه ۱۸ 18

منظره «ج» با مناظر «د» و «ه» تفاوت معنی‌دار دارند ($p=0/0001$). از این رو در نظر پاسخ‌دهنده‌ها، مناظر «ب» و «ج» که شامل منظر کاملاً محصور و کاملاً باز است، برای پارک محله‌ای نامطلوب است. در عین حال مقیاس بصری با دید نیمه باز در اولویت بالاتری در هر دو منطقه قرار دارد (نمودار شماره ۱).

تحلیل نتایج آماری نشان می‌دهد، مطلوبیت تصاویر مختلف دارای تفاوت معنی‌دار است ($F=11/72$ و $p=0/0001$) و این نتایج بدون در نظر گرفتن جنسیت و سن پاسخ‌دهندگان در هر دو منطقه با درآمد بالا (منطقه ۱) و درآمد پایین (منطقه ۱۸) مشابه است. آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد، در هر دو منطقه ۱ و ۱۸، از میان مناظر، منظره «ب» (با توجه به تصویر شماره ۱)، با مناظر «آ»، «د» و «ه» و همچنین

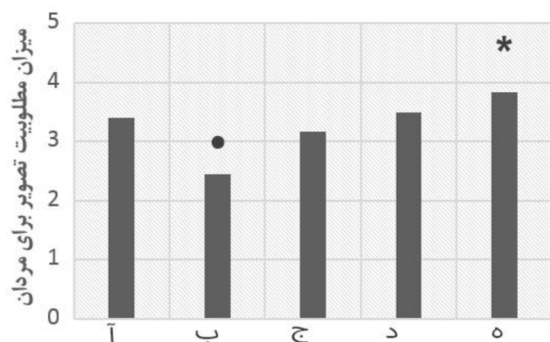


نمودار شماره ۱: مطلوبیت مناظر تصویر شماره ۱ برای پارک محله‌ای از نظر مردم در منطقه ۱ و ۱۸

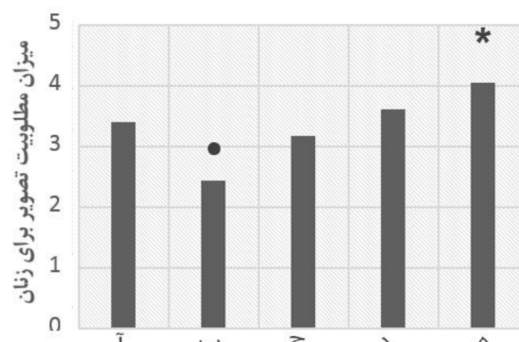
* تفاوت معنی‌دار در مقایسه با تصاویر «د» و «ه» در سطح $P \leq 0/01$ • تفاوت معنی‌دار در مقایسه با تصاویر «آ»، «د» و «ه» در سطح $P \leq 0/01$

«ه» تفاوت معنی‌دار دارند ($p=0/0001$). در بین زنان منظره «ب» (با توجه به تصویر شماره ۳)، با مناظر «آ»، «د»، «ج» و «ه» تفاوت معنی‌دار دارد ($p=0/0001$). همچنین منظره «ه» با مناظر «آ»، «ب»، «ج»، «د» و «ه» تفاوت معنی‌دار دارد ($p=0.0001$) (نمودار شماره ۲).

در مرحله بعد داده‌ها بر اساس جنسیت پاسخ‌دهندگان تحلیل شد. نتایج نشان داد که با در نظر گرفتن جنسیت، پاسخ‌ها نسبت به بخش قبل تفاوت اندکی دارند. در بین گروه مردان، منظره «ب» (با توجه به تصویر شماره ۳)، با مناظر «آ»، «د» و «ه» و همچنین منظره «ج» با منظره



* تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «ج» در سطح $P \leq 0/01$
 • تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «آ»، «ه»، «ج» و «د» در سطح $P \leq 0/01$

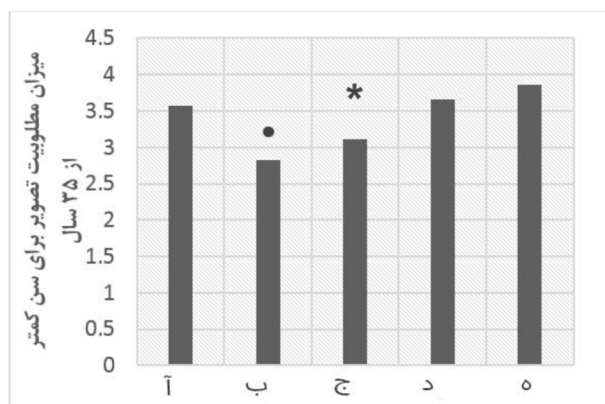


* تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «آ»، «ب»، «ج» و «د» در سطح $P \leq 0/01$
 • تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «آ»، «ج»، «د» و «ه» در سطح $P \leq 0/01$

نمودار شماره ۲: مطلوبیت مناظر تصویر شماره ۱ برای پارک محله‌ای از نظر گروه زنان و مردان

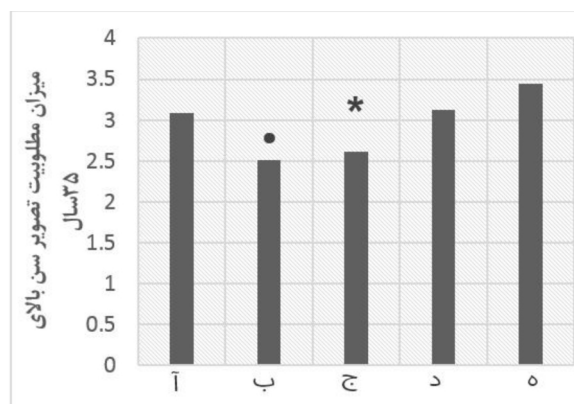
دارند ($p=0/0001$). که این یافته‌ها دقیقاً مشابه تحلیل داده‌ها بین دو منطقه با سطح متفاوت اجتماعی-اقتصادی است (نمودار شماره ۳).

تحلیل داده‌ها در بین دو گروه سنی بالای ۳۵ سال و پایین ۳۵ سال نشان داد که در هر دو گروه، منظره «ب» (با توجه به تصویر شماره ۳)، با مناظر «آ»، «د» و «ه» و همچنین منظره «ج» با مناظر «د» و «ه» تفاوت معنی دار



نمودار شماره ۳: مطلوبیت مناظر تصویر شماره ۱ برای پارک محله‌ای از نظر مردم در دو گروه سنی بالا و پایین‌تر از ۳۵ سال

* تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «د» و «ه» در سطح $P \leq 0/01$
 • تفاوت معنی دار در مقایسه با تصاویر «آ»، «د» و «ه» در سطح $P \leq 0/01$



درختان برای استفاده‌کنندگان مطلوب است ولی این پژوهش‌ها در بررسی خود جنبه زیبایی بصری از جمله امکان دسترسی بصری را لحاظ نکرده‌اند. اما مطالعاتی که با هدف بررسی محصوریت مطلوب و کارکرد بهتر فضای سبز انجام شده، نشان می‌دهند که با توجه اهمیت تأمین امنیت و خوانایی، کاشت متراکم پوشش گیاهی مطلوب نیست (Zhang, et al., 2013: 44; Hami, et al., Bjerke, et al., 2006: 35). پژوهش حاضر با جزئیات بیشتر نسبت به پژوهش‌های پیشین بر هندسه فضایی و طراحی کاشت انواع گونه‌ها در لبه فضای سبز متمرکز شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاشت متراکم گیاهان می‌تواند برای ناظر مطلوب باشد ولی باید در ارتفاع دید ناظر امکان تأمین دسترسی بصری فراهم شود. از این رو مقیاس بصری نیمه باز که در ارتفاع دید ناظر، مانع بصری وجود ندارد و حد میان‌های از گشایش فضایی تأمین شده است برای استفاده‌کننده مطلوب است (تصویر شماره ۳: منظره «ه»). در این راستا در نظریه پناهگاه و منظرگاه، Appleton (۱۹۹۶) چنین مطرح می‌کند که افراد تمایل دارند در مناظری باشند که امکان دیدن اطراف بدون دیده شدن را داشته باشند. وجود

۴.۲ بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ترجیحات بصری در مورد تصاویر مختلف متفاوت است. به این ترتیب که مقیاس بصری بسته و مقیاس بصری باز (تصویر شماره ۳: منظره «ب» و «ج») ایجاد کننده مناظر مطلوبی برای استفاده‌کنندگان نیستند. همچنین دید نیمه باز و دید باز سایبانی (تصویر شماره ۳: منظره «آ»، «د» و «ه») بین هیچ کدام از گروه‌های پاسخگو نامطلوب تشخیص داده نشدند. از بین عوامل زمینه‌ای بررسی شده (تفاوت سطح درآمد محلات، سن و جنسیت) عامل جنسیت در شکل‌گیری پسندهای منظر تأثیر اندکی دارد. مطالعات نشان می‌دهد مطلوبیت فضای سبز در نظر استفاده‌کنندگان از عوامل مهم رضایت از محل زندگی است (Douglas, et al., 2018: 3). اهمیت فضای سبز باعث شده تا مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شود. مطالعاتی که با تأکید بر اهمیت وجود فضای سبز در محیط شهری انجام شده، اظهار می‌دارند با توجه به نیاز به فضای سبز در محلات مسکونی (Hadavi, et al., 2015) و با تأکید بر تأثیر اکولوژیک درختان (Suppakittpaisarn, et al., 2019) کاشت متراکم

هر دو امکان یعنی داشتن منظرگاه و پناهگاه از نیازهای اولیه و ذاتی هر فردی است. یافته پژوهش حاضر در زمینه مقیاس بصری نیمه باز و نامتقارن تاییدکننده این مطلب است.

پژوهش حاضر نشان داد، در مقیاس بصری بسته که درختان و درختچه‌ها با بدنه‌های کاملاً پوشیده قرار گرفته‌اند و امکان دید به اطراف وجود ندارد (تصویر شماره ۳: منظره «ب») از نظر پاسخ‌دهندگان مطلوب نیست. علت اصلی این امر می‌تواند عدم تأمین امنیت در چنین منظره‌ای باشد. تأمین دسترسی بصری مسئله‌ای مهم در ایجاد امنیت فضای سبز است. Keith (۲۰۱۸) نیز از عوامل مهم ایجاد مطلوبیت فضای سبز حاشیه مسیرهای حرکتی را ایجاد امنیت مطرح می‌کند. Kaplan (۱۹۹۸) اظهار می‌دارد استفاده‌کننده حتی بدون درک کامل محیط در مورد احساس راحتی و یا نگرانی خود در باب آن تصمیم می‌گیرد. این تصمیم‌گیری تا حد زیادی به قابلیت دسترسی بصری محیط بستگی دارد. در همین راستا نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد، استفاده‌کنندگان مقیاس بصری بسته با دید بسته را نمی‌پسندند.

در مورد مقیاس بصری باز (تصویر شماره ۴: منظره «آ») و «ج»، یافته‌ها نشان داد ترجیحات در دو نوع مقیاس بصری باز (تصویر شماره ۳) با هم متفاوت هستند؛ به این ترتیب که الگوی کاشتی که در لایه‌های پیش زمینه، میان زمینه و پس زمینه پوشش گیاهی در سطح همتراز، پایین تر و بالاتر از ناظر بسیار کم بوده و زمین با چمن پوشیده باشد، به نظر استفاده‌کنندگان نامطلوب است (تصویر شماره ۳: منظره «ج»). کاپلان در نظریه پروسه اطلاعات که مطلوبیت منظر را بر اساس تمایل ذاتی انسان به حس کشف و شناخت می‌داند چنین مطرح می‌کند که محیط پیرامون را می‌توان طوری پردازش کرد که به آسانی قابل درک بوده و انگیزه کشف و جست‌وجو در انسان را تشویق کند (Kaplan, et al., 1998: 45). منظر کاملاً باز که در ارتفاع پایین تر و همتراز و بالاتر از دید انسان، تعداد عناصر سبز کم است، انگیزه‌ای را برای کشف در ناظر ایجاد نمی‌کند. زیرا در این حالت حس انسجام و محصوریتی وجود ندارد (Kaplan, et al., 1998: 45). همچنین مطالعات متأخر نشان می‌دهد، استفاده‌کنندگان از فضای سبز شهری چنین می‌پسندند که تعداد عناصر پوشش گیاهی به ویژه درختان در منظر زیاد باشد تا نیازهای روانی به فضای سبز و نیازهای اکولوژیک تأمین شود (Suppakitpaisarn, et al., 2019). این درحالی است که در پارک‌های شهر تهران تمایل به طراحی مناظر باز با دید گسترده و تعداد کم عناصر سبز گیاهی با سطوح چمن کاری رو به افزایش است.

در مورد مقیاس بصری باز در فضای سایبانی (تصویر شماره ۳: منظره «آ») نتایج نشان داد، این منظره با وجود تأمین دید کاملاً باز، برای استفاده‌کنندگان مطلوب است. در این منظره درختان سایه اندازه و چتری با تراکم بالا کاشته شده‌اند و در سطح پایین تر و برابر دید ناظر در لایه پیش و میان و پس زمینه پوشش گیاهی نیست، در این حالت میزان مطلوبیت منظر قابل توجه است. برخلاف مطالعاتی که بر تراکم میانه پوشش گیاهی تأکید داشتند و کاشت متراکم را نامطلوب می‌دانستند (Bjerke, et al., 2006: 35)، در اینجا می‌بینیم ترکیب فضایی پوشش گیاهی به نحوی است که کاشت متراکم درختان چتری مطلوب است. نتایج تحقیق نشان داد، در منظر پارک محله‌ای با وجود

درختان چتری و سایه اندازه متراکم نیازی به کاشت بوته در ارتفاع پایین تر از دید نیست. با تأکید بر تأمین آسایش حرارتی و سایه اندازی این نتایج قابل تفسیر است. در این راستا یافته‌های Rafi (2020) نشان می‌دهد، کاشت درختان چتری و سایه اندازه در جوار منظر آبی مطلوب است. همچنین در مناظر مربوط به جنگل کاری شهری نیز مشابه یافته‌های پژوهش حاضر Ebenberger (2019) اظهار می‌دارد، بازدید کنندگان مناظری را که درختان با تاج بسته و پوشش گیاهی در سطح زمین قرار دارند را می‌پسندند. هرچند این یافته‌ها با نظر Appleton (۱۹۹۶) مبنی بر مطلوبیت مناظری که امکان ایجاد پناهگاه را داشته باشند، در تقابل هستند. مطالعات بسیاری تأکید دارند، زمینه‌های فردی و اجتماعی افراد در پسندهای زیبایی منظر اثرگذار است (Wang, Zhao, 2017- Sang, et al., 2016). در پژوهش حاضر به این دلیل که مقیاس بصری و دسترسی بصری زمینه ساز امنیت و خوانایی پارک هستند و منجر به کارکرد بهتر پارک می‌شوند، تقریباً عوامل زمینه‌ای نظیر سن و تفاوت سطح اجتماعی-اقتصادی در این ترجیحات اثرگذار نبودند. مشابه این یافته‌ها de la Barrera (2016) نیز اشاره کرده است از هر سطح درآمدی، مردم تراکمی از پوشش گیاهی را مناسب فضای سبز پارک می‌دانند که امکان دیدن اطراف فراهم باشد. از بین عوامل زمینه‌ای تنها عامل جنسیت پاسخگویان اندکی در پسندهای بصری اثرگذار بود. بررسی ترجیحات نشان داد با وجود این که مطلوبیت منظره «۵» (تصویر شماره ۱) که دارای دید میانه به اطراف است در بین همه گروه‌ها مشاهده شد، مطلوبیت این دید (تصویر شماره ۱: منظره «۵») در بین گروه زنان قابل توجه است؛ این منظره با توجه به ایجاد حریم و در عین حال داشتن دید کافی به اطراف برای زنان نسبت به همه مناظر دیگر، فضای مناسب‌تری برای پارک محله‌ای تشخیص داده شد. همچنین در مورد منظره با دید بسته (تصویر شماره ۱: منظره «ب») که از نظر استفاده‌کنندگان از پارک نامطلوب قلمداد شده بود، میزان عدم مطلوبیت این منظره در بین گروه زنان قابل توجه است؛ به گونه‌ای که با تمام تصاویر دیگر تفاوت معناداری دارد که می‌تواند ریشه در عدم امنیت فضا باشد.

۵. نتیجه‌گیری

پسندهای مردمی برای هدایت و تکمیل طراحی حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، مشارکت شهروندان برای تصمیم‌گیری در فرایندهای طراحی، اجرا و ارزیابی به منظور بهبود ایده‌های طراحی و کیفیت زندگی شهری بسیار مهم است. بنابراین فرآیند طراحی، به ویژه در زمینه منظر، نیازمند ترکیب پسندهای عمومی در مراحل اولیه طراحی است تا فاصله بین نیازهای کاربر و تصمیمات حرفه‌ای کم شود. به منظور برنامه‌ریزی برای کاشت گیاهان، کنترل مطلوبیت دید که برآمده از ترکیب فضایی گیاهان باشد، مهم و قابل بررسی است. نتایج این تحقیق نشان داد، با توجه به مطلوبیت تصاویر نیمه باز، ترکیب فضایی گیاهان از طریق کاشت انواع درختچه و درختان و همچنین هرس آنها باید به نحوی باشد که در لایه پیش‌زمینه مانع بصری وجود نداشته باشد ولی کاشت گونه‌ها در ارتفاع دید ناظر در لایه پس‌زمینه و به صورت پراکنده در لایه میان‌زمینه بالا مانع است. همچنین وجود بوته‌ها در ارتفاع پایینی دید ناظر و قرارگیری تاج پوشش

- Forestry & Urban Greening, 5(1), 35-44.
- de la Barrera, F., Reyes-Paecke, S., Harris, J., Bascuñán, D., & Fariás, J. M. (2016). People's perception influences on the use of green spaces in socio-economically differentiated neighborhoods. *Urban Forestry & Urban Greening*, 20, 254-264.
 - Douglas, O., Russell, P., & Scott, M. (2019). Positive perceptions of green and open space as predictors of neighbourhood quality of life: implications for urban planning across the city region. *Journal of environmental planning and management*, 62(4), 626-646.
 - Ebenberger, M., & Arnberger, A. (2019). Exploring visual preferences for structural attributes of urban forest stands for restoration and heat relief. *Urban Forestry & Urban Greening*, 41, 272-282.
 - Feyzi, M., Mozaffar, F., Raieati Damavandi, M., Azimi, R. (2015). The comparison of public perception and preference between regular-geometrical and natural-organic urban parks (Case study: Laleh park and Daneshjoo park). *Motaleate Shahri*, 4(13), 5-16. [in Persian]
 - Farahani, L. M., & Maller, C. J. (2018). Perceptions and Preferences of Urban Greenspaces: A Literature Review and Framework for Policy and Practice. *Landscape Online*, 61, 1-22.
 - Jahani, A., & Saffariha, M. (2020). Aesthetic preference and mental restoration prediction in urban parks: An application of environmental modeling approach. *Urban Forestry & Urban Greening*, 54, 126775.
 - Jahani, A., Mohammadi Fazel, A. (2017). Aesthetic quality modeling of landscape in urban green space using artificial neural network. *Journal of Natural Environment*, 69(4), 951-963. [in Persian]
 - Hadavi, S., Kaplan, R., & Hunter, M. C. R. (2015). Environmental affordances: A practical approach for design of nearby outdoor settings in urban residential areas. *Landscape and Urban Planning*, 134, 19-32.
 - Hami, A., Suhardi, B. M., Manohar, M., & Malekizadeh, M. (2014). The relationship between landscape planting patterns and perceived safety in urban parks in Tabriz, Iran. *African Journal of Environmental Science and Technology*, 8(2), 107-113
 - Hofmann, M., Westermann, J. R., Kowarik, I., & Van der Meer, E. (2012). Perceptions of parks and urban derelict land by landscape planners and residents. *Urban Forestry & Urban Greening*, 11(3), 303-312
- درختان در ارتفاع بالاتر از دید ناظر در لایه پیش‌زمینه مطلوب است. با توجه به مطلوبیت تصویر دید باز سایبانی می‌توان با انتخاب ترکیبی از درختان چتری سایه‌انداز از دو نوع خزان‌پذیر و خزان‌ناپذیر بر اساس شرایط اقلیمی تهران در فصل زمستان و تابستان منظر مطلوبی را فراهم نمود که امکان دسترسی بصری گسترده‌ای نیز ایجاد گردد. با توجه به عدم مطلوبیت منظر دید بسته، کاشت گیاهان به گونه‌ای که در ارتفاع دید ناظر در لایه پیش‌زمینه دید بسته شود، اصلاً مناسب برای طراحی پارک نیست. همچنین باید از طراحی مناظری با مقیاس بصری گسترده که تراکم پوشش در هر سه لایه کم است، اجتناب نمود. در مورد تأثیر عوامل زمینه‌ای این طور می‌توان اظهار نمود که ترجیحات منظر در مورد دسترسی بصری مطلوب بین گروه‌های مختلف تقریباً یکسان بود اما زنان با توجه به نیاز به حریم و امنیت، تمایل بیشتری به تصویر با دید میانه داشتند و تصویر با دید بسته برایشان نامطلوب‌تر بود. به این ترتیب با توجه به الگوی‌های به دست آمده می‌توان گونه‌های پیشنهادی را بر اساس ارتفاعشان برای هر سه لایه پیش‌زمینه، میان‌زمینه و پس‌زمینه پیشنهاد داد.
- به این ترتیب با توجه به اهمیت شناخت پسندهای مردم از منظر، پژوهش حاضر گام‌های نخستین را در مسیر تدوین برنامه‌ها و راهبردهای بوم‌محور و مبتنی بر نیازهای جامعه محلی برداشته است. لازم است پژوهش‌های آینده این مسیر را کامل کنند و عوامل گسترده‌تری از منظر را مورد بررسی قرار دهند. بررسی کیفیت‌هایی از منظر که مردم می‌پسندند، باید در مطالعات مورد توجه قرار گیرند تا راهگشای برنامه‌ریزان و طراحان منظر در تدوین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و راه‌حل‌های طراحی باشند.
- قدردانی:** این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «ارتقای خدمات فرهنگی فضای سبز شهری مبتنی بر ارزیابی بصری منظر (مورد مطالعاتی، پارک‌های شهری تهران)» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است. رساله به عنوان طرح پژوهشی در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران پذیرفته شده و از حمایت مالی و معنوی این سازمان برخوردار است.

References:

- Antrop, M., & Van Eetvelde, V. (2017). *Landscape Perspectives: The Holistic Nature of Landscape* (Vol. 23). Springer.
- Appleton, J. (1996). *The experience of landscape*. Chichester: Wiley.
- Arnberger, A., Schneider, I. E., Ebenberger, M., Eder, R., Venette, R. C., Snyder, S. A. & Cottrell, S. (2017). Emerald ash borer impacts on visual preferences for urban forest recreation settings. *Urban Forestry & Urban Greening*, 27, 235-245.
- Bjerke, T., Østdahl, T., Thrane, C., & Strumse, E. (2006). Vegetation density of urban parks and perceived appropriateness for recreation. *Urban*

- Kabisch, N., Qureshi, S., & Haase, D. (2015). Human-environment interactions in urban green spaces—A systematic review of contemporary issues and prospects for future research. *Environmental Impact Assessment Review*, 50, 25-34.
- Kaplan, R., Kaplan, S., & Ryan, R. (1998). *With people in mind: Design and management of everyday nature*. Island press.
- Karami, T. (2014). The Role of Social Stratification in the Spatial Distribution of Vulnerability to Environmental Hazards in the City of Tehran. *Journal of Spatial Analysis Environmental Hazards*, 1 (1), 67-83. [in Persian]
- Keith, S. J., Larson, L. R., Shafer, C. S., Hallo, J. C., & Fernandez, M. (2018). Greenway use and preferences in diverse urban communities: Implications for trail design and management. *Landscape and Urban Planning*, 172, 47-59.
- Mahan, A. & Mansouri, S. (2018). Developing a Landscape Assessment Model (A review study of current methods and approaches to landscape assessment). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 14(56), 33-42. [in Persian]
- Matsuoka, R. H., & Kaplan, R. (2008). People needs in the urban landscape: analysis of landscape and urban planning contributions. *Landscape and urban planning*, 84(1), 7-19.
- Motloch, J. L. (2000). *Introduction to landscape design*. John Wiley & Sons.
- Pajoohanfar, M., (2015). Analysis on Motives of Urban Park User and Influence of Socio-Demographics on Motives (a case study: Residents of Gorgan City). *Geographical Planning of Space*, 5(15), 163-176. [in Persian]
- Polat, A. T., & Akay, A. (2015). Relationships between the visual preferences of urban recreation area users and various landscape design elements. *Urban Forestry & Urban Greening*, 14(3), 573-582.
- Rafi, Z. N., Kazemi, F., & Tehranifar, A. (2020). Public preferences toward water-wise landscape design in a summer season. *Urban Forestry & Urban Greening*, 48, 126563.
- Rahnema, S., Sedaghatthoor, S., Allahyari, M. S., Damalas, C. A., & El Bilali, H. (2019). Preferences and emotion perceptions of ornamental plant species for green space designing among urban park users in Iran. *Urban Forestry & Urban Greening*, 39, 98-108.
- Tavakoli, N., Majedi, H. (2013). Investigating the Function of Natural Green Spaces to Promote Human's Psychological-Spiritual Health. *Hoviatshahr*, 7(13), 23-33. [in Persian]
- Tveit, M. S., Ode Sang, Å. & Hagerhall, C. M. (2018). Scenic beauty: visual landscape assessment and human landscape perception. *Environmental Psychology: An Introduction*, 45-54.
- UN, 2014. *World Urbanization Prospects: The 2014 Revision, Highlights*. Department of Economic and Social Affairs. Population Division, United Nations.
- Sadeghi, R., & Zanjari, N. (2017). The Inequality of Development in the 22 Districts of Tehran Metropolis. *Social Welfare Quarterly*, 17, 149-184. [in Persian]
- Sang, Å. O., Knez, I., Gunnarsson, B., & Hedblom, M. (2016). The effects of naturalness, gender, and age on how urban green space is perceived and used. *Urban Forestry & Urban Greening*, 18, 268-276.
- Semiari, A., Sadeghi, Z., Rahmani, F., Khaje Saeed, F. (2018). Landscape preferences evaluation: Planning of neighborhood parks in Tehran with community-oriented approach. *Environmental Sciences*, 16(2), 15-30. [in Persian]
- Wang, R., Zhao, J., & Liu, Z. (2016). Consensus in visual preferences: The effects of aesthetic quality and landscape types. *Urban Forestry & Greening*, 20, 210-217.
- Wang, R., Zhao, J., & Meitner, M. J. (2017). Urban woodland understory characteristics in relation to aesthetic and recreational preference. *Urban Forestry & Urban Greening*, 24, 55-61
- Wang, R., & Zhao, J. (2017). Demographic groups' differences in visual preference for vegetated landscapes in urban green space. *Sustainable cities and society*, 28, 350-357.
- Suppakittpaisarn, P., Jiang, B., Slavenas, M., & Sullivan, W. C. (2019). Does density of green infrastructure predict preference?. *Urban Forestry & Urban Greening*, 40, 236-244.
- Zekavat, K. (2013). Physical Organization in Urban Design. *Soffeh*, 23(1), 65-90. [in Persian]
- Zhang, H., Chen, B., Sun, Z., & Bao, Z. (2013). Landscape perception and recreation needs in urban green space in Fuyang, Hangzhou, China. *Urban Forestry & Urban Greening*, 12(1), 44-52.

نحوه ارجاع به مقاله:

صادقی، زهرا؛ انصاری، مجتبی؛ حقیقت‌بین، مهدی؛ (۱۴۰۰) بررسی الگوی کاشت گیاهان در مقیاس بصری مطلوب در پارک‌های محله‌ای (نمونه مورد مطالعه: پارک‌های محله‌ای منطقه ۱۸ و ۱ تهران)، مطالعات شهری، ۱۰ (۴۱)، ۳۱-۴۲. doi: 10.34785/J011.2022.795/ .Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تبیین مدل مفهومی نقش آفرینی فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی^۱

علی محمد سعادت^۱ - دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

فرشته احمدی^۲ - استادیار، گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

علی غفاری - استاد مدعو، گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. و استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

الهام ناظمی - استادیار، گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۹ آذر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

فضای شهری در یک بستر تاریخی، علاوه بر دارا بودن همه عملکردهای متعارف خود که در سایر محیط‌های شهری نیز عهده‌دار است، باید نقش خود را در ترازوی بالاتر و چند وجهی منطبق با ویژگی‌های یک بافت تاریخی هویت‌مند ایفا نماید. بر این مبنا هدف اصلی پژوهش حاضر، کشف چگونگی ارتباط و نحوه برهمکنش مؤلفه‌های فضای شهری با اجزا و ارکان متشکله جریان زندگی در بافت تاریخی است؛ به نحوی که بتوان با مدیریت و استفاده شایسته از ظرفیت‌های فضای شهری در بستر بافت تاریخی، کیفیت زندگی ساکنان و کاربران آن را ارتقا بخشید. این مهم به نوبه خود حفظ ساکنین بومی در محدوده بافت تاریخی، بازگشت مهاجران از محدوده و پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی را موجب خواهد شد. روش تحقیق پژوهش حاضر «توصیفی-تحلیلی»، «استدلال منطقی» و در نهایت «دلفی‌سازی و نظرسنجی از خبرگان» است. بدین ترتیب که ابتدا به مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیات ناظر بر آن پرداخته شده، سپس ابعاد و سنج‌های کیفیت زندگی شهری بررسی و شاخص‌هایی از آن که به فضای شهری و کیفیت محیطی اشاره دارد و موضوع کار طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است، بر اساس دیدگاه‌های نظری و تحقیقات انجام شده گذشته مشخص شده است. در گام بعدی شاخص‌های استحصال شده با ویژگی‌های خاص بافت تاریخی مورد پایش و بازبینی قرار گرفته است. شاخص‌های به دست آمده از دلفی (با تعداد ۹۱ شاخص) با اظهار نظر حدود ۴۰ نفر از خبرگان رشته و حرفه به ۶۴ شاخص تقلیل یافتند. در نهایت نتایج آن در قالب مدل مفهومی نقش فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهری ارائه شده است. این مدل مفهومی از شش مؤلفه تشکیل شده؛ شامل مؤلفه زیست محیطی با معیارهای «کیفیت زیست خرد فضاها»، «یابرداری زیست محیطی»، مؤلفه تجربی-زیبایی شناختی با معیارهای «هم‌پیوندی بافت جدید و قدیم»، «کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی»، مؤلفه عملکردی با معیارهای «تنوع استفاده از محیط»، «سرزندگی و کیفیت محیطی»، «ایمنی و امنیت» و «حمل و نقل و دسترسی»، مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با معیارهای «سرزندگی و انسجام اجتماعی»، «حفظ تعادل جمعیت»، مؤلفه اقتصادی با معیارهای «سرزندگی و ثبات اقتصادی»، «انعطاف‌پذیری برنامه‌های توسعه» و مؤلفه‌ی زمان با معیارهای «مدیریت زمان در فضاهای همگانی»، «تداوم مکان» که شاخص‌ها را تعریف کرده‌اند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، فضای عمومی شهری، بافت تاریخی، مدل مفهومی، ساکنان.

نکات برجسته

- ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی.
- مدل مفهومی نقش فضای شهری در زندگی عمومی.
- عدم بهبود کیفیت زندگی، بدون تعامل محیط، جامعه و اقتصاد.
- موفقیت فضاهای عمومی شهر در جلب رضایت ساکنان و استفاده کنندگان از بافت‌های تاریخی با استفاده از کیفیت‌های کالبدی، عملکردی و محیطی.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان «تبیین الگوی نقش آفرینی مؤلفه‌های فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان بافت‌های تاریخی» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده‌های سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: feahmadi60@gmail.com

۱. مقدمه

فضای شهری علاوه بر تأثیرات بی‌بدیل کالبدی، محتوایی و عملکردی می‌تواند به عنوان معیار سنجش پویایی و سرزندگی و به تبع آن ارزیابی کیفیت زندگی شهری در عرصه کلانشهرها عمل نماید (Soltanzadeh & Rohbakhshan, 2016). علاوه بر این یک فضای شهری کارآمد بر احیا و افزایش سرزندگی و کیفیت زندگی در یک بافت تاریخی که در معرض فرسودگی قرار گرفته، از دو حیث کالبدی و محتوایی بسیار تأثیرگذار است (Habibi & Pour-mohammad, 2013; reza). با توجه به تأثیر فضای شهری و اهمیت آن در بافت تاریخی، عنصر کلیدی که این دو را به هم متصل می‌کند، کیفیت زندگی است. «مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد و برای بازشناسی راهبردهای توسعه و طراحی برنامه‌ریزی آینده استفاده شود» (Yaghfoori et al, 2016).

با وجود این که پژوهش‌های متعددی به شناخت و سنجش کیفیت زندگی شهری پرداخته‌اند، شاخص‌های تأثیرگذار در سطوح نهفته و لایه‌های پنهان و عمیق‌تر کیفیت که تأثیرات عینی بر زندگی واقعی مردم در یک محیط شهری می‌گذارند، به دلیل پیچیدگی‌های بسیار و تعدد متغیرهای موجود و دشواری ارزیابی‌های پس از اجرا، هنوز به خوبی شناسایی و واکاوی نشده‌اند. فضای شهری در یک بستر تاریخی، علاوه بر دارا بودن همه عملکردهای معمول و متعارف خود از جمله افزایش سرزندگی، ایجاد حس وحدت جمعی، نمایش فرهنگ و هویت دینی و ملی، تأثیرات مثبت اقتصادی بر محیط و ایجاد ارزش افزوده مالی، افزایش سطح دسترسی‌های بصری و فیزیکی و... (که در سایر محیط‌های شهری نیز عهده‌دار است)، باید نقش خود را در ترازوی بالاتر و چند وجهی منطبق با ویژگی‌های یک بافت تاریخی هویت‌مند در عمق قلمرو و دامنه تأثیرگذاری خود ایفا نماید. این نقش خطیر عبارت است از عمل نمودن مؤلفه‌های سازنده فضای شهری به عنوان قوه محرکه ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های ارزشمند تاریخی که دچار فرسایش کالبدی و عملکردی شده‌اند. در این راستا پژوهشگران به بررسی رابطه بین برخی از شاخص‌های کیفیت محیطی با کیفیت زندگی شهری پرداخته‌اند و از این دریچه، رضایتمندی شهروندان از فضای شهری را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده‌اند (Zebardast, 2008; Marans, 2015; Hamdan et al, 2014; Ijla, 2013; Zainal, 2012, 2009; Kaklauskas et al, 2018; Low et al, 2018; Grririlidise et al, 2016). در تحقیقات انجام شده گذشته غالباً ارتباط زمینه‌های شفاف نقش‌آفرینی فضاهای عمومی در شهر در رابطه با ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تبیین نگردیده است. این مهم به ویژه در رابطه با کیفیت‌های ناملموس زندگی شهری بغرنج‌تر است. در این بین پژوهش‌های عمیق و جامع نگر که به تلفیق دو عرصه فضای شهری و بافت تاریخی با مفهوم کیفیت زندگی بپردازند، بسیار اندک بوده و عمده پژوهش‌های انجام شده به شکلی مجزا و با نگاهی بخشی به این دو عرصه پرداخته‌اند. بر این مبنا در پژوهش حاضر با هدف تبیین نحوه تأثیرگذاری فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی بر معیارها و

شاخص‌های کیفیت زندگی در آنها، به شناسایی و استخراج معیارها و شاخص‌های کیفیت زندگی مرتبط با فضاهای شهری و کیفیات آن و تحلیل ضرورت و نحوه انطباق معیارهای مشترک کیفیت زندگی و فضای شهری با ویژگی‌های بافت‌های تاریخی، پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۲.۱. فضای شهری و مؤلفه‌های آن

فضای شهری تمام بخش‌های بافت شهری است که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. به طور اخص از دیدگاه کارمونا، «فضای شهری آن طور که تجربه شده نتیجه عواملی چون گرایش‌ها و هنجارهای تاریخی مرتبط با دوره‌های گذشته، وجوه متنوع مدیریت، مقررات، تسلط قانونی، حاکمیت قانونی و سرمایه‌گذاری که فضاها بر اساس آنها ساخته می‌شوند، سنت‌های فرهنگی متنوع، اولویت‌های سیاسی و سبک‌های زندگی خاص مورد حمایت این اولویت‌ها، تعادل بین نیروهای سیاسی و بازاری، پیچیدگی فرایندهای فضای عمومی و محدودیت‌های موجود در مهارت‌ها و مسئولیت حرفه‌ای برای مواجهه با این پیچیدگی است» (Carmona, 2010). امروزه فضاهای عمومی در شهرها ظرفیتی عظیم برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین حیات اجتماعی او محسوب می‌شوند (Littlefair, 2019). کانتز مدل مکان پایدار خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مؤلفه‌های مکان در «ادراک‌های رلف» در کتاب «مکان و بی مکانی» به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیت‌ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب‌نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. «پانتز» در ۱۹۹۱ و «مونتگومری» در ۱۹۹۸ اجزای تفکر طراحی شهری را در قالب دو مدل به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کنند. «مدل حس مکان رلف پانتز»: مؤلفه‌های کیفیت‌سنجی این مدل عبارتند از «فعالیت»، «کالبد» و «معنا» و «مدل مکان کانتز مونتگومری»: مؤلفه‌های این مدل نیز عبارتند از «فعالیت»، «فرم یا کالبد» و «تصورات» (Carmona, 2003). گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم‌شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتز به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره کرده و عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتز می‌افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل «مکان پایدار» می‌نامد (GOLKAR, 2001). کرمونا در نظریات اخیر خود چنین ادعا می‌کند که فضاهایی با کیفیت زندگی بالا، ارزش مکانی بیشتری در میان استفاده‌کنندگان از فضا ایجاد می‌کنند و تأثیرات مثبت خود را در اهداف سیاسی عمومی همچون اهداف سلامتی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی نمایان می‌کنند (Carmona, 2018).

۲.۲. کیفیت زندگی شهری و ابعاد آن

کیفیت زندگی شهری به عنوان یک مفهوم کلیدی برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان در راستای رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی و رضایتمندی افراد و همچنین ابزاری کارآمد برای ارزیابی سیاست‌های عمومی، رتبه‌بندی مکان‌ها و راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است (Esmaili & Ashjaei, 2020). فضاهای شهری با کیفیت

جریان حیات شهری در آن در پی فرایندی گام به گام، برنامه محور و خرد مقیاس در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی با تأکید مضاعف بر نقش اقدامات غیر کالبدی میسر می شود (Research Assembly, 2019). این مورد اخیر ناظر بر هدف پژوهش حاضر و ضرورت پرداختن به موضوع ارتقای کیفیت زندگی در بستر بافت های تاریخی است. نگاه به بافت های با ارزش و هویت تاریخی در کشور ما تاکنون عمدتاً متأثر از رویکردی حفاظتی-مرمتی بوده است. در چنین نگرشی ناخودآگاه تک بناهای واجد ارزش تاریخی و هویتی در رتبه نخست اهمیت جای گرفته و پس از آن است که توجه به کلیت بافت و احیاناً زیرساخت های محیط معطوف می گردد. این امر دو آسیب جدی را با خود به همراه خواهد داشت؛ نخست خطر موزه ای شدن بافت و تأثیر منفی ناشی از کم توجهی به فعالیت های اقتصادی و تحرکات اجتماعی موجود در آن و دوم جدا افتادگی بافت تاریخی از سایر مناطق شهری و عدم امکان پیوند صحیح بین آنها. از سویی دیگر غلبه فعالیت های اقتصادی و معضلات اجتماعی در بافت های کهن معمولاً بناهای واجد ارزش و حفاظت از آنها را با آسیب هایی جدی مواجه می کند (MOHAMMADI et al, 2013).

بخشی از مشکلات و موانع موجود به منظور استفاده کارآمد از فضاهای شهری در ارتباط با کیفیت زندگی در بافت های تاریخی را می توان در مواردی خلاصه کرد (نمودار شماره ۱) همچون خروج افراد بومی و ورود افراد غیر بومی به منطقه و غلبه افرادی که دغدغه تاریخ و ارزش های تاریخی در منطقه را ندارند، عدم نظارت اجتماعی شبانه و بروز بزه کاری و ناامنی، فرسودگی بناها، ظهور رسته های فعالیت نامتجانس با هویت کسب و کار و نزول شأن و جایگاه مرکز فعالیت شهر، غلبه تجارت بر سکونت و افول سرمایه های اجتماعی در بافت تاریخی، عدم تطبیق کالبد با تحول سبک زندگی در چند دهه اخیر، بروز الگوهای ساخت و ساز نامناسب با بافت ارزشمند تاریخی، مسئله تأمین و توزیع نامتوازن زیرساخت های شهری، کمبود فعالیت های گردشگری و تفریحی، عدم پیش بینی شبکه امداد رسانی و خدمات اضطراری، وجود سراها و باراندازهای تاریخی در بافت بازار که در حال حاضر عمدتاً انبارهای کالا و کارگاه های کوچک تولیدی بی هویت است (saadati & Lotfipour Siahkloroodi, 2018).

از دیدگاه کرمونا، دارای ویژگی های خودمانی بودن، همه شمول، خلاق، سرگرم کننده و رایگان هستند. کیفیت ساختمان ها، خیابان ها و فضاها همواره از نظر افرادی که قدرت طراحی و ساختاربخشی به آنها را دارند، باید اولویت داشته باشند و دولت ملی و محلی توجه جدی به کیفیت مکان را برای اقتصاد، اجتماع و فرهنگ زندگی کشور و برای دستیابی به پایداری محیطی را ضروری بداند. متخصصانی که وظیفه ساخت و مدیریت مکان ها و فضاهای شهری را دارند، به صورت سازنده و فعال با جوامع محلی کار کنند تا محیط های شهری با کیفیت شکل دهند (Carmona, 2020). نخستین گام در راستای سنجش کیفیت زندگی شهری انتخاب ابعاد آن و سپس انتخاب شاخص هایی است که با استفاده از آن، ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری مورد سنجش قرار گیرد. شاخص ها به منظور ارزیابی تغییرات فرآیندها و پدیده هایی در طول زمان به کار می رود که سنجیدن مستقیم آنها مشکل است (Ahmad Akhouni et al, 2014). پایداری اجتماعی در معنای کلی، مترادف با بالا بردن کیفیت زندگی انسان نسل حاضر و نسل آینده با در نظر گرفتن استعدادها و ظرفیت های او و برآوردن نیازهای همه اقشار است و شاخص هایی همچون افزایش سطح آموزش، عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی ... دارد (Kropf, 2018). نتایج این بررسی گسترده مبین آن است که اگر چه در ارتباط با مطالعات کیفیت زندگی در سطح فراملی و ملی مطالعات مختلفی انجام شده ولی توافق نسبتاً گسترده در بسیاری از شاخص های ذهنی و عینی موجود در این مطالعات وجود داشته است. در این راستا، معیارها و شاخص های سنجش کیفیت زندگی شهری در بافت های شهری از هر یک از حوزه های مطالعاتی دانشگاهی و نهادهای بین المللی به تفکیک استحصال و مستندسازی شده است.

۲.۳. بافت های تاریخی ایران و چالش های فراروی آن

محدوده های تاریخی-فرهنگی به بخش هایی از شهر اطلاق می شوند که منعکس کننده ارزش های تاریخی-فرهنگی شهر بوده و شکل آنها، حاصل تعامل مکان (جغرافیا و بوم)، زمان (تاریخ) و باور (اعتقادات) در رابطه با انسان در یک پهنه زیستی در طول تاریخ است. حفظ و احیای این پهنه های ارزشمند، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و حضور

<p>مدیران عالی کشور:</p> <ul style="list-style-type: none"> - مدیران عالی دولتی - مدیران عالی قضایی - مدیران سازمان های نظارتی-امنیتی - مدیران سازمان های انتظامی - مدیران عالی قانونگذار- سیاست گذار <p>نگاه امنیتی - کنترلی و دغدغه های وابسته به آن</p>	<p>مسئولان شهری:</p> <ul style="list-style-type: none"> - مدیران شهری- اجرایی (شهرداری) - مدیران شهری- سیاستگذار (شورای شهر) - مدیران اجرایی دستگاه های زیرساختی - مدیران اجرایی نهادهای امدادی حمایتی 	<ul style="list-style-type: none"> - مد نظر قرار دادن دغدغه های مدیران عالی - نبود قوانین کارآمد در حوزه فضاهای عمومی - چالش های اجرایی و مالی طرح های ارائه شده
<p>مردم:</p> <ul style="list-style-type: none"> - ساکنین دائم و موقت - شاغلین - مراجعین ادارات - گردشگران - توسعه گران - حرفه مندان - سرمایه گذاران <p>- عدم تعریف صحیح از جایگاه و کارکردهای واقعی فضاهای عمومی برای مردم</p> <p>- عدم رغبت در استفاده مؤثر از فضاهای عمومی به دلیل نبود زیرساخت های مورد نیاز این عرصه ها</p>	<p>متخصصین و تهیه کنندگان طرح ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> - شرکت های مهندسی مشاور - مراکز تحقیقاتی (اجتماعی- شهرسازی- معماری) - دانشگاه ها و مراکز آموزشی - اساتید علمی- دانشجویان 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم توجه به فضاهای عمومی به عنوان جزء اصلی ساختار طرح ها - نبود قوانین کارآمد در حوزه فضاهای عمومی - چالش های اجرایی و مالی طرح های ارائه شده

نمودار ۱- عمده مشکلات و موانع موجود در جهت استفاده صحیح و کارآمد از فضاهای شهری در بافت های تاریخی

مدل مفهومی تأثیر فضاهای شهری در این مهم تبیین گردد. بر مبنای پیشینه تحقیق و دیدگاه‌های نظری، مؤلفه‌ها معیارها و شاخص‌های مربوطه در سه بخش تنظیم شده است (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: سه بخش اصلی پژوهش و ارتباط آنها

۳/۱. مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیات ناظر بر آن (فضای شهری) براساس ماهیت نظریات مختلف فضای شهری که مورد بررسی قرار گرفته، مؤلفه‌ها و معیارهای مطرح شده توسط هر یک از نظریه‌پردازان در قالب مؤلفه‌های زیست محیطی، عملکردی و تجربی-زیبایی شناختی دسته‌بندی شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: فضای شهری و کیفیات ناظر بر آن

مؤلفه	معیار	شاخص	منبع	
کیفیت عملکردی (کاربری زمین و حرکت و دسترسی)	کیفیت مطلوبیت، سازگاری، ظرفیت و وابستگی کاربری‌ها	سازگاری زمان، فعالیت، فضا	(Lynch, 1984), (GOLKAR, 2001), (Habibi, 1997)	
		تنوع فعالیت‌ها و امکان انتخاب	(Habibi, 1997), (Bentley et al., 1990), (Handy, 2006), (Green, 1992), (Kolman, 1987), (Nelsen, 1994)	
		ارتباط میان کاربری‌ها	(Lynch, 1984), (Tibaldz, 1998), (Handy, 2006), (Rapoport, 1987), (Transick, 1986), (Punter & Carmona, 1997)	
		به‌کارگیری الگوهای مناسب فعالیتی	(GOLKAR, 2001), (Rapoport, 1987), (Jacobz, 1987)	
	یکپارچگی دسترسی و اجتماعی	انعطاف‌پذیری	(GOLKAR, 2001), (Bentley et al., 1990), (Handy, 2006), (Tibaldz, 1998)	
		پیاده‌مداری	(Southworth, 1989), (Bentley et al., 1990), (Punter & Carmona, 1997), (Nelsen, 1987), (S KARCK, 1999), (Coleman, 1987), (Tibaldz, 1998)	
		سرزندگی اجتماعی	(Lynch, 1984), (Bentley et al., 1990), (Godi, 1993), (Coleman, 1987), (Appleyard, 1987)	
	کیفیت ایمنی محیط	کیفیت ایمنی محیط برای فعالیت‌ها	ایمنی و آسایش محیط	(Bentley et al., 1990), (Godi, 1993), (Jacobz, 1987), (Appleyard, 1987), (Habibi, 1997), (GOLKAR, 2001)
			امنیت و آرامش روانی محیطی	(Rapoport, 1987), (Frank, 2001), (GOLKAR, 2001), (Bentley et al., 1990), (Stemberg, 2000), (Appleyard, 1987), (Tibaldz, 1998)
		کیفیت محیط کالبدی-فضایی	مقیاس انسانی، قلمروهای همگانی	(Godi, 1993), (Habibi, 1997), (Tibaldz, 1998), (Carmona, 1997), (Southworth, 1989), (Handy, 2006)
کیفیت محیط ادراکی-حسی			(GOLKAR, 2001), (Stemberg, 2000), (Godi, 1993), (Bentley et al., 1990)	
کیفیت محیط ادراکی-ذهنی (محیط شناختی)		خوانایی و قرائت‌پذیری محیط	غنا، بصری، دلپذیری و یکپارچگی مناظر	(GOLKAR, 2001), (Tibaldz, 1998), (Bentley et al., 1990), (Lynch, 1984)
			تداعی معانی و خاطره‌انگیزی	(Coleman, 1987), (Habibi, 1997), (Stemberg, 2000), (Tibaldz, 1998), (Frank, 2001), (Punter & Carmona, 1997)
		اصالت و معنادار بودن محیط	شرایط آب و هوایی، آسایش اقلیمی پیاده‌ها	(GOLKAR, 2001), (Stemberg, 2000)
			سرزندگی بیولوژیک	(GOLKAR, 2001), (Lynch, 1984), (Rapoport, 1987), (Punter & Carmona, 1997)
مؤلفه زیست محیطی (محیط زیست)		طراحی شهری پایدار	توجه به پیوندهای بومی-منطقه‌ای و استفاده از بستر محیط طبیعی	(GOLKAR, 2001), (Surkin, 2002), (Rogers, 1999)
			بازدهی منابع طبیعی	(GOLKAR, 2001), (Bentley et al., 1990)
	تعادل اکوسیستم‌ها	پشتیبانی از اکوسیستم‌ها	(GOLKAR, 2001), (Bentley et al., 1990), (Rapoport, 1987), (Nelsen, 1994)	
	تقلیل آلودگی‌ها	پاک‌یزگی، حداقل رساندن آلودگی‌ها	(GOLKAR, 2001), (Bentley et al., 1990), (Habibi, 1997)	

فضای شهری ضعیف عمل می‌کنند. هر چند پارهای از معیارهای اقتصادی و مدیریتی مطرح شده به وسیله متخصصین نظیر «لینچ، جیکوبز و هانتز» در ذیل مؤلفه عملکردی آورده می‌شوند، اما سطح بعد اقتصادی و هم‌افزایی اجتماعی و فرهنگی در کیفیت زندگی فراتر از آن است که زیرمجموعه‌ای از بعد محیطی باشند و به نوعی اقتصاد، فرهنگ و اجتماع خود شکل دهنده محیط هستند. براین اساس، در بررسی شاخص‌های متناظر کیفیت زندگی با مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیت محیطی، مؤلفه‌ی «هم‌افزایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» نیز به سه مؤلفه‌ی قبل اضافه شده و چهار مؤلفه برای کیفیت زندگی و فضای شهری مطرح شده است (جدول شماره ۲).

می‌توان با توجه به معیارهای سه‌گانه پایداری یعنی اجتماعی، اقتصادی و محیطی ادعان داشت که در نظریات مطرح شده عمده مؤلفه‌ها فقط معیار محیطی از پایداری را مدنظر قرار داده و بحث‌های اجتماعی و اقتصادی به عنوان ابعاد جداگانه و بسیار تأثیرگذار در فضاهای شهری مورد توجه نبوده است.

۳.۲. شاخص‌های کیفیت زندگی متناظر با مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیت محیطی (فضای شهری و کیفیت زندگی)
با توجه به شاخص‌های کیفیت زندگی به دست آمده از پیشینه تحقیق، ابعاد اجتماعی و فرهنگی سهم زیادی را در کیفیت زندگی دارند و شاخص‌های متناظر با این بعد در مؤلفه‌های نظریه‌پردازان

جدول شماره ۲: کیفیت زندگی متناظر با فضای شهری ←

منبع	شاخص	معیار	مؤلفه
(World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001), (Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015)	وضعیت آلودگی هوا	کیفیت هوا، آب، صوت	مؤلفه زیست محیطی (محیط زیست شهری)
(Mercer, 2005), (Mcmahon, 2002), (Turksever et al, 2000)	وضعیت آلودگی صوتی		
(World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001), (Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015)	کیفیت آب آشامیدنی		
(World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001), (Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015)	نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکان‌های عمومی	وضعیت نظافت خیابان‌ها و اماکن عمومی	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(World Health Organization, 1997), (UN-Habitat, 1998), (Ulengin et al, 2001), (Das, 2008), (Mercer, 2007), (Massam, 2002)	جمع‌آوری زباله در سطح محله		
(Das, 2008), (Turksever, 2000), (Lee, 2008), (Mcmahon, 2002)	دفع مواد زاید شهری	نظافت خیابان‌ها و اماکن عمومی	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(Berger et al, 2008), (Ulengin et al, 2001), (Das, 2008), (Mcmahon, 2002), (Lee, 2008), (Santos, 2007)	دفع مواد زاید شهری		
(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015)	تعداد و کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز در سطح محله	کارایی انرژی	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(Das, 2008), (Ulengin et al, 2001), (Das, 2008), (Mcmahon, 2002)	تعداد و کیفیت پارکینگ‌ها		
(World Health Organization, 1997), (UN-Habitat, 1998), (Ulengin et al, 2001), (Das, 2008), (Santos, 2007), (Rapley, 2005), (Mcmahon, 2002), (Turksever and Atalik, 2000), (Mercer, 2005)	وضعیت پیاده‌روی	کیفیت حمل و نقل شهری	مؤلفه عملکردی (کابری زمین، حرکت و دسترسی)
(World Health Organization, 1997), (Rapley, 2005)	کیفیت خیابان‌ها و مسیرهای پیاده		
(UN-Habitat, 1998), (Ulengin et al, 2001), (Massam, 2002)	امکانات و تسهیلات دوچرخه سواری		
(Das, 2008), (Santos, 2007), (Mcmahon, 2002)	وضعیت حمل و نقل و ترافیک	وضعیت امنیت محلات	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(Turksever and Atalik, 2000), (Mercer, 2005)	امنیت در ارتباط با جرم و جنایت		
(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015)	امنیت زنان و کودکان در محله	وضعیت ایمنی محلات	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(Ulengin et al, 2001), (Das, 2008), (Mcmahon, 2002), (Massam, 2002), (Cinneide et al, 2008), (Santos, 2007), (Jimenez pozp, 2007)	رضایت از مراکز امنیتی و انتظامی		
(Massam, 2002), (Ulengin et al, 2001)	ایمنی در ارتباط با تصادفات خیابانی	وضعیت ایمنی محلات	کیفیت زندگی شهری و فضای شهری
(Massam, 2002)	ایمنی در زلزله و بلایای طبیعی		
(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015), (Mcmahon, 2002), (Cinneide et al, 2008), (UN-Habitat, 1998)			
(Ulengin et al, 2001), (Mcmahon, 2002)			
(Lee, 2008), (Cinneide, 2008), (Massam, 2002)			
(Ulengin et al, 2001), (Mcmahon, 2002)			
(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Akhundi et al., 2015), (Mcmahon, 2002), (Cinneide et al, 2008), (UN-Habitat, 1998), (World Health Organization, 1997), (Das, 2008), (Santos, 2007)			
(Asian Development Bank-ADB, 2001), (Berger et al, 2008)			
(Mercer, 2007), (UN-Habitat, 1998), (McCrear et al, 2005)			
(World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001), (Berger et al, 2008), (El-Osta, 2007), (Massam, 2002)			
(Mercer, 2007), (Ulengin et al, 2001)			
(Das, 2008), (Ulengin et al, 2001)			
(Ulengin et al, 2001)			
(World Health Organization, 1997), (UN-Habitat, 1998)			

← ادامه جدول شماره ۲: کیفیت زندگی متناظر با فضای شهری

مؤلفه	معیار	شاخص	منبع	
کیفیت زندگی شهری و فضای شهری	وضعیت دسترسی به امکانات و خدمات شهری	دسترسی به مراکز خرید و فروش روزانه	(Das, 2008), (Turkseven et al, 2000), (McCrea et al, 2005) (Ulengin et al, 2001), (Ji et al, 2008), (El-osta HS, 2007)	
		دسترسی به مراکز فرهنگی	(Ulengin et al, 2001), (Lee, 2008), (Santos, 2007), (Yazdani, 2018)	
		دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی	(Cinneide, 2008), (Lee, 2008), (Santos, 2007), (El-Osta, 2007)	
	وضعیت دسترسی به امکانات و خدمات شهری	دسترسی به مراکز آموزشی	(Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018), (Turkseven and Atalik, 2000:170), (McCrea et al, 2005), (Santos, 2007), (Berger et al, 2008), (Zebardast, 2009)	
		دسترسی به امکانات ورزشی محلی	(Turkseven and Atalik, 2000:170), (Mercer, 2007)	
		فضاهای باز شهری برای گذران اوقات فراغت	(Lee, 2008), (Wankamp et al., 2003), (Shahin et al., 2007), (Das, 2008), (Massam, 2002), (Ulengin et al, 2001), (Lee, 2008), (Wankamp et al., 2003), (Shahin et al., 2007), (Mercer, 2007), (Das, 2008), (Lee, 2008)	
کیفیت محیط کالبدی-فضایی و منظر شهری	کیفیت محیط کالبدی-فضایی و منظر شهری	وضعیت ازدحام جمعیت و تراکم جمعیتی در شهر	(Yazdani, 2014), (Ghaffari et al., 20004) (Cinneide, 2008), (Ulengin et al, 2001) (Zebardast, 2009), (Turkseven et al, 2000)	
		کیفیت نوسازی ساختمان ها	(Ulengin et al, 2001), (Zebardast, 2009)	
		نظم فضایی و توالی مناظر	(Yazdani, 2014)	
		فضاهای بی دفاع شهری		
		کیفیت مبلمان فضاهای شهری	(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018)	
	کیفیت ادراک ذهنی از شهر	روشنایی خیابان ها و فضاهای شهری	(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Yazdani, 2018) (Ulengin et al, 2001), (Ji et al, 2008)	
		کیفیت منظر شبانه شهری	(Ulengin et al, 2001), (Jimenez pozp, 2007)	
		حس مکان در محله و خوانایی	(Massam, 2008) (Yazdani, 2014)	
		احساس هویت و تعلق خاطر در شهر	(Lee, 2008), (Cinneide, 2008), (Massam, 2002)	
		خاطره جمعی و حس تعلق	(Yazdani, 2014)	
کیفیت ادراک حسی در شهر	کیفیت ادراک حسی در شهر	امید به بهتر شدن زندگی	(Akhundi et al., 2015)	
		رضایتمندی از روابط همسایگی در محله	(El-osta HS, 2007), (Ulengin et al, 2001), (Lee, 2008), (Das, 2008), (Turkseven and Atalik, 2000), (Mercer, 2005)	
		رضایتمندی از زندگی در محله و شهر	(Akhundi et al., 2015)	
		رضایت از عملکرد شهرداری	(Ji and Xu, 2008), (Rapley, 2003), (Massam, 2002), (Das, 2008)	
کیفیت زندگی شهری و فضای شهری	مشارکت اجتماعی- فرهنگی	نشاط و سرزندگی اجتماعی	(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Noghani, 2009), (Omid, 2009), (Ghaffari and Onagh, 2006), (Lee, 2008), (Bonato et al., 2003), (Haghighian, 2014)	
		مشارکت در تصمیم گیری های مختلف شهری (تصمیم گیری)		
		مشارکت در فعالیت های اجتماعی (اجرا)	(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Noghani, 2009), (Omid, 2009), (Ghaffari and Onagh, 2006), World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001) (Yazdani, 2014)	
		مشارکت در نظارت و نقد بر فعالیت های اجتماعی مختلف	(Rapley, 2003), (Massam, 2002:177), (Jimenez pozp, 2007)	
	فرصت های کنش های متقابل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی	فرصت های کنش های متقابل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی	شکل گیری کنش متقابل اجتماعی در واحد محلی (شورایاری محلات)	(Dass, 2008)
			وجود فضاهای کسب مهارت های اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی	(Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Noghani, 2009), (Omid, 2009), (Ghaffari and Onagh, 2006), (Yazdani, 2014)
			فضاهای اجتماعی و فرهنگی کنش متقابل شهروندان	
	عدالت اقتصادی- اجتماعی	عدالت اقتصادی- اجتماعی	فضاهای اجتماعی با نشاط	(Asian Development Bank_ADB, 2001), (McMahon, 2002)
			فاصله طبقاتی فقیر و غنی، عدالت اقتصادی	(Mercer, 2007), (Massam, 2002)
			اعمال عادلانه قانون در شهر	
ایفای نقش موثر در جامعه				
اعتماد و همبستگی اجتماعی	اعتماد و همبستگی اجتماعی	سطح آگاهی ساکنین	(Lee, 2008) (Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Noghani, 2009), (Omid, 2009), (Ghaffari and Onagh, 2006), World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001) (Yazdani, 2014)	
		دگرخواهی اجتماعی		
		حس اعتماد میان شهروندان	(Mercer, 2007) (Vestavi, 2006), (Ahmadi, 2016), (Noghani, 2009), (Omid, 2009), (Ghaffari and Onagh, 2006), World Health Organization, 1997), (Ulengin et al, 2001), (Yazdani, 2014) (Massam, 2002) (Phillips, 2006)	
اعتماد و همبستگی اجتماعی	اعتماد و همبستگی اجتماعی	اعتماد میان شهروندان و مدیران		
		ارتقای حس اعتماد محلی		
		شکلگیری همبستگی اجتماعی		

بافت ها بیشتر از سایر بافت های شهری اهمیت دارد و کیفیت زندگی در این بافت ها بسیار مربوط به سیر تحول تاریخی، هویتمندی و ساختار فضایی در بستر زمان تعریف می شود، زمان به عنوان مؤلفه ای جداگانه در بخش «بافت تاریخی و کیفیت زندگی» مطرح شده است (جدول شماره ۳).

۳،۳. فیلتر و پالایش شاخص های استحصال شده با ویژگی های خاص بافت تاریخی (بافت تاریخی و کیفیت زندگی) با توجه به این که تمرکز پژوهش حاضر بر بافت های تاریخی است و موضوع «زمان» در این بافت ها بسیار حائز است و تعریف سه بعد دیگر فضای شهری (فرم، فضا و فعالیت) در بستر زمان، در این

جدول شماره ۳: بافت تاریخی و کیفیت زندگی شهری

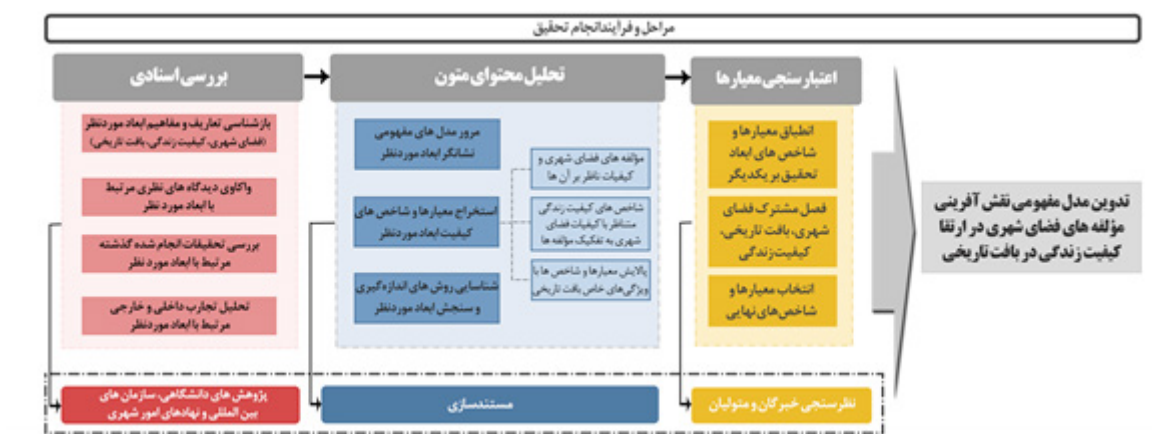
منبع	شاخص	معیار	مؤلفه	بافت تاریخی و کیفیت زندگی شهری
(Alexander, 1936), (Zeita, 2006) (Rafieian et al., 2012), (Moayedfar et al., 2017) (Sultanzadeh et al., 2017) (Habibi, 2010), (Shafaei, 2006) (Conzen, 1966) (Ashworth et al., 1991) (Larkham, 1996) (Pendlebury, 2009)	توجه به الگوهای مسکن مناسب توجه به مقیاس انسانی زیباسازی بافت و ارتقای تنوع پذیری توجه به ارزش های بصری خوانایی و تداوم کالبدی و نظم اندامواره در بافت هویت منحصر به فرد	کیفیت قرارگاه های رفتاری	مؤلفه کالبدی	
(Rafieian et al., 2012) (Moayedfar Hamkar, 2020), (Soltanzadeh et al., 2017) (Bianchini et al., 1993) (Larkham, 1996), (Jokilehto, 1999) (Doratli, et al., 2004)	توجه به عناصر بومی و ارزشمند (اصالت) هماهنگی مصالح با زمینه نظارت بر ساخت و سازهای جدید رعایت استانداردهای مسکن (معماری درخور)	هم پیوندی بافت قدیم و جدید	مؤلفه عملکردی	
(Lichfield, 1988) (Vehbi et al, 2009) (Alexander, 1936), (Gehl, 2005), (Schultz, 2007) (Mamford, 2006), (Oktay, 2005)	پویایی و روحیه زندگی و توجه به رضایتمندی ساکنان بافت حفظ ارزش های شهری و معماری کیفیت امنیت و ایمنی بافت دیدارگاه بودن بافت تاریخی تنوع الگوهای رفتاری اختلاط کاربری ها	سرزندگی و کیفیت محیطی تنوع استفاده از محیط		
(English Heritage, 2008) (Schouten, 1995) (Rafieian et al., 2012) (Moayedfar et al., 2019) (Sultanzadeh et al., 2017) (Habibi, 2009), (Healing, 2007)	مدیریت کارآمد و مشارکت جمعی ابزارهای جذب سرمایه داخلی و خارج (سودآوری) بالا بردن سطح درآمد خانوارهای ساکن در بافت تنوع فعالیت های اقتصادی در بافت تاریخی (اقتصاد خلاق)	انعطاف پذیری برنامه های توسعه	مؤلفه اقتصادی	
(Sultanzadeh et al., 2017) (Doratli, 2005), (Doratli, 2000) (Tiesdell et al, 1996), (Ashworth et al., 1994) (Ashworth et al., 1990), (Wilsmore, 1994)	توجه به رونق صنعت گردشگری در بافت جلوگیری از سوداگری زمین افزایش ساعات کاری و تقویت اقتصاد شبانه میزان درآمدزایی از پتانسیل های بافت تاریخی (خودکفایی)	سرزندگی و ثبات اقتصادی		
(Orbasli, 2000) (Larkham, 1996) (Tiesdell et al., 1996) (Montgomery, 2004) (Alexander, 1936), (Gehl, 2005), (Schultz, 2007) (Sultanzadeh et al., 2017)	همگانی بودن بافت تاریخی حس مکان مشارکت مردمی در برنامه ریزی ها فعالیت گروه ها در فضای بافت رویداد مداری و واقعه گرایی (آیینی و مذهبی)	سرزندگی و انسجام اجتماعی	مؤلفه اجتماعی - فرهنگی	
(Robert, 2000), (Kearns et al, 1993) (Halprin, 1972) (Alexander, 1936), (Gehl, 2005), (Schultz, 2007) (Mamford, 2006), (Sultanzadeh et al., 2017)	سطح سواد و آگاهی ساکنین کیفیت روابط همسایگی توجه به مقوله مهاجرت توجه به نیازهای تمام اقشار (عدالت اجتماعی)	حفظ تعادل جمعیت در بافت		
(Vernez moudon, 2007) (Krietzman, 1999)	مدیریت زمانی فعالیت ها در فضا توجه به تغییرات محیط و چگونگی آن ها طراحی پروژه های شهری به مرور زمان، نه آنی و یک مرتبه توجه به تغییر فصول، شبانه روز و... در امکان تعاملات اجتماعی توجه به زمان های مکانیکی تقویم، ساعت و...	چرخه های زمانی	مؤلفه زمان	
(Carmona, 2003) (lynch, 1981), (Jacobs, 1961), (Krietzman, 1999), (Montgomery, 1995) (Bianchini, 1994) (Carmona and Tiesdell, 2007)	صرف هزینه فضاهای همگانی برای استفاده در بیشترین زمان اختلاط کاربری از نظر زمانی متفاوت در طراحی فضایی زمان بندی فضایی در کنار فضابندی فعالیتی لزوم وجود چند ساختمان و فعالیت دائمی در جامعه ۲۴ ساعته زندگی شبانه برای بازگرداندن سرزندگی به مراکز شهری	مدیریت زمان در فضاهای همگانی		
(Carmona et al, 2006)	توجه به روح زمان حاصل از عناصر مصنوع محیط شهری خوانش شهر به عنوان متنی چند لایه فضاهای شهری به عنوان بیوگرافی تغییرات	گذشت زمان		
(Jackson, 1994) (Groter, 1997) (Burtenshaw et al., 1991) (Carmona, 2006)	توجه به حس مکان و تثبیت هویت مکان چگونگی تطبیق محیط با زمان و تغییرات تشخیص روح مکان و سعی در ابقای آن لحاظ حال با توجه به تداوم گذشته توجه به میزان تغییرات مجاز و غیر مجاز در محیط	تداوم مکان		

بنابراین این مدل از شش مؤلفه‌ی زیست‌محیطی، تجربی-زیبایی‌شناختی، عملکردی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و زمان تشکیل می‌شود و به نام «مدل مفهومی نقش فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی» تبیین شده است.

۴. روش تحقیق

طرح فرامطالعه، به عنوان راهبرد پژوهش استفاده شده است. راهبرد فرامطالعه، نوع متفاوتی از مطالعه ثانویه است که در آن سعی می‌شود علاوه بر تلفیق نتایج پژوهش‌های قبلی، تأمل و تعمقی بر فرایندهای آنها نیز داشته باشد. به وسیله روش فرامطالعه علاوه بر توصیف آنچه بوده، این پژوهش بازتابنده از آنچه باید باشد نیز است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش کیفی به منظور تحلیل محتوای متون و از روش کمی به منظور بررسی فراوانی معیارها و شاخص‌ها در پیشینه تحقیق استفاده شده است. در ضمن از روش «استدلال منطقی» به منظور شناسایی معیارهای کیفیت زندگی در عرصه‌های عمومی در بافت‌های تاریخی شهری و پس از آن برای اعتبارسنجی معیارها از روش «دلفی و نظرسنجی خبرگان» استفاده شده است (نمودار شماره ۳).

پژوهش حاضر به لحاظ نوع نتایج حاصله، بنیادی است و از آنجایی که در مرحله نخست، رویکردی «تبیینی-اکتشافی» دارد و جنبه تحلیلی آن در بعد ثانویه قرار دارد، روش تحقیق آن در حوزه مبانی نظری «توصیفی-تحلیلی» است و گردآوری داده‌ها مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. در مرور سیستماتیک ادبیات تحقیق، از



نمودار شماره ۳: مراحل انجام تحقیق

اطلاعاتی کتابخانه ملی ایران^۱، سامانه اسناد و مدارک علمی کشور^۲ و سیستم یکپارچه کتابخانه‌های دانشگاه آزاد^۳ و در منابع خارجی در پایگاه ساینس دایرکت^۴ مورد جست و جو قرار گرفتند. براساس استعلام به عمل آمده در این مرحله بیش از ۵۰۰ منبع که یکی از سه حوزه مطالعاتی را در عنوان دنبال می‌کردند، شناسایی شد.

- در مرحله غربالگری، موارد تکراری و موارد نامرتب حذف و براساس جست و جوی دستی و تفصیلی چکیده‌ها غربالگری شدند که در نتیجه آن ۳۵۰ منبع باقی ماندند.

- در مرحله شایستگی، مواردی که شایستگی ارزیابی کامل را داشتند و مناسب برای سنتز کیفی بودند و هر دو و یا سه حوزه مشترک مطالعاتی را مورد بررسی قرار می‌دادند، انتخاب شدند. بر این مبنا، مطالعات واجد شرایط شناسایی و تعداد ۷۱ مقاله داخلی (در طول سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸) و تعداد ۶۶ مقاله خارجی (از سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰) باقی ماندند.

- در مرحله مسئولیت، متن کامل مقالات بازیابی شده، تحلیل و بر اساس ادغام و پایش مفاهیم و مضمون‌ها به وسیله پژوهشگر، معیارها و شاخص‌های متناسب از ادبیات تحقیق استخراج شد.

جامعه آماری تحقیق، جمعی از به نام‌ترین نظریه‌پردازان و خبرگان مرتبط با سه مفهوم فضای شهری، کیفیت زندگی و بافت تاریخی است که حداقل در یکی از این سه حوزه فعالیت داشته‌اند. روش نمونه‌برداری «هدفمند» بوده که حدود ۴۰ نفر از نظریه‌پردازان دانشگاهی و متولیان اجرایی از جامعه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش در ابتدای کار، مطالعات کتابخانه‌ای بوده و در ادامه از پرسشنامه به منظور نظرسنجی از خبرگان مورد نظر، استفاده شده است. پرسشنامه تحقیق براساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی شد و پایایی آن براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۸ محاسبه شد که نشان دهنده پایایی خوب پرسشنامه است. برای سنجش روایی پرسشنامه از نسبت روایی لاوشه، CVR استفاده شده و براساس آن، برخی از شاخص‌های مطرح شده در پرسش‌نامه که امتیاز مورد نیاز را کسب نکردند، حذف شدند.

۵. بحث و یافته‌ها

پژوهش حاضر سه مفهوم کلیدی فضاهای شهری، کیفیت زندگی و بافت‌های تاریخی و ارتباط میان آنها را دنبال می‌کند. مراحل ارزیابی ادبیات تحقیق شامل تعریف، جست‌وجو، انتخاب، تحلیل و سنتز است. تعیین منابع در مرور سیستماتیک ادبیات تحقیق در چهار گام شناسایی، غربالگری، شایستگی و مسئولیت طی شده است.

- در مرحله شناسایی، کلیدواژه‌های فضای شهری و کیفیات ناظر بر آن، کیفیت زندگی شهری و بافت‌های تاریخی در منابع فارسی در پایگاه

1 National Library of Iran

2 Irandoc.ac.ir

3 SID (Scientific Information Database)

4 Science Direct

شناسایی	غربالگری	شایستگی	مسئولیت
بیش از ۵۰۰ منبع	۳۵۰ منبع	۱۵۰ منبع	

نمودار شماره ۴: مراحل ارزیابی ادبیات تحقیق

این تأثیرات در ابعاد اجتماعی و اقتصادی، تابع زمینه‌های فرهنگی جامعه در مقیاس شهری و محلی خواهد بود.

در حوزه سوم بافت‌های تاریخی:

- ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی که بحث احیای مراکز تاریخی شهرهای اروپایی به شدت مورد توجه قرار گرفت، بخشی از نگاه دانش طراحی شهری به این سمت معطوف شد. اما پژوهش‌های صورت گرفته در کشور در این زمینه بیشتر متوجه نحوه مداخله در احیای بافت‌های ارزشمند تاریخی بوده و معمولاً طراحی شهری تحت تأثیر مرمت شهری قرار گرفته است.

- تاکنون عمده طرح‌های ارائه شده در این خصوص به "ارتقای کیفیت محیط" و نه "ارتقای کیفیت زندگی" پرداخته‌اند. وجه تمایز این دو در آن است که نگاه اولیه با تمرکز به وجوه کالبدی، زیرساختی و منظر شهری (و نهایتاً با ارائه طرح‌های چشم‌نواز که کارکرد آنها از مقیاس آتلیه‌ها فراتر نمی‌رود) کمتر خود را به صورت جدی در معرض نظرات و دغدغه‌های غیرکالبدی ساکنین بافت‌های تاریخی در مراحل مختلف از تصمیم‌سازی تا اجرا قرار داده‌اند.

در حوزه مشترک (نقش فضاهای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی):

- ارتقای کیفیت بافت‌های تاریخی در دهه‌های اخیر با نگاه‌ها و رویکردهایی متفاوت و متناسب با شرایط مکانی و زمانی انجام شده است. در برهه‌هایی با نگاه صرف کالبدی و مرمت بناها و در برهه‌های دیگر با متغیرهای اجتماعی تاریخی.

- بررسی سیر تاریخی توجه و تحول فضاهای عمومی شهری، بیانگر توجه دوباره به فضاهای عمومی شهری در ادبیات شهرسازی جهان پس از یک دوره وقفه و بی‌توجهی به آنهاست تا این که به تدریج نقش این فضاها در شهرها پررنگ شده و حتی بسیاری از فضاهای بافت‌های تاریخی قرن‌های پیشین احیا و جایگاه ارزشمند خود را به دست آوردند.

- اگر چه در میان محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توافق در توجه به این مهم وجود دارد ولی تعداد تحقیقات دانشگاهی که نقش فضاهای عمومی شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بستر بافت‌های تاریخی را مورد توجه قرار داده باشد، انگشت شمار است و عمده پژوهش‌های انجام شده به شکلی مجزا و با نگاهی بخشی، به این دو عرصه پرداخته‌اند (جدول شماره ۴).

نتایج حاصل از بررسی عمیق پیشینه تحقیق نشان می‌دهد،

در حوزه نخست فضاهای عمومی شهری:

- پژوهش پیرامون فضاهای عمومی شهر، کیفیت و ابعاد آن قدمتی به اندازه دانش طراحی شهری در دهه ۱۹۶۰ م دارد.

- در سال‌های اخیر سعی شده با نگاهی عمیق‌تر، منطبق با نیازهای روز و بهره‌گیری از تجارب عملی موفق و ناموفق گذشته همراه باشد. در کشور ما نیز پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه متأثر از همین نگاه، سیر تکاملی داشته است.

- اما تحقیقات قبلی عموماً تبیین راهکارهایی به منظور افزایش کیفیت‌های کالبدی و عینی محیط بوده و کمتر به دنبال تأثیرات کارکردی و غیرملموس فضاهای شهری بوده‌اند. از طرفی تحقیقات معدودی که به مورد اخیر پرداخته‌اند، تأثیرات این‌گونه فضاها در شهر را در قالب تأثیرات جامع، کلان و شهری ارزیابی نموده‌اند و غالباً از تأثیرات گاهی متضاد آنها بر جامعه محلی غفلت شده است.

در حوزه دوم کیفیت زندگی:

- از دهه ۱۹۷۰ به بعد به دنبال تمایل جمعیت در سرتاسر جهان برای تمرکز در شهرها، مفهوم کیفیت زندگی کانون اصلی توجه محققان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. نگرانی در مورد کیفیت زندگی شهری در شهرها منجر به افزایش علاقه در یافته‌ها و بررسی‌هایی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مکان‌های خاص شده است.

- اگر چه اکثر مطالعات به استخراج شاخص‌های کیفیت زندگی از ابعاد عینی و ذهنی پرداخته و به رتبه‌بندی مکان‌ها، ارزیابی سیاست‌ها، تدوین راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی کمک کرده‌اند اما کمتر به این مهم پرداخته شده که کیفیت زندگی و شاخص‌های گسترده کمی و کیفی آن در امتداد دیگر مؤلفه‌های شهری است و مؤلفه‌های کیفی فضای شهری همگی با شاخص‌های کیفیت زندگی هم‌افزایی داشته و افزایش آنها باعث ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌شود.

- در تحقیقات انجام شده گذشته غالباً مسیر دقیق، ارتباط روشن و زمینه‌های شفاف نقش آفرینی فضاهای عمومی در شهر در رابطه با ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تبیین نگردیده است. این مهم به ویژه در رابطه با کیفیت‌های ناملموس زندگی شهری و شهروندی بغرنج‌تر است. حال آن که در مصادیق و زمینه‌های مختلف، فضاهای عمومی شهری قادر خواهند بود تا به افزایش کیفیت زندگی شهروندان در زمینه‌های ملموس و ناملموس شهر کمک نمایند. طیف

جدول شماره ۴: دسته‌بندی پیشینه تحقیق به تفکیک حوزه‌های مطالعاتی

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	چاپ شده در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ م
مطالعات خارجی فضای شهری	۱۷	
مطالعات خارجی کیفیت زندگی شهری	۲۶	
مطالعات خارجی مشترک دو حوزه بافت تاریخی و کیفیت زندگی	۱۵	
مطالعات خارجی مشترک سه حوزه فضای شهری، کیفیت زندگی، بافت تاریخی	۸	

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	چاپ شده در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸
مطالعات داخلی فضای شهری	۱۳	
مطالعات داخلی کیفیت زندگی شهری	۲۹	
مطالعات داخلی مشترک دو حوزه بافت تاریخی و کیفیت زندگی	۲۱	
مطالعات داخلی مشترک سه حوزه فضای شهری، کیفیت زندگی، بافت تاریخی	۱۲	

۵.۱. فراوانی شاخص‌های کیفیت زندگی و فضای شهری بر اساس پیشینه تحقیق

شاخص‌های وضعیت آلودگی هوا، کیفیت آب آشامیدنی و امکانات

و خدمات تفریحی-فراغتی در محله بیشترین فراوانی را در میان سایر شاخص‌های مؤلفه‌های مورد نظر براساس پیشینه تحقیق دارند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: فراوانی شاخص‌های کیفیت زندگی متناظر با مؤلفه‌های فضای شهری بر اساس پیشینه تحقیق

مؤلفه‌ها	شاخص	فراوانی	شاخص	فراوانی
مؤلفه زیست محیطی (محیط زیست شهری)	وضعیت آلودگی هوا	۱۳	کیفیت آب آشامیدنی	۱۳
	وضعیت آلودگی صوتی	۱۱	نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکان‌های عمومی	۱۰
	کیفیت جمع‌آوری زباله در سطح محله	۹	دفع مواد زاید شهری	۱۰
مؤلفه عملکردی (کاربری زمین، حرکت و دسترسی)	تعداد و کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز در سطح محله	۱۱	ایمنی در ارتباط با تصادفات خیابانی	۱
	نحوه استفاده از انرژی	۲	ایمنی در مقابل زلزله و بلایای طبیعی	۳
	تعداد و کیفیت پارکینگ‌ها	۱	دسترسی به مراکز خرید و فروش نیازهای روزانه	۶
	وضعیت پیاده روی	۸	دسترسی به مراکز فرهنگی هنری در سطح محله و شهر	۵
	کیفیت خیابان‌ها و مسیرهای پیاده	۵	دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی در شهر	۴
	امکانات و تسهیلات دوچرخه سواری	۲	دسترسی به مراکز آموزشی	۸
	وضعیت حمل و نقل و ترافیک	۱۰	دسترسی به امکانات ورزشی در محله	۵
	امنیت زنان و کودکان در محله	۲	فضاهای باز شهری برای گذران اوقات فراغت	۹
	رضایت از مراکز امنیتی و انتظامی	۲	امکانات و خدمات تفریحی-فراغتی در محله	۱۲
	وضعیت ازدحام جمعیت و تراکم جمعیتی در شهر	۶	احساس هویت و تعلق خاطر در شهر	۳
مؤلفه تجربی-زیباشناختی (فرم کالبدی، فضای همگانی و منظر)	کیفیت نوسازی ساختمان‌ها	۴	خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی	۱
	نظم فضایی و توالی مناظر	۱	امید به بهتر شدن زندگی در آینده	۱
	فضاهای بی دفاع شهری	۱	رضایتمندی از روابط همسایگی در محله	۷
	کیفیت مبلمان فضاهای شهری	۶	رضایتمندی از زندگی در محله و شهر	۱
	وضعیت روشنایی و نور خیابان‌ها و فضاهای شهری	۷	رضایتمندی از عملکرد شهرداری	۴
	کیفیت منظر شبانه شهری	۲	نشاط و سرزندگی اجتماعی	۹
	تقویت حس مکان در واحد محلی و خوانایی	۴		
	مشارکت اجتماعی-فرهنگی	۱۱	اعتماد و همبستگی اجتماعی	۱۱
هم‌افزایی کیفیت زندگی با شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی	فرصت کنش‌های متقابل اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی	۹	سرمایه اجتماعی	۹
	فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی و عدالت اقتصادی	۴	اعمال عادلانه قانون در شهر و عدالت اجتماعی	۲

۵.۲. فراوانی معیارهای کیفیت زندگی در بافت تاریخی بر اساس پیشینه تحقیق

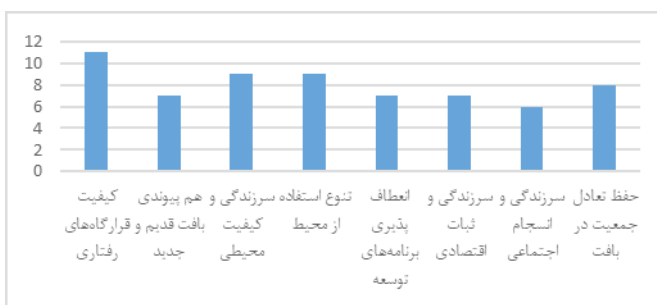
در میان معیارهای مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی، اقتصادی و

اجتماعی - فرهنگی بیشترین فراوانی به ترتیب کیفیت قرارگاه‌های رفتاری، سرزندگی و کیفیت محیطی و تنوع استفاده از محیط است (جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۵).

نمودار شماره ۵: فراوانی معیارهای کیفیت زندگی در بافت تاریخی

جدول شماره ۶: فراوانی معیارهای کیفیت زندگی در بافت تاریخی،

مؤلفه‌های فضای شهری	معیار	فراوانی
مؤلفه کالبدی	کیفیت قرارگاه‌های رفتاری	۱۱
	هم‌پیوندی بافت قدیم و جدید	۷
مؤلفه عملکردی	سرزندگی و کیفیت محیطی	۹
	تنوع استفاده از محیط	۹
مؤلفه اقتصادی	انعطاف پذیری توسعه	۷
	سرزندگی و ثبات اقتصادی	۷
مؤلفه اجتماعی فرهنگی	سرزندگی و انسجام اجتماعی	۶
	حفظ تعادل جمعیت در بافت	۸



۵.۳. ارزیابی مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهایی حاصل از نظرسنجی خبرگان برای رسیدن به مدل مفهومی

نظر خبرگان با استفاده از نسبت روایی محتوایی لاوشه و فرمول CVR (برای ۴۰ نمونه، نباید این نسبت کمتر از ۰/۲۹ باشد) مورد ارزیابی قرار گرفته و به ۶۴ شاخص تقلیل یافتند. براین اساس، شاخص‌های حذف شده در جدول شماره ۷ در ستون CVR با رنگ قرمز مشخص شده‌اند و شاخص‌های باقی‌مانده مدل مفهومی پژوهش را شکل داده‌اند (جدول شماره ۷).

مؤلفه‌ها و شاخص‌های حاصل از مبانی نظری و پیشینه تحقیق، به صورت پرسشنامه در اختیار جمعی از خبرگان متخصص قرار گرفتند و نظر آنها در قالب طیف لیکرت ۵ تایی مورد پرسش قرار گرفت. جمع امتیاز هریک از ۹۱ شاخص که اساس پرسش‌ها بوده پس از گردآوری

جدول شماره ۷: شاخصهای نهایی حاصل از نظرسنجی خبرگان برای رسیدن به مدل مفهومی براساس فرمول CVR

مؤلفه	معیار	شاخص	CVR
زیست محیطی (محیط زیست)	کیفیت زیست خرد فضاها	۱ آسایش اقلیمی پیاده‌ها و کیفیت خرد اقلیم فضاهای شهری	۰/۲۹
		۲ تعداد و کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز در سطح محله	۰/۲۵
		۳ سرزندگی بیولوژیک و کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط	۰/۱۵
	مدیریت پسماند	۴ نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکان‌های عمومی	۰/۴۵
		۵ کیفیت جمع‌آوری زباله در سطح محله و دفع مواد زائد شهری	۰/۵۵
		۶ وضعیت آلودگی هوایی، صوتی	۰/۶۰
		۷ طراحی ارگانیک و استفاده از انرژی پاک در طراحی	۰/۲۵
	زیست بوم منطقه‌ای	۸ کارایی از نظر مصرف انرژی، به حداقل رساندن آلودگی‌ها و پشتیبانی اراکوسیسستم‌ها	۰/۳۵
		۹ مسئولیت‌پذیری زیست محیطی و استفاده درست از بستر طبیعی	۰/۳۵
	تعدد استفاده از محیط	۱۰ توجه به پیوندهای زیست محیطی بومی و منطقه‌ای	۰/۲۹
۱۱ استقرار و تجهیز فضاهایی برای ملاقات جمعی در بافت تاریخی (دیدارگاه بودن بافت تاریخی)		۰/۴۵	
۱۲ تنوع بخشیدن به الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی		۰/۲۵	
۱۳ توجه به استقرار کاربری‌ها متنوع و اختلاط کاربری‌ها		۰/۲۹	
۱۴ فراهم نمودن امکان حضور کلیه اقشار با سطح سنی، جنسی و توانمندی‌های مختلف (همه شمولی مکان)		۰/۵۰	
۱۵ توجه و امکان حضور در ساعت‌های مختلف شبانه‌روز و تجهیز محیط به ظرفیت‌های زندگی شبانه		۰/۵۵	
۱۶ امکان برگزاری رویدادهای مختلف موردی و مناسبتی		۰/۴۵	
۱۷ پویایی زندگی شهری و محلی در بافت و تقویت انعطاف‌پذیری محیط		۰/۶۰	
عملکردی (کاربری، حرکت و دسترسی)		۱۸ حفظ ارزش‌های شهری و معماری اعم از شاخص‌های انسان‌ساز و طبیعی در بافت شهری و محلی	۰/۳۵
		۱۹ تداعی معانی فرهنگی - تاریخی و خاطره‌انگیزی	۰/۵۵
	۲۰ کیفیت زندگی شبانه در بافت تاریخی بویژه فضاهای عمومی	۰/۷۰	
	۲۱ کیفیت امنیت محیط شهری برای فعالیت‌های مختلف	۰/۷۰	
ایمنی و امنیت محیطی	۲۲ توجه به نظارت عمومی و انجام تدابیر لازم برای کنترل ناهنجاری‌ها و برهکاری در محیط توسط ساکنان بافت	۰/۴۰	
	۲۳ توجه به شاخص‌های ایمنی در محیط شهری	۰/۳۵	
	۲۴ کنترل نارسایی‌های مسبب خطرآفرینی و مخاطرات محیطی در بافت	۰/۳۵	
	۲۵ تقویت شبکه دسترسی حمل و نقل عمومی	۰/۳۵	
حمل و نقل و دسترسی	۲۶ توسعه شبکه ایمن پیاده‌راهی	۰/۶۵	
	۲۷ افزایش زیرساخت‌های مربوط به دوچرخه در مقیاس محله و شهر	۰/۰۵	
	۲۸ تعداد و کیفیت پارکینگ‌ها	۰/۰۰	
	۲۹ دسترسی به امکانات و خدمات شهری	۰/۳۵	
هم‌پیوندی بافت قدیم و جدید	۳۰ توجه به عناصر بومی و اصیل در کالبد شهر و ساختمان‌ها	۰/۳۰	
	۳۱ نظارت بر روند مرمت استاندارد ابنیه ارزشمند و ساخت بناهای جدید در هماهنگی با بافت تاریخی	۰/۱۰	
	۳۲ هماهنگی نماها و منظر شهری ساختمان‌ها در تعریف بدنه فضاهای عمومی شهری	۰/۳۰	
	۳۳ توجه به الگوی معماری ساختمان‌ها با کارکردهای مورد نیاز زندگی امروزی	۰/۳۵	
	۳۴ توجه به الگوی هندسی معاصر با الویت پیاده (که در قدیم نیز اینگونه بوده است) و مقیاس انسانی آن‌ها	۰/۳۰	
	۳۵ توجه تئومان به توده و فضا و اجتناب از پوسته‌سازی در شکل‌گیری و فرم هندسی فضاهای عمومی شهری	۰/۰۰	
	۳۶ توجه به نظام ارتفاعی ساختمان‌ها و میزان نفوذپذیری در بافت تاریخی و محصوریت فضاهای عمومی شهری	۰/۲۵	
	۳۷ توجه به عناصر بومی و اصیل در کالبد شهر و ساختمان‌ها	۰/۴۰	
	۳۸ توجه به ساختار فضایی و سیر تحول تاریخی و ریخت‌شناسی بافت	۰/۳۰	
	۳۹ توجه به مقیاس انسانی در شکل‌گیری و احیا فضاهای همگانی	۰/۳۵	
کیفیت منظر شهری و ارتباط فضایی	۴۰ توجه به زیباسازی منظر شهری در بافت و ارتقا تنوع‌پذیری در جداره‌ها و بدنه‌های شهری	۰/۳۰	
	۴۱ توجه به ارزش‌های بصری اعم از تابلوها، علائم، نشانه‌ها، الگوهای تزیینات ساختمان‌ها، رخ‌بام‌ها، پالت رنگی و ...	۰/۳۰	
	۴۲ تداوم کالبدی و نظم اندام‌واره در بافت معاصر، فضاهای عمومی در مقیاس محلی و شهری	۰/۲۵	
	۴۳ تقویت هویت منحصر به فرد در فضاهای همگانی و ابنیه و پرهیز از تکرار محض الگوها	۰/۲۵	
	۴۴ توجه به رضایتمندی ساکنان و شاغلان در بافت تاریخی	۰/۳۵	
اجتماعی - فرهنگی	۴۵ ارتقا سطح خوانایی محیط شهری باتأکید بر فضاهای عمومی و همگانی	۰/۳۵	
	۴۶ توجه به زندگی همگانی بودن در بافت تاریخی	۰/۲۵	
	۴۷ تقویت حس مکان در بافت اجتماعی شهری - محلی	۰/۳۵	
	۴۸ مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف شهری (تصمیم‌گیری) و پیوستگی اقدامات به عنوان یک عامل یکپارچه	۰/۴۰	
	۴۹ مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مختلف و اثرگذاری مطلوب اقدام در رضایتمندی ساکنان از حضور در محله	۰/۳۰	
	۵۰ رویداد مداری و واقعه‌گرایی (سیاسی - آیینی و مذهبی)	۰/۳۵	
	۵۱ احساس هویت و تعلق خاطر در شهر	۰/۵۵	
	۵۲ خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی	۰/۵۵	
	۵۳ رضایتمندی از روابط همسایگی در محله	۰/۴۰	
	۵۴ وجود فضاهای کسب مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی	۰/۰۵	
۵۵ فضاهای اجتماعی ایجادکننده نشاط، شادی و لذت در شهروندان	۰/۴۰		

جدول شماره ۷: شاخص‌های نهایی حاصل از نظرسنجی خبرگان برای رسیدن به مدل مفهومی براساس فرمول CVR

مؤلفه	معیار	شاخص	CVR
حفظ تعادل جمعیت در بافت	۵۶	سطح آگاهی اجتماعی و فرهنگی ساکنین	۰/۱۵
	۵۷	کیفیت روابط همسایگی و ارتقای حس اعتماد محلی	۰/۱۰
	۵۸	توجه به مقوله مهاجرت و نقش مهاجرین در محله	۰/۱۰
	۵۹	توجه به نیازهای تمام اقشار (عدالت اجتماعی)	۰/۳۵
	۶۰	فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی در شهر و عدالت اقتصادی	۰/۱۵
	۶۱	احساس اعتماد میان شهروندان و دگرخواهی اجتماعی	۰/۱۰
	۶۲	نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکانهای عمومی	۰/۵۵
	۶۳	امنیت زنان و کودکان در محله	۰/۵۰
	۶۴	دسترسی ساکنان به زیرساخت‌های پشتیبان سکونت (مراکز خرید محلی، فضای سبز، آموزشی، بهداشتی و...)	۰/۴۵
	۶۵	رضایت از مراکز امنیتی و انتظامی	۰/۱۵
سرزندگی و ثبات اقتصادی	۶۶	رونق بخشیدن به کسب‌وکار و ارتقای گردشگری با احترام به ظرفیتهای کالبدی، اجتماعی و زیستمحیطی	۰/۴۵
	۶۷	جلوگیری از سوداگری زمین و اثرگذاری مطلوب اقدام بر ارزش اقتصادی املاک واقع در بافت تاریخی	۰/۴۰
	۶۸	افزایش ساعات کاری و تقویت اقتصاد شبانه شهری	۰/۴۰
	۶۹	میزان درآمدزایی از پتانسیل‌های بافت تاریخی (خودکفایی)	۰/۲۵
	۷۰	ابزارهای جذب سرمایه داخلی و خارجی (سودآوری)	۰/۱۵
	۷۱	بالا بردن سطح درآمد خانوارهای ساکن	۰/۱۰
	۷۲	تنوع فعالیت‌های اقتصادی در محیط بافت تاریخی (اقتصاد خلاق)	۰/۴۵
	۷۳	ابزارهای جذب سرمایه داخلی و خارجی	۰/۳۰
انعطاف پذیری برنامه‌های توسعه	۷۴	فرصت کنشهای متقابل اقتصادی و ارتباط مؤثر و سازنده میان سازمانهای دخیل در ارتقای کیفیت	۰/۵۰
	۷۵	مدیریت زمانی فعالیتها در فضا	۰/۳۰
	۷۶	توجه به تغییرات محیط و چگونگی آنها (این همانی شهروندان و هویت مکانی)	۰/۱۵
	۷۷	طراحی و اجرای پروژههای شهری به مرور زمان، نه آنی و یک مرتبه	۰/۲۵
	۷۸	توجه به تغییر فصول، شبانه‌روز و... در امکان تعاملات اجتماعی	۰/۳۵
	۷۹	توجه به زمانهای مکانیکی تقویم، ساعت و... (جامعه ۲۴ ساعته)	۰/۲۰
	۸۰	طراحی و صرف هزینه فضاهای همگانی برای استفاده در بیشترین زمان ممکن	۰/۵۵
	۸۱	اختلاف کاربری از نظر زمانی متفاوت در طراحی فضایی	۰/۴۰
مدیریت زمان در فضاهای همگانی	۸۲	زمانبندی فضایی در کنار فضا بندی فعالیت	۰/۲۰
	۸۳	لزوم وجود چند ساختمان و فعالیت دائمی در جامعه ۲۴ ساعته (مسکونی و...)	۰/۶۰
	۸۴	اقتصاد شبانه وابسته به زندگی شبانه جهت بازگرداندن سرزندگی به مراکز شهری	۰/۵۵
	۸۵	توجه به روح زمان حاصل از ساختمانها و عناصر مصنوع محیط شهری	۰/۱۵
	۸۶	خوانش شهر به عنوان متنی چند لایه	۰/۳۰
	۸۷	فضاهای شهری به عنوان بیوگرافی تغییرات	۰/۱۰
	۸۸	توجه به حس مکان و تثبیت هویت مکان	۰/۶۵
	۸۹	چگونگی تطبیق محیط با زمان و تغییرات	۰/۵۵
تداوم مکان	۹۰	تشخیص روح مکان و سعی در ابقای آن	۰/۵۵
	۹۱	لحاظ حال با توجه به تداوم گذشته	۰/۵۰

۵-۵- نقش و جایگاه فضاهای عمومی شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی:

عمومی شهری، می‌توان از رویکردهای صرفاً کالبدی و زیبایی‌شناسانه و نگرش‌های موزه‌ای به بافت‌های تاریخی، فاصله گرفت و در روند احیای بافت‌های تاریخی، کیفیت زندگی در آن‌ها را ارتقا بخشید. بر این مبنا، نگرش صحیح به یک بافت تاریخی باید به گونه‌ای باشد که نیازهای عمومی و نیازهای ویژه و اختصاصی آن همزمان مورد توجه قرار گیرد. بافت‌های تاریخی قبل از آنکه هسته‌هایی جداگانه با نیازهایی ویژه باشند، بخشی از کلیت شهر بوده و دارای قابلیت‌ها و نیازهایی همچون سایر بخش‌های شهر و دارای ساکنینی با خواسته‌های مشابه سایر شهروندان هستند. بنابراین همزمان با پرداختن به حفاظت از هویت تاریخی بافت می‌بایست به پیوند منطقی آن با کلیت شهر از ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی شبکه دسترسی و... هم به خوبی اندیشید. لازمه موفقیت در احیاء و ارتقاء کیفیت بافت‌های تاریخی مستلزم حفظ جمعیت موجود در بافت، ایجاد جذابیت‌های متنوع در کشاندن جمعیت از سایر مناطق شهری و افزایش سطح اجتماع‌پذیری است (جول ۸).

در دهه‌های اخیر توجه مجامع جهانی به محلات تاریخی جهت احیا و زنده کردن آن‌ها علاوه بر مرمت، در قالب رویکردهای جدیدی همچون بازآفرینی شهری خود را نشان داده که هدف آن، آفرینش مکان‌های مطلوب برای شهروندان و مخاطبان فضاهای شهری در محلات تاریخی است. وجه تمایز این رویکرد، تبدیل شدن دیدگاه صرفاً کالبدی رویکردهای قبلی به دیدگاهی جدید و چندبعدی مبتنی بر ظرفیت‌های محیطی موجود و استفاده از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل محیط در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و توجه به فضاهای عمومی در دل بافت‌های تاریخی است که می‌تواند علاوه بر احیا این محلات، ارتقا کیفیت زندگی ساکنان را نیز باعث شود. این در حالی است که مطالعه مفهوم کیفیت زندگی، بر پایه این فرضیه بنیادین است که محیط اجتماعی و فیزیکی می‌تواند بر روی خوشبختی و رفاه مردم ساکن در يك محل تأثیرگذار باشد. بنابراین، با توجه به قابلیت‌های فضاهای

جدول ۸- حوزه‌های نقش‌آفرینی فضاهای عمومی در بافت‌های تاریخی

ابعاد تاثیرگذاری	حوزه‌های متنوع نقش‌آفرینی
هویت محیط	- بسترسازی به منظور بروز ابعاد کالبدی، معنایی و اجتماعی هویت - بسترسازی به منظور تداوم فرهنگی محیط
امنیت اجتماعی	- کمک به همپوندی اقشار بومی و فعالان اقتصادی غیربومی محیط - کاهش میزان جدافتادگی و انزوای مکانی در ساختار فضایی بافت
سرزندگی و زیست‌پذیری	- افزایش سطح مشارکت‌پذیری، تعاملات و تبادلات محلی - ایجاد زمینه‌های لازم به منظور جذب و نگهداشت مردم در فضای شهری
رقابت‌پذیری اقتصادی	- عرصه نمایش بین‌المللی تصویر شهری به منظور جذب سرمایه‌های بین‌المللی و ایجاد رقابت سرمایه‌گذاری داخلی به تبع آن - کمک به افزایش سطح اعتماد سازی در نگاه سرمایه‌گذاران

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در پژوهش حاضر براساس پیشینه نظری، مؤلفه‌های فضای شهری و کیفیات ناظر بر آن از منابع مورد بررسی استخراج شده و سپس ابعاد و سنجه‌های کیفیت زندگی شهری بررسی و معیارهایی از آن که به فضای شهری اشاره دارد، مشخص شده و شاخص‌های استحصال شده با ویژگی‌های خاص بافت تاریخی مورد پایش و بازبینی قرار گرفته است. براساس نتایج به دست آمده «کیفیت‌های کالبدی، عملکردی و زیست‌محیطی» بسیاری در فضاهای عمومی شهرها هستند که می‌توانند ضامن موفقیت عرصه در جلب رضایت ساکنان و کاربران بافت‌های تاریخی باشند ولی توجه به «فعالیت‌های اقتصادی و تحرکات اجتماعی» موجود در بافت تاریخی از کلیدی‌ترین مواردی هستند که می‌توانند اثربخشی یک اقدام بر کیفیت زندگی مردم در عرصه‌های عمومی محلات تاریخی را افزایش دهند. در این بین حساس کردن جامعه محلی نسبت به ارزش‌های بافت تاریخی و قابلیت‌های عرصه عمومی در ارتقای کیفیت زندگی آنها منجر به نقش‌پذیر شدن آنها در نحوه استفاده از عرصه‌های عمومی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی-اجتماعی موجود در جامعه محلی برای ارتقای کیفیت عرصه‌های عمومی، توانمند ساختن آنها در بیان مسئله و راه‌حل‌های پیشنهادی و گاهی نوآوری در نحوه تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌ها می‌شود که حیات پایدار عرصه‌های عمومی در بافت‌های تاریخی و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و کاربران آنها را تضمین می‌کند و رابطه تنگاتنگی با مدیریت شهری دارد. بر این اساس، مقوله زیست‌پذیری اجتماعی-فرهنگی و اقتصاد پویا زیربنای شکل‌گیری فضای با کیفیت در بافت‌های تاریخی بوده و بدون مثلث محیط، اجتماع و اقتصاد، کیفیت زندگی ارتقا نمی‌یابد. مدل مفهومی تبیین شده در این پژوهش که مبتنی بر مؤلفه‌های فضای شهری است، به عنوان رویکردی نوین در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و در فرایند اقدام و بازآفرینی پایدار شهری در بافت‌های تاریخی مطرح است. ضمن این که این مدل می‌تواند در سنجش کیفیت اقدامات در عرصه‌های عمومی واقع در بافت‌های تاریخی با عملکرد در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای، شهری و فراشهری نیز کاربرد داشته باشد.

تمایز این مدل با مدل‌های پیشین و بداعت و نوآوری آن در این است که اساساً مدل‌های پیشین تنها ناظر بر مؤلفه‌ها و ابعاد طراحی شهری و کیفیات ناظر بر آنهاست و تأکید آنها بیشتر بر کیفیت محیطی است. حال آن که این مدل مفهومی سه مفهوم «فضای شهری»، «کیفیت زندگی»

و «بافت تاریخی» را با هم مدنظر قرار داده و براساس شاخص‌های متناظر فضای شهری و کیفیت زندگی با توجه به زمینه (مشخصاً بافت تاریخی) تبیین شده است. به بیانی دیگر مؤلفه‌ها و شاخص‌های این مدل مفهومی، دو گام از مدل‌های پیشین طراحی شهری فراتر رفته و شاخص‌های فضای شهری با شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی که ناظر بر فضای شهری هستند، متناظر گشته و با بستر بافت تاریخی انطباق داده شده‌اند. این مدل ارزش مؤلفه که سه مؤلفه عملکردی، تجربی-زیبایی‌شناختی و زیست‌محیطی در بعد محتوایی طراحی شهری و سه مؤلفه‌ی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زمان در بعد رویه‌ای طراحی شهری، تشکیل شده و این مؤلفه‌ها در کل، چهارده معیار دارند که هر یک از معیارها، شاخص‌هایی را دربرمی‌گیرند که در نمودار زیر قابل مشاهده است (نمودار شماره ۵).

اقدامات پیشنهادی در امر مداخله در بافت‌های تاریخی و فرایند بازآفرینی آنها با توجه به مدل تبیین شده به تفکیک مؤلفه‌ها به اختصار به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

مؤلفه‌ی اجتماعی-فرهنگی: زمینه‌گرایی، مشارکت، فرایندمحوری، نوآوری و اثرگذاری بر رضایتمندی ساکنان و کاربران در عرصه‌های عمومی؛ «بهره‌مندی از مشارکت ساکنان، کاربران عرصه عمومی»، «تفویض اختیار و قدرت به نهادهای مردم نهاد محلی برای مدیریت بهره‌برداری»، «ارتباط مؤثر و سازنده میان سازمان‌های دخیل در ارتقای کیفیت بافت‌های تاریخی و رعایت چارچوب‌های قانونی»، «شفافیت رویه‌ها و پاسخگویی مسئولان»، «احترام به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان بافت».

مؤلفه تجربی-زیبایی‌شناختی: «ترکیب فضای قدیم و جدید در عرصه عمومی با احترام به ویژگی‌های زمینه تاریخی»، «توجه توأمان به توده و فضا و اجتناب از پوسته سازی».

مؤلفه‌ی زیست‌محیطی: «کاهش آلودگی‌های محیطی و احترام به منابع انرژی و میراث طبیعی».

مؤلفه‌ی عملکردی: «اثرگذاری مطلوب بر سرزندگی فضا»، «ارتقای همه شمولی اجتماعی برای برگزاری رویدادهای متنوع».

مؤلفه‌ی اقتصادی: «رونق بخشیدن به کسب و کار و ارتقای گردشگری».

مؤلفه‌ی زمان: «توجه به زیست شبانه»، «برگزاری رویدادهای فصلی، ماهیانه و هفتگی»، «تشخیص روح مکان و سعی در ابقای آن در محیط».

- توجه به مقیاس انسانی در شکل‌گیری و احیا فضاهای همگانی
- توجه به زیباسازی منظر شهری در بافت و ارتقا تنوع پذیری در جداره‌ها و بدنه‌های شهری
- توجه به ارزش‌های بصری اعم از تابلوها، علائم، نشانه‌ها، الگوهای تزیینات ساختمان‌ها، رخ بام‌ها، پالت رنگی و ...
- توجه به رضایتمندی ساکنان و شاغلان در بافت تاریخی
- ارتقا سطح خوانایی محیط شهری باتأکید بر فضاهای عمومی و همگانی

- تقویت شبکه دسترسی حمل و نقل عمومی
- توسعه شبکه ایمن پیاده راهی
- فناوری‌های شهر هوشمند و تسهیل رفت‌وآمدها و سفرهای روزانه
- دسترسی به امکانات و خدمات شهری

- پویایی زندگی شهری و محلی در بافت و تقویت انعطاف پذیری محیط
- حفظ ارزش‌های شهری و معماری اعم از شاخص‌های انسان ساز و طبیعی در بافت شهری و محلی
- تداعی معانی فرهنگی - تاریخی و خاطره‌انگیزی
- کیفیت زندگی شبانه در بافت تاریخی به ویژه فضاهای عمومی

- کیفیت امنیت محیط شهری برای فعالیت‌های مختلف
- توجه به نظارت عمومی و انجام تدابیر لازم برای کنترل ناهنجاری‌ها و بزهکاری در محیط توسط ساکنان بافت
- توجه به شاخص‌های ایمنی در محیط شهری
- کنترل نارسایی‌های مسبب خطرآفرینی و مخاطرات محیطی در بافت
- اهل‌کیش‌های شهر هوشمند در کاهش جرائم و افزایش امنیت عمومی

- توجه به عناصر بومی و اصیل در کالبد شهر و ساختمان‌ها
- هماهنگی نماها و منظر شهری ساختمان‌ها در تعریف بدنه فضاهای عمومی شهری
- توجه به الگوی معماری ساختمان‌ها با کارکردهای مورد نیاز زندگی امروزی
- توجه به الگوی هندسی معابر با الویت پیاده رکه در قدیم نیز اینگونه بوده است) و مقیاس انسانی آن‌ها
- توجه به ساختار فضایی و سیر تحول تاریخی و ریخت‌شناسی بافت

- استقرار و تجهیز فضاهایی برای ملاقات جمعی در بافت تاریخی (دیدارگاه بودن بافت تاریخی)
- فراهم نمودن امکان حضور کلیه اقشار جامعه (همه شمولى مکان)
- امکان حضور در ساعت‌های مختلف شبانه روز و تجهیز محیط به ظرفیت‌های زندگی شبانه
- امکان برگزاری رویدادهای مختلف موردی و مناسبی

- آسایش اقلیمی پیاده‌ها و کیفیت خرد اقلیم فضاهای شهری
- تعداد و کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز در سطح محله
- نظافت خیابان‌ها، فضاهای شهری و مکان‌های عمومی
- کیفیت جمع‌آوری زباله در سطح محله و دفع مواد زاید شهری
- وضعیت آلودگی هوایی، صوتی
- کارایی از نظر مصرف انرژی، به حداقل رساندن آلودگی‌ها و پشتیبانی از اکوسیستم‌ها
- مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و استفاده درست از بستر طبیعی
- توجه به پیوندهای زیست‌محیطی بومی و منطقه‌ای



- رونق بخشیدن به کسب‌وکار و ارتقای گردشگری با احترام به ظرفیت‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی
- جلوگیری از سوداگری زمین و اثرگذاری مطلوب اقدام بر ارزش اقتصادی املاک واقع در بافت تاریخی
- افزایش ساعات کاری و تقویت اقتصاد شبانه شهری
- ابتکارات هوشمندانه و کاهش هزینه‌های زندگی
- تنوع فعالیت‌های اقتصادی در محیط بافت تاریخی (اقتصاد خلاق)
- ابزارهای جذب سرمایه داخلی و خارجی
- فرصت کنش‌های متقابل اقتصادی و ارتباط مؤثر و سازنده میان سازمان‌های دخیل در ارتقای کیفیت

- مدیریت زمانی فعالیت‌ها در فضا
- طراحی و صرف هزینه فضاهای همگانی برای استفاده در بیشترین زمان ممکن
- اختلاط کاربری از نظر زمانی متفاوت در طراحی فضایی
- لزوم وجود چند ساختمان و فعالیت دائمی در جامعه ۲۴ ساعته (مسکونی و ...)
- اقتصاد شبانه وابسته به زندگی شبانه جهت بازگرداندن سرزندگی به مراکز شهری

- تقویت حس مکان در بافت اجتماعی شهری - محلی
- مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف شهری (تصمیم‌گیری) و پیوستگی اقدامات به عنوان یک عامل یکپارچه
- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مختلف و اثرگذاری مطلوب اقدام در رضایتمندی ساکنان از حضور در محله
- رویداد مداری و واقعه‌گرایی (سیاسی-آیینی و مذهبی)
- احساس هویت و تعلق خاطر در شهر
- خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی
- رضایتمندی از روابط همسایگی در محله
- فضاهای اجتماعی ایجادکننده نشاط و لذت در شهروندان
- ابتکارات هوشمندانه در تعاملات شهری دیجیتال و ارتقاء سطح ارتباطات اجتماعی

- خوانش شهر به عنوان متنی چند لایه
- توجه به حس مکان و تثبیت هویت مکان
- چگونگی تطبیق محیط با زمان و تغییرات
- تشخیص روح مکان و سعی در باقی‌ماندن آن
- لحاظ حال با توجه به تداوم گذشته
- توجه به نیازهای تمام اقشار (عدالت اجتماعی)
- امنیت زنان و کودکان در محله
- دسترسی ساکنان به زیرساخت‌های پشتیبان سکونت (مراکز خرید محلی، فضای سبز، آموزشی، بهداشتی و ...)

نمودار شماره ۶: مدل مفهومی تبیین نقش فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهری

References:

- Ahmad Akhondi, A., Barakpur, N., Khalili, A., Sedaghatnia, S., & Safiyari, R. (2014). Measuring Quality of Urban Life in Tehran Metropolitan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va Shahrsazi*, 19(2).[in persian]
- Carmona, M. (2010a). Contemporary public space, part two: classification. *Journal of urban design*, 15(2).
- Carmona, M. (2010b). Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique. *Journal of urban design*, 15(1),.
- Carmona, M. (2019). Place value: Place quality and its impact on health, social, economic and environmental outcomes. *Journal of urban design*, 24(1).
- Carmona, M. ((2020).). Urban maestro, The place alliance,. In. the European Union's Horizon 2020 research and innovation programme under grant agreement.
- Carmona, M., De Magalhaes, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Space–Urban Space, The Dimention of Urban Design*. *Edisi*, 2, 114.
- Tehran City Studies and Planning Center. (2019). *Strategic document for urban space management*. Shahid Beheshti University Press. [in persian]
- Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. *Social Indicators Research*, 88(2).
- Esmaily, A., & Ashjaei, H. (2020). A Customized Model for Assessing Urban Life Quality Based on Objective and Subjective Approaches (Case study, Qom city, District one). *Journal of Geomatics Science and Technology*, 9(3), .[in persian]
- Falamaki , M. M. (2018). *Rehabilitation of historic buildings and cities*. Publisher University of Tehran. [in persian]
- GOLKAR, K. (2001). COMPONENTS OF URBAN DESIGN QUALITY. *SOFFEH*, 11(32). [in persian]
- Habibi, S. M., & Pour-mohammad-reza, N. (2013). Public spaces and social life in the historic city of Varamin. *Hoviatshahr*, 7(15).[in persian]
- Hamdan, H., Yusof, F., & Marzukhi, M. A. (2014). Social capital and quality of life in urban neighborhoods high density housing. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 153.
- Hassanzadeh , M., & Soltanzadeh , H. (2018). Developing a Conceptual Model for Urban Texture Sustainability: an Integrated Revitalization Approach. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 14(56).[in persian]
- Jacobs, J. (2016). *The death and life of great American cities*. Vintage.
- kokabi, A. (2012). Criteria for assessing the quality of urban living in urban centers. *Hoviatshahr*, 1(1).[in persian]
- Littlefair, P. J. (2000). *Environmental site layout planning: solar access, microclimate and passive cooling in urban areas*. BRE publications.
- Low, C.-T., Stimson, R., Chen, S., Cerin, E., Wong, P. P.-Y., & Lai, P.-C. (2018). Personal and neighbourhood indicators of quality of urban life: a case study of Hong Kong. *Social Indicators Research*, 136(2).
- Lynch, K. (1984). *Good city form*. MIT press.
- Marans, R. W. (2015). *Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities*. *Habitat International*, 45.
- Mohammadi, M., Azimi, M., Moghaddam, H., & rafieian, m. (2013). urban public spaces: realization of social interactions in historical texture. *maremat-e asar & baft-haye tarikhi-farhangi*, 2(4).[in persian]
- Petruccioli, A. (1998). *Typological process and design theory*.
- Pourahmd, A., Hhabibi, K., & Keshvarz, M. (2010). new approaches of the process of conceptualizations of the regeneration of the urban distressed area. *journal of studies on Iranian Islamic city*, 1(1). [in persian]
- Punter, J., & Carmona, M. (1997). *The design dimension of planning: theory, content, and best practice for design policies*. Taylor & Francis.
- Research Assembly of the Islamic Consultative Assembly. (2019). *Law on Protection of Restoration and Restoration of Historical-Cultural Textures*. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1199470> in persian
- saadati, A. m., & Lotfipour Siahkloroodi, M. (2018). study of the role and position of public spaces in promoting quality of life in historical textures The 4th National Conference on Applied Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Management, Tehran. <https://civilica.com/doc/612469> [in persian]
- Soltanzadeh , H., & Rohbakhshan , A. (2016). *Urban spaces in the historical contexts of Iran*. Cultural Research Office Publications. [in persian]
- Southworth, M. (1989). *Theory and practice of*

- contemporary urban design: a review of urban design plans in the United States. *The Town Planning Review*.
- Tibbalds, F. (2012). *Making people-friendly towns: Improving the public environment in towns and cities*. Khak publisher.
 - Ülengin, B., Ülengin, F., & Güvenç, Ü. (2001). A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul. *European Journal of Operational Research*, 130(2), 361-374.
 - Yaghfoori, H., Rosta, M. R., & kooshaahi, M. (2016). Spatial Evaluation of Quality of Life Indicators in the Neighborhoods of Bam City after Earthquake by Using Multi-criteria Decision-making Models [original]. *Social Welfare*, 16(61), 187-220. [in persian]
 - Zainal, N. R., Kaur, G., Ahmad, N. A., & Khalili, J. M. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.
 - Zare, A., rezaei, m., & Laghai, H. (2019). Explaining the Effective Factors on Improving the Environmental Quality of Urban Historical fabrics (Case Study: historical fabrics of Shiraz). 10(38).[in persian]
 - Zebardast, E. (2009). The housing domain of quality of life and life satisfaction in the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe. *Social Indicators Research*, 90(2).

نحوه ارجاع به مقاله:

سعادت، علی محمد؛ احمدی، فرشته؛ غفاری، علی؛ ناظمی، الهام؛ (۱۴۰۰) تبیین مدل مفهومی نقش آفرینی فضای شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی، مطالعات شهری، 10 (41)، 43-58، .doi: 10.34785/J011.2022.934/Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



ساخت، هنجاریابی، اعتبارسنجی مقیاس امنیت محیطی پارک‌های شهری

مبنتی بر ترجیح کاربران^۱

نمونه مورد مطالعه: پارک ملت تهران

سودابه قلی‌پور - دانشجوی دوره دکتری، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران.
جمال‌الدین مهدی‌نژاد^۲ - استاد، گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران.
بهرام صالح صدق‌پور - دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۱ تیر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹

چکیده

یکی از معضلات جوامع امروزی، احساس ترس و عدم احساس امنیت در محیط‌های شهری و بالتبع در پارک‌هاست. بنابراین پارک‌های شهری نیازمند طراحی آگاهانه‌ای هستند که رضایت مخاطب را به همراه داشته باشد و در برنامه‌ریزی و طراحی آنها توجه به ویژگی‌های مخاطب نیز لازم است و این مهم می‌تواند با مشارکت و همفکری کاربران به دست‌آید و افزایش امنیت محیطی به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول کیفیت بخشی به محیط اگر بر پایه ترجیح کاربران باشد، می‌تواند به بهبود فضاها کمک کند. از آنجا که تفاوت در ویژگی‌های هر مکان از جنبه زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی می‌تواند احساس امنیت یا ترس متفاوتی را به شهروندان القا کند، در این پژوهش از یک پارک بزرگ در تهران (پارک ملت) به عنوان نمونه مورد مطالعه استفاده شده است. هدف پژوهش حاضر ساخت، هنجاریابی و اعتبارسنجی مقیاس امنیت در پارک‌های شهری از دیدگاه کاربران است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع تحلیل عاملی اکتشافی است. برای ساخت گویه‌های مرتبط با امنیت از طریق مصاحبه با متخصصان و کاربران، کدگذاری باز و براساس مبانی نظری، پرسشنامه‌ای در حیطه‌ی امنیت تنظیم شده است. روایی محتوایی از طریق اجرای مقدماتی و مصاحبه باز با کاربران و تأیید متخصصان انجام گرفته و پایایی آن در مرحله مقدماتی با هم‌آهنگی درونی سؤالات و آلفای کرونباخ سنجیده شده است. پرسشنامه در مرحله نهایی در بین ۲۵۰ کاربر در پارک ملت تهران توزیع شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که پرسشنامه از اعتبار و هنجاریابی برخوردار است و با وارد کردن داده‌های به دست آمده در نرم‌افزار SPSS 22 و به‌کارگیری تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی، هشت عامل تبیین‌کننده در ترجیح کاربران به دست آمده که عبارتند از طراحی عناصر مصنوع، کنترل و نظارت پذیری، طراحی کاشت، خوانایی، دسترسی پذیری فیزیکی، زیبایی‌شناسی، الگوهای فعالیت و اندازه و وسعت فضا. در بین عامل‌های هشت‌گانه، عامل طراحی عناصر مصنوع بیشترین سهم و عامل اندازه و وسعت فضا کمترین سهم را در توضیح واریانس دارند. شاخص‌های مطرح شده این پژوهش می‌تواند در بهبود عملکرد طراحان، مجریان و مدیران شهری در پیاده‌سازی الگوهای مناسب برای طراحی پارک‌های شهری ایمن که منطبق بر ترجیحات کاربران باشد، مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پارک‌های شهری، امنیت محیطی، ترجیح کاربران، پارک ملت تهران.

نکات برجسته

- استخراج مفاهیم کلیدی از پرسشنامه باز پاسخ و استفاده از این مفاهیم در پرسشنامه بسته پاسخ.
- مستندسازی و جمع‌بندی متغیرهای محیطی مؤثر بر امنیت فضاهای عمومی شهری.
- استخراج عوامل و معیارهای مؤثر بر احساس امنیت کاربران با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری رشته معماری با عنوان «مدل‌یابی ترجیح کاربران از امنیت محیطی پارک‌های شهری» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی مصوب شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: mahdinejad@sru.ac.ir

۱. مقدمه

در جامعه شهری امروزی، توسعه فضاهای سبز شهری مهم است (Maruthaveeran, 2017: 85) و پارک‌ها بخشی از فضاهای شهری هستند که بر زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. پارک‌های شهری دارای نقش اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی هستند و شاخصی برای ارتقای کیفیت فضای زندگی و توسعه جامعه محسوب می‌شوند (Balram & Dragicevic, 2005: 149). در پارک‌های عمومی سعی می‌شود که تمام وسایل سرگرمی و رفاهی، تقریباً برای هرگونه سلیقه، فکر و سن وجود داشته باشد (Hekmati, 1992: 324). امنیت محیطی یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بسترساز رشد، توسعه و ثبات جامعه است (Maleki, 2016: 135). بسیاری از عوامل مؤثر در امنیت پارک‌های شهری را می‌توان ناشی از چگونگی طراحی و شرایط کالبدی آنها دانست. بنابراین ضروری است که این عوامل شناسایی و راهکارهای مناسبی برای بهبود وضعیت آنها ارائه شود. هدف این تحقیق استخراج شاخص‌های مؤثر بر احساس امنیت کاربران و پایایی، اعتبارسنجی و هنجاریابی آن است. طراحی منظر با رویکرد مشارکتی و همفکری با کاربران می‌تواند سازنده فضاهایی باشد که شایسته طبع والای انسانی است و این اثر می‌تواند جاودانه باشد؛ در واقع معماری با مردم شکل بگیرد. شاخص‌ها و مفاهیمی که برای این پژوهش انتخاب شده‌اند از مولفه‌های استخراج شده از مصاحبه باز با کاربران و جمع‌بندی بیشترین موارد تأکید از نظر اندیشمندان و متخصصان حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و کارشناسان فضای سبز به دست آمده است که در بخش‌های عوامل فیزیکی - ساختاری، پیکره‌بندی فضایی، زیبایی‌شناسی، معنا و الگوهای فعالیت و کنترل مکان پرداخته خواهد شد. عوامل زیست‌محیطی در این پژوهش دیده نشده است.

پژوهش‌های بسیاری در زمینه امنیت محیطی به بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر احساس ترس و امنیت کاربران در نمونه‌های موردی مختلف پرداخته‌اند که در زیر به صورت خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود. برخی از پژوهشگران داخلی به تأثیر رویکرد CPTED¹ در امنیت محیطی پارک‌ها پرداخته‌اند (Almasifar & Ansari, 2010; Hadavi & Rahimi, 2018; Mahdinejad & Gholidpour, 2020). ایزدی و حقی در مقاله‌ای متغیرها را در هفت عامل تبیین‌کننده احساس امنیت، شامل پیاده‌مداری، زیبایی‌شناسی، اجتماع‌پذیری، امنیت شبانه، نظارت مستقیم، آسایش محیطی و ساختار محیط دست‌بندی کردند (Izadi & Haghi, 2015). رفیعیان و همکاران در مقاله‌ای شش معیار هویت مکان، خاطره‌انگیزی، فرم و ساختار، حس مکان، خوانایی و ادراک عمومی و بصری را سازنده احساس امنیت بر اساس منظر شهری معرفی کردند (Rafieian, et al., 2014).

پژوهشگران خارجی نیز به بررسی عوامل ترس و احساس امنیت در پارک‌های شهری و فضاهای سبز پرداخته‌اند. در این خصوص مارون‌ویران و بوش ویژگی‌هایی چون پوشش گیاهی متراکم، حضور تنها در پارک، نامنظمی در چیدمان عناصر در پارک، آشنایی با پارک، علائم اختلال جسمی، حضور نیافتگی‌های اجتماعی، اطلاعات پیشین از جرائم و سابقه قربانی شدن را از عوامل مؤثر در میزان احساس امنیت استفاده‌کنندگان از پارک‌های شهری کووالامپور دانستند

(Maruthaveeran & Bosch, 2015). مک کورمیک و هلند نیز به طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر کاهش جرائم در پارک‌های شهری پرداختند. حذف سطوح زباله‌ها، تخریب نقاشی‌های دیواری، علائم و استفاده از روشنایی بیشترین تأثیر و حضور پرسنل پارک، استفاده از دوربین‌های مدار بسته، باجه‌های تلفن تماس اضطراری یا حضور گروه‌های شهروند، کمترین تأثیر را دارند (McCormick & Holland, 2015). مک کورد و هاوسر به بررسی عواملی پرداختند که به جرم بیشتر در پارک‌های محله‌ای منجر می‌شود و بیان کردند که میزان جرم در پارک با میزان جرم در محیط اطراف پارک و ویژگی‌های پارک در ارتباط است (McCord & Houser, 2015). ثانی و همکاران نیز به ارزیابی امنیت درک شده توسط کاربران در طول فعالیت‌های تفریحی در پارک‌های شهری پرداختند و چندین معیار تأثیرگذار بر امنیت را از رویکرد CPTED شناسایی کردند (Thani, et al., 2016). لی و همکاران در اندازه‌گیری احساس ترس مبتنی بر رویکرد CPTED، سه عامل دوربین‌های مدار بسته، روشنایی خیابان و مدیریت و نگهداری مناسب را در کاهش جرم مؤثر دانستند (Lee, et al., 2016). کیمیتون و همکاران نیز در پژوهشی که در فضاهای سبز در استرالیا انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که امکانات رفاهی در فضاهای سبز، ساختار اجتماعی محله و نزدیکی به فضاهای جرم‌خیز بر تعداد و زمان وقوع جرم در فضاهای سبز تأثیرگذار است (Kimpton, et al., 2017). جیانگ و همکاران نیز در پژوهشی که برای سنجش تفاوت ادراک امنیت بین کاربران زن و مرد انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که مناظر پوشیده از گیاهان برای هر دو گروه نسبتاً ایمن تلقی می‌شود و امنیت درک شده از پوشش گیاهی هندسی نسبت به پوشش گیاهی طبیعی در هر دو گروه بیشتر است (Jiang, et al., 2017). مارون‌ویران در بررسی استفاده از پارک شهری، ترجیحات و رفتار ساکنان کووالامپور (مالزی) دلایل انتخاب پارک از دیدگاه کاربران را مورد بررسی قرار دادند. اکثر پاسخ‌دهندگان، پارک‌های کووالامپور را بی‌خطر دانستند؛ زیرا اکثریت آنها به صورت گروهی یا با اعضای خانواده یا دوستانشان از پارک بازدید می‌کنند. همچنین نگرانی اصلی اکثر پاسخ‌دهندگان، تراکم بالای جمعیت استفاده‌کننده از فضاهای سبز به دلیل تراکم فشرده شهری و جمعیت زیاد شهر است و آن را در کاهش امنیت پارک‌ها مؤثر دانستند (Maruthaveeran, 2017). همچنین مک جیم در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل ترس در پارک‌های شهری در هنگ‌کنگ به این نتایج دست یافتند که عوامل ترس از جرم عمدتاً توسط مسائل طراحی و مدیریت پارک تحت تأثیر قرار می‌گیرد و وجود ورودی‌ها و دسترسی‌های ناکافی را بیشترین عامل ترس در میان هجده ویژگی بررسی شده در پژوهش عنوان کرده‌اند (Mak & Jim, 2018). لیس و همکاران نیز در تحقیقی که در بین دانشجویان دختر در سه کشور لهستان، لتونی و چین انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که تراکم پوشش گیاهی به دلیل فراهم کردن مکان‌های مخفی می‌تواند بر احساس ترس تأثیر بگذارد (Lis, et al., 2019). در تحقیقی که به وسیله سونتی و همکاران به منظور استخراج عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه برای افراد در استفاده از فضاهای سبز انجام گرفته، بیشترین عوامل تأثیرگذار در عدم استفاده از این فضاها را نبود تسهیلات رفاهی مانند زمین‌های بازی، سرویس‌های بهداشتی، ترس و عدم احساس امنیت دانستند (Sonti, et al., 2020). همچنین عبدالحمید والفاخارانی در پژوهشی که

تا امنیت عمومی ارتقا یابد (Rafieian, et al., 2012: 53 quoted from World Health Organization, 1998:297). به تعبیری دیگر، ابعاد عینی براساس آمار وقوع جرم و جنایت قابل توصیف است؛ اما ابعاد ذهنی که از آن با تعبیر "احساس امنیت" یاد می‌شود، تأثیرپذیری زیادی از عوامل روانشناختی دارد (Moayed, 2013: 184).

در پارک‌های عمومی مصر انجام دادند، از امنیت به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در استفاده از پارک‌ها در کشورهای در حال توسعه نام بردند (Abdelhamid & Elfakharany, 2020).

۲. چارچوب نظری

۲.۱. امنیت

کلمه امنیت از اصطلاح لاتین به معنی "عدم مراقبت" گرفته شده است (Dower, 1995; Machlis, et al., 2011). برای تبیین مفهوم نظری امنیت دو بعد متمایز بیان می‌کنند. نخست بعد عینی آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی و دوم بعد ذهنی که براساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند. بنابراین لازم است که به این دو بعد با هم توجه کنیم

۲.۲. مستندسازی و جمع‌بندی متغیرهای محیطی مؤثر بر امنیت فضاهای عمومی شهری

با استناد به نظریات و رویکردهای نظریه‌پردازان و با مطالعه پژوهش‌ها در عرصه امنیت، عوامل و معیارهای مؤثر در احساس امنیت کاربران که در بخش بعدی توسط کاربران از پرسشنامه بازپاسخ به دست آمده، استخراج شده که در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: مستندسازی و جمع‌بندی متغیرهای محیطی مؤثر بر امنیت فضاهای عمومی شهری

عناصر طبیعی	- خطرناک بودن پوشش گیاهی متراکم به دلیل پنهان کردن حضور مجرمان و محدود کردن چشم‌انداز جرم (Wolfe & Mennis, 2012: 112; Maruthaveeran & van den bosh, 2015: 703) - وضعیت درختان و پوشش گیاهی سامان یافته‌تر، ضریب امنیت فضا بالاتر (Salehi, 2009: 134)
عناصر مصنوع	- توسعه فعالیت‌های خدماتی - رفاهی مؤثر بر امنیت اجتماعی پارک (Alinejad, 2013: 101) - مبلمان فضای پارک و نحوه چیدمان آن مؤثر بر احساس امنیت کاربران (Lynch, 1993: 92)
دسترسی پذیری فیزیکی	- دسترسی پذیری به فضاهای عمومی، نکته اصلی در برنامه‌ریزی تمام عرصه‌های عمومی شهری (Peponis, et al., 1990; Salehi, 2009: 135)
مقیاس انسانی	- ابعاد و مقیاس انسانی مظهر امنیت (Rafieian, et al., 2014: 48; Newman, 2008: 82-83; Salehi, 2009: 134)
اندازه فضا	- افزایش امنیت با بزرگ‌تر شدن فضا (Yeoh & Yeow, 1997: 275) - افزایش امنیت با کوچک بودن فضا (Newman, 2008) - فضاهای وسیع و بزرگ عامل اضطراب و نگرانی (Rafieian, et al., 2014: 48) - اضطراب آور بودن فضاهای بی‌کران و خالی و فراهم کردن شرایط امکان ازدحام زیاد در فضاهای کوچک و فراهم کردن شرایط آسیب‌پذیری (Salehi, 2008: 155)
تراکم	- افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری (Yeoh & Yeow, 1997: 275) - وجود جمعیت هم‌عامل با زائرانده و هم‌وادرانده و زمینه‌ساز جرم (Sograni, 1998: 7) - تأثیر سطح اشغال و تراکم بافت بر احساس امنیت کاربران (Lynch, 1993: 92)
گشودگی فضایی	- افزایش ضریب امنیت فضا با کمتر بودن شکاف و محل‌های غیرقابل رویت (Salehi, 2009: 134)
هندسه	- الگوهای ساختاری مختلف مؤثر بر احساس امنیت کاربران (Ghorbaniyan, 2013; Feyzi, et al., 2014: 12)
شیب	- مسیرهایی که شیب کمتری دارند احساس امنیت بیشتری را در کاربران ایجاد می‌کنند (Almasifar & Ansari, 2010: 29).
کیفیت و تنوع مسیرهای حرکتی	- ارتقای امنیت فیزیکی و روانی پیاده‌رو توسط کیفیت شبکه معابر پیاده و پوشش آن (Pour Ahmad, et al., 2017: 57)
نظم	- ارتباط بین رفتارهای خشونت‌آمیز با فضاهای شهری مانند ناموزونی فیزیکی، محیطی، بی‌قوارگی کالبدی و نابسامانی مکانی (Mohseni, et al., 2016: 137) - نشانه‌های بی‌نظمی فیزیکی ایجادکننده ترس و ناامنی در میان مراجعه‌کنندگان به پارک‌های شهری (Maruthaveeran & van den Bosch, 2015)
مصالح و رنگ	- مصالح و رنگ مؤثر بر احساس امنیت کاربران (Bakhtiar Nasrabadi, et al., 2011: 104)
تنوع	- ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی و مجرد بودن و محصوریت فضاهای شهری ایجادکننده احساس امنیت (Chapman, 2007: 179)
انطباق پذیری	- سهولت خوانش فضا و احساس امنیت با انطباق پذیری فرم و عملکرد (Rafieian, et al., 2014)
حس تعلق	- حس تعلق، ویژگی مناسب برای پیشگیری از جرم (Office of the deputy prime minister, 2004: 13) - احساس تعلق با تقویت قلمرو و حریم‌ها در پارک و احساس امنیت (Ansari et al., 2010: 33)
جهت‌یابی	- احساس امنیت در فضا با تسهیل در امر تشخیص جهت (Lynch, 1993: 92) - ارزیابی رفتن احساس امنیت روانی با ازدست رفتن امکان شناسایی فرد در فضا (Newman, 2008) - تأثیر جنبه‌های اجتماعی و روانی جهت‌یابی بر احساس امنیت فردی (Lang, 2009: 153)
نشانه‌گذاری مکان	- تأثیر نشانه‌گذاری مکان و وجود کیفیاتی که مانع گمراه شدن در فضا می‌گردد بر احساس امنیت (Wekerle & Whitman, 1995; Russ, et al., 2017: 22; Moulave, et al., 2017)

جدول شماره ۱: مستندسازی و جمع بندی متغیرهای محیطی مؤثر بر امنیت فضاهای عمومی شهری

دوری‌گزیدن افراد از محل‌هایی با نمادهای آلودگی‌های دیداری که حاکی از عدم نظارت بر مکان است و فراهم شدن شرایط برای حضور بیشتر افراد مجرم و فعالیت‌های ناسالم (Salehi, 2009: 134 - 135)	کنترل بر فعالیتهای و الگوهای رفتاری
- شاخص مطرح شده رویکرد CPTED - نامنی پارک‌ها با کم‌نوری و دید کم (Cozens, et al., 2003) - افزایش شناسایی متخلفان با سیستم روشنایی خوب و افزایش شانس کمک به قربانی (Wekerle & Whitzman, 1995: 28)	روشنایی
- شاخص مطرح شده رویکرد CPTED - بالا رفتن امنیت فضا با کنترل مکان با ایجاد فضاهای امن و نگهداری (Crowe, 2000)	کنترل دسترسی (دسترسی به پناهگاه، اتافک نگهداری و ...)
- شاخص مطرح شده رویکرد CPTED - تأثیر تأمین خلوت و کنترل قلمرو مکانی بر احساس امنیت (Lang, 2009: 170) - تأثیر فضاهای تعریف شده بر احساس امنیت (Chapman, 2007: 179) - تفکیک قلمروهای خصوصی، نیمه خصوصی و نیمه عمومی از قلمروهای عمومی و امکان کنترل بر وقوع جرائم (Salehi, 2009: 135) - بالا رفتن امنیت فضا با تعریف فضا و قلمرو (Crowe, 2000)	قلمروگرایی
- شاخص مطرح شده رویکرد CPTED - پیشگیری از اقدامات مجرمانه با نظارت (Davis, 2010: 17) - ارتقای امنیت فضا با نظارت‌های غیراجتماعی مانند دوربین‌های مدار بسته با ایجاد این حس که محیط تحت نظر است (Ditton, 2000: 683; Crowe, 2000) - بالا رفتن امنیت فضا با حضور سازمانی (پلیس، نگهبان و ...) در سطح پارک (Crowe, 2000) - تئوری چشم‌های خیابان (Jacobs, 1961)	نظارت‌پذیری
- احساس امنیت با دربی داشتن تعاملات مثبت در فضاهای مردم‌گرا (Bakhtiar Nasrabadi, et al., 2011: 104 quoted from Squaz) (Research)	تعاملات اجتماعی
- ویژگی مناسب برای پیشگیری از جرم (Office of the deputy prime minister, 2004: 13) - پاسخگویی فضا به الگوهای رفتار مردم و نیازهای آنها و جبری عمل نکردن موجب احساس امنیت می‌شود (Lang, 2009: 125)	قرارگاه‌های رفتاری
- افزایش امنیت با حضور مردم در فضا (Maruthaveeran & van den bosh, 2015)	حضورپذیری
- احساس امنیت بیشتر با جریان فعالیت‌ها در فضا در طول همه اوقات شبانه روز (Salehi, 2009: 136)	تنوع فعالیت‌ها

۱- زمین‌های ورزشی - سرویس‌های بهداشتی - فروشگاه مواد غذایی - پارکینگ - ...

۲- وجود تجهیزات و مبلمان (پایه‌های روشنایی - تابلوهای راهنما - سطل زباله - آلاچیق و سکوی نشستن - جایگاه آب آشامیدنی - نیمکت - لوازم ورزشی) - ایمنی تجهیزات و مبلمان

۳. روش

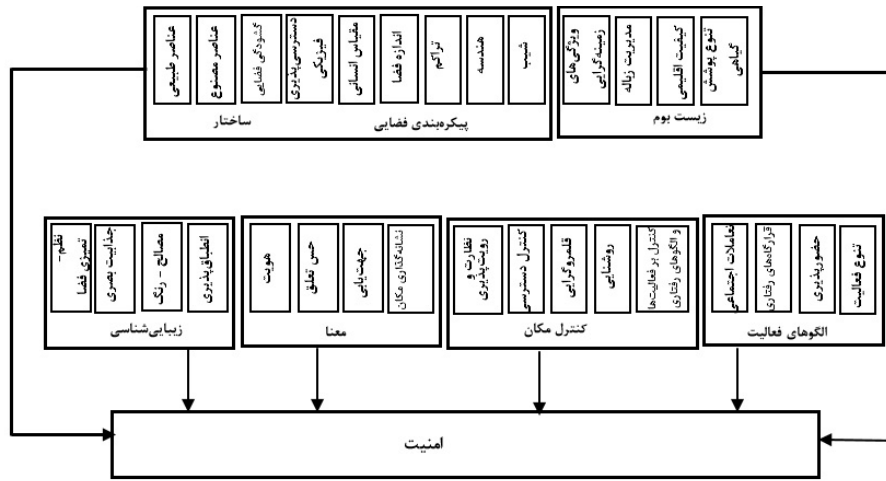
روش تحقیق به صورت کیفی و کیفی - کمی است. در مرحله نخست، از روش تحقیق کیفی تحلیل محتوا بهره‌گیری می‌شود. در این بخش سوالات پرسشنامه بازپاسخ از ضبط و محتوای گفته‌های متخصصان به صورت متنی پیاده‌سازی شد و مؤلفه‌ها نیز از تحلیل محتوای پاسخ‌های کاربران به پرسشنامه باز پاسخ نیمه‌ساختاریافته به دست آمده و با توجه به آن پرسشنامه بسته پاسخ تدوین شده است.

۳.۱. ابزار و روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق روش پیمایشی و نگرش‌سنجی و ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش متغیرهاست. در تنظیم سوالات باز پاسخ از هشت سوال استفاده شده و تعداد ۲۵ مقوله با تکنیک تحلیل محتوا از پرسشنامه‌ها استخراج گردید. در تنظیم اولیه سوالات پرسشنامه بسته پاسخ، در مجموع ۳۹ سوال برای سنجش مقولات به دست آمده تنظیم شده است. در پرسشنامه نهایی تعداد سوالات به ۳۱ سوال کاهش یافته است که وضعیت عناصر طبیعی در سه گویه (وضعیت درختچه‌ها، درختان و حضور آب) و زیبایی‌شناسی در چهار گویه (تنوع پوشش گیاهی، نظم، انطباق‌پذیری و مصالح - رنگ) و مسیرهای حرکتی در دو گویه (کیفیت و تنوع مسیرهای حرکتی و شیب) و برای بقیه متغیرها یک سوال مورد پرسش قرار گرفته است.

۳.۱.۱. کدگذاری باز

در این مرحله بعد از استخراج گویه‌های به دست آمده با استفاده از نظریات و رویکردهای نظریه پردازان و پژوهش‌های انجام شده در عرصه امنیت شهری به مصاحبه با متخصصان حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و کارشناسان فضای سبز پرداخته شد. در مجموع در حدود ۲۵ مفهوم استخراج گردید که در هفت دسته ساختار، پیکره‌بندی فضایی، زیبایی‌شناسی، معنا، کنترل مکان، الگوهای فعالیت و زیست بوم جا گرفتند. نمودار شماره ۱، مؤلفه‌ها و مفاهیم مستخرج از کدگذاری باز و دسته‌بندی آنها را نشان می‌دهد. متخصصان در رابطه با اولویت‌بندی میزان اهمیت و ضرورت شاخص‌ها و این که آیا نیاز به حذف و یا اضافه شدن شاخص‌ها وجود دارد و همچنین این که کدام شاخص نیاز به بازنگری و تغییر دارد، نظر داده‌اند. در مرحله بعد سوالات پرسشنامه باز پاسخ که به تأیید متخصصان رسید، در بین کاربران پارک توزیع شد و شاخص‌های استخراج شده از این مرحله با شاخص‌هایی که از کدگذاری استخراج شده مورد قیاس قرار گرفته و شاخص‌های دارای اهمیت کمتر از نظر کاربران با مشورت متخصصان حذف گردید و پرسشنامه بسته پاسخ نهایی با طیف لیکرت برای سنجش ترجیحات کاربران تدوین شده است



نمودار شماره ۱: مؤلفه ها و مفاهیم مستخرج از کدگذاری و دسته بندی آنها^۱

^۱ ویژگی های زمین‌گرایی، مدیریت زیانه، کیفیت اقلیمی، هویت و جذابیت محیطی از جمله مقوله هایی هستند که در مصاحبه باز که از کاربران صورت گرفته، به آن اشاره کم شده و به دلیل قرار گرفتن در مقوله با تکرار کم در پرسشنامه نهایی استفاده نشده است.

۳.۱.۲. مصاحبه باز

در این مرحله با هدف شناسایی موضوعات کلیدی مرتبط با سوال تحقیق، تعدادی سوال به صورت پرسشنامه باز پاسخ به همراه نقشه گرافیکی از پارک ملت تهیه شد و پس از تأیید روایی محتوایی آن توسط متخصصان در اختیار کاربران پارک مبتنی بر در دسترس بودن و تمایل به پاسخگویی با ویژگی های جمعیتی مختلف قرار گرفته است. از پاسخ دهندگان خواسته شد که به هر سوال پاسخ بدهند و کلمه امنیت و ترس را در پاسخ خود به کار نبرند. کاربرانی انتخاب شده اند که حداقل ده بار از پارک بازدید کرده باشند؛ زیرا با حضور واقعی در فضا جزئیات بیشتری توسط فرد حاصل می شود و تحلیل ها

واقعی ترمی شود (Schroeder & Anderson, 1984). با تکنیک تحلیل محتوا، برای هر پاسخ یک شاخص انتخاب و شاخص ها به ترتیب فراوانی پاسخ رتبه بندی شده اند و سه شاخص با بیشترین فراوانی به هر بخش اختصاص داده شده است. هر شاخص به یک سوال نسبت داده شده است. بدین معنی که در سوال هایی ممکن است شاخصی با درجه فراوانی بیشتر برگزیده نشده باشد؛ زیرا آن شاخص با درجه فراوانی بیشتر از آنچه در این سوال پاسخ داده شده در سوال دیگر بوده و به این دلیل شاخص های بعدی انتخاب شده است. جدول شماره ۲، پاسخ های کاربران به پرسشنامه باز پاسخ و استخراج شاخص ها از پاسخ های آنها را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: تحلیل نظرات پاسخ دهندگان

شاخص ها	سئوالات-پاسخ ها
	سؤال ۱
	اگر تنهایی در روز به پارک بیایید کدام قسمت ها را انتخاب می کنید و چرا؟
پاسخ	- بخش هایی که از همه قسمت ها قابلیت دیده شدن را داشته باشد. - بخش هایی که حضور افراد، به ویژه عابرین در آن بخش ها بیشتر است. - بخش هایی که افراد بزهکار در آن حضور نداشته باشند.
	سؤال ۲
	اگر با دوستانتان در روز به پارک بیایید کدام قسمت ها را انتخاب می کنید و چرا؟
پاسخ	- بخش هایی که از نظر وضعیت خدمات رفاهی مناسب باشد. - بخش هایی که از نظر وضعیت مبلمان و تجهیزات مناسب باشد. - بخش هایی که حریم شخصی حفظ شود.
	سؤال ۳
	در قرار ملاقات و پیوستن به دوستانتان در پارک در روز کدام قسمت ها را انتخاب می کنید و چرا؟
پاسخ	- بخش هایی که پیدا کردن آن آسان باشد. - بخش هایی که با وجود نشانه ها در آن می توان به راحتی آدرس داد و از گم شدن جلوگیری کرد. - دسترسی پذیری فیزیکی (دسترسی به ورودی)
	سؤال ۴
	اگر در شب بخواهید ساعتی در پارک بمانید، کدام قسمت ها را انتخاب می کنید و چرا؟
پاسخ	- بخش هایی که روشنایی آن مناسب باشد. - بخش هایی که به محل نگهداری نزدیک باشد. - بخش هایی که گشودگی فضا مکان مخفی به وجود نیاورد.

جدول شماره ۲: تحلیل نظرات پاسخ دهندگان

شاخص‌ها	سئوالات-پاسخ‌ها
	سؤال ۵ کدام پارک در شهر را برای حضور انتخاب می‌کنید و چرا؟
	پاسخ - پارکی که نزدیک به محل زندگی‌ام باشد یا با اتومبیل شخصی یا وسایل نقلیه عمومی به راحتی بتوانم به آنجا بروم. - پارکی که به آن احساس تعلق داشته باشم. - پارکی که عناصر طبیعی (فضاهای سبز، آب) در آن به اندازه‌ای باشد که حس بودن در طبیعت را در من القا کند و احساس سرزندگی کنم.
	سؤال ۶ اگر قرار باشد یک پارک در شهر خود را به دوستانتان پیشنهاد بدهید، کدام است و چرا؟
	پاسخ - پارکی که از نظر زیبایی شناسی بر دیگر پارک‌ها برتری داشته باشد.* - پارکی که فعالیت‌های مختلف در آن وجود دارد. - پارکی که هیاهو و سروصدای زیادی نداشته باشد و خیلی شلوغ یا خیلی خلوت نباشد.
	سؤال ۷ اگر قرار باشد والدین، پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود را برای ساعاتی در پارک تنها بگذارید، کدام قسمت پارک را انتخاب می‌کنید و چرا؟
	پاسخ - بخشی‌هایی که هم سن و سال‌های ایشان وجود دارد تا بتوانند به راحتی با آنها ارتباط برقرار کنند. - بخش‌هایی که دسترسی نزدیک به خدمات رفاهی و تجهیزات و مبلمان داشته باشد. - بخش‌هایی که مسیر حرکتی آن امکان پیاده روی آسان را برای آنها فراهم کند.
	سؤال ۸ اگر قرار باشد در روز با کودک به پارک بروید کدام قسمت پارک را انتخاب می‌کنید و چرا؟
	پاسخ - بخش‌هایی که تنها اختصاص به فعالیت کودک داشته باشد. (زمین بازی کودکان و ...) - بخش‌هایی که اندازه فضا مناسب باشد. (نه خیلی بزرگ نه خیلی کوچک) - بخش‌هایی که هندسه آن به گونه‌ای باشد که بتوانم کامل بر آن تسلط داشته باشم.

*در جنبه زیبایی شناسی، پاسخ دهندگان به جنبه‌های ظاهری اشاره داشته‌اند از جمله: رنگ، مصالح، تنوع، نظم

انگلیسی و توسط شخصی به نام (پولسن) صورت گرفته است. پوشش‌های گیاهی متنوعی در این پارک وجود دارد و از امکانات پارک می‌توان به مسجد، رستوران، آب‌نما، زمین بازی کودکان، زمین‌های اسکیت، دریاچه (برای قایقرانی)، کلینیک گل و گیاه، تندیس‌های مشاهیر، دفتر اجرائیات، حیات وحش شامل پرندگان و حیوانات که مورد بازدید عموم قرار می‌گیرد و سرویس بهداشتی اشاره کرد (<http://parks.tehran.ir/default.aspx?tabid=217&ArticleId=1191>, 2018).

۳.۲. معرفی مورد مطالعه

بوستان ملت در منطقه سه شهرداری تهران قرار دارد و براساس موقعیت خاص خود در دو بخش متفاوت احداث گردیده است (تصویر شماره ۱). قسمتی از بوستان که به بلوار کنار جاده موسوم است، به موازات خیابان ولیعصر (عج) در قطعه‌ای از پیاده‌رو گسترده شده و در سال ۱۳۴۷ تأسیس گردید. بخش دیگر بوستان بر روی تپه‌ها بنا شده و در سال ۱۳۵۳ احداث گردیده است. طراحی این قسمت به سبک بوستان‌های



تصویر شماره ۱: نقشه پارک ملت و موقعیت آن در شهر تهران

۳.۳. اعتبارسنجی و هنجاریابی

از آنجایی که پرسشنامه جامعی برای سنجش امنیت پارک‌های شهری مبتنی بر ترجیحات کاربران یافت نشد، پرسشنامه محقق ساخت تهیه و روایی و پایایی آن کنترل شده است. پرسشنامه نهایی از نوع بسته تدوین شده است تا کمی کردن اعداد سریع‌تر صورت پذیرد و قابلیت اجرا را در مقیاس وسیع‌تر دارا باشد. سوال‌ها به صورت طیف چهارتایی لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم بوده است. طیف لیکرت معمولاً به صورت پنج‌تایی یا هفت‌تایی است؛ ولی با توجه به روانشناسی افراد که عموماً به سمت وسط گرایش دارند و گاهی بدون تفکر جواب وسط را انتخاب می‌کنند، از طیف چهارتایی استفاده شده تا جواب‌ها به واقعیت نزدیک‌تر باشد و افراد با دقت بیشتری به سوالات پاسخ دهند. در مرحله پایلوت، پرسشنامه اولیه توسط نمونه‌ای کوچک از کاربران پارک (۳۰ نفر) تکمیل شد. روش‌های مختلفی برای سنجش پایایی پرسشنامه وجود دارد. یکی از این روش‌ها استفاده از آلفای کرونباخ است. این روش برای زمانی مناسب است که نمرات سوال به صورت چندارزشی باشد؛ مثل نمرات حاصل از نگرش‌سنجی که پاسخ‌دهنده به هر سوال در طیفی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم جواب می‌دهد و هیچ یک از گزینه‌ها الزاماً درست یا غلط نمی‌شود (Saif, 2004: 456). زمانی که آلفای کرونباخ بالاتر از ۰٫۷ باشد، پرسشنامه قابل قبول است. آلفای کرونباخ پرسشنامه با ۳۱ سوال و حذف هشت سوال، ۰٫۸۴۸ به دست آمده که قابل قبول است (جدول شماره ۳). سوالات حذف شده بعد از مرحله نخست توزیع پرسشنامه در زیر آورده شده است.

Q1: چمن‌های پارک از نظر رنگ، ساختار و اندازه بر احساس امنیت من تأثیر می‌گذارد.

Q11: فقدان موانع حرکتی در ورودی و مسیرهای پارک بر میزان امنیت من از پارک مؤثر است.

Q25: در قسمت‌هایی از پارک که پوشش گیاهی امکان دیده شدن توسط سایرین را به من می‌دهد، در من حس امنیت ایجاد می‌کند.

Q27: با حضور در نقاط کور و دنج پارک احساس ناامنی می‌کنم. (بار منفی)

Q28: در پارک خدمات رفاهی وجود دارد که به صورت شبانه‌روزی فعالیت دارند و در میزان امنیت من تأثیرگذار است.

Q32: بخش‌هایی از پارک که با پرچین‌ها، نرده‌های کوتاه و ... از دیگر قسمت‌ها جدا شود، در من حس امنیت ایجاد می‌کند.

Q34: وجود فضاهایی با الگوهای رفتاری ناهنجار (ورود به محوطه چمن، آسیب‌رسانی به تجهیزات پارک، نزاع و درگیری و ...) در پارک حس ناامنی به من می‌دهد. (بار منفی)

Q35: از این که بخش‌های مختلف پارک توسط افراد غیرمرتبط مورد استفاده قرار گیرد، حس امنیت من را مختل می‌کند.

جدول شماره ۳: پایایی کل پس از انجام اصلاحات و حذف سوالات نامتجانس

Cronbach's Alpha	N of Items
0.848	31

روایی پرسشنامه نیز از جنبه صوری و سازه مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش روایی محتوایی پرسشنامه از روش والتز و باسل استفاده شده است و متخصصان «مربوط بودن» هر گویه را بر اساس یک طیف لیکرتی چهار قسمتی را از نظر خودشان از ۱- «مربوط نیست»، ۲- «نسبتاً مربوط است»، ۳- «مربوط است» تا ۴- «کاملاً مربوط است» مشخص می‌کنند و رتبه‌های ۱ و ۲ محتوای نامرتب و ۳ و ۴ محتوای مرتبط در نظر گرفته می‌شود (Waltz and Bausell, 1981). حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰٫۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰٫۷۹ باشد، آن گویه بایستی حذف شود.

$$CVI = \frac{\text{تعداد متخصصینی که به گویه نمره 3 و 4 داده اند}}{\text{تعداد کل متخصصین}}$$

برای سنجش روایی سازه نیز از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است که در بخش بحث و یافته‌ها توضیح داده می‌شود. در مرحله بعد، پس از اجرای آزمون مقدماتی و حذف و تغییر جملات نامناسب پرسشنامه نهایی اصلاح شده در بین ۲۵۰ کاربر پارک با ویژگی‌های جمعیتی مختلف توزیع شده است. داده‌های به دست آمده از پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS 22 وارد شده است. به منظور هنجاریابی مقیاس امنیت آمار توصیفی (حداکثر، میانه و حداقل)، چولگی و کشیدگی عامل‌های هشت‌گانه و نمرات T و Z به دست می‌آید (جدول‌های شماره ۴ و ۵). از آنجا که مقدار چولگی و کشیدگی در بازه ۲ و ۲- قرار دارد، توزیع داده‌ها نرمال است. با توجه به میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰، T‌های به دست آمده قابل تفسیر هستند.

جدول شماره ۴: آمار توصیفی عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی اکتشافی

عامل‌ها	Skewness	Kurtosis	Mean	Maximum	Minimum
۱	۰٫۰۰۷	۰٫۲۷۹	۱۴٫۰۵	۲۰	۷
۲	-۱٫۰۶۹	۱٫۷۷۹	۱۷٫۶۸	۲۰	۱۰
۳	-۰٫۳۹۳	-۰٫۴۰۵	۱۰٫۱۲	۱۲	۴
۴	-۰٫۴۷۷	۰٫۴۷۳	۱۳٫۳۷	۱۶	۷
۵	-۰٫۰۲۱	۱٫۲۷۴	۹٫۶۲	۱۶	۴
۶	-۰٫۲۹۲	۰٫۲۸۰	۹٫۵۰	۱۲	۵
۷	-۰٫۲۵۰	-۰٫۲۱۶	۸٫۱۰	۱۲	۴
۸	-۰٫۰۷۰	۰٫۵۱۸	۹٫۱۶	۱۲	۵

جدول شماره ۵۵: هنجار درصدی و استاندارد عامل های هشتگانه براساس شاخص نمره کل

عامل طراحی عناصر مصنوع					عامل کنترل و نظارت پذیری				
نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T	نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T
۷	۱	۰٫۴	-۲٫۸۷	۲۱٫۳۰	۱۰	۳	۱٫۲	-۳٫۹۷	۱۰٫۳۰
۸	۴	۱٫۶	-۲٫۴۷	۲۵٫۳۰	۱۲	۱	۰٫۴	-۲٫۹۴	۲۰٫۶۰
۹	۵	۲٫۰	-۲٫۰۶	۲۹٫۴۰	۱۳	۲	۰٫۸	-۲٫۴۲	۲۵٫۸۰
۱۰	۷	۲٫۸	-۱٫۶۵	۳۳٫۵۰	۱۴	۸	۳٫۲	-۱٫۹۰	۳۱
۱۱	۱۳	۵٫۲	-۱٫۲۴	۳۷٫۶۰	۱۵	۱۴	۵٫۶	-۱٫۳۸	۳۶٫۲۰
۱۲	۳۶	۱۴٫۴	-۰٫۸۴	۴۱٫۶۰	۱۶	۳۸	۱۵٫۲	-۰٫۸۷	۴۱٫۳۰
۱۳	۳۲	۱۲٫۸	-۰٫۴۳	۴۵٫۷۰	۱۷	۳۷	۱۴٫۸	-۰٫۳۵	۴۶٫۵۰
۱۴	۴۷	۱۸٫۸	-۰٫۰۲	۴۹٫۸۰	۱۸	۴۵	۱۸٫۰	-۰٫۱۷	۴۸٫۳۰
۱۵	۴۳	۱۷٫۲	۰٫۳۹	۵۳٫۹۰	۱۹	۵۷	۲۲٫۸	۰٫۶۸	۵۶٫۸۰
۱۶	۲۹	۱۱٫۶	۰٫۸۰	۵۸	۲۰	۴۵	۱۸٫۰	۱٫۲۰	۶۲
۱۷	۱۲	۴٫۸	۱٫۲۰	۶۲					
۱۸	۸	۳٫۲	۱٫۶۱	۶۶٫۱۰					
۱۹	۸	۳٫۲	۲٫۰۲	۷۰٫۲۰					
۲۰	۵	۲٫۰	۲٫۴۳	۷۴٫۳۰					
عامل طراحی کاشت					عامل خوانایی				
نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T	نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T
۴	۱	۰٫۴	-۳٫۸۲	۱۱٫۸۰	۷	۱	۰٫۴	-۳٫۸۲	۱۱٫۸۰
۶	۲	۰٫۸	-۲٫۵۷	۲۴٫۳۰	۸	۲	۰٫۸	-۳٫۲۲	۱۷٫۸۰
۷	۶	۲٫۴	-۱٫۹۵	۳۰٫۵۰	۹	۱	۰٫۴	-۲٫۶۲	۲۳٫۸۰
۸	۲۹	۱۱٫۶	-۱٫۳۳	۳۶٫۷۰	۱۰	۶	۲٫۴	-۲٫۰۲	۲۹٫۸۰
۹	۶۶	۲۶٫۴	-۰٫۷	۴۳	۱۱	۱۴	۵٫۶	-۱٫۴۲	۳۵٫۸۰
۱۰	۳۵	۱۴٫۰	-۰٫۰۸	۴۹٫۲۰	۱۲	۵۶	۲۲٫۴	-۰٫۸۲	۴۱٫۸۰
۱۱	۳۵	۱۴٫۰	۰٫۵۵	۵۵٫۵۰	۱۳	۵۴	۲۱٫۶	-۰٫۲۲	۴۷٫۸۰
۱۲	۷۶	۳۰٫۴	۱٫۱۷	۶۱٫۷	۱۴	۴۲	۱۶٫۸	۰٫۳۸	۵۳٫۸۰
					۱۵	۵۰	۲۰٫۰	۰٫۹۸	۵۹٫۸۰
					۱۶	۲۴	۹٫۶	۱٫۵۸	۶۵٫۸۰
عامل دسترسی پذیری فیزیکی					عامل زیبایی شناسی				
نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T	نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T
۴	۲	۰٫۸	-۳٫۶۱	۱۳٫۹۰	۵	۱	۰٫۴	-۳٫۳۲	۱۶٫۸۰
۶	۴	۱٫۶	-۲٫۳۳	۲۶٫۷۰	۶	۴	۱٫۶	-۲٫۵۸	۲۴٫۲۰
۷	۷	۲٫۸	-۱٫۶۸	۳۳٫۲۰	۷	۱۷	۶٫۸	-۱٫۸۴	۳۱٫۶۰
۸	۳۴	۱۳٫۶	-۱٫۰۴	۳۹٫۶۰	۸	۲۱	۸٫۴	-۱٫۱۱	۳۸٫۹۰
۹	۹۴	۳۷٫۶	-۰٫۴۰	۴۶	۹	۸۳	۳۳٫۲	-۰٫۳۷	۴۶٫۳۰
۱۰	۳۱	۱۲٫۴	۰٫۲۵	۴۷٫۵	۱۰	۷۲	۲۸٫۸	-۰٫۳۷	۴۶٫۳۰
۱۱	۴۵	۱۸٫۰	۰٫۸۹	۵۸٫۹۰	۱۱	۳۲	۱۲٫۸	۱٫۱۱	۶۱٫۱۰
۱۲	۳۲	۱۲٫۸	۱٫۵۳	۶۵٫۳۰	۱۲	۲۰	۸٫۰	۱٫۸۴	۶۸٫۴۰
۱۶	۱	۰٫۴	۴٫۱۱	۹۱٫۱۰					
عامل الگوهای فعالیت					عامل اندازه و وسعت فضا				
نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T	نمره خام	تعداد	درصد	نمره Z	نمره T
۴	۸	۳٫۲	-۲٫۳۲	۲۶٫۸۰	۵	۱	۰٫۴	-۳٫۲۶	۱۷٫۴۰
۵	۱۵	۶٫۰	-۱٫۷۵	۳۲٫۵۰	۶	۶	۲٫۴	-۲٫۴۸	۲۵٫۲۰
۶	۲۰	۸٫۰	-۱٫۱۹	۳۸٫۱۰	۷	۱۵	۶٫۰	-۱٫۶۹	۳۳٫۱۰
۷	۴۴	۱۷٫۶	-۰٫۶۲	۴۳٫۸۰	۸	۳۶	۱۴٫۴	-۰٫۹۱	۴۰٫۹۰
۸	۵۲	۲۰٫۸	-۰٫۰۶	۴۹٫۴۰	۹	۱۱۳	۴۵٫۲	-۰٫۱۳	۴۸٫۷۰
۹	۶۰	۲۴٫۰	۰٫۵۱	۵۵٫۱۰	۱۰	۴۰	۱۶٫۰	۰٫۶۶	۵۶٫۶۰
۱۰	۳۲	۱۲٫۸	۱٫۰۷	۶۰٫۷۰	۱۱	۲۹	۱۱٫۶	۱٫۴۴	۶۴٫۴۰
۱۱	۱۴	۵٫۶	۱٫۶۴	۶۶٫۴۰	۱۲	۱۰	۴٫۰	۲٫۲۳	۷۲٫۳۰
۱۲	۵	۲٫۰	۲٫۲۱	۷۲٫۱۰					

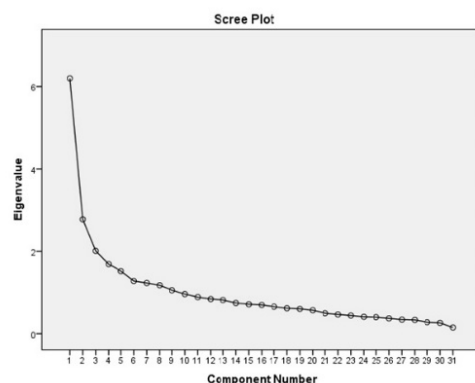
۴. بحث و یافته‌ها

براساس سوالات تحقیق، برای سنجش روایی پرسشنامه، حصول اطمینان نسبت به انطباق و نامگذاری هر مؤلفه با ماهیت واقعی آن، بررسی و مطالعه روایی سازه، از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود. در تحلیل عاملی باید سوالاتی که برای ارزیابی یک شاخص یا صفت طرح شده‌اند، دارای بار عاملی مشترک بوده و این عوامل، معنادار باشند. برای انجام تحلیل عاملی ابتدا آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO) برای حصول اطمینان از کفایت حجم نمونه محاسبه شده که بیشتر از ۰٫۷ و قابل قبول است. سپس از آنجا که همبستگی بین پرسش‌های آزمون زیربنای تحلیل عوامل است، برای این که مشخص شود همبستگی بین متغیرها که پایه تحلیل عامل قرار می‌گیرد، برابر صفر است یا خیر، از آزمون کرویت بارلت استفاده شد که مقدار sig کوچکتر از ۰٫۰۵ و قابل قبول است (Christiansen, et al., 2014) و نتایج آن در جدول شماره ۶ آمده است.

از اطلاعات به دست آمده از ماتریس دوران یافته در تحلیل عاملی اکتشافی که مفهوم شناسایی شده است؛ درصد تجمعی این که مفهوم ۶۱ درصد است که نشان می‌دهد که ۶۱ درصد کاربران به این که مفهوم باور دارند و محتویات ذهنی افراد قابل شناسایی و سازماندهی بوده و ۳۹ درصد آن سازماندهی نشده است. عواملی که دارای ویژه بیشتر از یک هستند، در تحلیل باقی می‌مانند و آنهایی که دارای مقادیر ویژه کمتر از یک هستند، از تحلیل خارج می‌شوند (Costello & Osborne, 2005). عوامل خارج شده از تحلیل، عواملی هستند که حضور آنها، باعث تبیین بیشتر واریانس نمی‌شود. عواملی که باقی می‌مانند، به اندازه درصد واریانس، توانایی سنجش مورد تحلیل را دارند. از نمودار اسکری نیز می‌توان برای استخراج عامل‌ها استفاده کرد (نمودار شماره ۲). بر طبق این نمودار، عامل‌هایی مناسب برای استخراج هستند که در شیب تند نمودار و مقدار ویژه بالاتر از یک قرار می‌گیرند (Basto & Pereira, 2012) که در نمودار شماره ۲، تعداد آن مقدار بالاتر از یک قرار دارد.

جدول شماره ۶: آزمون Bartlett و KMO

آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر مییر	آزمون کرویت بارلت	
	کای اسکوتر	۰٫۷۷۴
درجه آزادی	۲۳۸۰٫۳۵۹	
سطح معناداری	۴۶۵	
	۰٫۰۰۰	



نمودار شماره ۲: نمودار اسکری برای تعیین عامل‌ها

عامل اول: مقدار ویژه این عامل، ۲٫۸۸۴ است که ۹٫۳۰۴ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای گشودگی فضایی - هندسه - قلمروگرایی - تنوع و کیفیت مسیرهای حرکتی - شیب به ترتیب ۶۲، ۵۲، ۳۷، ۳۳ و ۳۰ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان طراحی عناصر مصنوع نامگذاری کرد.

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل، ۲٫۳۷۹ است که ۷٫۶۷۳ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای کنترل دسترسی (دسترسی به پناهگاه، اتاقت نگهبانی و ...)، روشنایی، نظارت‌پذیری، وضعیت تجهیزات و مبلمان، وضعیت خدمات رفاهی به ترتیب ۴۹، ۴۰، ۲۸، ۲۶ و ۲۱ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان کنترل و نظارت‌پذیری نامگذاری کرد.

عامل سوم: مقدار ویژه این عامل، ۲٫۳۲۰ است که ۷٫۴۸۵ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای وضعیت عناصر طبیعی (درختان بلند)، وضعیت عناصر طبیعی (درختچه‌ها)، تنوع پوشش گیاهی به ترتیب ۷۹، ۷۵ و ۲۸ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان طراحی کاشت نامگذاری کرد.

عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل، ۲٫۲۶۶ است که ۷٫۳۱۰ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای جهت‌یابی، نشانه‌گذاری مکان، حضورپذیری، حس تعلق به ترتیب ۶۴، ۵۱، ۲۹ و ۱۳ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان خوانایی نامگذاری کرد.

عامل پنجم: مقدار ویژه این عامل، ۲٫۲۳۴ است که ۷٫۲۰۶ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای دسترسی‌پذیری به امکانات، تجهیزات و خدمات رفاهی، دسترسی‌پذیری به پارکینگ و وسایل حمل‌ونقل عمومی، دسترسی‌پذیری به ورودی به ترتیب ۶۸، ۶۷ و ۲۰ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان دسترسی‌پذیری فیزیکی نامگذاری کرد.

عامل ششم: مقدار ویژه این عامل، ۱٫۹۰۵ است که ۶٫۱۴۶ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای نظم، مصالح و رنگ، انطباق‌پذیری به ترتیب ۵۳، ۵۲ و ۱۴ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان زیبایی‌شناسی نامگذاری کرد.

عامل هفتم: مقدار ویژه این عامل، ۱٫۸۶۷ است که ۶٫۰۲۴ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای قرارگاه‌های رفتاری، کنترل بر فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری، تعاملات اجتماعی به ترتیب ۵۱، ۴۳ و ۳۹ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان الگوهای فعالیت نامگذاری کرد.

عامل هشتم: مقدار ویژه این عامل، ۱٫۷۳۳ است که ۵٫۵۹۲ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهد و با متغیرهای تراکم، اندازه فضا، مقیاس انسانی به ترتیب ۵۹، ۴۷ و ۱۹ درصد رابطه دارد. این عامل را می‌توان اندازه و وسعت فضا نامگذاری کرد.

عامل نهم به دلیل آن که تعداد سوالات تشکیل دهنده آن کمتر از سه گویه است، معنادار محسوب نمی‌شود (Sarmad, et al., 2016: 26). در نتیجه دو گویه چهار و سی و یک حذف شده است. جدول شماره ۷، عوامل استخراج شده پس از چرخش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: عوامل استخراج شده پس از چرخش

	Component								
	1	2	3	4	5	6	7	8	9
Q13	.788	.019	.119	-.103	.039	.169	.062	.127	-.108
Q14	.719	.091	-.046	-.014	.056	.006	.095	.247	-.190
Q26	.605	.308	-.093	.209	.002	-.090	.105	-.047	.242
Q18	.579	-.081	.110	.302	.033	.300	-.066	.131	-.031
Q15	.549	.044	.195	.213	.088	.141	.216	.023	.225
Q25	-.025	.701	.033	.248	.030	-.051	.186	.122	.061
Q24	-.041	.637	.020	.144	.037	.201	-.100	.285	-.099
Q27	.130	.532	.274	-.065	.117	.030	.293	-.189	.234
Q5	.133	.513	.236	.255	.299	.062	-.035	-.021	-.177
Q3	.291	.458	.044	.008	.373	.166	-.076	.076	.083
Q2	.095	.072	.889	.019	.047	.102	.115	.094	.093
Q1	-.031	.083	.866	.116	.033	.034	.057	.065	.051
Q19	.227	.111	.532	-.133	-.097	.301	.103	.291	-.160
Q21	.093	.134	-.001	.803	.067	.049	-.019	.135	.037
Q22	.059	.218	.024	.718	.177	-.021	.051	.080	.051
Q30	.111	.183	.216	.541	.177	-.098	-.022	-.091	-.443
Q20	.362	-.143	.003	.364	.170	.208	.157	.139	.191
Q8	-.001	.109	.112	.140	.827	-.048	.001	.101	.043
Q7	.075	.066	-.051	.127	.821	.126	.031	.011	.025
Q6	.070	.339	-.189	.344	.448	.112	.107	.097	.200
Q16	.121	.051	-.002	-.017	.083	.730	.092	.093	-.040
Q17	.136	.121	.215	.050	-.025	.721	.172	-.004	-.093
Q9	.188	.322	.075	.105	.254	.382	-.244	-.188	.339
Q29	.280	.007	.159	-.025	-.074	.073	.717	-.046	.007
Q23	-.216	.219	-.028	.252	-.017	-.006	.659	.067	.011
Q28	.203	-.085	.083	-.089	.099	.228	.626	.076	-.113
Q12	.162	.247	.140	.060	.059	-.044	.030	.772	-.013
Q11	.308	-.032	.113	.237	.069	.156	.007	.688	.100
Q10	.051	.041	.112	.039	.264	.415	.112	.436	.315
Q4	.034	.165	.218	.059	.300	-.170	-.090	.111	.605
Q31	.184	.268	.114	-.041	.228	.108	.359	-.013	-.390
Extraction Method: Principal Component Analysis.									
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization.									
a. Rotation converged in 13 iterations.									

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تأمین امنیت و کاهش احساس ترس از جرم زمینه مناسبی را برای افزایش حضور و فعالیت افراد در فضاهای شهری فراهم می‌سازد؛ بنابراین با طراحی محیطی مناسب می‌توان محل وقوع جرم را برای فعالیت مجرمان نامناسب ساخت و از جانب دیگر ترس از وقوع جرم را برای قربانیان و سایر شهروندان کاهش داد. در این پژوهش، مؤلفه‌هایی که بر انتظارات بازدیدکنندگان تأثیر دارند، به عنوان عامل‌های کلیدی به دست آمده که عبارتند از طراحی عناصر مصنوع، کنترل و نظارت‌پذیری، طراحی کاشت، خوانایی، دسترسی‌پذیری فیزیکی، زیبایی‌شناسی، الگوهای فعالیت و اندازه و وسعت فضا. با توجه به این نکته که بار عاملی بزرگتر نشان دهنده‌ی اهمیت بیشتر آن گویه است، از دید کاربران، عامل طراحی عناصر مصنوع عامل بسیار بزرگ و معنی‌دار است و در درجه نخست قرار دارد و عامل‌های کنترل و نظارت‌پذیری، طراحی کاشت، خوانایی و دسترسی‌پذیری فیزیکی در درجه دوم

اهمیت و عامل‌های زیبایی‌شناسی، الگوهای فعالیت و اندازه و وسعت فضا در درجه سوم اهمیت قرار دارند. همچنین شاخص‌های گشودگی فضایی و هندسه در عامل طراحی عناصر مصنوع، شاخص‌های کنترل دسترسی و روشنایی در عامل کنترل و نظارت‌پذیری، شاخص عناصر طبیعی در عامل طراحی کاشت، شاخص‌های جهت‌یابی و نشانه‌گذاری مکان در عامل خوانایی، شاخص‌های دسترسی به امکانات، تجهیزات و خدمات رفاهی و دسترسی به پارکینگ و وسایل حمل‌ونقل عمومی در عامل دسترسی‌پذیری فیزیکی، شاخص‌های نظم و مصالح-رنگ در عامل زیبایی‌شناسی، شاخص قرارگاه رفتاری در عامل الگوهای فعالیت و شاخص تراکم در عامل اندازه و وسعت فضا بیشترین نقش را دارند. نتایج تحقیق همسو با رویکرد CPTED است که براساس آن با به‌کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان‌ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند. همچنین نتایج با نظریات جین جیکوبز، رای جفری

تشکیل یافته، هم به طور کلی و هم به گونه‌ای جزئی مورد آزمون و واری فرار دهد. البته این نکته باید در نظر گرفته شود که هر یک از این عوامل به دست آمده به تنهایی در ایجاد ترس یا امنیت نقش ندارند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در این رابطه سهیم هستند و این مسئله در یک تعامل پیچیده با عوامل دیگر چون ویژگی‌های شخصی (سن، جنس، ...)، ویژگی‌های اجتماعی (آشنایی با محیط، حضور تنها، دفعات حضور، ...) و ... قرار دارد که این موضوع نیز در مطالعات آینده می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

اکثر مؤلفه و شاخص‌های مطرح شده به وسیله دیگر پژوهشگران نیز توسط کاربران به عنوان مقوله‌های مهم در احساس امنیت مطرح شده است. جدول شماره ۸، پیشنهاداتی را در زمینه طراحی عامل‌های هشت‌گانه ارائه می‌دهد.

و اسکار نیومن همسواست که بر اساس آن فضاها را فیزیکی به عنوان متغیر مستقل قادر به مداخله در ماهیت و اندازه‌ی جرم در شهر هستند. تئوری پنجره‌های شکسته ویلسون (1982)، خسارت فیزیکی، خشونت، بی‌نظمی و عدم نظارت را عامل جرم و جنایت می‌داند (Vilalta, et al., 2019:559) که نتایج تحقیق با این تئوری نیز هم‌راستا است.

این‌که هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده چگونه می‌تواند احساس ترس یا امنیت را در کاربران پارک‌های شهری ایجاد کند، می‌تواند به عنوان مطالعات در آینده مورد توجه قرار گیرد؛ برای نمونه، رابطه پوشش گیاهی و احساس ترس، خوانایی و احساس ترس، تعیین میزان استاندارد برای هر یک از عناصر خدما، میلمان و ... همچنین ارائه مدل از مؤلفه‌های به دست آمده می‌تواند روابط پنهان بین عامل‌ها را بازگو کند و بدین وسیله الگویی نظری را که از اجزای مختلف و متنوعی

جدول شماره ۸: پیشنهادات برای ارتقای امنیت محیطی در زمینه طراحی عامل‌های هشت‌گانه استخراج شده

طراحی عناصر مصنوع	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فرم‌هایی که گشودگی فضایی ایجاد کنند و کنج‌ها، گوشه‌ها و نقاط مخفی به وجود نیاورند - ایجاد الگوهای هندسی و منظم - اجتناب از ایجاد مسیرهای منحنی و پیچ‌درپیچ که امکان دید به جلو یا عقب را نمی‌دهد - تعبیه جدارها به شکل‌های مختلف برای تعریف کردن فضا - تغییرات مطلوب سطح در فضا با کف‌سازی‌های متنوع و ایمن - تفکیک سطوح تردد و پرهیز از شیب نامناسب پیاده‌روها و اختلاف سطح‌های خطرناک در مسیر پارک‌ها
کنترل و نظارت پذیری	<ul style="list-style-type: none"> - وجود نگهداری در ورودی‌ها و نقاط مختلف پارک - روشنایی مناسب پارک در شب با قراردادن چراغ‌ها به تعداد کافی و در کلیه نقاط پارک - بدنه‌هایی رو به خیابان (بدنه‌هایی شفاف) - امکان دیده شدن قسمت‌های مختلف پارک توسط کاربران، نگهداران، همسایگان اطراف و ... - تعمیر و نگهداری مناسب فضاها - وجود مدیریت فعال - توجه به ارگونومی و ایمنی میلمان و تجهیزات پارک (جنس مناسب زمین بازی کودکان کف پوش‌های اسفنجی، ماسه، خاک نرم و ...)، سالم بودن وسایل و وجود اتصالات محکم بین قطعات آنها و ... - وضعیت پارک از نظر داشتن آب آشامیدنی سالم و کافی، مواد غذایی سالم در فروشگاه یا رستوران پارک، تعداد کافی سطل زباله با تجهیزات مناسب و جمع‌آوری صحیح زباله‌ها، وجود سرویس‌های بهداشتی تمیز و با تجهیزات مناسب و ...
طراحی کاشت	<ul style="list-style-type: none"> - رسیدگی به گیاهان (هرس گیاهان انبوه، ...) و اجتناب از حضور گیاهان کنترل نشده در سایت - استقرار مناسب بوته‌ها، درختچه‌ها و درختان (عدم ایجاد فضای بسته، محدود نکردن دید، عدم امکان حضور به مجرمان برای پنهان شدن، قرارگیری تاج درختان در بالاتر از ارتفاع دید کاربران و ...)
خوانایی	<ul style="list-style-type: none"> - وجود ویژگی‌هایی مانند مجسمه، تابلوهای راهنما و ... که امکان نشانه‌گذاری مکان را دهد و مانع گمراه شدن در فضای پارک شود - اجتناب از ایجاد فضاهای خلوت - ایجاد کریدورهای دید در مسیرهای حرکتی - رویدادپذیری (فضایی برای برگزاری مراسم‌های مختلف) - قراردادن نشانه‌های محلی، تاریخی، خاطره‌انگیز و ...
دسترسی پذیری فیزیکی	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی، پارکینگ و خیابان‌های اطراف - دسترسی آسان به تجهیزات و میلمان و خدمات رفاهی - جاگیری ورودی‌های مناسب برای دسترسی راحت از بیرون به پارک
زیبایی شناسی	<ul style="list-style-type: none"> - ترکیب هماهنگ بناهای مجاور هم - استفاده از مصالح و رنگ‌های مناسب - پرهیز از فرسودگی و کثیفی نماها - نظم در چیدمان میلمان، پوشش گیاهی و ...
الگوهای فعالیت	<ul style="list-style-type: none"> - در نظر گرفتن قرارگاه‌های رفتاری گوناگون (مانند قدم زدن، نشستن، استراحت و ...) - کنترل بر رفتارها (ریختن زباله، دیوانه‌بوسی و ...) یا قرارگیری مناسب سطل‌های زباله در فضا و حضور نگهداران در محل - زنده نگاه داشتن فضا با ایجاد فعالیت‌ها مخصوصاً در ساعاتی که استفاده از فضا کاهش می‌یابد - فراهم کردن امکانات برای استفاده طولانی افراد نه فقط گذر
اندازه و وسعت فضا	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فضاهایی متناسب با جمعیت (تناسب نسبی عرض پیاده‌رو با تراکم جمعیت، ...) - اجتناب از ایجاد فضاهای خیلی بزرگ یا خیلی کوچک - اجتناب از ایجاد فضاهایی با تراکم جمعیت زیاد یا کم - ایجاد فضاهایی متناسب با مقیاس انسانی

می‌توان از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه کرد (Crowe, 2000: 46).

پی‌نوشت:

^۱ رویکرد (Crime Prevention through Environmental Design) CPTED را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: با طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط

References:

- Abdelhamid, M.M., Elfakharany. M.M. (2020). Improving urban park usability in developing countries: Case study of Al-Shalalat Park in Alexandria. *Alexandria Engineering Journal*, 59(1), 311-321.
- Alinejad, M. (2013). Developing and Organizing Sorkheh Hesar Park and its Impact on the Social Security of the Park. *Societal Security Studies*, 4(33), 95-127. [in Persian]
- Almasifar, N., Ansari, M. (2010). Analysis of environmental safety of County Parks as an urban landscape based on womankind viewpoint (on the Basis of CPTED); Case study: Saie Park, Iran. *Urban Management Journal*, 8(25), 21-34. [in Persian]
- Ansari, M., Jamshidi, S., Almasifar, N. (2010). To Investigate Feeling of Territory and in Territory Traveling in Urban Parks, Case study: Sae Park. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 3(4), 33-48. [in Persian]
- Bakhtiar Nasrabadi, A., Bakhtiar Nasrabadi, H., Bakhtiar Nasrabadi, A. (2011). An analysis of socio petal urban space and its relationship with citizenship behavior. *Journal of Applied Sociology*, 22(3), 101-114. [in Persian]
- Balram, Sh., Dragicevic, S. (2005). Attitudes Toward urban Green Space: Integrating Questionnaire survey and collaborative GIS Techniques to Improve Attitude measurements. *Landscape and urban planning*, 71(2-4), 147-162.
- Basto, M., Pereira, J.M. (2012). An SPSS R-menu for ordinal factor analysis. *Journal of Statistical Software*, 46(4), 1-29.
- Chapman, D. (2007). *Creating neighborhoods and places in the built environment (Built environment series of texbooks)*, Translated by Shahrzad Faryadi and Manouchehr Tayebian, University of Tehran, second edition. [in Persian]
- Christiansen, B., Yildiz, E., Yildiz, S. (2014). *Handbook of research on effective marketing in contemporary globalism*. IGI Global, Hersey.
- Costello, A.B., Osborne, J. (2005). Best practices in exploratory factor analysis: Four recommendations for getting the most from your analysis. *Practical Assessment, Research, and Evaluation*, 10(7), 1-9.
- Cozens, P. M., Neale, R.H., Whitaker, J., Hillier, D., Graham, M. (2003). A critical review of street lighting, crime and the fear of crime in the British city. *Crime Prevention and Community Safety: An International Journal*, 5(2), 7-24.
- Crowe, T.D. (2000). *Crime prevention through environmental design: Applications of architectural design and space management concepts*, 2nd edition. Butterworth- Heinemann, Oxford.
- Davis, L. (2010). *Safer places: the planning system and crime prevention*, Translated by Mohsen Honarvar & Amin Amini, Tehran: Armanshahr. [in Persian]
- Ditton, J. (2000). Crime and the city: public attitudes towards open-street CCTV in Glasgow. *The British Journal of Criminology*, 40(4), 692-709
- Dower, N. (1995). Peace and security: Some conceptual notes. In: Salla, M., Tonetto, W., Martinez, E. (Eds.), *Essays on peace: Paradigms for global order*. 18-23, Central Queensland University Press, Rockhampton.
- Feyzi, M., Mozaffar, F., Raeeati, M., Azimi, M. (2015). The comparison of public perception and preference between regular-geometrical and natural-organic urban parks (Case study: Laleh park and Daneshjoo park). *Motaleate Shahri*, 4(13), 5-16. [in Persian]
- Ghorbaniyan, M. (2013). Tathir-e sakhtar-e fazaae ba ta'kead bar karbari-e arazi-e shahri bar amniat-e bafthaye sokonati be komak-e space syntax [The effect of spatial structure with emphasis on urban land use on the security of residential structures using space syntax. Case study of Manzarieh and Bazaar neighborhoods of Tabriz]. University of Tabriz, Faculty of Geography. [in Persian]
- Hadavi Aghdam, F., Rahimi, A. (2018). Analiz-e parkhaye shahri ba takid bar ruykard-e CPTED (Nemuneye mored-e motale'e: park-e Mellat-e shahr-e Bonab [Analysis of urban parks with emphasis on CPTED approach (Case study: Mellat Park, Bonab city)]. *Journal of Geographical New Studies, Architecture and Urbanis*, 15(2), 117-140. [in Persian]
- Hekmati, J. (1992), *Garden and Park Designing*, Tehran: Farhang Jame Publications. [in Persian]
- <http://parks.tehran.ir/default>.

- aspx?tabid=217&ArticleId=1191
- Izadi, M., Haghi, M. (2015). Improvement of Sense of Security in Public Spaces through Urban Design, Case Study: Imam Square in Hamadan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary VA Shahrsazi*, 20(2), 5-12. [in Persian]
 - Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House, New York.
 - Jeffery, C.R. (1971). *Crime prevention through environmental design*. Sage Publications, Beverly Hills, CA.
 - Jiang, B., Mak, C.N.S., Larsen, L., Zhong, H. (2017). Minimizing the gender difference in perceived safety: Comparing the effects of urban back alley interventions. *Journal of Environmental Psychology*, 51, 117–131.
 - Kimpton, A., Corcoran, J., Wickes, R. (2017). Green space and crime: an analysis of green space types, neighboring composition, and the temporal dimensions of crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 54(3), 303–337.
 - Lang, J. (2009). *Creating Architectural Theory -The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*, Translated by Dr. Alireza Eynifar, Tehran: University of Tehran. [in Persian]
 - Lee, J. S., Park, S., Jung, S. (2016). Effect of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) Measures on Active Living and Fear of Crime. *Sustainability*, 8(9), 872.
 - Lis, A., Pardela, Ł., Can, W., Katlapa, A., & Rabalski, Ł. (2019). Perceived danger and landscape preferences of walking paths with trees and shrubs by women. *Sustainability*, 11(17), 4565.
 - Lynch, K. (1993). *The image of the city*. Translated by Manouchehr Mozayeni, Tehran: University of Tehran. [in Persian]
 - Machlis, G.E., Hanson, T., Špirić, Z., McKendry, J.E., (Eds.). (2011). *Warfare ecology: A new synthesis for peace and security*, Springer, Dordrecht.
 - Mahdinejad, J., gholipour, S. (2020). The Study of Security Indicators in Urban Parks from User's Point of View with Emphasis on CPTED Theory. *Journal of Environmental Science and Technology*, 22(5), 197-211. [in Persian]
 - Mak, B.K.L., Jim, C.Y. (2018). Examining fear-evoking factors in urban parks in Hong Kong. *Landscape and Urban Planning*, 171, 42-56.
 - Maleki, Y. (2016). *The Concept of City and Social Security from the Perspective of Religious Teachings*. 9(33), 133-153. [in Persian]
 - Maruthaveeran, S. (2017). Exploring the urban park use, preference and behaviours among the residents of Kuala Lumpur, Malaysia. *Urban Forestry & Urban Greening*, 25, 85-93.
 - Maruthaveeran, S., Bosch, C. (2015). Fear of crime in urban parks-What the residents of Kuala Lumpur to say? *Urban Forestry & Urban Greening*, 14(3), 702-713.
 - McCord, E. S., Houser, K. A. (2015). Neighborhood parks, evidence of guardianship, and crime in two diverse US cities. *Security Journal*, 30, 807-824.
 - McCormick, J.G., Holland, S.M. (2015). Strategies in use to reduce incivilities, provide security and reduce crime in urban parks. *Security Journal*, 28(4), 374–391.
 - Moayedi, M. (2013). Reviewing the Role of Appearance of Urban Places in Promoting Security Feeling in Public Places (Case Study: Evin Neighborhood in Tehran). *Societal Security Studies*, 4(35), 159-191. [in Persian]
 - Mohseni, R., Mekaeei, G., Talebpour, A. (2016). Sociology Explanation of the Relationship of Indefensible Urban Spaces with Urban Violence in Tehran. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 5(9), 125-154. [in Persian]
 - Moulaye, A., Ujang, N., Said, I. (2017). Legibility of neighborhood parks as a predictor for enhanced social interaction towards social sustainability, *Cities*, 61, 58-64.
 - Newman, O. (2008). *Defensible space*. Translated by Faezeh Ravaghi and Kaveh Saber, Tehran: Tahan. [in Persian]
 - Office of the deputy prime minister. (2004). *Safer places: The planning system and crime prevention*, London: HMSO. Online at: www.communities.gov.uk/documents/planningandbuilding/pdf/147627.pdf.
 - Peponis, J., Zimring, C., Choi, Y.K. (1990). Finding the building in way finding environment and behavior, 22(5), 555-590.
 - Pour Ahmad, A., Arvin, M., Rahimpour, N. (2017). Evaluation women's sense of security in urban areas (Case Study: Region 1 of Ahvaz City). *Motaleate Shahri*, 6(23), 53-68. [in Persian]
 - Rafieian, M., Moayedi, M., Salmani, H., Tavangar, L. (2012) *Arzyabi-e ehsas-e amniat-e shahrivandan*

- ba roykard-e manzar-e shahri (Nemuneye mored-e motale'e: Mahale Evin) [Evaluation of citizens' sense of security based on urban landscape approach (case study: Evin neighborhood)]. Journal of Studies on Iranian - Islamic City, 2 (8), 51-84. [in Persian]
- Rafieian, M., Moayedi, M., Soltani, H. (2014). Sanjesh-e ehsas-e amniat-e shahrivandan ba estefadeh az moalefehey-e manzare-e shahri (Nemuneye mored-e motale'e: Mahale Evin) [Measuring Citizens' Sense of Security Using Urban Landscape Components (Case Study: Evin Neighborhood)]. Geographical Sciences, 10 (21), 33-59. [in Persian]
 - Russ, T.H. (2009). Site Planning and design handbook. 2nd Edition. McGraw-Hill Education, New York.
 - Saif, A.A. (2004). Modern Educational Psychology: Psychology of Learning and Education. Tehran: Agah.
 - Salehi, Esmacil. (2008). Vizheghay-e fazay-e shahri amn [Characteristics of Safe Urban Space]. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center of Iran. [in Persian]
 - Salehi, I., Dinarvandi, M., Hedayati, A. (2014). Osol va zavabet-e parkhaye shahri [Principles and Criteria for Designing Urban Parks]. Tehran: Simayedanesh. [in Persian]
 - Salehi, Ismail. (2009). Naghsh-e shahrsazi (nazariye memari) dar pishgiri az raftarhay-e nahanjar-e shahri [The role of urban planning (environmental theory) in the prevention of abnormal urban behaviors]. Honar-Ha-Ye-Ziba, 29, 127-137. [in Persian]
 - Sarmad, Z., Bazargan, A., Hejazi, E. (2016). Ravesh-e tahghigh dar olom-e raftari [Research Methods in Behavioral Sciences]. Tehran: Agah. [in Persian]
 - Schroeder, H.W., Anderson. L.M. (1984). Perception of personal safety in urban recreation sites. Journal of leisure research, 16(2), 178-194.
 - Sograni Torqabeh, M. (1998). Siasathay-e shahri moather dar pishgiri az jaraem [Effective Urban Policies in Crime Prevention]. Tehran, Faculty of Humanities. Tarbiat Modares University. [in Persian]
 - Sonti, N.F., Campbell, L.K., Svendsen, E.S., Johnson, M.L., Auyeung, D.S.N. (2020). Fear and fascination: Use and perceptions of New York City's forests, wetlands, and landscaped park area. Urban Forestry & Urban Greening, 49. 126601.
 - Thani, S.K.S.O., Hashim, N.H.M., Ismail, W.H.W. (2016). Surveillance by design: Assessment using principles of crime prevention through environmental design (CPTED) in urban parks. Procedia-Social and behavioral sciences, 234, 506-514.
 - Vilalta, C.J., Lopez, P., Fondevila, G., Siordia, O. (2019). Testing Broken Windows Theory in Mexico City. 101(2), 558-572.
 - Waltz, C. F., Bausell, B. R. (1981). Nursing research: design statistics and computer analysis. New York: Davis FA.
 - Wekerle, G.R., Whitzman, C. (1995). Safe cities: Guidelines for planning, design and management. Van Nostrand Reinhold, New York.
 - Wolfe, M.K., Mennis, J. (2012). Does vegetation encourage or suppress urban crime? Evidence from Philadelphia, PA. Landscape and Urban Planning, 108,112-122.
 - Yeoh, B.S.A., Yeow, P.L. (1997). Where women fear to tread: Images of danger and the effects of fear of crime in Singapore. GeoJournal, 43, 273-286.

نحوه ارجاع به مقاله:

قلی پور، سودابه؛ مهدی نژاد، جمال الدین؛ صالح صدق پور، بهرام؛ (۱۴۰۰) ساخت، هنجاریابی، اعتبارسنجی مقیاس امنیت محیطی پارک های شهری مبتنی بر ترجیح کاربران (نمونه مورد مطالعه: پارک ملت تهران)، مطالعات شهری، 10 (41)، 72-59. doi: 10.34785/J011.2021.513/ .59-72. Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



کاربست تاثیر شناختی «شاخص خاطره» بر ارتقای حس تعلق ساکنان محلات

جدید و قدیم شهر شیراز

شهراد پورمحمد - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.
سید علیرضا شجاعی^۱ - استادیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
حسین کلانتری خلیل‌آباد - استاد، گروه برنامه ریزی و مدیریت شهری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
مسعود تقوایی - استاد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۰۷ تیر ۱۴۰۰

چکیده

محیط انسان ساختی که انسان در آن زندگی می کند، صرفاً ابزار علمی یا نتیجه رویدادهای بی هدف نیست، بلکه واجد ساختار بوده و معنا را تجسم می بخشد. این معنا و ساختارها بازتاب فهم انسان از محیط طبیعی، انسان ساخت و وضعیت وجودی کلی اوست. معنایی را که انسان از محیط انسان ساخت، به صورت فردی و یا اجتماعی درک می کند، سبب ایجاد خاطراتی در ذهن او می گردد که در نهایت سبب افزایش حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی می شود. هدف این پژوهش، کشف عوامل خاطره ساز و ارزیابی میزان تأثیرگذاری آن بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات نسبت به فضای زیستی شان است. حس تعلق، امری چند بعدی است و عوامل متفاوتی در ارتقای این حس نقش دارد. بر اساس ادبیات موجود، خاطره به عنوان یکی از معیارها برای برآورد حس تعلق افراد نسبت به محل سکونتشان استخراج گردید. به منظور ارزیابی الگوی نظری، سه محله سنگ سیاه، اسحاق بیگ و بازار مرغ از میان محلات قدیمی و سه محله آبیاری، اصلاح نژاد و هواپرد از میان محلات جدید شهر شیراز به عنوان نمونه موردی انتخاب گردیدند و پرسشنامه ای متناسب در میان آنها توزیع شد. پژوهش حاضر کاربردی بوده و به شیوه همبستگی و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی تدوین گردیده است. داده های پرسشنامه با استفاده از نرم افزار Spss ورژن ۲۴ و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و Anova و Paired T-Test و ضریب همبستگی پیرسون مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج پژوهش بر همگن بودن محلات انتخابی در بافت جدید و قدیم از نظر تشابه ویژگی ها به طور مجزا و اهمیت عامل خاطره بر ارتقای حس تعلق در تمامی محلات دلالت دارد. بر این اساس، تأثیر خاطرات اجتماعی نسبت به خاطرات کالبدی بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات بیشتر بوده است. در مجموع، شاخص عناصر خاطره ساز از خاطرات کالبدی و آشنایی با محله از خاطرات اجتماعی بیشترین تأثیر و عامل ابنیه تاریخی از خاطرات کالبدی و سازمان های مردم نهاد از خاطرات اجتماعی کمترین تأثیر را در ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی دارد.

واژگان کلیدی: حس تعلق به مکان، خاطرات جمعی، محلات تاریخی، محلات نوساز.

نکات برجسته

- نتایج این پژوهش می تواند نقطه آغازین مطالعه در راستای ارزیابی و تاثیر شناختی نقش خاطرات اجتماعی و محیطی بر ارتقاء حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی محلات تلقی گردد.
- در بافت قدیم شاخص خاطره ساز محله از خاطره سازی کالبدی و آشنایی افراد با محله از خاطره سازی اجتماعی بیشترین تاثیر را در ارتقاء حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی دارند.
- در بافت جدید عامل عناصر خاطره ساز محله از خاطره سازی کالبدی و روابط همسایگی از خاطره سازی اجتماعی بیشترین تاثیر را در ارتقاء حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی دارند.

۱. مقدمه

حس تعلق به مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می دهد، به گونه ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می گردد. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. حس مکان و تعلق مکانی علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می گردد، باعث دستیابی به هویت برای افراد می شود. در عین حال می توان گفت حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می آید (Falahat, 2016). حس تعلق به معنای پیوندی مستحکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند سبب گسترش عمق ارتباط تعامل فرد با محیط می گردد و بیانگر ابعاد عاطفی، روحانی و نمادین میان انسان و محیط است و عدم وجود آن محلات شهری را دچار آسیب های عمده ای می کند و به طور کلی کاهش پایداری اجتماعی را به همراه خواهد داشت (Jorgenen, 2006). حس تعلق به مکان یکی از مهمترین فاکتورهای یک شهرآید آل است و از این رو پرداختن به ابعاد و جزئیات آن ضروری به نظر می رسد. با بررسی ادبیات در این خصوص می توان به نقش عوامل مختلفی بر شکل گیری این حس دست یافت که از آن جمله می توان به عوامل کالبدی محیط، ویژگی های اجتماعی ساکنین، روابط میان فرد و محیط و نیز مدت زمان سکونت و به طور کلی عامل خاطره انگیزی اشاره نمود (Hummon, 1992). همواره مفهوم خاطره به عنوان یکی از مهمترین شاخص های تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان مطرح بوده است. به طور کلی شاخص های خاطره انگیز تأثیرگذار بر احساس تعلق ساکنین محلات نسبت به فضای زیستی به دو دسته خاطرات کالبدی و اجتماعی تقسیم می شود و در این خصوص پارامتر مدت زمان سکونت، یکی از مهمترین شاخص هایی است که در ارتباط با شکل گیری خاطره و احساس تعلق به مکان، به ویژه در محلات مسکونی حائز اهمیت است (Hidalgo and Hernandez 2019; Bonaiuto et al., 2018). با این حال مشاهدات انجام شده در میان ساکنین محلات جدید شهری، بیانگر این موضوع است که با وجود افزایش مدت زمان سکونت، احساس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی بسیار پایین تر از محلات بافت قدیم است و این امر صدمات جبران ناپذیری همچون (عدم مشارکت در امور محله، تخریب و تغییر کاربری نا مناسب، کاهش امنیت، روابط همسایگی ضعیف، افسردگی ساکنین و ...) بر ساختار اجتماعی و فرهنگی محلات می گذارد (Relph, 2019:75; Tuna, 2019). با این مقدمات اجمالی، تحقیق حاضر درصدد است تأثیر شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق را مورد بررسی قرار دهد. در واقع هدف اصلی این تحقیق کشف عوامل خاطره ساز و ارزیابی میزان تأثیرگذاری آن بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات نسبت به فضای زندگی شان است. نتایج استخراج شده اولیه با توجه به مطالعات میدانی و مصاحبه عمیق با ساکنین محلات حاکی از تأثیر بالای شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات در بافت قدیم نسبت به بافت جدید شهری است، بنابراین با توجه به تفاوت میزان احساس

تعلق در ساکنین بافت قدیم و جدید و لزوم استفاده از این شاخص ها برای ارتقای حس تعلق ساکنین در بافت جدید شهری، این پژوهش به دنبال شناخت و ریشه یابی و علل تفاوت شاخص های تأثیرگذار عامل خاطره بر حس تعلق در محلات قدیم و جدید شهری است. در این راستا سه محله سنگ سیاه، اسحاق بیگ و بازار مرغ از میان محلات قدیمی و سه محله آبیاری، اصلاح نژاد و هوابرد از میان محلات جدید شهر شیراز انتخاب گردید. در خصوص این مناطق و نقش شاخص خاطره بایستی اذعان داشت، محلات مورد مطالعه در بافت قدیم و جدید، به دلیل تشابه مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی و همگن بودن شاخص های کالبدی و اجتماعی، به صورت همجوار انتخاب گردید. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر در پی ارائه پاسخی مستدل و متقن به این سؤال است که چرا احساس تعلق ساکنین برخی محلات مسکونی به فضای زیستی، با وجود مدت زمان بالای سکونت اندک است؟ و در ادامه این سؤال مطرح می گردد که کدام عامل خاطره انگیزی تأثیر بیشتری بر شکل گیری احساس تعلق ساکنین دارد؟

۲. چارچوب نظری

اصولاً محله های شهری با توجه به خاطرات فردی و جمعی در ذهن شهروندان منطقه جایگاه ویژه ای دارند. از این رو، مفهوم خاطره در رابطه انسان با مکان، با برآورده شدن نیازها و رفتارهای انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. در این رابطه حس تعلق به مکان به مثابه بخشی از احراز حس بودن و تعلق از ضرورت هایی است که لازم است در طراحی محیط های سکونتی مورد توجه قرار گیرد (Gifford et al., 2018:138). تعلق به محله، نمایانگر احساس ذهنی مثبت افراد نسبت به محل سکونتشان است. تعلق به مکان و پیامدهای فقدان آن در دهه های اخیر تبدیل به یکی از موضوعات مهم در حوزه مطالعات اجتماعی شده است (Shills, 2016:189). به لحاظ اجتماعی، دلبستگی به مکان، زمینه مساعدی را فراهم می کند تا ساکنین به امور جاری و محلی نظارت بیشتری داشته باشند و با تهدیدات محیطی مقابله نمایند (Tawahi et al., 2019:49). تجربه و خاطره اصلی ترین رکن ادراک معنای یک مکان و کالبد و حس تعلق به مکان است (Habibi, 2018). بنابراین احساس تعلق در یک مکان، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک انسانی و مقولات اجتماعی مربوط به آن و خاطرات فردی و جمعی مردم دارد. تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که هرچه مدت ارتباط افراد با یک مکان (مدت زمان سکونت در محلات) بیشتر می شود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسان ها و شکل گیری خاطره از آن مکان بیشتر و امکان ایجاد احساس تعلق کالبدی و اجتماعی نیز افزایش می یابد (Hidalgo and Hernandez, 2019; Bonaiuto et al., 2018). دلبستگی به محله مسکونی از پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری با مکان مسکونی ناشی می شود و موجب تعهد ساکنین به محل سکونت و تمایلشان به حفظ رابطه با آن در طول زمان و مراحل مختلف زندگی می شود (Habibi, 2018). با توجه به مرور مطالب فوق می توان چنین برداشت نمود که حس تعلق به مکان دارای دو بعد کالبدی و اجتماعی است. تعلق اجتماعی عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش های اجتماعی در محیط صورت می گیرد و تعلق کالبدی به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است که برگرفته از عناصر و اجزای محیطی

صاحب تئوری تصویر ذهنی - ارزیابانه محیط، در کتابی به همین نام ضمن اشاره به اهمیت ارزیابی در رفتارهای افراد، با خلق عبارات مهرانگیزی شهری دو عامل خاطره انگیزی و ایجاد تأثیر عاطفی و حس قوی را بر مهرانگیزی بودن مکان مؤثر می‌داند (Nasar, 2016). برارد کایل و همکاران در مطالعه‌ای به تأثیر ابعاد دلبستگی به مکان در یک محیط تفریحی و سکونتی و تناسب آن با ادراک شرایط محیطی و اجتماعی آن محیط از سوی ساکنین پرداخته‌اند (Kyle, 2020). آلتمن حس تعلق محیطی را از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد که این حس، عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد با محیط را شامل می‌شود (Altman and Low, 2019). الیزابت بروکاتو در مطالعه‌ای در ارائه مدل تحلیل ارزیابی تأثیرات عوامل ادراک عمومی (از طراحی کالبدی، عوامل محیطی، شرایط کارکنان، کیفیت سرویس دهی و رضایت مندی) بر ابعاد حس تعلق به مکان و خاطره در محیط‌های خدماتی کوشش نموده است (Brocato, 2020). فیلیپ ادواردز نیز در مطالعه مجتمع مسکونی مرکزی سیاتل، به مثابه مکانی خصوصی - عمومی به بررسی ارزیابی ساکنین از فضای زیستی به مثابه ساختار فیزیکی، محیط و ارزیابی کیفی حس تعلق به مکان در آن محیط پرداخته است (Fisher, 2019). از نظر فریتز استیل مهمترین عوامل کالبدی شاخص خاطره مؤثر بر احساس مکان، اندازه مکان، درجه محوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steel, 2020). جنیفر کراس نیز شاخص خاطره مؤثر بر احساس تعلق به مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و خاطرات را به صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی و عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری تقسیم بندی می‌کند (Cross, 2019). با توجه به این که پژوهش حاضر در پی بررسی تأثیر شناختی نقش خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهر شیراز است، جدول شماره ۱ برخی از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه را نشان می‌دهد.

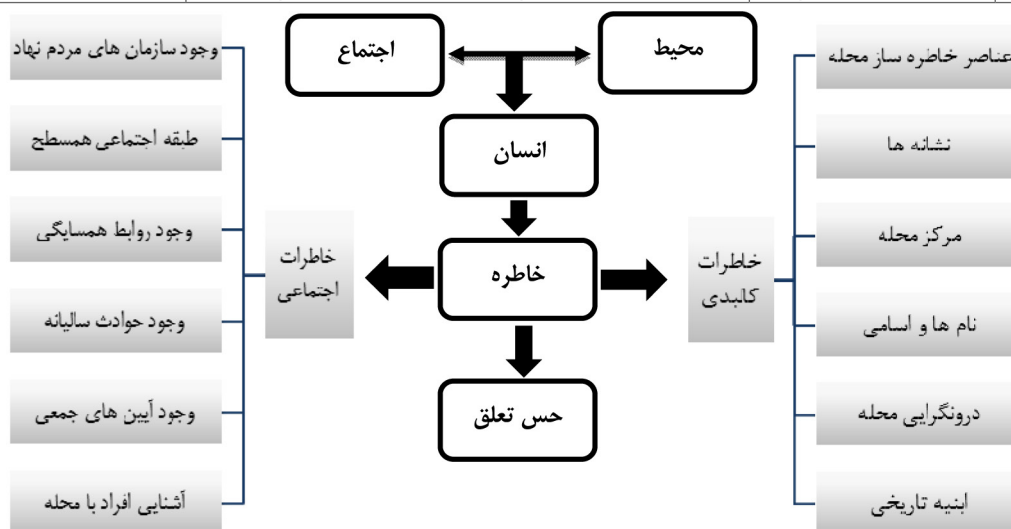
با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان گفت، تا کنون پژوهشی در حیطه تأثیر شناختی نقش شاخص خاطرات کالبدی و اجتماعی بر ارتقای احساس تعلق ساکنین محلات با توجه به مقایسه بافت قدیم و جدید در شهر شیراز صورت نپذیرفته و شاخص‌های مورد ارزیابی در این تحقیق تا کنون مورد آزمون قرار نگرفته است. با توجه به استخراج شاخص خاطره تأثیرگذار بر احساس تعلق، نتایج مطالعات در بخش مبانی نظری نشان دهنده آن است که معیارهای خاطرات جمعی که نقش مؤثری در ایجاد تعلق جمعی به مکان دارد، به دو دسته اصلی شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی و ثبت و انتقال خاطره تفکیک می‌شود، که هر یک از این دو گروه به دو بخش ساختار اجتماعی و ساختار کالبدی تقسیم می‌شوند. معیارهای فردی تأثیرگذار در امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی مربوط به ساختار اجتماعی و سیاسی شهر، شامل امنیت اجتماعی و محیطی، تنوع قومی، طبقات اجتماعی، وقوع رویدادهای تاریخی، برگزاری مراسم و معیارهای فرعی مربوط به ساختار کالبدی و فضایی، شامل وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق‌ها در مقیاس محله هستند. معیارهای فرعی تأثیرگذار در ثبت و انتقال خاطره و تاریخ محله مربوط به ساختار اجتماعی و سیاسی محله شامل ثبات و تداوم سکونت‌ها و معیارهای فرعی مربوط به ساختار فضایی و کالبدی، شامل حفظ ابنیه تاریخی

است (Hatami et al., 2020). عوامل کالبدی و اجتماعی سبب ایجاد خاطره و در نهایت ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی می‌گردد (Longmen, 2010:1093). در لغت نامه وبستر واژه خاطره به معنای توانایی و یا روند یادآوری یا باز تولید آنچه آموخته شده است (Wilson, 2016:726). شکل‌گیری خاطره مستلزم حدوث یک واقعه و یا کسب یک تجربه است که هرچه مدت زمان سکونت انسان در یک مکان بیشتر شود، میزان خاطرات فرد و حس تعلق آن به مکان افزایش می‌یابد (Habibi, 2018). برخی از پژوهش‌ها، تأثیرگذاری معنادار و مستقیمی از مدت اقامت در محیط را بر تمایل به ایجاد و بسط روابط اجتماعی و کالبدی گزارش کرده‌اند (Tuan, 1997; Relph, 2019). ادراک فضا از طریق خاطره به دو صورت به فرد منتقل می‌شود که شامل خاطرات تحت تأثیر عوامل اجتماعی و عوامل کالبدی است (Gustafson, 2018:65). در حیطه مفهوم خاطرات می‌توان گفت در حالی که مفهوم خاطره در علوم بیولوژیک و شناختی، بیشتر به عنوان یک ظرفیت فردی - محیطی شناخته می‌شود، علوم اجتماعی معمولاً از خاطره به عنوان یک پدیدار جمعی تعبیر می‌کند (Wilson, 2016). هر فرد با توجه به ویژگی‌های اجتماعی مانند طبقه اجتماعی، سن، جنس، قومیت، ملیت، تخصص و مانند آن، اطلاعات دریافت شده خود را پالایش کرده و تصویری از مکان ایجاد می‌کند (Hauge, 2019:7). بنابراین ایجاد خاطرات ناشی از تعلق اجتماعی مجموعه‌ای از حکایات و روایت‌های فردی و جمعی است (Habibi, 2018: 35). این حس به گونه‌ای به پیوند فرد و مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربیات خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد (Pakzad, 2018: 319). خاطرات اجتماعی ممکن است به وقایعی مربوط شوند که در طول زندگی یا حتی قبل از تولد فرد رخ داده‌اند و به وقایع گروه‌های قومی منطقه تعلق دارند. در مورد دوم، آنچه به یاد می‌آید، به سنت‌های شفاهی، نقل روایت‌ها و انگیزه شخصی کشف وقایع گذشته مربوط می‌شود (Lewicka, 2018:19). در حیطه مفهوم خاطرات کالبدی می‌توان گفت محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها و توقعات آن را درک می‌کنند. فرآیندی که در ایجاد تعلقات روحی روانی نسبت به محیط ایجاد می‌گردد، از جنس‌آشنایی، احساس، هیجان و خاطره است (Cross, 2019). حس تعلق، مفهومی بیش از موفقیت یا خاستگاه دارد و با احساسات بیشتری آمیخته است و همین مفهوم خاطره، تفاوت میان مکان و فضا را مشخص می‌کند (Hauge, 2019:5). ارتباط اساسی و جدایی ناپذیر مفهوم حس تعلق به جنبه‌های انسانی اشاره داشته که این معانی در طول زمان خاطره را می‌سازد (Cuthert, 2019). از طرفی، تعلق به اجتماع از عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق است. چنانچه هیومن احساس تعلق را شامل تعلق به اجتماع و تعلق به کالبد محل تعریف کرده است (Hummon, 1992). شامای حس تعلق برگرفته از شاخص خاطره را به هفت مرحله و سطح تقسیم می‌کند که فداکاری برای مکان عمیق‌ترین آن است و شامل بی تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان و فداکاری برای مکان که دو سطح اولیه سطوح ادراکی و پنج سطح بعدی سطوح احساسی است (Shamai, 1991). جک نسر،

و محله، وجود یادمان ها، نشانه ها و حفظ نام ها و اسامی است. از این رو با توجه به مبانی مطرح شده در ارتباط با مفاهیم مرتبط با حس و تعلق به مکان و نیز ابعاد اجتماعی و کالبدی خاطره، چارچوب نظری تحقیق به صورت تصویر شماره ۱ قابل تبیین و ارائه است.

جدول شماره ۱: بررسی پیشینه تحقیق پیرامون تأثیر خاطره بر احساس تعلق

نویسندگان	خلاصه پژوهش	نتیجه	تحلیل
Azadi 2017	مطالعه بر روی عناصر تأثیرگذار در ایجاد خاطرات جمعی در میادین	با استفاده از مشاهده و مصاحبه عمیق مشخص گردید مؤلفه‌هایی از قبیل (جمع‌پذیری و ...) از سه طریق (زمینه‌سازی وقوع رویداد و تصور ذهنی و زمینه‌سازی برای تداوم خاطره) بر شکل‌گیری خاطره تأثیر دارند.	کاراکتر میادین تجریش و بهارستان بیش از فضای آنها در تداوم خاطره حائز اهمیت بوده است.
Esmailian 2018	بررسی شاخصه‌های به وجود آورنده خاطرات جمعی و حس تعلق	ارزیابی شاخص‌های خاطره و حس تعلق به مکان نشان می‌دهد که مفهوم کالبد مکان، معنای مکان و فعالیت‌ها و رویدادهای مکان سه مفهوم پایه ای شکل‌گیری خاطرات جمعی است که میزان تأثیرگذاری آن متفاوت است.	سه مفهوم، تمایز در خاطرات جمعی را سبب شده است
Hosseini 2018	بررسی نقش خاطرات جمعی در بازنده سازی شهر لاهیجان	شاخص‌های مورد ارزیابی پیکره‌های شهری و آیین‌های نمایشی بوده و نشان می‌دهد استفاده از هنرهای همگانی متناسب با بافت تاریخی و به کارگیری آثار هنرمندان بومی منطقه و حفاظت از آیین‌های نمایشی مثل تعزیه	تأثیر مؤلفه‌های خاطره ساز جمعی که ریشه در فرهنگ یک ملت دارد، بیش از مؤلفه‌های خاطره ساز کالبدیست
Soltani 2020	بررسی شکل‌گیری خاطره در بلوار شهید چمران شیراز	شاخص‌های اندازه‌گیری شده معنا و کالبد بوده و از نظر کاربران عناصر کالبدی اهمیت بیشتری نسبت به فعالیت و معنای اجتماعی بر حس تعلق دارد	برنامه‌ریزی کالبدی بایستی در جهت فعالیت‌های متنوع و بهبود سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد
Khakzand 2020	مطالعه بر روی تأثیر آیین‌های مذهبی بر خاطرات جمعی و حس تعلق	بررسی رویدادهای حسینیه‌ها و تکایا نشان می‌دهد که تغییرات حاصل از آیین‌های مذهبی محرم، در عین کالبدی و بصری بودن دارای تأثیرات ذهنی ماندگار بوده و جزئی از خاطرات جمعی شهر محسوب می‌گردد	تأثیر جمعی آیین‌های مذهبی بیش از عناصر کالبدی و نمایشی آن بر ذهن انسان است
Nofel 2017	مطالعه بر روی شاخصه‌های خاطرات جمعی مؤثر بر حس تعلق	اندازه‌گیری میزان تأثیرگذاری عوامل مختلف خاطره انگیز بر حس تعلق و هویت شهری با متغیرهایی نظیر (متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی)	اهمیت بالایی دارد و آیین‌های جمعی مهمترین عامل است
Varesi 2019	بررسی هویت شهری و رابطه آن با حس تعلق	فضای اجتماعی در محله، امکان نظارت اجتماعی و کنترل بر رفتار دیگران را فراهم می‌کند و سبب ایجاد خاطرات مثبت می‌شود	بین مدت زمان زندگی ساکنین و میزان تعلق آنها نسبت به مکان رابطه وجود دارد
Halbwach, 2015	بررسی تضاد میان خاطرات جمعی و فردی و تأثیر بر حس تعلق مکانی	شاخص‌های مورد بررسی خاطرات جمعی و فردی بوده و نشان می‌دهد خاطرات جمعی برای شکل‌گیری تصویری که یک گروه از خود دارد و حس تعلق آن ضروری است و به طور پیوسته باید با وضعیت تاریخی تغییر یابد	خاطرات جمعی با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم هر ملت در هر برهه زمانی متفاوت است
Misztal 2017	بررسی خاطرات جمعی تأثیر آن بر حس تعلق	اهمیت ارتباط با گذشته و نقش آن در درک هویت و احساس تعلق و اهمیت احساس هویت جمعی که توسط پیوند با گذشته در محلات تقویت می‌شود	روش زندگی، تربیت و گذشته هر انسان در نگاه فرد به خاطرات جمعی و کالبدی نقش اساسی دارد
Paez 2017	بررسی عامل مدت زمان سکونت و رابطه آن با خاطرات جمعی	خاطره دارای محتوای اجتماعی است چون در حضور دیگران صورت می‌پذیرد و سبب احساس تعلق می‌گردد و انسان‌ها خاطرات جمعی را بیشتر به یاد می‌آورند	خاطرات اجتماعی شکل گرفته در گذر زمان تأثیر بیشتری نسبت به خاطرات کالبدی بر احساس تعلق دارد
Siew 2017	مقایسه خاطرات جمعی در شهرهای قدیم و جدید	نسل جدید نمی‌تواند در خاطرات جمعی و حس تعلق پدر و مادر خود شریک باشد و نمی‌تواند خاطرات جمعی را از کالبد محیط اطراف درک کند	خاطرات اجتماعی ریشه در فرهنگ و مدت زمان سکونت دارد
Lewicka 2018	مطالعه بر روی مدت زمان سکونت و رابطه آن با خاطرات جمعی	سابقه سکونت در شهر عامل تقویت خاطرات جمعی و حس تعلق است و شهرهای مهاجرپذیر دارای خاطرات جمعی کمتری نسبت به شهرهای قدیمی هستند	مدت زمان سکونت مهمترین عامل شکل‌گیری خاطره است



تصویر شماره ۱: ابعاد تأثیرگذار خاطره بر حس تعلق ساکنین محلات (Mirmoghtadai, 2019; Motalebi, 2019)

(R. Cuthert, 2019; Cross, 2019; Hidalgo and Hernandez, 2019)

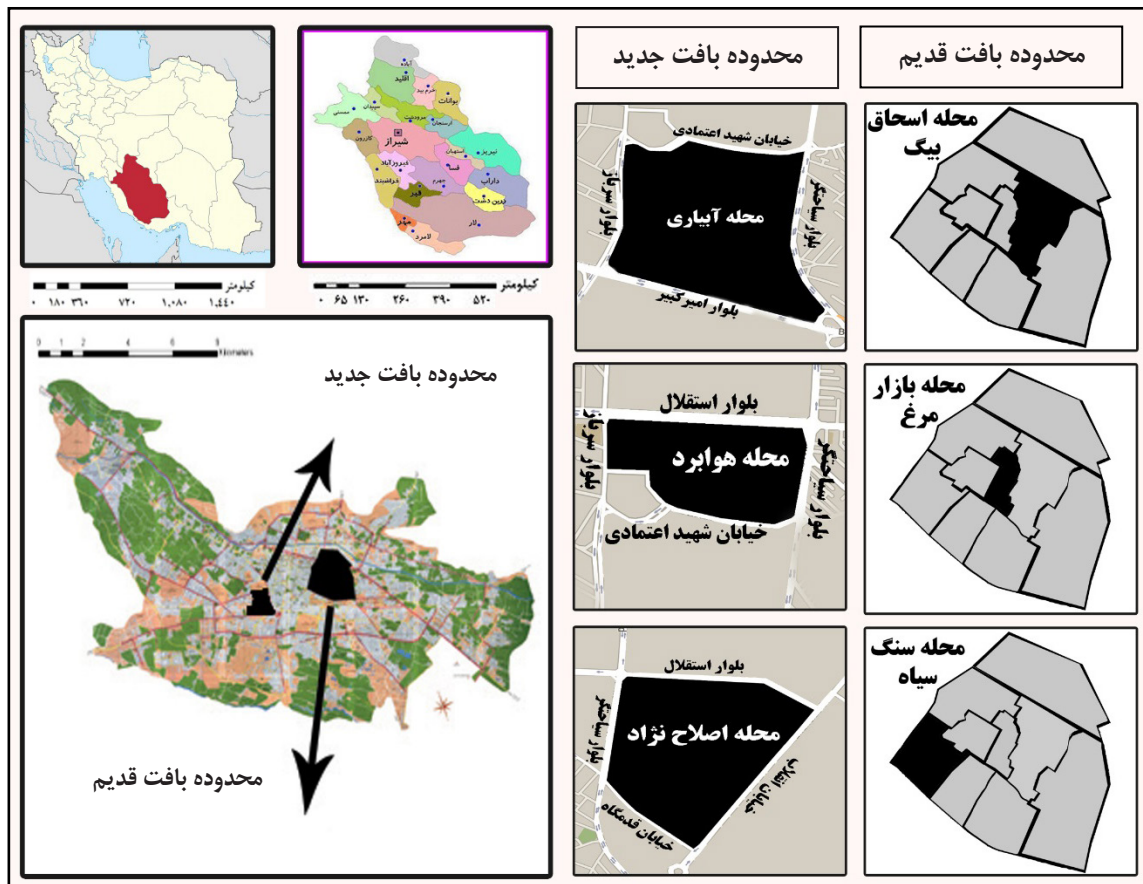
۳. روش

پژوهش حاضر کاربردی بوده و به شیوه همبستگی و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی تدوین گردیده و فرآیند انجام تحقیق در قالب هفت گام تعریف می‌شود: گام نخست شامل استخراج عوامل خاطره انگیز و تأثیرگذار بر احساس تعلق ساکنین است. به همین منظور شاخص‌های خاطره با روش اسنادی-تحلیلی و مصاحبه عمیق میدانی ریشه یابی شد و نتایج مطالعات در بخش مبانی نظری نشان دهنده آن است که شاخص‌های کالبدی و اجتماعی-فرهنگی مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهر شیراز هستند که چارچوب نظری تحقیق به صورت تصویر شماره ۱ قابل تبیین و ارائه است. گام دوم شامل تدوین پرسشنامه اصلی تحقیق است. ویژگی‌های خاطرات کالبدی و اجتماعی متغیر مستقل و حس تعلق ساکنین به محل سکونتشان متغیر وابسته است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سؤال است که محتوای داده‌های پرسشنامه به روش مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق میدانی تدوین گردیده و شامل ۱۰ گویه مربوط به تأثیر خاطرات کالبدی و ۱۰ گویه مربوط به تأثیر خاطرات اجتماعی بر حس تعلق است و با توجه به این که سئوالات پرسشنامه به صورت تأثیر عامل خاطره بر حس تعلق تدوین شده است، تنها یک گویه مربوط به ارزیابی کلی حس تعلق ساکنین نسبت به محل سکونت طراحی شده است. پایایی پرسشنامه از طریق فرمول آلفای کرونباخ در حدود ۰/۸۵۸/ محاسبه گردیده و تأیید شده است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان سه محله بافت قدیم و سه محله بافت جدید شهر شیراز هستند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر از بافت قدیم و ۳۴۲ نفر از بافت جدید به عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. مصاحبه شونده‌گان از رده‌های مختلف سنی انتخاب گردیده‌اند که بیش از ۱۰ سال در محله مورد نظر ساکن بوده‌اند و در نهایت داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم افزار Spss ورژن ۲۴ مورد ارزیابی قرار گرفت. درگام سوم برای ارزیابی میزان همگنی جامعه آماری در بافت قدیم و جدید، از آزمون Anova استفاده شد. از این روش زمانی استفاده می‌شود که بخواهیم مشخص کنیم که از نظر آماری تفاوت معنی‌داری بین میانگین دو یا چند گروه مستقل وجود دارد. در گام چهارم برای بررسی رابطه بین تأثیر عامل خاطره بر ارتقای حس تعلق در بافت قدیم و جدید از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. ضریب همبستگی اسپیرمن، اندازه یا شاخصی غیرپارامتری، برای نمایش وابستگی بین دو متغیر ترتیبی است. البته از ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرها کمی (عددی) نیز می‌توان استفاده کرد و اغلب زمانی از این ضریب همبستگی استفاده می‌شود که شرایط و فرضیه‌های لازم برای محاسبه (ضریب همبستگی پیرسون) وجود نداشته باشد. سپس در گام پنجم با استفاده از تست تلفیقی Tukey به مقایسه میزان تأثیر خاطرات محیطی و کالبدی بر میزان حس تعلق ساکنین در محلات مختلف (مقایسه محلات مختلف با یکدیگر) پرداخته است. این

آزمون روشی است که هدف آن مقایسه میانگین فردی از تجزیه و تحلیل واریانس چندین نمونه با درمان‌های مختلف است و در گام ششم با استفاده از آزمون T جفتی Paired-Samples T-Test تأثیر خاطرات محیطی و اجتماعی بر ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به محلات مورد سکونتشان و نیز معنادار بودن تفاوت آن را تحلیل کرده است. از این آزمون در زمانی که برای هر مشاهده دوبار اندازه‌گیری یک متغیر کمی صورت گرفته، استفاده می‌شود و در گام هفتم به منظور بررسی همبستگی میان عناصر مختلف تشکیل دهنده مؤلفه خاطرات اجتماعی، کالبدی تأثیرگذار بر ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به محل سکونتشان از ضریب پیرسون استفاده شده است. این ضریب به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه‌ی بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله‌ای و یک متغیر نسبی به کار برده می‌شود. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش و مصاحبه عمیق به ارائه مدلی جامع برای عملکرد بهینه تأثیر شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهری خواهیم پرداخت.

۳.۱. نمونه موردی

شیراز مرکز استان فارس و بزرگترین شهر در منطقه کوهستانی جنوب ایران است که در ۲۹ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. جمعیت شیراز در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، بالغ بر یک میلیون و ۵۶۵ هزار و ۵۷۲ نفر بوده، که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به یک میلیون و ۸۶۹ هزار و یک نفر می‌رسد. شیراز پنجمین شهر بزرگ و پرجمعیت ایران و پرجمعیت‌ترین شهر جنوب کشور به‌شمار می‌رود. مساحت این شهر ۱۲ هزار و ۹۹۰ کیلومتر مربع است که طول آن ۹۰ و عرض آن از ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر، متغیر است (Afsar, K. 2017:324). شهر شیراز دارای کشیدگی شرقی غربی بوده که در طول محور شرقی غربی شیراز، نقاط مسکونی متفاوتی وجود داشته است که اهم آنها از نظر مساعد بودن آب و هوا و از نظر راه‌یابی و امکانات توسعه عمومی، محل کنونی بافت قدیم شیراز است (Falamaki, 2003). محلات انتخاب شده به عنوان نمونه موردی سه محله واقع در بافت قدیم به نام محله سنگ سیاه و اسحاق بیگ و بازار مرغ و سه محله واقع در بافت جدید شهر شیراز به نام آبیاری و اصلاح نژاد و هوابرد مطابق تصویر شماره ۲ انتخاب گردیده است. نمونه موردی در بافت قدیم و جدید به طور مجزا در یک محدوده و به صورت همجوار، با توجه به شباهت مؤلفه‌های فرهنگی و دارا بودن ویژگی‌های مشترک کالبدی و اجتماعی مورد اندازه‌گیری در پژوهش با سطح نژادی و اقتصادی هماهنگ مطابق تصویر شماره ۳ انتخاب گردیده است.



تصویر شماره ۲: محدوده مورد مطالعه
(source: Shiraz districts 4 and 8 municipalities)

تصاویر در محلّه های مورد نظر			بافت و مشخصات
			بافت قدیم
			مساحت کل: ۱۵۴ هکتار جمعیت کل: ۱۶۷۴۲ نفر
			بافت جدید
			مساحت کل: ۱۶۷ هکتار جمعیت کل: ۱۵۸۷۹ نفر

تصویر شماره ۳: مشخصات محلّه های انتخابی
(source: Shiraz districts 4 and 8 municipalities)

قدیم و جدید به طور مجزا، بیشتر از مقدار ۰/۰۰۱ به دست آمده است و در نتیجه رابطه معناداری بین گروه های مختلف از هر دسته وجود ندارد و می توان گفت تأثیر خاطرات کالبدی و اجتماعی بر ارتقای حس تعلق ساکنین در محلات انتخاب شده در بافت جدید و قدیم شهری به طور مجزا، تقریباً مشابه است و انتخاب نمونه موردی به لحاظ تشابه در ویژگی ها و همگن بودن در پایان ارزیابی درست بوده است. نتایج تأثیر عامل خاطره بر ارتقای حس تعلق در جدول شماره ۳ آمده است.

۴. بحث و یافته ها

این پژوهش به دنبال تأثیر شناختی نقش عامل خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات است. همانگونه که پیش از این عنوان گردید، برای ارزیابی میزان همگنی جامعه آماری یافته های پژوهش در جدول شماره ۲ استخراج گردید. داده های جدول شماره ۲ نشان می دهد که تفاوت میانگین تأثیر خاطره بر ارتقای حس تعلق در گروه های مختلف از نظر آماری معنادار نیست. به لحاظ این که P.value شاخص خاطره در محلات بافت

جدول شماره ۲: ارزیابی تفاوت معنادار حس تعلق ناشی از تأثیر خاطره در محلات بافت قدیم و جدید با استفاده از آزمون ANOVA

P. VALUE	F	میانگین	DF	نرخ کل	نرخ	حس تعلق	تأثیر خاطره بر حس تعلق
۰/۳۲۶	۱/۱۲۴	۱۰/۲۵ ۹/۱۲	۲ ۲۹۸	۲۷۳۰/۵	۲۰/۵۰ ۲۷۱۰/۰	بین گروه درون گروه	خاطرات کالبدی در بافت قدیم
۰/۱۹۳	۱/۶۵۷	۷/۵۸ ۴/۵۷	۲ ۲۹۸	۱۳۷۴/۶	۱۵/۱۶ ۱۳۵۹/۵	بین گروه درون گروه	خاطرات اجتماعی در بافت قدیم
۰/۱۹۸	۱/۳۱۲	۱۰/۷۰ ۹/۳۸	۲ ۳۴۰	۲۹۴۲/۴	۲۱/۴۰ ۲۹۲۱/۰	بین گروه درون گروه	خاطرات کالبدی در بافت جدید
۰/۲۷۸	۱/۸۱۴	۸/۸۵ ۷/۰۳	۲ ۳۴۰	۱۴۴۷/۷	۱۶/۱۷ ۱۴۳۱/۶	بین گروه درون گروه	خاطرات اجتماعی در بافت جدید

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی اسپیرمن بین عامل خاطره و حس تعلق

نوع رابطه	وجود رابطه	متغیر حس تعلق			متغیر خاطره مندی در محلات	قدمت بافت
		P. value	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن		
مستقیم	دارد	۰/۰۰۰	۳۰	۰/۶۷۱	محله سنگ سیاه	بافت قدیم
مستقیم	دارد	۰/۰۰۱	۳۰	۰/۴۴۳	محله بازار مرغ	
مستقیم	دارد	۰/۰۰۰	۳۰	۰/۵۰۹	محله اسحاق بیگ	
مستقیم	دارد	۰/۰۰۳	۳۰	۰/۳۳۱	محله آبیاری	بافت جدید
مستقیم	دارد	۰/۰۰۰	۳۰	۰/۲۷۱	محله اصلاح نژاد	
مستقیم	دارد	۰/۰۰۱	۳۰	۰/۱۶۸	محله هواپرد	

نتایج این آزمون بر عدم وجود تفاوت به شدت معنادار (تأثیر خاطره بر حس تعلق در محلات مختلف هر گروه در بافت جدید و قدیم) دلالت دارد، اما به طور کلی می توان گفت که در حیطه تأثیرات خاطرات کالبدی بر ارتقای حس تعلق در بافت قدیم، محله اسحاق بیگ بیشترین و بازار مرغ کمترین تأثیر را نشان می دهد. همچنین در بافت جدید محله آبیاری بیشترین و محله هواپرد کمترین تأثیر را دارد و در حیطه تأثیرات خاطرات اجتماعی بر ارتقای حس تعلق در بافت قدیم، محله سنگ سیاه بیشترین و بازار مرغ کمترین تأثیر و در بافت جدید محله آبیاری بیشترین و محله هواپرد کمترین تأثیر را دارد. در ادامه نتایج سنجش میزان حس تعلق تأثیر پذیر از شاخص خاطره، در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که بین حس تعلق به مکان و خاطره در تمامی محلات بافت قدیم و جدید رابطه معنادار وجود دارد (سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۰۵). این رابطه به صورت مستقیم است و در تمامی محلات رابطه معنادار بوده است. در جدول شماره ۴ تأثیرات خاطرات اجتماعی و کالبدی بر حس تعلق ساکنین مورد سنجش و مقایسه قرار گرفت. روش کار بدین صورت است که اگر $P. value > 0.01$ باشد، تفاوت معناداری در آن محله از نظر تأثیر خاطره بر حس تعلق ساکنین با محله مقایسه شده دارد و اختلاف میانگین ستاره دار است و اگر اختلاف میانگین محله مورد نظر عددی مثبت باشد یعنی از نظر تأثیر خاطره بر حس تعلق ساکنین نسبت به محله مورد مقایسه دارای تأثیر بیشتری است و اگر این عدد منفی بود، یعنی مقایسه دارای تأثیر کمتر است.

جدول شماره ۴: مقایسه محلات از نظر تأثیر خاطرات کالبدی و اجتماعی بر حس تعلق با آزمون تست تلفیقی Tukey

P. VALUE	انحراف معیار	تفاوت میانگین	محله وابسته	محل مبنا	تأثیر خاطره بر حس تعلق	بافت
۰/۷۶۲	۰/۴۲۷	-۰/۳	اسحاق بیگ	سنگ سیاه	خاطرات کالبدی	بافت قدیم
۰/۷۰۶	۰/۴۲۷	۰/۳۴	بازار مرغ	اسحاق بیگ	خاطرات کالبدی	
۰/۲۹۳	۰/۴۲۷	۰/۶۴	بازار مرغ	سنگ سیاه	خاطرات اجتماعی	
۰/۹۸۵	۰/۳۰۲	۰/۰۵	اسحاق بیگ	اسحاق بیگ	خاطرات اجتماعی	
۰/۲۲۵	۰/۳۰۲	۰/۰۵	بازار مرغ	اسحاق بیگ	خاطرات اجتماعی	بافت جدید
۰/۲۹۸	۰/۳۰۲	۰/۴۵	بازار مرغ	آبیاری	خاطرات کالبدی	
۰/۹۸۵	۰/۲۱۲	۰/۳۲	اصلاح نژاد	اصلاح نژاد	خاطرات کالبدی	
۰/۳۱۲	۰/۲۱۲	۰/۳۷	هواپرد	اصلاح نژاد	خاطرات اجتماعی	
۰/۴۱۵	۰/۲۱۲	۰/۰۵	هواپرد	اصلاح نژاد	خاطرات اجتماعی	بافت جدید
۰/۶۷۲	۰/۳۱۷	۰/۱۱	اصلاح نژاد	آبیاری	خاطرات اجتماعی	
۰/۶۵۲	۰/۳۱۷	۰/۲۲	هواپرد	اصلاح نژاد	خاطرات اجتماعی	
۰/۳۳۴	۰/۳۱۷	۰/۱۱	هواپرد	اصلاح نژاد	خاطرات اجتماعی	

جدول شماره ۵: میزان تأثیر خاطره بر میزان حس تعلق ساکنین محلات بافت قدیم و جدید بر اساس آزمون T-Test

P. VALUE	انحراف معیار	میانگین	کمترین	بیشترین	تعداد	تأثیر خاطره بر حس تعلق
۰/۰۰۰	۲/۰۲	۳۴/۲۲	۲۷	۴۰	۳۰۰	خاطرات کالبدی در بافت قدیم
۰/۰۰۰	۱/۰۱	۲۲/۹۷	۱۳	۲۹	۳۴۲	خاطرات کالبدی در بافت جدید
۰/۰۰۰	۲/۱۴	۴۱/۸۶	۳۲	۴۸	۳۰۰	خاطرات اجتماعی در بافت قدیم
۰/۰۰۰	۱/۴۵	۱۵/۲۷	۸	۲۱	۳۴۲	خاطرات اجتماعی در بافت جدید

گفت حس تعلق ساکنین به محلات، در بافت جدید بسیار کمتر از بافت قدیم است. عناصر تشکیل دهنده شاخص های خاطره تأثیرگذار بر حس تعلق (تصویر شماره ۲) در جدول شماره ۶ مورد ارزیابی قرار گرفته است که شاخص های خاطره ساز اجتماعی با رنگ خاکستری و عناصر خاطره ساز کالبدی با رنگ سفید در جدول نشان داده شده است. با توجه به نتایج منتج از جدول شماره ۶ در بافت قدیم، عامل عناصر خاطره ساز محله از شاخص خاطرات کالبدی و آشنایی افراد با محله از خاطرات اجتماعی بیشترین تأثیر و عامل ابنیه تاریخی از خاطره سازی کالبدی و سازمان های مردم نهاد از خاطرات اجتماعی کمترین تأثیر را بر ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی دارند و در بافت جدید شاخص عناصر خاطره ساز محله از خاطره سازی کالبدی و روابط همسایگی از خاطره سازی اجتماعی بیشترین تأثیر و ابنیه تاریخی از خاطره سازی کالبدی و طبقه اجتماعی همسطح از خاطرات اجتماعی کمترین تأثیر را در ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی دارند.

همانگونه که در جدول فوق آورده شده است، میانگین حس تعلق ناشی از خاطرات کالبدی و اجتماعی به صورت نتیجه ای واحد در تمامی محلات در نظر گرفته شده است. میانگین حس تعلق افراد در نمونه موردی و جامعه آماری در نظر گرفته شده در بافت قدیم در رابطه با خاطرات کالبدی ($3/02 + 34/23$) از میانگین حس تعلق افراد در نمونه موردی و جامعه آماری در نظر گرفته شده در رابطه با خاطرات اجتماعی ($2/14 + 41/87$) با $P.value < 0/001$ کمتر است. میانگین حس تعلق افراد در نمونه موردی و جامعه آماری در نظر گرفته شده در بافت جدید در رابطه با خاطرات کالبدی ($1/01 + 22/97$) از میانگین حس تعلق افراد در نمونه موردی و جامعه آماری در نظر گرفته شده در رابطه با خاطرات اجتماعی ($1/45 + 15/27$) با $P.value < 0/001$ بیشتر است. بر اساس این ارزیابی میانگین تأثیر خاطرات کالبدی نسبت به خاطرات اجتماعی بر ارتقای حس تعلق در بافت قدیم کمتر است ولی در بافت جدید، میانگین تأثیر خاطرات کالبدی نسبت به خاطرات اجتماعی بر ارتقای حس تعلق بسیار بیشتر است، به نحوی که می توان

جدول شماره ۶: میزان تأثیر شناختی عامل خاطره بر احساس تعلق ساکنین محلات بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

تأثیر عامل خاطره بر حس تعلق ساکنین محلات						شاخص های خاطره ساز کالبدی و اجتماعی
بافت جدید	بافت جدید	بافت جدید	بافت قدیم	بافت قدیم	بافت قدیم	
تعداد	ضریب معناداری	ضریب پیرسون	تعداد	ضریب معناداری	ضریب پیرسون	عناصر خاطره ساز محله
۳۴۲	۰/۰۱۲	۰/۵۲۲	۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۵۱	آشنایی افراد با محله
۳۴۲	۰/۰۴۱	۰/۲۷۱	۳۰۰	۰/۰۱۲	۰/۷۳۱	وجود آیین های جمعی
۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۱	۳۰۰	۰/۰۲۳	۰/۷۰۱	وجود روابط همسایگی
۳۴۲	۰/۰۲۱	۰/۳۷۲	۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۷۱	وجود حوادث در طول سال
۳۴۲	۰/۰۴۷	۰/۱۴۷	۳۰۰	۰/۰۳۱	۰/۶۴۱	نشانه ها
۳۴۲	۰/۰۸۳	۰/۳۰۷	۳۰۰	۰/۰۴۱	۰/۵۰۱	مرکز محله
۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۴۱۷	۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۱	نام ها و اسامی
۳۴۲	۰/۰۱۲	۰/۳۹۹	۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۲	طبقه اجتماعی همسطح
۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۱۱۲	۳۰۰	۰/۰۱۵	۰/۳۵۱	وجود سازمان های مردم نهاد
۳۴۲	۰/۰۴۱	۰/۱۳۲	۳۰۰	۰/۰۰۳	۰/۳۱۲	درونگرایی محله
۳۴۲	۰/۰۱۶	۰/۱۸۰	۳۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۵	ابنیه تاریخی
۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۳۰۰	۰/۰۳۱	۰/۲۳۷	

۵. نتیجه گیری

تأثیرگذارترین عامل مطرح شده است اما در تحقیق صورت پذیرفته شاخص آشنایی فرد با محله به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار بر ارتقای حس تعلق مطرح می شود. فریتز استیل در سال ۲۰۲۰ مهمترین عوامل کالبدی شاخص خاطره را اندازه مکان، درجه محوریت، تضاد، مقیاس، تناسب و... و مهمترین شاخص های اجتماعی خاطره را خصوصیات نظیر هویت، تاریخ و... و جنیفر کراس نیز در سال ۲۰۱۹ مهمترین شاخص های خاطرات را به صورت های زندگی نامه ای و... می داند و آزادی و پرتوی مؤلفه هایی از قبیل زمینه سازی وقوع رویداد و تصور ذهنی و زمینه سازی برای تداوم خاطره را بر شکل گیری خاطره تأثیرگذار می داند (Azadi & Partovi, 2018). در حالی که نتایج مطالعات در بخش مبانی نظری نشان دهنده آن است که معیارهای فردی تأثیرگذار در امکان شکل گیری خاطرات اجتماعی در این تحقیق شامل شش شاخص سازمان های مردم نهاد، طبقه اجتماعی همسطح، روابط همسایگی، حوادث سالبانه، آیین های جمعی، آشنایی افراد با محله و شاخص های تأثیرگذار بر حس تعلق در حوزه خاطرات کالبدی شامل شش شاخص عناصر خاطره ساز محله، نشانه ها، مرکز محله، نام ها

بی شک یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان احساس تعلق ساکنین نسبت به محل سکونتشان، خاطره و مدت زمان اقامت در آن محله است. شاخص خاطره به دو بخش خاطرات کالبدی و اجتماعی تقسیم می گردد. این پژوهش درصدد ارزیابی و تحلیل رابطه بین حس تعلق و خاطره در ساکنین محلات شهر شیراز است. برای آزمون الگوی نظری سه محله قدیمی و سه محله جدید شهر شیراز انتخاب گشت و به وسیله پرسشنامه میزان حس تعلق ساکنین نسبت به فضای محل سکونتشان استخراج شد. نتایج این پژوهش بر اهمیت عامل خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین در تمامی محلات انتخاب شده تأکید می نماید. در مورد مقایسه پژوهش های صورت پذیرفته در خصوص تأثیر شاخص خاطره بر حس تعلق، می توان گفت در اکثریت مطالعات انجام شده شاخص مدت زمان سکونت، مهمترین عامل مطرح می گردد، حال آن که در پژوهش حاضر عناصر خاطره ساز محله به عنوان مهمترین عامل مطرح می شود و در حوزه خاطرات اجتماعی بر حس تعلق، همواره شاخص تعاملات اجتماعی و رابطه فرد با دیگران به عنوان

شاخص آیین های جمعی را مهمترین عامل می داند (Hosseini, et al., 2018). در حالی که نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده بیشترین تأثیر شاخص های آشنایی ساکنین با محله و روابط همسایگی و عناصر خاطره ساز محله بر حس تعلق است. نتایج این پژوهش در جدول شماره ۷ بر اساس اولویت بندی میزان تأثیرگذاری عوامل خاطره ساز بر ارتقای حس تعلق ساکنین در بافت قدیم با رنگ مشکی و در بافت جدید با رنگ خاکستری به صورت مجزا آورده شده است.

جدول شماره ۷: ارزیابی و اولویت بندی میزان تأثیرگذاری عناصر خاطر بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات

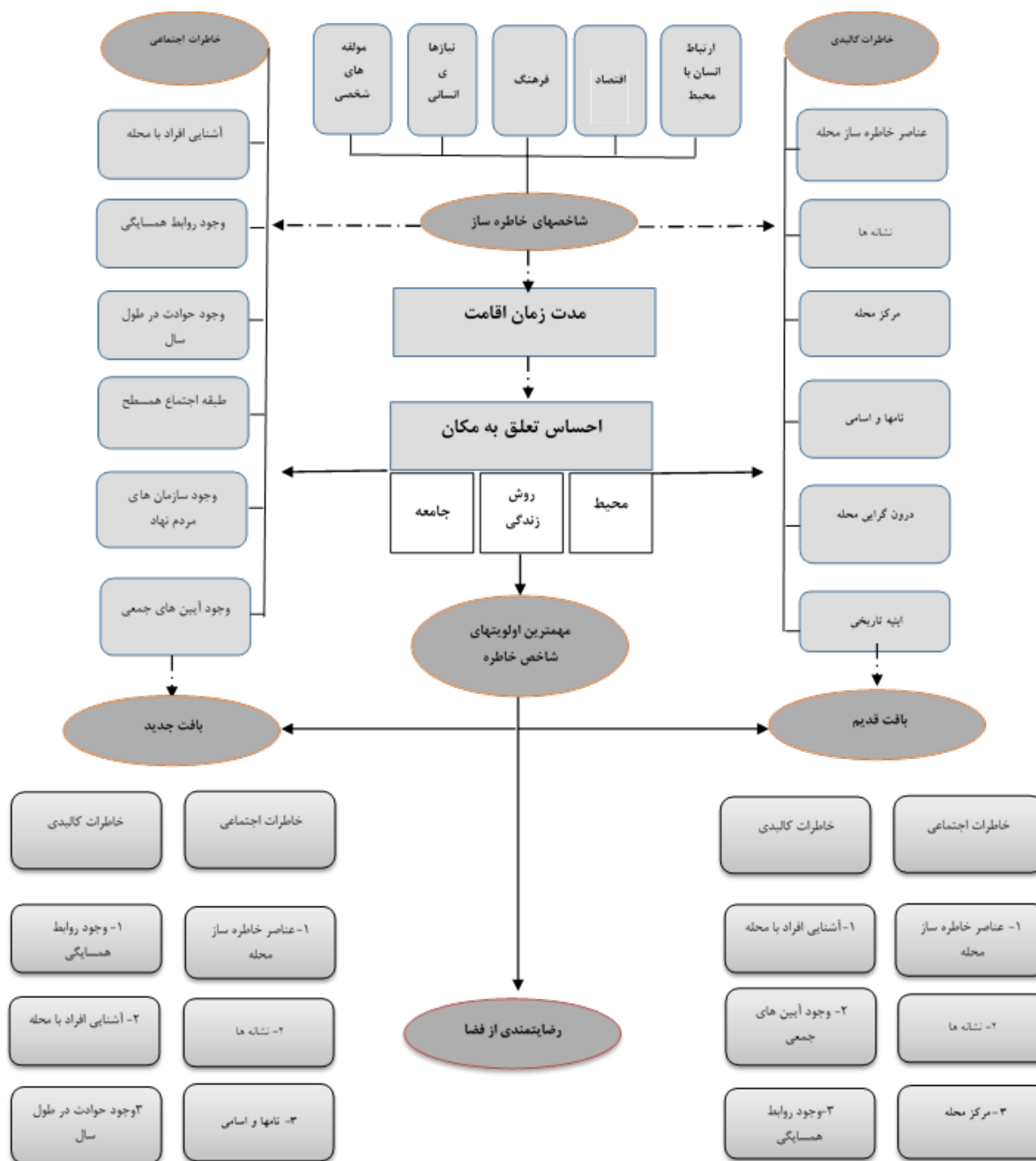
عناصر خاطره	کد شاخص	شاخص های خاطره ساز	شاخص های اندازه گیری عامل خاطره ساز	مقایسه تأثیر خاطره بر ارتقای حس تعلق
عناصر خاطره ساز کالبدی	۱	عناصر خاطره ساز محله	میزان و کیفیت خاطره	
	۲	نشانه ها	کیفیت و ماندگاری نشانه ها	
	۳	مرکز محله	کیفیت تعاملات اجتماعی و تمایل به حضور	
	۴	نام ها و اسامی	شاخص بودن و مانایی نام ها	
	۵	درونگرایی محله	عدم دسترسی آسان به مرکز محله	
	۶	ابنیه تاریخی	جذب توریست	
عناصر خاطره ساز اجتماعی	۱	آشنایی افراد با محله	شناخت کالبد محله	
	۲	وجود آیین های جمعی	بررسی کمی و کیفی حضور مردم	
	۳	وجود روابط همسایگی	کیفیت و سودمندی روابط با همسایگان	
	۴	وجود حوادث در طول سال	درصد مشارکت در مراسم	
	۵	طبقه اجتماع همسطح	طبقه اقتصادی مشابه	
	۶	وجود سازمان های مردم نهاد	مشارکت مردمی	

تحقق هرچه بهتر احساس تعلق به مکان تأثیر می گذارند. مؤلفه های اجتماعی مجموعه شاخص هایی هستند که بیشترین تأثیرات را بر روند تحقق و شکل گیری الگوی عملکرد بهینه شاخص خاطره خواهند داشت. شاخص هایی همچون مؤلفه های اجتماعی و کالبدی بسیار تحت تأثیر مدت زمان اقامت در مکان هستند. رضایتمندی از فضای زیستی نخستین بازخورد توجه به احساس تعلق به مکان خواهد بود. پایداری اجتماعی، ارتقای حس تعلق به فضا، بهبود کیفیت زندگی و مشارکت عمومی، نتایج مهم تحقق چنین الگویی در سیاست های شهری خواهد بود.

نتایج این پژوهش قابل استفاده در طراحی محلات جدید شهری است و راهگشای پیشگیری از جرم و جنایت و تخریب و تغییر کاربری نامناسب فضاهای شهری است و سبب ارتقای مشارکت ساکنین و تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی و در نهایت میزان رضایتمندی ساکنین می شود و می تواند نقطه آغازین مطالعه در راستای ارزیابی و تأثیر شناختی نقش خاطرات اجتماعی و محیطی بر ارتقای حس تعلق ساکنین نسبت به فضای زیستی محلات تلقی گردد.

در نهایت به طراحی مدل عملکرد بهینه تأثیر شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق به مکان می پردازیم. در مدل طراحی شده تصویر شماره ۴، برخی از مهمترین متغیرهای زمینه ساز برای طراحی مدل پارادایمی تأثیر عملکرد بهینه شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهر شیراز، مشخص شده است.

منظور از متغیرهای زمینه ساز، متغیرهایی است که بسترها و شرایط لازم برای تحقق عملکرد بهینه عامل خاطره را فراهم می آورند. در این راستا، شاخص های فرهنگ، روش زندگی، نیازهای انسانی، مؤلفه های شخصیتی، اقتصاد و ارتباط انسان با محیط، متغیرهای زمینه ساز هستند. از سویی دیگر، متغیرهای راهبردی در تدوین طرح واره مدل پارادایمی عملکرد شاخص خاطره مورد استفاده قرار گرفته است. مقصود از متغیرهای راهبردی آن دسته شاخص هایی است که ابزارهای لازم برای تحقق عملکرد بهینه تأثیر شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهر شیراز را مشخص می نماید. این متغیرها شامل شاخص خاطرات اجتماعی و کالبدی است. متغیرهای یادشده، به صورت مستقیم بر تعیین و شناسایی عوامل مؤثر در



تصویر شماره ۴: مدل عملکرد بهینه شاخص خاطره بر ارتقای حس تعلق ساکنین محلات شهری

پیشنهادات

با توجه به کمبود و نقصان حس تعلق در بین ساکنین محلات جدید شهری و نتایج حاصل از مطالعات میدانی و مستندات موجود در این پژوهش، راهبرد هایی برای ارتقای این عامل در محلات جدید شهری به شرح زیر مطرح می گردد.

پیشنهادات کوتاه مدت:

۱. برای ارتقای حس تعلق و ماندگاری خاطرات کلیدی در ذهن ساکنین بهتر است در بافت قدیم کوچه ها نام گذاری شده و با توجه به این که در محلات بافت جدید خیابان ها تنها شماره گذاری شده، بهینه است که اسامی خیابان ها و کوچه ها با توجه به فرهنگ و خاطرات ذهنی - فرهنگی ساکنین محلات شهر شیراز انتخاب گردد.

۲. با توجه به وجود نشانه ها و عناصر متفاوت معماری در ساختار سه محله انتخاب شده در بافت قدیم و با الهام از این نشانه ها ساختار کالبدی محلات بافت جدید با عواملی همچون رنگ، تناسب، بافت و ... نشانه گذاری شود.

۳. با توجه به پیچیدگی معابر و ساختار محلات قدیم انتخاب شده و قدمت بالای آنها پیشنهاد می گردد تاریخچه و ارزش ها و نقشه محلات برای آشنایی افراد با محله به صورت کتیبه در مراکز محلات بافت قدیم قرار گیرد.

۴. در محلات جدید شهری برای بهبود کیفیت روابط همسایگی که ساختاری کم رنگ دارد، پیشنهاد می گردد نهادهای فرهنگی در محلات تشکیل شود تا ضمن برگزاری جشن های ملی - مذهبی و

- Experiences from Venice to Shiraz. Tehran: Space Publishing. [In Persian]
- Falahat, M. (2016). The concept of sense of place and its constituent factors. *Honarhaye-Ziba* (26), 75-93. [In Persian]
 - Fisher, K. (2019). Seattle public library as place: Reconceptualizing space, community, and information at the central Library. London: Routledge.
 - Gifford, R., Hine, D., Muller- clemm, W., and Shaw, T. (2018). Why Architects and Laypersons Judge buildings Differently: cognitive properties and physical properties and physical bases. *Journal of Architectural and planning Research*, (19), 131- 148.
 - Gustafson, P. (2018). Meaning of place: Every Day Experience and Theoretical conceptualization. *Journal of Environmental psychology*, (21), 5-16.
 - Habibi, M. (2018). Urban space, incidental life, and collective memories. *Sofeh*, 4(6), 19-33. [In Persian]
 - Hauge, C. (2019). Planning and place identity, in: place identity, participation and planning. London: Routledge.
 - Hatami Khanghahi, T., Vaziri, V., Salmanian, B., Tajaddini, N. (2020). Comparing the Effective Factors on the Sense of Place in Old and New neighborhoods in Ardabil, *Motaleate Shahri*, 9(34), 17-28. [In Persian]
 - Hidalgo, C., and Hernandez, B. (2019). Place Attachment: conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental psychology*, (21), 273-281
 - Hosseini Komaleh, M. and Sotoudeh Alambaz, F. (2018) 'The role of collective memory in the revitalization of urban textures, providing a solution for the historical area of Lahijan', *Journal of Fine Arts-Architecture and Urban Planning*, 18(4): 52-67. [In Persian]
 - Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local sentiment and sense of place. New York: Plenum press
 - Khak Zand, M. and Teymouri Gardeh, S. (2020) 'A Study of the Impact of Ashura Rituals on Urban Landscape and Collective Memories from Citizens' Perspectives', *Quarterly Journal of Islamic Iran* 5(19): 71-89. [In Persian]
 - Kyle, G. (2020). Effects of social and environmental conditions in a social and environmental conditions in a natural setting. *Journal of Environmental psychology*, (24), 1-13.
 - Lewicka, M. (2018). Place attachment, place identity, and place memory: retoring the forgotten city past, مشارکت ساکنین در امور محله سبب ارتقای روابط و تعاملات اجتماعی گردد.
- پیشنهادات بلند مدت:
۱. با توجه به این که ساختار شهری محلات جدید انتخاب شده در این پژوهش کاملاً مدرن بوده و فاقد عناصر اصیل معماری سنتی شیراز و شاخص های خاطره ساز است، لزوم توجه به مؤلفه عناصر خاطره ساز محله باعث می گردد که ضمن مطالعه ساختار کالبدی بافت قدیم سه محله انتخاب شده و خاطرات متأثر از فرهنگ و آداب و رسوم مردم و استخراج مفاهیم و شاخص های تأثیرگذار آن تلاش گردد تا عناصر خاطره ساز محلات بافت قدیم در سه محله انتخاب شده به صورت نشانه ها و عناصر معماری نظیر (ساباط ها، کنیبه ها، گوشه سازی ها، رواق ها، کوردرها و روزنها و ...) در کالبد محلات جدید قرار گیرد.
 ۲. پیشنهاد می شود در طرح سه محله بافت جدید، فضایی برای قرارگیری مرکز محله و فضای سبز با رویکرد ارتقای تعاملات اجتماعی در نظر گرفته شود تا ضمن تقویت درونگرایی، مکانی برای گردهمایی های محلی ایجاد گردد که این امر سبب بهبود روابط همسایگی و در نهایت رضایتمندی سکونتی خواهد شد.
- References:**
- Afsar, K. (2017). History of the historical context of Shiraz, Shiraz: Ziba publication
 - Altman, I., and Low, S. (2019). Place Attachment. New York: Plenum.
 - Azadi, Z. and Partovi, P. (2018) A comparative study of the position of Tehran squares in preserving and promoting the collective memory of citizens (Case study: Tajrish Square and Baharestan Square), *Quarterly Journal of Urban Studies* 1(4):63-72. [In Persian]
 - Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., and Ercolani, A. (2018). Multidimensional perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood attachment in the urban Environment. *Journal of Environment psychology*, (19), 281-301.
 - Brocato, E. (2020). Place Attachment: An Investigation of Environments and outcomes In a Service context. Washington: Doctoral thesis in Washington University.
 - Cross, J. (2019). What is sense of place? Research on place and space website. London: SAGE.
 - Esmailian, S. and Ranjbar, E. (2018) 'A Comparative Study of Components Affecting the Formation and Transmission of Collective Memories in Public Urban Spaces (Case Study: Tehran, Tajrish Square, Baharestan Square and Shahr Theater Square)', *Armanshahr Magazine* 3(11): 42- 61.
 - Falamaki, M. (2003). A Journey in Urban Restoration

- Journal of Environmental psychology, 2(19), 1-23
- MirMoghtadaei, M. (2019) 'Criteria for measuring the possibility of formation, recording and transfer of collective memories in the city', Journal of Fine Arts 9(37): 25-41. [In Persian]
 - Misztal, B. (2017). Theories of Social Remembering. NewYork: Open Press.
 - Motalebi, G. (2019) 'Recognizing the Relationship between Form and Performance in Architecture', Journal of Fine Arts 6(25): 55-64. [In Persian]
 - Nasar, J. (2016). The Evaluative Image of the city. London, SAGE.
 - Nofel, S., Kalbadi, P. and Pourjafar, M. (2017) 'Study and evaluation of effective indicators in urban identity (Case study: Jolfa neighborhood in Isfahan)', Armanshahr neighborhood 4(3): 22-35
 - Paez, D. (2017). Social processes and collective memory: a cross cultural approach to remembering political events. NJ: Lawrence Erlbaum.
 - Pakzad, J. (2018). The course of ideas in urban planning 3, Tehran: Shahidi Publications. [In Persian]
 - Relph, E. (2019). Place and place lessness. London: Pion press.
 - Shamai, S. (1991). Community Attachment: local sentiment and sense of place. New York: Plenum.
 - Shills, E. (2016). Tradition. Chicago: Chicago University Press.
 - Siew-Wai lim, W. (2017). Memories and Urban places. Journal of City Development, 4(2), 270-277.
 - Soltani, A., Zargari Marandi, E. and Namdarian, A. (2020) 'Formation, strengthening and maintenance of memory in urban spaces (Case study: Shahid Chamran axis of Shiraz)', Journal of Housing and Rural Environment (141): 22-37. [In Persian]
 - Tawahi, M., BabaNasab, R and Mousavi, C. (2009). An Analysis on Measuring Factors Affecting Citizens' Participation in Urban Management Case Study: Region 4 of Tabriz. Urban and Regional Studies and Research, 1(2), 24-36.
 - Tuan, Y. (2019). Space and place: the perspective of experience. Minneapolis: university of Minnesota press.
 - Varsi, H., Alizadeh, J. and Salehi, M. (2019) 'Analysis and Evaluation of Residents in New Cities (Case Study: Fooladshahr New City)', Scientific Journal of Spatial Planning 1(3):88-102. [In Persian]
 - Wilson, R. (2016). Collective memory, group minds and the extended mind thesis, [http:// arts. Ualberta.ca/ raw/coll](http://arts.ualberta.ca/raw/coll)

نحوه ارجاع به مقاله:

پورمحمد، شهراد؛ شجاعی، سید علیرضا؛ کلانتری خلیل آباد، حسین؛ تقوایی، مسعود؛ (۱۴۰۰) کاربست تاثیرشناختی «شاخص خاطره» بر ارتقای حس تعلق ساکنان محلات جدید و قدیم شهر شیراز، مطالعات شهری، 10 (41)، 73-84، doi: 10.34785/J011.2022.568/Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



سنجش هنایندگی خنیاگری خیابانی بر زندگی همگانی فضاهای شهری

نمونه مورد مطالعه: قلمرو همگانی شهر شیراز

سید مجتبی فخر احمد^۱ - دانشجوی دکتری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سهند لطفی - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
گلرخ ذوالقدری - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه جندی شاپور، دزفول، ایران.
زهرا نامداری نوروزانی - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه جندی شاپور، دزفول، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۱ مهر ۱۴۰۰

چکیده

با توسعه فیزیکی شهرها و گسترش استفاده از وسایل نقلیه موتوری، فضاهای عمومی شهرهای امروز، کمتر برای انجام رفت‌وآمدهای روزمره عابران پیاده مورد استفاده قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی رویدادهای فرهنگی صورت گرفته در دل فضاهای شهری اهمیتی دوچندان در ارتقای پتانسیل اجتماع‌پذیری این فضاها می‌یابند. خنیاگری یا موسیقی خیابانی، گونه‌ای از خرد-رویدادی فرهنگی در قلمرو همگانی است که با اثرگذاری بر کیفیت‌های قلمرو همگانی شهر، زندگی همگانی در فضاهای عمومی شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، مقایسه میزان تأثیرپذیری هریک از اشکال حضور شهروندان در فضاهای همگانی، شامل حضور انتخابی، حضور اجتماعی غیرفعال و حضور اجتماعی فعال، در زمان اجرای موسیقی خیابانی و همچنین مقایسه میزان تأثیرگذاری عوامل محیطی و عوامل درونی مرتبط، بر تمایل شهروندان به حضور در این فضاهاست. پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق توزیع ۲۵ پرسشنامه در قالب طیف لیبرت، به صورت تصادفی میان افراد حاضر در شش محدوده اجرای موسیقی خیابانی در کلانشهر شیراز به دست آمده است. نتایج تحلیل رگرسیون رتبه‌ای حاکی از آن است که حضور اجتماعی غیرفعال، بیش از دو مؤلفه دیگر، متأثر از اجرای موسیقی خیابانی است. همچنین عوامل محیطی مرتبط با موسیقی خیابانی در مقایسه با عوامل درونی تأثیر بیشتری بر حضور شهروندان در فضاهای شهری یادشده دارند. با تکیه بر نتایج حاصل از نمونه‌های مورد مطالعه، سیاست تجهیز مکان اجرا به زیرساخت‌های پیشرفته، تناسب سطح فنی اجراکنندگان با میزان اهمیت مکان و به کارگیری ترکیبی از سیاست‌های تشویقی و بازدارنده در راستای تعدیل کیفیت محیطی مکان اجرا با هدف افزایش قابلیت حضورپذیری قلمرو همگانی، پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: موسیقی خیابانی، اجتماع‌پذیری، قلمرو همگانی، حضور انتخابی، حضور اجتماعی.

نکات برجسته

- برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری قلمروهای همگانی، ویژگی‌های درونی و محیطی در ارتباط با خنیاگری خیابانی مورد بررسی قرار گرفتند.
- حضور انتخابی، حضور اجتماعی فعال و حضور اجتماعی غیرفعال، به عنوان سه مشخصه زندگی همگانی مورد سنجش قرار گرفتند.
- عوامل محیطی در مقایسه با عوامل درونی، تأثیر بیشتری بر حضور شهروندان در فضاهای اجرای موسیقی دارند.

۱. مقدمه

خیناگری و آمیختن روح فضاهای شهری با نواهای دلنواز، قدمتی بس بلنددامن در تاریخ شهرنشینی دارد. برگزاری جشنواره‌ها و آکندگی فضا از الحان و آواها، به مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی شهری تمدن‌های باستانی مطرح بوده است (Durant, 1994: 65, 81-82). در دوره معاصر، شاید بتوان ریشه‌های خیناگری شهری را در اندیشه برخی فلاسفه بازخوانی نمود. هنری لوفور فیلسوف و شهرشناس فرانسوی قرن بیستم بر این باور بود که شهر به مدد ضرب آهنگ‌های موجود در آن ادراک می‌شود (Adhitya, 2018: 3). ضرب آهنگ‌ها گستره‌ای از بسامدهای طبیعی تا مصنوع را در بر می‌گیرند. اجرای موسیقی در فضاهای شهری، از یک سو نمونه‌ای از ضرب آهنگ‌های آگاهانه‌ای است که بر ادراک دیداری و شنیداری فضای شهری بسیار اثرگذار است و از سوی دیگر، در مقایسه با سایر هنرها توان آن را دارد که اثربخشی فرد را در فضای اجتماعی شهر ارتقا بخشد. افراد را در کنار هم گرد آورده و ذهن و احساسات درونی افراد را درگروان نماید (Ibid: 39). این پدیده در آثار اندیشمندان مختلف به اشکال گوناگونی تعریف شده است. برخی آن را رویدادی خوانده‌اند که طی آن، شهروندان و نوازندگان در زمان و مکانی مشخص گرد هم می‌آیند (Cohen, 2012: 587). بعضی دیگر، اهمیت مکان را بیش از زمان دانسته و اجراهای خیابانی را جزئی از محیط کالبدی برشمرده‌اند (Prato, 1984: 155). مونتگومری (as cited in Carmona et al. 2010: 390) فعالیت‌هایی از این قبیل را زیرساخت‌های نرم در فضاهای شهری می‌نامد و معتقد است که به اندازه زیرساخت‌های سخت که طراحی کالبد فضا را شامل می‌شود، در طراحی شهری حائز اهمیتند. کار (as cited in Carmona et al. 2010: 333) تمایل به کشف محیط را از نیازهای مهم فرد در فضاهای شهری معرفی نموده و می‌گوید حضور افراد در جشنواره‌ها، نمایش‌ها و اجراهای خیابانی از این نیاز آنها ناشی می‌شود.

اهمیت خیناگری شهری و موسیقی خیابانی در ارتقای کیفی فضاهای شهری و همچنین توسعه اقتصادی شهر فراخواستی است که در پژوهش‌هایی پرتنوع به آن پرداخته شده و مورد اثبات یا دست کم تأکید قرار گرفته است (Burke & Schmidt, 2013: 69; Deloitte Access Economics, 2011; McNamara & Quilter, 2016: 125; Simpson, 2016: 104). همچنین در فرهنگ شهری معاصر، موسیقی خیابانی به عنوان عنصری تأثیرگذار بر کیفیت تجربه فضاهای شهری و خاطره جمعی برجامانده از آن در ذهن است (Cohen, 2007b: 37). نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد که موسیقی خیابانی حتی در مقایسه با انواع دیگر موسیقی که در فضاهای شهری قابل ادراک هستند (همانند موسیقی در اتومبیل‌ها یا ساختمان‌ها و مغازه‌ها) از استقبال بیشتری در میان افراد حاضر در فضا برخوردار است (Yang & Kang, 2005: 71). اجراهای خیابانی در ایران به دوره تاریخی خاصی منحصر نبوده (Samim & Espiruz, 2015: 66) و قدمت آن به دوره پیش از اسلام باز می‌گردد که عمدتاً به بیان داستان‌های اسطوره‌ای و مدح و ستایش پادشاهان اختصاص داشته است (Abolhasani Taraghi, 2004). این روند در قرون بعد نیز کم و بیش ادامه داشته اما آنچه که شخصیت امروزی موسیقی خیابانی را از گونه‌های قدیمی آن متمایز می‌نماید، اجراکنندگان آن هستند. نوازندگان موسیقی در گذشته، گاهی با

ظاهری نامرتب و عمدتاً با هدف کسب درآمد، به نواختن موسیقی مردم پسند و ترانه‌های آشنا، به دوره‌گردی در شهرها می‌پرداختند اما در گونه جدید موسیقی خیابانی علاوه بر نمونه‌های پیشین، گاهی نوازندگانی حرفه‌ای با ظاهری آراسته، در مکان‌های مشخص به نواختن موسیقی در سبک‌های جدید و کمتر شناخته شده مشغول می‌گردند (Samim & Espiruz, 2015: 69-70; Modrek et al., 2016: 28). موسیقی خیابانی همواره در دو مقیاس خرد و کلان در فضاهای شهری اجرا می‌شده است. در مقیاس خرد، فرد یا گروه‌های چند نفره در سطح شهر و به صورت روزانه به اجرا مشغول بوده در حالی که مقیاس کلان آن، ناظر بر فعالیت گروهی از شهروندان طی زمان‌ها و مکان‌های خاصی مانند مراسم دینی بوده است که همگانی بودن و تکرار شونده‌گی را می‌توان از خصوصیات اصلی آن دانست (Meschi et al., 2015: 50). این اجراها چه در بعد فردی و چه در مقیاس جمعی، از گذشته تاکنون به شکلی مطلوب با فضاهای باز شهری عجین بوده‌اند.

در حالی که بخش عمده مطالعات پیشین، مکان‌های مشخص و سرپوشیده و سالن‌های مخصوص را برای اجرای موسیقی مورد توجه قرار داده‌اند. از مزایای اجرای رویدادهای فرهنگی به عنوان فعالیتی زنده و بدون برنامه‌ریزی قبلی در فضای شهری سخنان زیادی به میان آمده است. از جمله آن که در اجراهای خیابانی علاوه بر ارتقای تجربه فردی از فضای شهری، نشاط فرهنگی تقویت شده و از استعداد نوازندگان محلی نیز حمایت می‌گردد (van der Hoeven & Hitters, 2019: 269). این گونه از اجرا، محیط‌های کالبدی را به مکان‌هایی تبدیل می‌کند که موسیقی در لایه‌های زمانی آن نقش بسته و به این ترتیب، خط سیر تحول شهر با موسیقی معنای متفاوتی به خود می‌گیرد و برای همیشه در خاطره جمعی شهروندان باقی می‌ماند (Cohen, 2007a: 10). به علاوه با گردآوری طیف متنوعی از مردم، به همبستگی اجتماعی بالاتر انجامیده و با ارتقای جاذبه فرهنگی مکان، به گسترش هرچه بیشتر صنعت گردشگری منجر خواهد شد (Hitters & Mulder, 2020: 38-39; Nunes, 2019: 154).

بر خلاف گذشته که شهروندان فاصله میان مقاصد روزانه خود را عمدتاً به صورت پیاده می‌پیمودند، در شهرهای امروز توسعه فیزیکی شهر و به دنبال آن، وابستگی بیشتر به وسایل نقلیه موتوری برای تسریع در جابه‌جایی‌ها موجب شده است که فضاهای عمومی کمتر از گذشته شاهد رفت‌وآمدهای روزانه افراد به صورت پیاده باشند. در این میان، رویدادهای فرهنگی جاری در بستر فضاهای شهری که موسیقی خیابانی نیز بخشی از آن‌هاست، در فرایند اجتماع‌پذیر شدن عرصه‌های همگانی شهر جایگاهی بس مهم‌تر می‌یابد. در پژوهش حاضر بررسی می‌شود که اجرای موسیقی در گونه خیابانی آن تا چه حد می‌تواند در اجتماع‌پذیری فضاهای شهری مؤثر باشد. هدف اصلی این مطالعه، مقایسه میزان تأثیرپذیری هریک از اشکال حضور شهروندان در فضاهای همگانی از موسیقی خیابانی و همچنین، مقایسه میزان تأثیرگذاری عوامل محیطی و عوامل درونی بر تمایل شهروندان به حضور در عرصه‌های همگانی شهر است. در بخش بعد، ابعاد مختلف زندگی همگانی در فضاهای شهری از دید اندیشمندان این حوزه مورد بحث قرار گرفته و سپس به مرور نظریات و مطالعات مختلف در خصوص تأثیر خیناگری خیابانی بر حیات اجتماعی و منظر صوتی فضاهای شهری

پرداخته می‌شود. پس از آن، به معرفی متغیرهای پژوهش پرداخته شده و نتایج به دست آمده از نمونه‌های مورد بررسی در کلانشهر شیراز مورد توصیف و تحلیل قرار خواهد گرفت. بخش پایانی مطالعه نیز به بررسی و جمع‌بندی نتایج حاصل از تحلیل اختصاص خواهد یافت.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. زندگی همگانی در فضاهای شهری

پیشگامان مطالعات زندگی همگانی در فضاهای شهری، غالباً از طریق مشاهده میدانی رفتار شهروندان در فضاهای عمومی، به طبقه‌بندی‌های مختلفی از حضور در این فضاها اشاره نموده‌اند. گاهی حضور در فضا به صورت انفرادی رخ می‌دهد و گاهی به صورت جمعی. گاهی شهروندان از یک فضای خاص برای رسیدن به مقصد خود عبور می‌نمایند، در حالی که این خود فضاست که به عنوان مقصد برگزیده می‌شود. افراد ممکن است از فضا عبور نموده یا در آن برای مدتی توقف نمایند و یا حتی از آن مکان برای نشستن در زمانی طولانی تراستفاده نمایند. آنچه که در اینجا حائز اهمیت است، شناخت عواملی است که فضا را به مقصدی برای رسیدن، ماندن و انس گرفتن با کالبد و یا محتوای محیط تبدیل می‌نماید.

در یکی از رایج‌ترین طبقه‌بندی‌ها از فعالیت‌های صورت گرفته در فضاهای شهری، یان‌گل سه نوع فعالیت عابر پیاده شامل ضروری، گزینشی و اجتماعی را معرفی نموده است. در شهرهای امروز که عمدتاً اتومبیل محور هستند، حضور اجباری عابران پیاده در فضاهای عمومی چندان مشاهده نمی‌شود اما کیفیت مطلوب فضا می‌تواند تمایل شهروندان را برای فعالیت‌های اختیاری برانگیزد. آنچه هدف اصلی از ارتقای کیفی فضاهای عمومی شهری به شمار می‌آید، اجتماع‌پذیری این گونه فضاها یا همان فعالیت‌های اجتماعی بوده که زمینه‌ساز آن، حضور هرچه بیشتر شهروندان در فعالیت‌های اختیاری است (Gehl, 2011: 9-13). بر این اساس، در حالی که فعالیت‌های اختیاری افراد، بیشترین تأثیر را از کیفیت محیط پیرامون می‌پذیرد، یان‌گل در تقویت فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای عمومی، برای حضور سایر شهروندان تأثیری مستقیم و برای کیفیت محیط، تأثیری غیرمستقیم قائل است. گوردون کالن نیز این نکته را تأیید می‌کند که نخستین پیش‌شرط برای سرزندگی محیط شهری و افزایش ارتباطات اجتماعی، فراهم شدن بهانه‌ای برای حضور شهروندان در فضاهای شهری است (Cullen, 1995: 103).

بنابر آنچه گفته شد، هسته اصلی فعالیت‌های اجتماعی، وجود روابط میان افراد حاضر در فضا است. براساس نظریه لنگ، مهم‌ترین دلیل برای اهمیت روابط اجتماعی در فضا، پاسخ به نیازهای انسان، افزایش حس تعلق به مکان، کمک به رشد فردی انسان و افزایش امنیت در فضا است (Lang, 1987). این رابطه می‌تواند مستقیم و فعال و یا غیرمستقیم و غیرفعال شکل بگیرد. کار (as cited in Carmona et al., 2010: 328) دو گونه رفتار فوق‌الزاده‌های اساسی کاربران در فضاهای شهری برشمرده و بر لزوم پاسخگویی فضا به این نیازها تأکید می‌نماید. در مطالعات زندگی همگانی در فضاهای شهری، روابط غیرفعال از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند. یان‌گل تقویت این گونه روابط را در میان افراد نا آشنا، عاملی برای تبدیل فضاهای ره‌اشده به مکانی

برای ماندن می‌داند. وی عنوان می‌کند که تماس غیرفعال و ملاقات با دیگران در فضاهای شهری علاوه بر جذاب بودن، تأثیر فراوانی بر درک افراد از زمینه‌های اجتماعی زندگی همگانی دارد (Gehl, 2011: 17-19). در بحث پیرامون روابط اجتماعی فعال، برای مثال، ویلیام وایت از عواملی در فضا سخن می‌گوید که جلب توجه نموده و دو فرد نا آشنا در خصوص آن با یکدیگر سخن می‌گویند؛ مانند یک نوازنده در حال اجرا. او این پدیده را مثلث بندی می‌نامد و آن را عاملی برای شکل‌گیری تجربه مشترک میان غریبه‌های حاضر در فضا عنوان می‌کند (Gehl & Svarre, 2013: 17). بنابراین ارتباط فعال مستلزم وجود رویدادهایی در فضا است که به واسطه آن، هریک از افراد حاضر به عنوان عضوی از یک شبکه اجتماعی بزرگ‌تر ایفای نقش نمایند. این رویدادها یا تصادفی هستند مانند تعاملات روزمره و یا سازمان یافته‌اند مانند یک جشن یا اجرای خیابانی (Dines et al., 2006: 14).

در حالی که وایت، ایمنی و سرگرم‌کنندگی را دو ویژگی مهم برای ترویج روابط غیررسمی در فضاهای شهری عنوان نموده است (Lang, 1987)، یان‌گل سه عامل تقویت نظارت اجتماعی، کاستن از حرکت سواره و توجه به شرایط اقلیمی را در این خصوص بسیار مهم ارزیابی نموده و شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی را تنها در گرو دستیابی به این عوامل می‌داند. در غیر این صورت، توقف افراد در فضا از حالت گزینشی به اجباری تبدیل خواهد شد (Gehl, 2011: 171-173). مونتگومری در ذیل معرفی مفهوم مبنای تبادل به عنوان یک پیش شرط اساسی موفقیت فضاهای شهری را تنها به روابط تجاری محدود نکرده و برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در بستر فضا اهمیت زیادی قائل شده است (Montgomery, 1998: 99). شولتز (as cited in Shojaee & Partovi, 2015: 96) در این خصوص فراتر رفته و به تبادل اندیشه و احساس اشاره نموده و آن را شرطی مهم برای اجتماع‌پذیری فضاهای شهری عنوان می‌کند.

۲.۲. موسیقی خیابانی و منظر صوتی فضاهای شهری

موسیقی خیابانی از جمله رویدادهایی است که منظر صوتی شهر را بیش از ساختار بصری آن تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. گوش کردن به صداها در محیط شهری فرایندی است که طی آن فضای شهری توسط کاربران ادراک می‌شود (Yang & Kang, 2005: 63). این صداها در دودسته صداها پس زمینه و صداها اصلی قابل بررسی هستند. صداها پس‌زمینه به صورت یک کل واحد به گوش حاضران می‌رسد و به فرایند تجزیه و تحلیل ذهنی وارد نمی‌شود. اما صداها اصلی صداهایی هستند که به وضوح شنیده شده و تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری هویت و نحوه تجربه فضا از سوی استفاده‌کنندگان آن دارند (Kang & Zhang, 2010: 150; Wunderlich, 2013: 391). این دسته‌بندی در محیط‌های مختلف صرفاً منابع صوتی واحدی را نشان نمی‌دهد. بدین صورت که یک منبع تولید صدا در یک مکان به عنوان صدای پس‌زمینه ادراک شده، در حالی که در مکانی دیگر ممکن است صدای اصلی باشد و یا در جایی آزردهنده بوده و در جای دیگر باعث ارتقای کیفیت محیط شود (Brown et al., 2011: 389). آزردهندگی صدا برای کاربران فضا در مطالعات مختلف با سنج‌های متفاوتی اندازه‌گیری شده که از مهم‌ترین آنها میزان بلندی صدای ادراک شده توسط فرد

این حالت، مکان شخصیت متفاوتی به خود گرفته و به طور موقت، فضایی متفاوت از آنچه که هست می‌نماید. فضایی که با تجربه مشترک مخاطبان موسیقی و نوازنده فعال می‌شود و به جای مسیری صرفاً برای انتقال و جابه‌جایی، تبدیل به مکانی برای ماوا گزیدن و انس گرفتن می‌شود (Kronenburg, 2020: 139). تداوم این روند، به تکوین فرایند برندسازی فرهنگی می‌انجامد که در پی آن، نه تنها گردشگران، بلکه خیل گسترده‌ای از سرمایه‌گذاران به شهر جذب می‌شوند. این هدف با حضور هرچه بیشتر شهروندان در فضا و احساس امنیتی که در زمان شکل‌گیری چنین رویدادهای فرهنگی پدید می‌آید، تقویت می‌شود (Nunes, 2019: 153-154).

سرزندگی عرصه‌های همگانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های عملکردی کیفیت طراحی شهری (Golkar, 2011: 126-138) غالباً متأثر از رویدادهایی است که در این عرصه‌ها به وقوع می‌پیوندند. بر این اساس، مکان‌هایی واجد کیفیت سرزندگی هستند که رویدادهای متنوعی را در خود جا داده و نسبت فعالیت‌های اجتماعی نیز در آنها بالا باشد. اهمیت رویدادهای خیابانی نه به واسطه خود آنها بلکه به دلیل حضور افراد و فعالیت‌هایی است که در پی آنها در فضای شهری حضور می‌یابند. اجراهای خیابانی از آن روی موجب خلق سرزندگی در فضاهای شهری می‌شوند که افراد را مدت بیشتری در فضاهای عمومی نگه داشته و به دنبال خود تنوعی از فعالیت‌ها را در این گونه فضاها ایجاد می‌کنند (Quinn et al., 2020: 4). برخی معتقدند این امر می‌تواند در بسیاری از مراکز شهری به تقویت حیات شبانه نیز منجر شود (Carah et al., 2021: 623). گاهی شهروندان با توقف یا نشستن در پیرامون یک اجرای خیابانی و گاهی با عبور از آن در حین امورات روزمره خود، از این رویداد شهری لذت می‌برند. این مکان‌ها با پاسخگویی به کیفیت‌هایی همچون غنای حسی و خاطره‌انگیزی در فرد، انگیزه برای حضور بعدی او را فراهم می‌آورند (Meschi et al., 2015: 53). بنابراین، اجراهای موسیقی خیابانی با جذب افراد در دو حالت ایستا و پویا از یک سو و طولانی نمودن مدت زمان حضور افراد در فضا از سوی دیگر، تأثیر چشمگیری در سرزندگی عرصه‌های عمومی ایفا می‌کنند. از آن جهت که فعالیت‌های ایستا مانند ایستادن در خیابان، ماندگاری و تأثیر بیشتری نسبت به فعالیت‌های پویا مانند راه رفتن دارند می‌توان آنها را عامل مهم‌تری در زنده به نظر رسیدن فضاهای شهری دانست (Gehl & Svarre, 2013: 84).

به دنبال مزیت‌های اجتماعی بیان شده، فضاهای اجرای موسیقی خیابانی رفته‌رفته به مکان‌هایی با ارزش اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی والا تبدیل می‌شوند که نیروی محرک توسعه در بافت پیرامونی خود خواهند بود. با وجود مزایای اقتصادی بی‌شماری که برای موسیقی خیابانی می‌توان متصور بود اما به دلیل غیرمستقیم بودن این تأثیرات، نمی‌توان برآورد کمی دقیقی از آنها انجام داد و تنها به صورت تخمینی می‌توان این رقم را تخمین زد. برای مثال در استرالیا در یک محاسبه تقریبی در سال ۲۰۱۴، سود اقتصادی حاصل از فستیوال‌های خیابانی برای جوامع محلی حدود ده میلیارد دلار آمریکا برآورد شده است (Hitters & Winter, 2020: 5). با بالا رفتن پتانسیل توسعه در یک پهنه، ارزش املاک به تدریج بالاتر رفته و رقابت میان بنگاه‌های اقتصادی در آنجا افزایش خواهد یافت. اما در نهایت، افزایش اجاره‌بها و ارزش املاک

بوده است (Aletta et al., 2016: 67). در یک استدلال مشابه، گلاس و سینگر (as cited in Carmona et al. 2010: 354) مؤلفه‌هایی مانند زمینه اجتماعی و دریافت ذهنی صدا را بیش از خصایص فیزیکی آن در تعیین میزان آزاردهندگی تأثیرگذار دانسته‌اند. میزان آزاردهندگی صدا با عوامل مختلفی مانند اضافه شدن منابع صوتی دیگر یا افزایش فاصله می‌تواند کنترل یا مهار شود. به بیان دیگر، با انتقال صدا از لایه نخست فضا به لایه‌های پس زمینه می‌توان کیفیت ادراکی آن را تغییر داد. در مجموع، کیفیت منابع صوتی محیط را نوع یا سطح صدای تولید شده توسط آنها مشخص نمی‌کند بلکه ادراک افراد است که تعیین می‌کند کدام کیفیت در کدام محیط از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

از دیگر عوامل تعیین کننده در منظر صوتی ادراک شده، جابه‌جایی یا سکون منبع صوتی است. منبع صدا با حرکت در فضا می‌تواند جذابیت بیشتری برای شنونده پیدا کند و یا به بیان دیگر، از آزاردهندگی خود بکاهد. در خصوص اجراهای خیابانی، می‌توان نوازندگان و خوانندگان را به دو گروه ثابت و متحرک تقسیم نمود. این موضوع را پائولو پراتو برای موسیقی خیابانی به لذت تعویض کانال‌های تلویزیون تشبیه نموده است که در این حالت، بیننده مجبور به تماشای یک برنامه خاص نخواهد بود (Prato, 1984: 160).

۲.۳. ابعاد اجتماعی موسیقی خیابانی

از جمله رخدادهای مهم در مکان‌های اجرای موسیقی، آشنایی مردم با فرهنگ یکدیگر است که از طریق تعاملات رو در رو با سایر افراد حاضر در فضا امکان پذیر می‌شود. این تعاملات گامی فراتر از ایجاد پیوند میان افراد حاضر در فضا برمی‌دارند. گامی که از آن به عنوان ایجاد یک پل ارتباطی یاد می‌شود و تفاوت آن با یک پیوند ساده، برقراری ارتباط میان افرادی نه صرفاً از یک سن، جنس و یا نژاد خاص است (Grazian, 2009: 908-917) بلکه میان گروه‌هایی برآمده از فرهنگ‌های متفاوت (Burke & Schmidt, 2013: 69; Hassanli et al., 2020: 9-10) و یا اقشار مختلف محله (Devine & Quinn, 2019) که با کسب تجربه‌هایی مشترک سعی در تقویت روابط اجتماعی خود دارند. از دیگر مزایای این ارتباطات، احساس تعلق خاطری است که می‌تواند تأثیرات فراگیری بر تعاملات فرد با سایر اعضای جامعه داشته باشد. برای مثال، با حضور جوانان در مکان موسیقی خیابانی، از حس انزوای آنها کاسته شده و احتمال بروز رفتارهای غیراجتماعی از سوی آنها به حداقل می‌رسد (Deloitte Access Economics, 2011: 37).

مکان‌های اجرای موسیقی می‌توانند هویت یا شخصیت یک خیابان یا محله را تعریف نموده و یا خاطرات مشترک یک جامعه را تداعی نمایند (Carah et al., 2021: 623). گاهی ممکن است برخی مکان‌ها نه صرفاً به واسطه ارزش زیبایی‌شناسی خود بلکه به احترام گروه‌های موسیقی مشهوری که در آنجا فعالیت نموده‌اند، بزرگ داشته شوند. از شاخص‌های ارتباط قوی بین هویت و موسیقی زنده یک مکان، می‌توان یک سبک موسیقی محلی متمایز، یک میراث موسیقی شناخته شده و یا قهرمانان موسیقی که نمایانگر یک شهر هستند را برشمرد (van der Hoeven & Hitters, 2019: 267). اجراهای موسیقی زنده می‌توانند همچون تسهیل‌گر و میانجی در فضا عمل کنند. در

موسیقی خیابانی، شامل ورودی آرامگاه حافظ، ورودی آرامگاه سعدی، ورودی بازار وکیل، فضای پیرامونی ارگ کریمخان، خیابان عقیف آباد و بلوار معالی آباد حاضر شده بودند (تصویر شماره ۱). روش انتخاب نمونه به صورت کاملاً تصادفی است. از تعداد ۲۵۰ پرسشنامه توزیع شده میان افراد، ۱۲ مورد به دلیل عدم پاسخ به متغیرهای اساسی پژوهش، کنار گذاشته شد و در نهایت، تعداد ۲۳۸ پرسشنامه (۹۵/۲ درصد) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



تصویر شماره ۱: موقعیت مکان‌های اجرای موسیقی خیابانی در شیراز

از تعداد نمونه مورد بررسی، ۴۶/۸ درصد را مردان و ۵۳/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. بخش عمده پاسخ دهندگان (۷۴/۳ درصد) افراد میان سنین ۱۵ تا ۳۵ سال بودند و حدود نیمی (۴۸/۷ درصد) از آنها را افراد شاغل تشکیل می‌دادند.

۳.۳. معرفی متغیرها

بر اساس هدف پژوهش سه متغیر به صورت جداگانه به عنوان متغیرهای وابسته انتخاب شده‌اند که عبارتند از تمایل به فعالیت انتخابی، تمایل به فعالیت اجتماعی فعال و تمایل به فعالیت اجتماعی غیر فعال. در این سه عامل، گرایش افراد به حضور در هر دسته از فعالیت‌ها در هنگام اجرای موسیقی در فضای مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیرهای مستقل عبارتند از نخست، عوامل محیطی مرتبط با اجرای موسیقی در فضاهای شهری شامل امنیت ادراک شده، احساس لذت، هویت مکانی و آسایش روانی افراد در فضای اجرای موسیقی، که در این متغیرها میزان تأثیری که اجراهای خیابانی بر ادراک کیفیت‌های محیطی فوق در افراد می‌گذارد، ارزیابی می‌شود. دوم، عوامل درونی مرتبط با اجرای موسیقی در فضاهای شهری شامل علاقه به موسیقی، مکان اجرا، تحرک اجراکنندگان و وضوح صدای موسیقی، که در این قسمت دیدگاه‌ها و ترجیحات افراد در خصوص موارد فوق شناسایی می‌گردد. به منظور بررسی تأثیر دخالت عوامل فردی، سه عامل سن، جنسیت و وضعیت اشتغال نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. سؤال مرتبط با هر متغیر در جدول شماره ۱ آورده شده است.

منجر به جابه جایی گروه‌های کم درآمد می‌شود. در این فرایند معمولاً برنامه‌ریزان شهری از طریق اعمال سیاست‌های تسهیل‌گر و بازدارنده اقدام مناسب را در زمان مناسب انجام می‌دهند تا از تحولات نامطلوبی که در پی شکل‌گیری فضاهای مثبت اجتماعی و فرهنگی ممکن است رخ دهد، جلوگیری شود. برای مثال، در استرالیا و بریتانیا قوانینی به تازگی به تصویب رسیده که شامل اعطای مسئولیت به برنامه‌ریزان شهری برای پرداختن به مسائل موسیقی خیابانی و تغییرات تازه در مناطق شهری به جای مسئولیت فضاهای فرهنگی موجود است (van der Hoeven & Hitters, 2019: 8, 2020: 265).

بر مبنای آنچه که بیان شد، بخش تحلیل در پژوهش حاضر متشکل از یک ساختار سه بخشی است که در بخش نخست آن، حضور شهروندان در فضاهای شهری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بخش بر مبنای ابعاد ارائه شده توسط یان گل، شامل حضور اجباری، انتخابی و اجتماعی (Gehl, 2011) از سه مؤلفه تشکیل می‌شود. بدین صورت که فعالیت‌های اجباری به دلیل خودرو محور بودن کلانشهر مورد بررسی، از مطالعه کنار گذاشته شده و فعالیت‌های اجتماعی طبق دسته‌بندی ارائه شده توسط کار (as cited in Carmona et al., 2010)، به دو شاخه فعالیت‌های اجتماعی فعال و غیر فعال تقسیم شده است. در بخش دوم و سوم، به ترتیب عوامل درونی و محیطی مؤثر بر مؤلفه‌های بخش نخست ارزیابی و تحلیل خواهد شد. عوامل محیطی بر مبنای مطالعات و اندر هوون و هیتز و کووین و همکاران، شامل امنیت ادراکی، آسایش روانی، هویت مکانی و احساس لذت است (Quinn et al., 2020; van der Hoeven & Hitters, 2019) و عوامل درونی نیز که بر گرفته از مطالعات پراتو، براون و همکاران و آلتا و همکاران، عبارتند از علاقه به موسیقی و ترجیح افراد در خصوص مکان اجرا، تحرک اجراکنندگان و وضوح صداست (Aletta et al., 1984; Brown et al., 2011; Prato, 2016). کلیه متغیرهای مستقل پژوهش در مطالعات یاد شده هر یک به عنوان مبنایی برای ادراک مطلوبیت محیط شناخته شده‌اند و از آنجا که ادراک مطلوبیت فضایی، شرط لازم برای حضور فعال و غیرفعال شهروندان در فضاهای شهری به شمار می‌رود، در این مطالعه نیز به عنوان متغیرهای بالقوه تأثیرگذار بر متغیر وابسته پژوهش معرفی و مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳. روش

۳.۱. روش تحقیق

روش مورد استفاده پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. پس از بررسی ادبیات پژوهش و تدوین شاخص‌های مورد نظر، داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت. متغیرهای پژوهش ابتدا مورد تحلیل توصیفی قرار گرفته و در ادامه، از آنجا که متغیرهای وابسته دارای مقیاس ترتیبی هستند، برای تحلیل آماری متغیرها مدل رگرسیون رتبه‌ای به کار گرفته شد.

۳.۲. داده‌های تحقیق و محدوده مورد مطالعه

داده‌های این پژوهش از طریق توزیع پرسشنامه میان افرادی به دست آمد که در شش فضای شهری شناخته شده شیراز به لحاظ اجرای

جدول شماره ۱: متغیرها و سئوالات

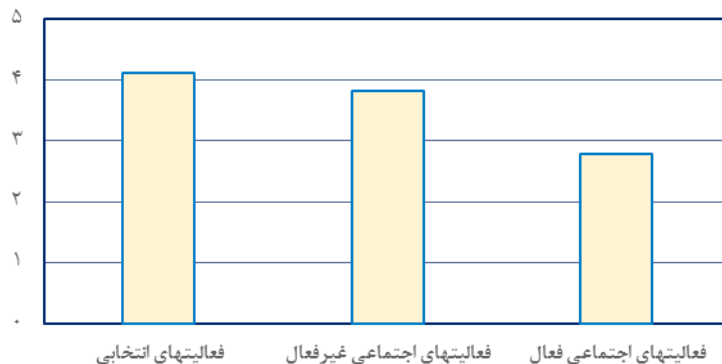
کدگذاری	سؤال	متغیر	
۱= بسیار کم ۲= کم ۳= متوسط ۴= زیاد ۵= بسیار زیاد	اگر برای یک برنامه تفریحی مانند پیاده‌روی قصد انتخاب یک یا چند مسیر را داشته باشید، چقدر این فضا را در زمانی که موسیقی خیابانی در آن در حال اجراست، گزینه مناسبی برای این امر می‌دانید؟	فعالیت انتخابی	مؤلفه‌های فعالیت در فضای شهری
	چقدر تمایل دارید که به تماشای موسیقی خیابانی در حال اجرا در این فضا و افراد پیرامون آن بایستید؟	فعالیت اجتماعی غیرفعال	
	چقدر تمایل دارید که با افراد غریبه‌ای که در این فضا به تماشای موسیقی خیابانی ایستاده‌اند، ارتباط کلامی برقرار کنید؟	فعالیت اجتماعی فعال	
۱= بسیار کم ۲= کم ۳= متوسط ۴= زیاد ۵= بسیار زیاد	به صورت کلی شما چقدر به موسیقی علاقمند هستید؟	علاقه به موسیقی	
۰= در بین عابر پیاده ۱= فضاهای مجزا و مخصوص	اجرای موسیقی خیابانی در کدام مکان زیر برای شما جذاب‌تر است؟	مکان اجرا	عوامل درونی
۰= ثابت ۱= در حال حرکت	اجرای موسیقی خیابانی در کدام حالت زیر برای شما جذاب‌تر است؟	تحرك اجراکنندگان	
۰= اصلی ۱= پس‌زمینه	صدای یک اجرای موسیقی خیابانی در کدام حالت زیر برای شما دلنشین‌تر است؟	وضوح صدا	
۱= هیچ ۲= کم ۳= متوسط ۴= زیاد ۵= بسیار زیاد	اجرای موسیقی خیابانی در این فضا چقدر در احساس امنیت شما تأثیرگذار است؟	امنیت ادراکی	عوامل محیطی
	اجرای موسیقی خیابانی در این فضا تا چه حد می‌تواند از آزاردهندگی آلودگی صوتی موجود در محیط بکاهد؟	آسایش روانی	
	اجرای موسیقی خیابانی در این فضا تا چه حد می‌تواند حال و هوای منحصر به فردی را برای محیط رقم بزند؟	هویت مکانی	
	اجرای موسیقی خیابانی در این فضا تا چه حد حضور در محیط را برای شما لذت بخش نموده است؟	احساس لذت	

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. آمار توصیفی

بر اساس نتایج به دست آمده از پاسخ‌دهندگان، در میان سه فعالیتی که مبنای سنجش حضور افراد در فضای شهری قرار گرفتند، فعالیت‌های انتخابی با میانگین ۴/۱۲ بیشترین مقدار را به خود اختصاص داد. فعالیت‌های اجتماعی غیرفعال و فعالیت‌های اجتماعی فعال به ترتیب با مقادیر میانگین ۳/۸۲ و ۲/۷۹ در رده‌های بعدی فعالیت‌ها جا گرفتند (نمودار شماره ۱). این نتایج نشان می‌دهد که در بین فعالیت‌های سه‌گانه، موسیقی خیابانی بیش از هر چیز بر گرایش به فعالیت‌های انتخابی افراد در فضای شهری تأثیر می‌گذارد و فعالیت‌های اجتماعی فعال کمترین اثرپذیری را از این رویداد نشان می‌دهند. همان

گونه که در نمودار شماره ۲ نیز نشان داده شده است، در طیف لیکرت به دست آمده از نتایج سه متغیر فوق، تنها در متغیر فعالیت اجتماعی فعال مشاهده می‌شود که گزینه‌های متوسط و کم، بیشترین سهم را داشته و نحوه توزیع پاسخ‌ها تا حدی به توزیع نرمال نزدیک تر است. در دو متغیر دیگر، این گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد هستند که از سهم بالاتری برخوردار بوده‌اند. در مجموع، اطلاعات توصیفی در موارد فوق نشان می‌دهد که در اجراهای خیابانی، گرایش افراد به حضور انتخابی و اجتماعی غیرفعال، بیش از حضور اجتماعی فعال بوده و به عبارتی افراد در چنین فضاهایی تمایل کمتری برای صحبت کردن و برقراری ارتباطات سطحی با سایر حاضران در فضا دارند.



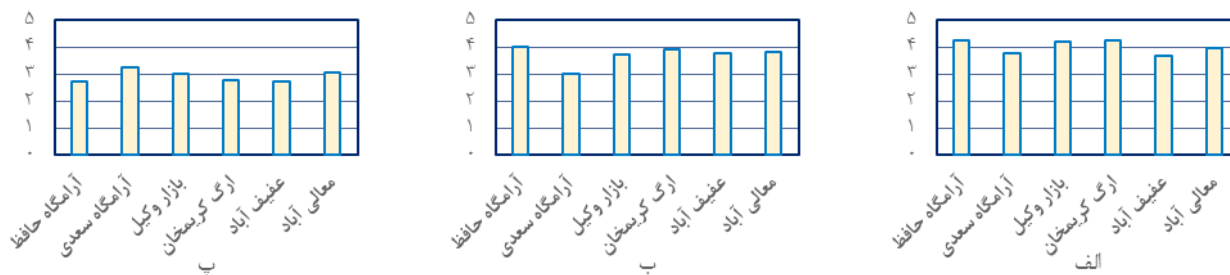
نمودار شماره ۱: مقایسه میزان تأثیرپذیری هریک از فعالیت‌ها از اجرای موسیقی خیابانی



نمودار شماره ۲: نحوه توزیع گزینه‌های پاسخ در متغیرهای: الف) فعالیت انتخابی ب) فعالیت اجتماعی غیرفعال پ) فعالیت اجتماعی فعال

فعالیت‌های اجتماعی غیرفعال نیز هستند. اما فضاهای اجتماعی مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی فعال در زمان اجرای موسیقی خیابانی، عمدتاً آرامگاه سعدی و پس از آن، بازار وکیل و بلوار معالی آباد را شامل می‌شوند (نمودار شماره ۳).

مقایسه نتایج به دست آمده در فضاهای شهری مورد مطالعه نشان می‌دهد که برای فعالیت‌های انتخابی، آرامگاه حافظ، بازار وکیل و ارگ کریمخان از استقبال بیشتری در زمان اجرای موسیقی برخوردارند. آرامگاه حافظ و تا حدودی ارگ کریمخان، فضاهای مناسبی برای

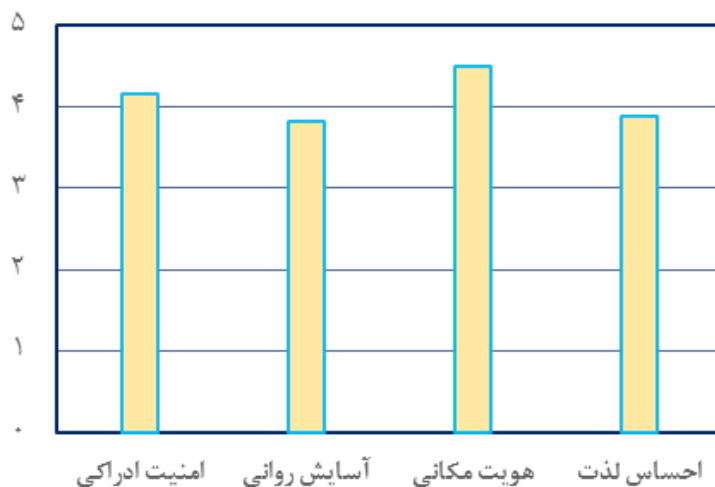


نمودار شماره ۳: مقایسه میانگین پاسخ در فضاهای مورد مطالعه برای متغیرهای: الف) فعالیت انتخابی ب) فعالیت اجتماعی غیرفعال پ) فعالیت اجتماعی فعال

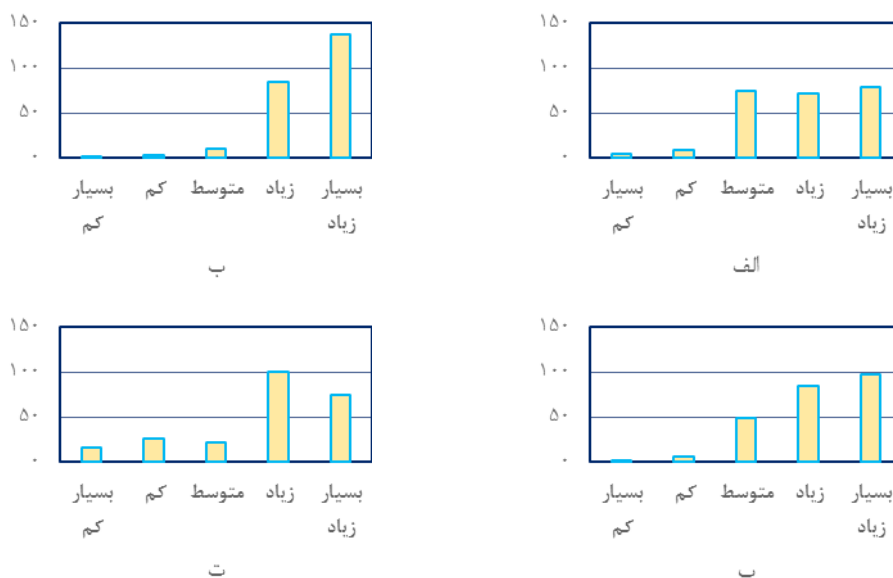
۴.۱.۱. عوامل محیطی

متغیرهای محیطی، مشخص می‌نماید که در هر چهار متغیر گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد، بیشترین سهم را دارا بوده‌اند (نمودار شماره ۵). مقادیر نسبتاً بالای میانگین در چهار متغیر محیطی بررسی شده در ارتباط با موسیقی خیابانی نشان‌دهنده تأثیر غالب این رویداد خیابانی بر ادراک افراد است.

نتایج سنجش عوامل محیطی در زمان اجرای موسیقی خیابانی نشان می‌دهد که هویت مکانی و امنیت ادراکی به ترتیب با میانگین ۴/۴۹ و ۴/۱۵ از مقادیر بالاتری برخوردارند. دو متغیر دیگر احساس لذت و آسایش روانی نیز به ترتیب با میانگین ۳/۸۹ و ۳/۸۲ در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند (نمودار شماره ۴). بررسی طیف لیکرت پاسخ‌ها برای



نمودار شماره ۴: مقایسه عوامل محیطی ادراکی در فضای اجرای موسیقی خیابانی

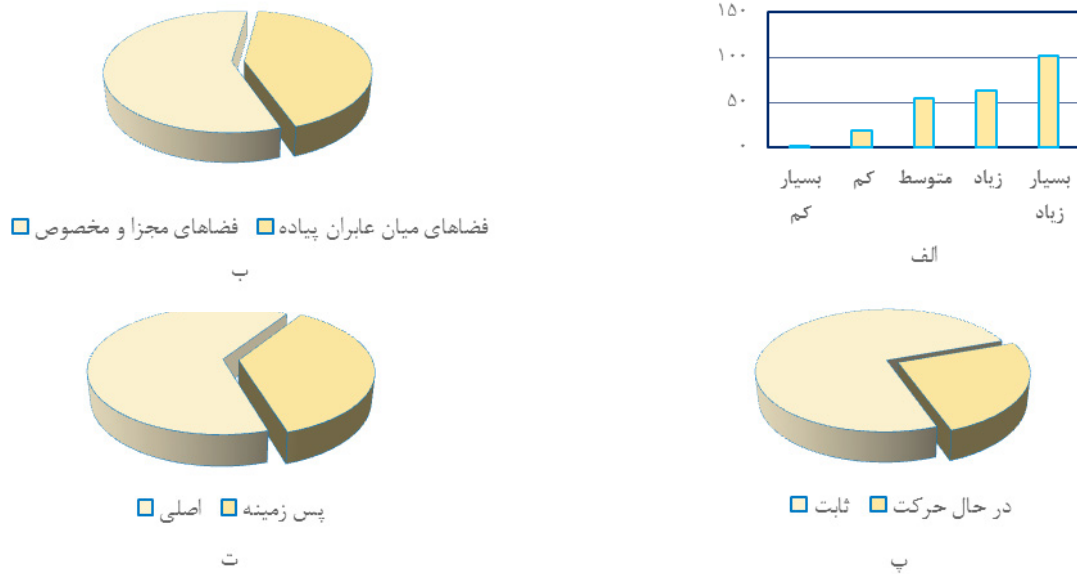


نمودار شماره ۵: نحوه توزیع گزینه‌های پاسخ در عوامل محیطی: الف) احساس لذت ب) هویت مکانی پ) امنیت ادراکی ت) آسایش روانی

۴.۱.۲. عوامل درونی

را مناسب برای این امر برگزیده‌اند. در خصوص تحرک اجراکنندگان، ۷۵ درصد افراد به اجراهایی علاقمند هستند که اجراکنندگان، بدون حرکت و در یک نقطه ثابت مستقر باشند. حدود دوسوم (۶۳/۹ درصد) پاسخ‌دهندگان نیز، تمایل دارند که صدای اجرای موسیقی را به عنوان صدای اصلی در فضا ادراک نمایند (نمودار شماره ۶). آمار توصیفی مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ آورده شده است.

نتایج سنجش دیدگاه افراد در خصوص عوامل درونی مرتبط با اجرای موسیقی خیابانی نشان می‌دهد که بیش از دوسوم افراد علاقه زیاد و بسیار زیاد به موسیقی را ابراز نموده‌اند و میانگین کلی در این متغیر برابر با ۳/۸۹ بوده است. بیش از نیمی (۵۷/۶ درصد) از پاسخ‌دهندگان، فضاهای مجزا و مخصوص را مکانی مناسب برای اجرای موسیقی دانسته‌اند، در حالی که مابقی (۴۲/۴ درصد) فضای بین‌عابرن پیاده



نمودار شماره ۶: نحوه توزیع گزینه‌های پاسخ در عوامل درونی: الف) علاقه به موسیقی ب) مکان اجرا پ) تحرک اجراکنندگان ت) وضوح صدا

جدول شماره ۲: آمار توصیفی

متغیر	تعداد (%)	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
مؤلفه‌های فعالیت در فضای شهری					
فعالیت انتخابی	۲۳۸	۴/۱۲	۰/۹۶۵	۱	۵
فعالیت اجتماعی فعال	۲۳۸	۲/۷۹	۱/۰۰۲	۱	۵
فعالیت اجتماعی غیرفعال	۲۳۸	۳/۸۲	۰/۹۶۹	۱	۵
عوامل محیطی					
امنیت ادراکی	۲۳۸	۴/۱۵	۰/۸۴۸	۱	۵
آسایش روانی	۲۳۸	۳/۸۲	۱/۱۷۶	۱	۵
هویت مکانی	۲۳۸	۴/۴۹	۰/۷۱۶	۱	۵
احساس لذت	۲۳۸	۳/۸۹	۰/۹۶۹	۱	۵
عوامل درونی					
علاقه به موسیقی	۲۳۸	۳/۸۹	۰/۹۶۹	۱	۵
مکان اجرا	۲۳۱	۰/۵۸	۰/۴۹۵	۰	۱
۰= در بین عابر پیاده	۹۸ (۴۲/۴)				
۱= فضاهای مجزا و مخصوص	۱۳۳ (۵۷/۶)				
تحرک اجراکنندگان	۲۳۲	۰/۲۵	۰/۴۳۴	۰	۱
۰= ثابت	۱۷۴ (۷۵)				
۱= در حال حرکت	۵۸ (۲۵)				
وضوح صدا	۲۳۸	۰/۶۴	۰/۴۸۱	۰	۱
۰= اصلی	۱۵۲ (۶۳/۹)				
۱= پس زمینه	۸۶ (۳۶/۱)				
عوامل فردی					
سن	۲۳۸	۲/۹۱	۰/۹۳۵	۱	۴
۱= کمتر از ۲۵	۹۳ (۳۹)				
۲= بین ۲۵ تا ۳۵	۸۶ (۳۶/۱)				
۳= بین ۳۵ تا ۵۰	۴۷ (۱۹/۷)				
۴= بیشتر از ۵۰	۱۲ (۵/۱)				
جنسیت	۲۳۳	۰/۴۷	۰/۵۰۰	۰	۱
۰= زن	۱۲۴ (۵۳/۲)				
۱= مرد	۱۰۹ (۴۶/۸)				
اشتغال	۲۳۸	۰/۵۱	۰/۵۰۱	۰	۱
۰= شاغل	۱۱۶ (۴۸/۷)				
۱= بیکار	۱۲۲ (۵۱/۳)				

۴.۲. مدل رگرسیون رتبه‌ای

به منظور بررسی تأثیر هر یک از عوامل مورد بررسی بر فعالیت شهروندان در فضاهای شهری، چهار متغیر حضور در فضای شهری، در چهار مدل رگرسیون رتبه‌ای به صورت مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند (فرمول شماره (۱)). هر چهار متغیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده‌اند و گزینه «بسیار زیاد» به عنوان گزینه مینا قرار گرفته است. هدف از انجام رگرسیون رتبه‌ای در اینجا شناسایی عواملی است که در آنها احتمال انتخاب گزینه «بسیار زیاد» در فعالیت مربوطه به صورت دقیق‌تری قابل برآورد خواهد بود. انتخاب تابع پیوند از دیگر ملزومات مهم در تحلیل رگرسیون رتبه‌ای است که بر اساس نحوه توزیع پاسخ‌ها در متغیر وابسته تعیین می‌شود. در دو متغیر فعالیت انتخابی و فعالیت اجتماعی غیرفعال، احتمال انتخاب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد بیش از سایر گزینه‌ها بوده است که در نتیجه، تابع پیوند Complementary log-log با رابطه $\ln(-\ln(1-\gamma))$ به عنوان تابع مناسب انتخاب شده است. در فعالیت‌های اجتماعی فعال به دلیل بالا بودن احتمال انتخاب گزینه متوسط و نزدیک بودن توزیع پاسخ‌ها به توزیع نرمال، تابع پیوند Probit با رابطه $\Phi^{-1}(\gamma)$ مناسب بوده است (Norusis, 2011:84).

فرمول شماره (۱)

$$\ln\left(\frac{\text{Prob}(\text{event})}{1-\text{Prob}(\text{event})}\right) = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \dots + \beta_K X_K$$

در بررسی عوامل تأثیرگذار بر فعالیت انتخابی، ابتدا متغیرهای مستقل در مدل وارد شدند. نتایج مدل نشان داد که از میان عوامل محیطی، همه متغیرها به جز آسایش روانی تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند. بدین صورت که با افزایش حس امنیت، هویت مکانی و احساس لذت از اجرای موسیقی خیابانی، تمایل برای حضور در فعالیت‌های انتخابی نیز بالاتر می‌رود. در میان عوامل درونی، افرادی که تمایل به شنیدن موسیقی خیابانی به عنوان صدای اصلی فضا داشته، در مقایسه با افرادی که این صدا را به عنوان پس‌زمینه ترجیح می‌دهند، به سطوح بالاتری از گرایش به حضور در فعالیت‌های انتخابی در این فضاها اشاره نموده‌اند. با اضافه شدن متغیرهای کنترل، تأثیر معناداری در روابط موجود ایجاد نشد. در میان متغیرهای فردی نیز زنان در مقایسه با مردان، تمایل بالاتری برای فعالیت‌های انتخابی در فضاهای شهری را ابراز نموده‌اند. بررسی ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که در تمایل به فعالیت‌های انتخابی، جنسیت ($\beta=0.753$) مهم‌ترین عامل در مدل نهایی، و وضوح صدا ($\beta=-0.715$) مهم‌ترین عامل در میان عوامل درونی و احساس لذت مهم‌ترین عامل در میان عوامل محیطی ($\beta=-0.378$) است. نتایج مربوط به مدل رگرسیون رتبه‌ای برای عوامل تأثیرگذار موسیقی خیابانی بر فعالیت انتخابی در فضای شهری در جدول شماره ۳ آورده شده است.

در میان عوامل تأثیرگذار موسیقی خیابانی بر فعالیت‌های اجتماعی غیرفعال، پس از ورود متغیرهای مستقل به مدل، مشخص گردید که در

میان عوامل محیطی، احتمال انتخاب گزینه تمایل بسیار زیاد در متغیر وابسته، برای افرادی که در هنگام اجرای موسیقی خیابانی، امنیت، هویت و احساس لذت بیشتری را در محیط ادراک نموده‌اند، بیشتر است. بررسی عوامل درونی مشخص نمود، افرادی که صدای موسیقی خیابانی را به عنوان صدای اصلی در محیط ترجیح می‌دهند، به نسبت افرادی که این صدا را در سطح پایین‌تر و نهفته در سایر صداهای محیط می‌پسندند، بیشتر به حضور در فعالیت‌های اجتماعی غیرفعال تمایل نشان می‌دهند. با ورود متغیرهای کنترل به مدل، روابط موجود به لحاظ جهت و معناداری دچار تغییر اساسی نشدند. بررسی روابط متغیرهای فردی نیز نشان داد که افراد با سنین بالاتر و همچنین مردان در مقایسه با زنان، تمایل بالاتری را به حضور اجتماعی غیرفعال در فضاهای شهری ابراز نموده‌اند. بررسی ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که در تمایل به فعالیت‌های اجتماعی غیرفعال، احساس لذت از اجرای موسیقی خیابانی ($\beta=0.671$) مهم‌ترین عامل هم در میان عوامل محیطی و هم در مدل نهایی است. در میان عوامل درونی نیز، وضوح صدا ($\beta=0.665$) اثرگذارترین عامل بر متغیر وابسته است. نتایج مربوط به مدل رگرسیون رتبه‌ای برای عوامل تأثیرگذار موسیقی خیابانی بر فعالیت اجتماعی غیرفعال در فضای شهری در جدول شماره ۳ آورده شده است.

در متغیر فعالیت اجتماعی فعال، با اجرای مدل بر روی متغیرهای مستقل، مشخص شد که در میان عوامل محیطی، تنها امنیت ادراک شده از سوی افراد در هنگام اجرای موسیقی بر گرایش آنها به حضور در فعالیت‌های اجتماعی فعال اثرگذار خواهد بود. بدین صورت که سطوح بالاتر امنیت ادراکی در ارتباط مستقیم با سطوح بالاتر تمایل به فعالیت‌های اجتماعی فعال است. از میان عوامل درونی نیز، وضوح صدایی که از اجرای موسیقی خیابانی به گوش می‌رسد، تنها عامل تأثیرگذار بر متغیر وابسته است. بدین صورت که افرادی که تمایل دارند در فضاهای شهری صدای موسیقی را در سطح اصلی ادراک نمایند، در مقایسه با افرادی که به سطح پس‌زمینه اشاره کرده‌اند، احتمال بالاتری را برای حضور فعالانه در فعالیت‌های اجتماعی ابراز نموده‌اند. با افزوده شدن متغیرهای کنترل به مدل، ضمن این که تغییر معناداری در روابط موجود دیده نشد، مشخص گردید که متغیر جنسیت، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای تمایل به حضور در فعالیت‌های اجتماعی فعال است. جهت رابطه نشان می‌دهد، زنان کمتر از مردان احتمال انتخاب گزینه بسیار زیاد برای حضور فعالانه در فعالیت‌های اجتماعی را دارند. بنابراین، همانگونه که ضرایب رگرسیون نیز نشان می‌دهند، واضح است که در تمایل به فعالیت‌های اجتماعی فعال، جنسیت ($\beta=0.420$) مهم‌ترین عامل در مدل نهایی و امنیت ادراکی ($\beta=0.319$) و وضوح صدا ($\beta=0.343$) به ترتیب مهم‌ترین عوامل در میان متغیرهای محیطی و درونی هستند. نتایج مربوط به مدل رگرسیون رتبه‌ای برای عوامل تأثیرگذار موسیقی خیابانی بر فعالیت اجتماعی فعال در فضای شهری در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل رگرسیون رتبه‌ای برای عوامل تأثیرگذار موسیقی خیابانی بر فعالیت‌های چهارگانه در فضای شهری

فعالیت اجتماعی فعال			فعالیت اجتماعی غیرفعال			فعالیت انتخابی			ضرایب حد آستانه
سطح	انحراف	ضریب	سطح	انحراف	ضریب	سطح	انحراف	ضریب	
معناداری	استاندارد	رگرسیون	معناداری	استاندارد	رگرسیون	معناداری	استاندارد	رگرسیون	حد آستانه ۱ (بسیار کم)
۰/۲۳۳	۰/۷۲۲	۰/۸۶۱	۰/۰۸۴	۱/۱۲۹	۱/۹۴۹	۰/۹۷۰	۱/۰۴۸	۰/۰۴۳	حد آستانه ۲ (کم)
۰/۰۰۶	۰/۷۲۸	۲/۰۱۱	< ۰/۰۰۱	۰/۹۲۳	۴/۱۶۹	۰/۰۳۷	۰/۸۲۵	۱/۹۷۹	حد آستانه ۳ (متوسط)
< ۰/۰۰۱	۰/۷۳۹	۳/۱۱۰	< ۰/۰۰۱	۰/۹۳۵	۶/۲۰۱	< ۰/۰۰۱	۰/۸۱۳	۳/۶۴۵	حد آستانه ۴ (زیاد)
< ۰/۰۰۱	۰/۷۶۰	۴/۲۹۹	< ۰/۰۰۱	۰/۹۹۳	۷/۸۶۷	< ۰/۰۰۱	۰/۸۴۴	۴/۹۹۰	
متغیرهای مستقل									
									عوامل محیطی
۰/۰۰۲	۱۰۵۱۰۱۰	۰/۳۱۹	۰/۰۰۳	۰/۱۱۸	۰/۳۵۲	۰/۰۰۴	۰/۱۲۴	۰/۳۶۲	امنیت ادراکی
۰/۹۱۰	۰/۰۷۱	۰/۰۰۸	۰/۴۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۵۷	۰/۳۸۴	۰/۰۸۹	۰/۰۸۱	آسایش روانی
۰/۱۳۰	۰/۱۲۲	۰/۱۸۵	< ۰/۰۰۱	۰/۱۴۵	۰/۵۱۶	۰/۰۱۴	۰/۱۴۴	۰/۳۵۳	هویت مکانی
۰/۴۸۴	۰/۰۸۷	۰/۰۶۱	< ۰/۰۰۱	۰/۱۱۰	۰/۶۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۱۱	۰/۳۷۸	احساس لذت
عوامل درونی									
۰/۳۴۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۰/۰۰۷	۰/۰۹۱	۰/۲۴۵	۰/۴۳۶	۰/۰۹۷	-۰/۰۷۵	علاقه به موسیقی
۰/۸۷۹	۰/۱۵۳	-۰/۰۲۳	۰/۲۹۷	۰/۱۷۹	۰/۱۸۷	۰/۶۵۶	۰/۱۹۷	-۰/۰۸۸	مکان اجرا (گروه مینا = فضاهای مخصوص)
۰/۵۰۶	۰/۱۸۱	-۰/۱۱۷	۰/۴۸۹	۰/۲۰۶	-۰/۱۴۲	۰/۵۴۲	۰/۲۲۰	۰/۱۳۴	تحرك اجراکنندگان (گروه مینا = در حرکت)
۰/۰۳۵	۰/۱۶۲	۰/۳۴۳	۰/۰۰۱	۰/۱۹۱	۰/۶۶۵	< ۰/۰۰۱	۰/۲۰۱	۰/۷۱۵	وضوح صدا (گروه مینا = پس‌زمینه)
متغیرهای کنترل									
									عوامل فردی
۰/۴۵۶	۰/۰۸۶	۰/۰۶۴	۰/۰۲۷	۰/۱۰۶	۰/۲۳۴	۰/۱۹۵	۰/۱۱۱	۰/۱۴۳	سن
۰/۰۰۷	۰/۱۵۵	-۰/۴۲۰	۰/۰۴۹	۰/۱۸۷	-۰/۳۶۱	< ۰/۰۰۱	۰/۲۰۲	۰/۷۵۳	جنسیت (گروه مینا = مرد)
۰/۶۲۰	۰/۱۵۶	-۰/۰۷۷	۰/۳۶۷	۰/۱۸۲	-۰/۱۶۶	۰/۱۴۰	۰/۱۹۹	۰/۲۹۳	اشتغال = شاغل (گروه مینا = بیکار)

۵. نتیجه‌گیری

متغیرهای وابسته، برای سه مؤلفه حضورپذیری یکسان نیست. برای مثال، هویت مکان در شکل‌گیری روابط اجتماعی غیرفعال در مقایسه با فعالیت‌های گزینشی، از جایگاه مهم‌تری برخوردار است. این در حالی است که همین متغیر در پیش‌بینی فعالیت‌های اجتماعی فعال، فاقد تأثیر معناداری بوده است.

نتایج تحلیل از نقش مهم متغیر احساس لذت در محیط حکایت دارد. از آنجا که این متغیر تا حدود زیادی با کیفیت محیط کالبدی از یک سو و با کیفیت اجرای موسیقی از سوی دیگر در ارتباط است، در این خصوص می‌توان به چند نکته اشاره نمود. نخست براساس یک دیدگاه احتمال‌گرایانه، ارتقای کیفیت محیط کالبدی، زمینه را برای احساس لذت بیشتر از اجراهای خیابانی و در نتیجه حضور با دوام‌تر افراد در فضا فراهم خواهد کرد. در این راستا ایجاد بستر مناسب برای ارتقای کیفیت اجرا نظیر زیرساخت‌های صوتی پیشرفته و مکان مناسب و قابل رؤیت برای اجرا می‌تواند راهکارهایی عملی به شمار رود. نکته دوم، ضرورت نظارت بر کیفیت اجراهاست که برای مثال به کارگیری گروه‌های موسیقی حرفه‌ای در فضاهایی که از ارزش مکانی و عملکردی بالاتری در شهر برخوردارند - مانند فضای پیرامون حافظیه یا ارگ کریمخان که به لحاظ گردشگری حائز اهمیتند - از جمله راهکارهای قابل اجرا در این خصوص است.

سیاست‌هایی که می‌بایست در خصوص موسیقی خیابانی به کار گرفته شود، یا از نوع سیاست‌های مشوق هستند و یا بازدارنده. این امر ناشی از اثرات دوسویه اجراهای خیابانی و نیاز به تعدیل پیامدهای منفی در عین تقویت اثرات مثبت آن است (Hitters & Mulder, 2020: 40-41).

در این پژوهش با هدف بررسی تأثیر موسیقی خیابانی بر زندگی همگانی در فضاهای عمومی شهری، شش سایت مختلف در کلانشهر شیراز مورد بررسی قرار گرفتند. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، با استفاده از تحلیل رگرسیون رتبه‌ای به بررسی تأثیر دو دسته عوامل محیطی و عوامل درونی افراد پاسخ‌دهنده بر مؤلفه‌های حضور آنها در فضاهای شهری یادشده پرداخته شد. نتایج تحلیل نشان داد که حضور اجتماعی غیرفعال، بیش از دو مؤلفه حضور انتخابی و حضور فعال تحت تأثیر متغیرهای مستقل بوده و همچنین در مقایسه میان عوامل محیطی و درونی، تأثیر غالب بر متغیرهای وابسته، مربوط به عوامل محیطی است. بنابراین بیش از عوامل درونی و ویژگی‌های فردی، مزیت‌های محیطی ایجاد شده در زمان اجرای موسیقی، بر روابط افراد در فضا اثرگذار بوده است. این نتیجه تأیید می‌کند که می‌توان با دستکاری مکان‌های اجرای موسیقی، اجتماع‌پذیری آنها را تقویت نمود. در میان عوامل فردی مورد بررسی، جنسیت افراد عاملی تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. متغیر جنسیت تنها متغیری است که رفتار متفاوتی را در پیش‌بینی مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری از خود نشان می‌دهد. بدین صورت که زنان، تنها در فعالیت‌های انتخابی تمایلی بیش از مردان نشان می‌دهند و در دو فعالیت اجتماعی فعال و غیرفعال، این مردان هستند که از تمایل بالاتری برخوردارند. علت این رابطه عمدتاً می‌تواند از تفاوت‌های روانشناختی زنان و مردان نشأت بگیرد که از حوزه بحث حاضر خارج است. با بررسی شدت روابط کلیه متغیرها در تحلیل رگرسیون می‌توان دریافت که جایگاه هر متغیر مستقل در پیش‌بینی

- Cohen, S. (2007a). *Decline, Renewal and the City in Popular Music Culture: Beyond the Beatles* (1st edition ed.). Routledge.
 - Cohen, S. (2007b). "Rock Landmark at Risk": Popular Music, Urban Regeneration, and the Built Urban Environment. *Journal of Popular Music Studies*, 19(1), 3-25.
 - Cohen, S. (2012). Live music and urban landscape: mapping the beat in Liverpool. *Social Semiotics*, 22(5), 587-603.
 - Cullen, G. (1995). *Concise Townscape*. Architectural Press.
 - Deloitte Access, E. (2011). *Economic, Social and Cultural Contribution of Venue-based Live Music in Victoria*. Arts Victoria.
 - Devine, A., & Quinn, B. (2019). Building social capital in a divided city: the potential of events. *Journal of Sustainable Tourism*, 27(10), 1495-1512.
 - Dines, N., Cattell, V., Gesler, W., & Curtis, S. (2006). *Public spaces, social relations and well-being in East London*. Policy Press.
 - Garg, G., & Kothari, C. R. (2019). *Research methodology: methods and techniques* (Fourth multi colour edition ed.). New Age International (P) Limited.
 - Gehl, J. (2011). *Life Between Buildings: Using Public Space* (Sixth edition ed.). Island Press.
 - Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to Study Public Life* (Illustrated edition ed.). Island Press.
 - Golkar, K. (2011). *Creating sustainable place: Reflections on urban design theory*. Shahid Beheshti University. [In Persian]
 - Grazian, D. (2009). Urban Nightlife, Social Capital, and the Public Life of Cities. *Sociological Forum*, 24(4), 908-917.
 - Hassanli, N., Walters, T., & Williamson, J. (2020). 'You feel you're not alone': how multicultural festivals foster social sustainability through multiple psychological sense of community. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(11-12), 1792-1809.
 - Hitters, E., & Mulder, M. (2020). Live music ecologies and festivalisation: the role of urban live music policies. *International Journal of Music Business Research* (online), 9(2), 38-57.
 - Hitters, E., & Winter, C. (2020). The festivalization of live music. *International Journal of Music Business Research* (online), 9(2), 4-12.
 - Kang, J., & Zhang, M. (2010). *Semantic differential*
- در اینجا بیشتر پاسخ دهندگان، به اجرای موسیقی در یک مکان خاص تمایل نشان دادند و همچنین، صدای اجرای موسیقی را در لایه نخست فضا ترجیح داده‌اند. بنابراین می‌توان در راستای پیشنهاد یک سیاست تعدیل‌کننده، یک زیرساخت دائمی در فضای باز ایجاد کرد تا از هزینه برگزاری کنسرت‌های خیابانی کاسته شده و همچنین به مکان‌هایی با تحمل صدای بالاتر و سازگارتر با محیط پیرامونی خود تبدیل شوند. فضاهای گم شده میان ساختمان‌ها، پهنه‌های بالقوه‌ای هستند که می‌توان آنها را با زیرساخت‌های کالبدی مناسب به نحوی تجهیز نمود که قابلیت پذیرایی از رویدادهای اجتماعی و فرهنگی را پیدا نمایند. با این وجود، از آنجا که این فضاها قادر به جلوگیری از انتقال صدا به محیط پیرامونی خود نیستند، ممکن است موجب ایجاد نارضایتی برای ساکنان محیط پیرامونی خود شوند. در این حالت می‌توان برای مثال با میانجی‌گری، مالکان و ساکنان واحدهای مسکونی را نسبت به رشد آبی ارزش املاک و مستغلات در پیرامون فضاهای فرهنگی و اجتماعی آگاه نمود.
- در این پژوهش عمدتاً تمرکز بر نقش محتوای اجتماعی محیط بود که در پی اجرای یک رویداد خیابانی می‌تواند به اجتماع‌پذیری فضای شهری منجر شود. تحقیقات آینده باید در کنار زندگی همگانی فضا، به بررسی عوامل کالبدی و تأثیرات متقابل آن نیز بر موفقیت اجراهای خیابانی بپردازند.

References:

- Abolhasani Taraghi, M. (2004). A reflection on minstrelsy in ancient Iran. *Journal of The Faculty of Letters and Humanities*, 2(36-37), 183-202. [In Persian]
- Adhitya, S. (2018). *Musical Cities*. UCL Press.
- Aletta, F., Kang, J., & Axelsson, Ö. (2016). Soundscape descriptors and a conceptual framework for developing predictive soundscape models. *Landscape and Urban Planning*, 149, 65-74.
- Brown, A. L., Kang, J., & Gjestland, T. (2011). Towards standardization in soundscape preference assessment. *Applied Acoustics*, 72(6), 387-392.
- Burke, M., & Schmidt, A. (2013). How should we plan and regulate live music in Australian cities? Learnings from Brisbane. *Australian Planner*, 50(1), 68-78.
- Carah, N., Regan, S., Goold, L., Rangiah, L., Miller, P., & Ferris, J. (2020). Original live music venues in hyper-commercialised nightlife precincts: exploring how venue owners and managers navigate cultural, commercial and regulatory forces. *International Journal of Cultural Policy*, 27(5), 621-635.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). *Public Places Urban Spaces*, Second Edition: The Dimensions of Urban Design (2 edition ed.). Architectural Press.

- analysis of the soundscape in urban open public spaces. *Building and Environment*, 45(1), 150-157.
- Kronenburg, R. (2020). Sound spaces. Pop music concerts and festivals in urban environments. In *The future of live music* (1st ed.). Bloomsbury.
 - Lang, J. T. (1987). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Van Nostrand Reinhold Company.
 - McNamara, L., & Quilter, J. (2016). Street Music and the Law in Australia: Busker Perspectives on the Impact of Local Council Rules and Regulations. *Journal of Musicological Research*, 35(2), 113-127.
 - Meschi, M., Modrek, A., & Asl Fallah, P. (2015). Street Music In Seek of Music Place in City Landscape. *Landscape*, 7(31), 48-55. [In Persian]
 - Modrek, A., Asl Fallah, P., & Meschi, M. (2016). Street music, from the past to the present; The place of street music in the landscape of Tehran *Journal of Art and Civilization of the Orient*(13), 23-32. [In Persian]
 - Montgomery, J. (2007). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 93-116.
 - Norusis, M. (2011). *IBM SPSS Statistics 19 Advanced Statistical Procedures Companion* (1 edition ed.). Addison Wesley.
 - Nunes, P. (2019). Cities Regulated by Cultural Events: Tracking Music Festivals in Lisbon and São Paulo. *International Journal of the Sociology of Leisure*, 2(1-2), 147-162.
 - Prato, P. (2008). Music in the streets: the example of Washington Square Park in New York City. *Popular Music*, 4, 151-163.
 - Quinn, B., Colombo, A., Lindström, K., McGillivray, D., & Smith, A. (2020). Festivals, public space and cultural inclusion: public policy insights. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(11-12), 1875-1893.
 - Samim, R., & Espiruz, M. A. (2015). The social life of modern street music as an urban phenomenon in Tehran: a qualitative research on the musicians of the new emerging genre of street music using life story strategy. *Quarterly Journal of Cultural Studies and Communication* (38). [In Persian]
 - Shojaee, D., & Partovi, P. (2015). Analysis of Factors Affecting the Creation and Promotion of Sociability in Public Spaces in Different Scales of Tehran City (Case studies: Two Neighborhoods and an Area in District 7 Tehran). *Bagh-e nazar*, 12(34), 93-108. [In Persian]
 - Simpson, P. (2016). Sonic affects and the production of space: 'Music by handle' and the politics of street music in Victorian London. *cultural geographies*, 24(1), 89-109.
 - van der Hoeven, A., & Hitters, E. (2019). The social and cultural values of live music: Sustaining urban live music ecologies. *Cities*, 90, 263-271.
 - van der Hoeven, A., & Hitters, E. (2020). The spatial value of live music: Performing, (re)developing and narrating urban spaces. *Geoforum*, 117, 154-164.
 - Wunderlich, F. M. (2013). Place-Temporality and Urban Place-Rhythms in Urban Analysis and Design: An Aesthetic Akin to Music. *Journal of Urban Design*, 18(3), 383-408.
 - Yang, W., & Kang, J. (2005). Soundscape and Sound Preferences in Urban Squares: A Case Study in Sheffield. *Journal of Urban Design*, 10(1), 61-80.

نحوه ارجاع به مقاله:

سید مجتبی فخراحمد؛ لطفی، سهند؛ ذوالقدری، گلرخ؛ نامداری نوروزانی، زهرا؛ (۱۴۰۰) سنجش هنایندگی خُنیاگری خیابانی بر زندگی همگانی فضاهاى شهری، نمونه مورد مطالعه: قلمرو همگانی شهر شیراز، مطالعات شهری، 10 (41)، 85-98. doi: 10.34785/J011.2022.654/.Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل مقیاس طرح‌های بازآفرینی شهری و اثرات آن بر کیفیت زندگی ساکنان با تأکید بر تجربه ایران

مجید روستا^۱ - دانشجوی دوره دکتری - دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
محمد سلیمانی - دانشیار، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مظفر صرافی - استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
مجتبی رفیعیان - استاد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۴ بهمن ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۲۱ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های کلانشهرهای امروز، وجود محله‌های شهری نابسامان و فقیر شهری در فضاهای حاشیه‌ای است. مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های بازآفرینی برای رویارویی با چنین چالشی، در طی سده بیستم تلاش کرده است تا کیفیت زندگی بهتری برای ساکنین واقع در چنین فضاهای فقیر شهری ایجاد کند. اما چنین اقداماتی، کمتر با موفقیت قابل توجهی همراه بوده است. پیش‌فرض پژوهش حاضر این است که یکی از دلایل اصلی چنین شکست‌هایی، کم‌توجهی به مقیاس برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی شهری بوده است. بر این اساس در این پژوهش، دو پرسش اصلی طرح شده است: نخست، چرا مفهوم مقیاس باید در محوریت برنامه‌های بازآفرینی شهری قرار بگیرد و چنین محوریتی چگونه می‌تواند به کارآمدترسازی برنامه‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین شهری هدف کمک کند؟ و دوم، وضعیت پروژه‌های بازآفرینی شهری، بر اساس معیارها و شاخص‌های موردنظر در این پژوهش، چه اثراتی بر کارایی پروژه و وضعیت کیفیت زندگی ساکنین هدف می‌تواند داشته باشد؟ برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی، از دو روش شناسی زمینه‌گرا برای تحلیل مفهوم مقیاس و پیمایشی-داده‌نگر برای سنجش کیفیت زندگی استفاده شده است. منابع داده و اطلاعات، شامل سرشماری‌ها و پرسشگری و همچنین کتابخانه‌ای-اسنادی، برنامه‌ها و طرح‌ها و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل نیز شامل همبستگی و رگرسیون (برای سنجش کیفیت زندگی) و فرا-تحلیل (در مقیاس‌شناسی) بوده است. نتایج این پژوهش در چهار نمونه شهر رشت، همدان، سنج و گرگان نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین تعداد پروژه‌های بازآفرینی، انرژی اولیه و موقعیت مکانی آنها (متغیرهای مستقل) و اثرگذاری آنها بر کیفیت زندگی ساکنین هدف (متغیر وابسته) وجود دارد. وجود چنین همبستگی بدین معناست که برنامه‌های بازآفرینی شهری در ایران می‌تواند از طریق توجه بنیادی به مقیاس برنامه بازآفرینی، تأثیر بیشتری در ارتقای کیفیت زندگی ساکنین هدف داشته باشد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، مقیاس، پایداری، کیفیت زندگی، مکان‌سازی.

نکات برجسته

- ارتقا کیفیت زندگی ساکنین.
- «مقیاس» برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی شهری.
- محله‌های نابسامان و فقیر شهری.
- وضعیت پروژه‌های بازآفرینی شهری در ایران و اثر بر کارایی پروژه و وضعیت کیفیت زندگی ساکنین.

۱. مقدمه

بر اساس آمارهای موجود، شهرهای بزرگ و کوچک جهان با نرخ بی‌سابقه‌ای در حال رشد هستند. در سال ۲۰۰۷، برای نخستین بار در تاریخ بشر، جمعیت ساکن در نواحی شهری از جمعیت ساکن در نواحی روستایی پیشی می‌گیرد. بر اساس پیش بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ بیش از دو-سوم جمعیت کره زمین، یعنی نزدیک به هفت میلیارد نفر، در نواحی شهری زندگی خواهند کرد. بر اساس مطالعات انجام شده (Safaeipour and Zarei, 2018) یکی از مهم‌ترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی، شکل‌گیری بافت‌های نابسامان درون و بیابان شهرهاست که معضلات متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی را به همراه داشته است. همچنین بررسی‌ها (Rusta et al., 2017: 18) حاکی از آن است که شهرنشینی به سرعت در مکان‌هایی در حال وقوع است که با بیشترین کمبودها در برنامه‌ریزی برای زندگی شهری مواجه هستند.

اگرچه در طول تاریخ، سیاست‌های مواجهه با مسئله‌ی محدوده‌ها و محله‌های نابسامان در شهرها، به دنبال آن بوده‌اند تا از طریق بهسازی شهرها و همچنین احیای شرایط، اقدامات مناسبی را در راستای ارتقای کیفیت زندگی ساکنان به انجام رسانند، اما به‌رغم پیدایش راهبردهای نوین مدیریتی و هدایتی (Hospers, 2014)، همچنان شکاف‌های روشنی، در شواهد تجربی و ارزیابی سیاست‌ها قابل مشاهده است که مطالعات حوزه شهری (Bontje & Musterd, 2012) دلالت بر کارآمد نبودن و یا مکفی نبودن آنها و به دنبال آن، تداوم جریان ناکارآمدی شهری دارد. در این میان، پژوهش‌های انجام شده بر برون‌داد طرح‌ها توسعه شهری نشان داده (Lawless, 2011) که یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین سیاست‌های بین‌المللی در واکنش به این مسئله، بازآفرینی فیزیکی بوده و این سیاست معمولاً در دو مقیاس شهری، یکی بر هسته مرکزی شهرها و دیگری محله‌های ناکارآمد شهری تمرکز داشته است.

با نگاهی به رویکردهای متأخر در بازآفرینی شهری می‌توان پی برد که در طی چند دهه گذشته، پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری به دلیل عدم تحقق کیفیت زندگی مورد انتظار پس از اجرای این‌گونه برنامه‌ها، به شیوه‌ها و از ابعاد گوناگونی (انتقادی و اثباتی)، در حال ارزیابی و بازاندیشی در برنامه‌های بازآفرینی شهری هستند و پروژه‌های بازآفرینی شهری را در نقاط مختلف جهان بر پایه شاخص‌های متعدد از جمله مقیاس مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. یکی از کانون‌های توجه در این بررسی‌ها، دوگانه‌ی بزرگ‌مقیاسی یا کوچک‌مقیاسی است که به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان کارآمدی این نوع برنامه‌ها مطرح کرده‌اند (Swyngedouw 1992; Ng, 2005; Donovan et al., 2005; Gotz et al., 2015). همچنین از منظر توزیع یا گستره‌ی فضایی این پروژه‌ها، رویکردهای متنوع و اغلب متفاوتی ارائه شده است. در این میان می‌توان به تمرکز بر مکان‌ها و یا پهنه‌های شهری نظیر بخش مرکزی شهرها، خیابان‌ها و یا کل شهر اشاره کرد (UN-Habitat, 2010; 2013).

موضوع مقیاس در برنامه‌ها و پروژه‌های بازآفرینی شهری، افزون بر اثرات تعیین‌کننده‌ای که بر میزان کارآمدی یا ناکارآمدی خود برنامه‌ها و پروژه‌ها دارد، به ربط و پیوند آن با تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های

تعریف شده در آنها زیر عنوان ارتقای کیفیت زندگی در شهرها بازمی‌گردد. در این زمینه، مطالعات اسکان بشر ملل متحد (UN-Habitat, 2014; 2013) در سال‌های اخیر به صورت مداوم بر اهمیت و ضرورت تدقیق مقیاس برنامه‌های بازآفرینی شهری برای اثربخش‌تر نمودن آنها در حوزه کیفیت زندگی، تأکید داشته است. پیش فرض اصلی این پژوهش نیز آن است که یکی از مهم‌ترین دلایل شکست برنامه‌های بازآفرینی، دست‌کم از منظر فنی و تخصصی، توجه ناکافی به موضوع مقیاس در این‌گونه برنامه‌ها و پروژه‌هاست که از طریق اثر بر سطح کارآمدی این برنامه‌ها و در نتیجه، پیامدهای بعدی آن بر سطح کیفیت زندگی ساکنین متأثر از این برنامه‌ها، عمل کرده است. به بیان دیگر، در برنامه‌های بازآفرینی شهری، به دلیل فرایندهای ساده‌سازی متغیرها و عناصر موجود شهری در طرح‌ها و پروژه‌ها، برخی از مقیاس‌های ضروری و حیاتی شهری (به‌ویژه مقیاس‌های کوچک و خرد) حذف شده و نادیده گرفته می‌شود. افزون بر این، وجود مسئله کمبود منابع و در نتیجه ضرورت تخصیص بهینه و مؤثر آن، دلیل دیگری برای توجه به موضوع مقیاس در برنامه‌های بازآفرینی است؛ به طوری که نبود تعریفی مشخص از مقیاس در این نوع برنامه‌ها سبب شده که نه تنها بسیاری از منابع دچار اتلاف شود، بلکه ارزیابی‌ها و قضاوت‌های ما درباره سطح تدوین و اجرای برنامه‌ها، حوزه تأثیرات و پیامدهای آن نیز با ابهام‌های بسیاری همراه باشد.

ایده اصلی پژوهش حاضر بر این درک از مفهوم مقیاس استوار است که مقیاس‌ها صرفاً ابزارهایی برای دستیابی به اهدافی خاص و از پیش تعریف شده نیستند، بلکه آنها بر شناسایی الگوها، تبیین پدیده‌های مورد نظر، فرایندهای تعمیم‌بخشی نتایج و در نهایت، نحوه بهینه‌سازی فرایندها در یک سطح معین، اثر تعیین‌کننده‌ای دارند. مقیاس، نه تنها برای انجام برآوردها، سازمان‌دهی تفکر و پدیده‌ها و کشف روابط و تحلیل فضاهای شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه همان‌طور که جونز اشاره می‌کند، شیوه‌های دانستن ما از جهان را (اغلب به شکل ناخودآگاه) تعیین می‌کند (Jones, 2018). از نظر هرود و رای این که ما درباره مقیاس چگونه می‌اندیشیم، به شکلی بنیادین شیوه فهم ما از زندگی اجتماعی و فضامندی‌های ملزم با آن را شکل می‌دهد (Herod 2002: 4 and Wrigh). افزون بر این، همان‌گونه که سابقه مطالعات (Shorcheh, 2019: 104-110) نشان داده است، تغییر در مقیاس نه تنها به معنای تغییر در سطح اهمیت و ربط متغیرها و شاخص‌های مورد پژوهش از نگاه ماست، بلکه آنچه در یک مقیاس بر ما آشکار می‌شود، ممکن است در مقیاس دیگری پنهان شود.

در اکثر برنامه‌های بازآفرینی شهری (دست‌کم در ایران)، مقیاس بیشتر به عنوان مفهومی ثابت، خنثی و از پیش مسلم و صرفاً به عنوان ابزاری برای انتخاب‌های عملیاتی بر حسب سطح یا اندازه مطرح بوده است؛ از این رو چنین پنداشته شده که نیازی به هیچ تحلیل نظری یا انتقادی ندارد. این در حالی است که درک از مقیاس (همانند فضا و مکان) نمی‌تواند همواره بر پایه نظرگاه‌هایی از پیش انگاشته شده صورت بگیرد؛ زیرا مقیاس اغلب ارائه‌دهنده‌ی معنا و اهمیتی است که همیشه برای ما روشن یا بدیهی نیست، با انتخاب‌های ما در پیوند قرار داشته و از سرشتی سیاسی برخوردار است (Brenner, 2019). زمانی که برنامه‌ها به مقیاس‌های بزرگ‌تر یا کوچک‌تر ارجاع داده می‌شود، ما در عمل

اشاره به مقیاسی داریم که در آن، فرایندهای مورد نظر ما عمل می‌کنند. مقیاسی که در برنامه‌ریزی انتخاب می‌شود، ما را ملزم به درک جزئیات سازوکارهای خاص و نیاز به درک نحوه عمل سیستم‌های گسترده‌تر و بسیار پیچیده‌تر می‌کند (Makower, 2014).

بر این اساس، در این پژوهش دو پرسش اصلی طرح شده است: نخست، چرا و بر پایه کدام عقلانیت‌ها، مفهوم مقیاس و وجوه گوناگون آن باید در محوریت برنامه‌های بازآفرینی شهری قرار بگیرد و چنین محوریتی چگونه می‌تواند به کارآمدترسازی برنامه‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین شهری هدف کمک کند؟ و دوم، وضعیت پروژه‌های بازآفرینی در شهر، از نظر تعداد، انرژی اولیه و آزاد شده و موقعیت مکانی آنها، چه اثراتی بر کارایی پروژه و وضعیت کیفیت زندگی ساکنین هدف می‌تواند داشته باشد؟ پیش‌فرض پژوهش بر این ایده استوار است که میزان موفقیت در پاسخگویی به نیازهای مختلف ساکنین هدف، بدون در نظر گرفتن مقیاس قلمرویی و ارتباطی آن با دیگر عناصر و مؤلفه‌های موجود در سطوح و مقیاس‌های مختلف، بسیار ضعیف خواهد بود.

توجه به اهمیت مقیاس و تعیین آن در برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و در راستای ارتقای کیفیت زندگی، گرچه سابقه‌ای طولانی مدت در مطالعات شهری داشته اما در سال‌های اخیر یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری بوده است. نزدیک به هفت دهه است که از نقدهای شهرشناسان همچون جین جیکوبز در کتاب *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ* آمریکایی (۱۹۶۱) و برنامه‌ریزان و طراحانی همچون کریستوفر الکساندر در کتاب *شهر درخت* نیست (۱۹۵۶) می‌گذرد. این نظریه‌پردازان با مطرح کردن پیچیدگی سازمان یافته یا پیچیدگی خودانگیخته به عنوان مشخصه اصلی پویایی‌های شهری، به نقد نظریه‌های ساده‌انگارانه در نظم‌گرایی هندسی (به طور نمونه در طرح‌های لوکوربوزیه)، آرمان‌شهرگرا (به طور نمونه در اندیشه هاورد) و رویکردهای سلسله‌مراتب‌گرا و جامع-عقلانی در نظام‌های برنامه‌ریزی شهری پرداخته‌اند. دستاوردهای این کارهای اولیه را ما امروزه می‌توانیم در تکوین دیدگاه‌های نو در سیستم‌های پیچیده شهری، تحلیل‌های عامل-بنیان و سلول-بنیان، سیاست مقیاس، فضاهای ارتباطی و نظایر آن مشاهده کنیم (Shorcheh, ۲۰۱۵).

یکی از دلالت‌های چنین نقدهایی این بوده که ما نمی‌توانیم، فرایندها و پویایی‌های شهری را از نظر مقیاس، صرفاً در قالب سطوح سلسله‌مراتبی و یا قلمروبندی‌های جداگانه/تفکیک شده از یکدیگر، همراه با کارکردهای تعریف شده در هر یک در نظر بگیریم، بلکه هم سطوح مختلف و هم کارکردهای مختلف دائماً درهم نفوذ پیدا می‌کنند، باهم همپوشانی دارند و مجموعه روابط پویای بین آنها باهم برخورد می‌کند. بازتاب چنین تحولاتی را می‌توان در تمرکز و تأکید بیشتر به موضوع مقیاس در پروژه‌ها، تحقیقات و اسناد منتشر شده توسط برنامه اسکان ملل متحد (UN-Habitat) و مؤسسه پروژه برای فضای عمومی^۲ به روشنی مشاهده کرد. به طور نمونه، می‌توان به رویکرد خیابان‌مداری به عنوان یکی از راهکارهای تحول سکونتگاه‌های غیررسمی (که همچنین بدان تحول محله‌های فقیرنشین از طریق

خیابان نیز گفته می‌شود)، محوریت دادن به فضاهای عمومی در تحول سکونتگاه‌های غیررسمی و همچنین رویکرد مکان‌سازی با تأکید بر مکان‌های خدمات‌ده و توانمندساز اشاره کرد که در آنها بر اهمیت تعیین و تعریف مقیاس (فضایی) در بهسازی سکونتگاه‌ها تأکید شده است. تأکید برنامه اسکان ملل متحد بر مقیاس شهر به جای مقیاس محله و در نتیجه تلاش برای بازآفرینی شهری از طریق ایجاد ارتباط فیزیکی-کارکردی بین محدوده‌های نابسامان با کلیت پیکره شهری، انواع دیگری از رویکردهای جدید بوده که در آنها، موضوع مقیاس در محوریت این برنامه‌ها قرار گرفته است. این برنامه‌ها، بیانگر نوعی آگاهی جدید نسبت به اهمیت مقیاس و اثرات آن بر میزان کارآمدی، اثربخشی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی ساکنین هدف بوده که پیش از این، نادیده گرفته می‌شده است (Hernández-García, 2013; UN-Habitat, 2010, 2013, 2014; Gouverneur, 2015).

مروری بر برخی تجربیات جهانی و بررسی نتایج آنها نیز می‌تواند بیانگر این نوع تأکیده‌های جدید بر موضوع مقیاس در برنامه‌های بازآفرینی شهری و پروژه‌های نوسازی و بهسازی باشد. در این راستا می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

داناوان و همکاران در دانشگاه بیرمنگهام در پژوهشی با عنوان بازآفرینی شهری بزرگ-مقیاس و پایداری: تأملی بر تیپولوژی موانع با بررسی پروژه بازآفرینی شهری ایست‌ساید بیرمنگهام و ارزیابی این برنامه بزرگ-مقیاس به دسته‌بندی موانع موجود بر سر راه این‌گونه پروژه‌ها پرداخته و سه محور موانع ادراکی، موانع سازمانی و موانع اقتصادی را به عنوان چالش‌های این حوزه اقدام معرفی کرده‌اند. این رساله می‌تواند از حیث شناسایی برنامه‌های بزرگ-مقیاس و آسیب‌شناسی آنها به عنوان پیشینه پژوهش مورد استفاده قرار گیرد (Donovan et al, 2005). اسمیت در رساله دکترای خود در دانشگاه بیرمنگهام با عنوان چالش ایجاد فرآیند توسعه پایدار در پروژه‌های بزرگ-مقیاس بازآفرینی شهری؛ تحلیل و ارزیابی پروژه‌های مختلف در شهرهای بزرگ اروپایی تلاش کرده با مطالعه تجارب مطرح به مدلی برای ارزیابی میزان موفقیت پروژه‌های بزرگ-مقیاس دست پیدا کند (Smith, 2011). هرناندز بنیلا در رساله‌ای با عنوان دگرگونی‌های فضاهای عمومی در مرکزیک و گارسیا در رساله‌ای با عنوان فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی: سکونتگاه‌های بوگوتا، به نقش و اهمیت فضاهای عمومی و رویکرد مکان‌سازی و اقدامات کوچک-مقیاس در بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته‌اند و عوامل مؤثر در دخیل نمودن این عناصر را در جریان بهسازی برشمرده‌اند (Hernandez Bonilla, 2004; Garcia, 2010).

جینوت در رساله خود با عنوان بازآفرینی شهری در اروپا بیان می‌کند که شهرها در فرآیند بهسازی و بازآفرینی می‌بایست الگویی را در پیش بگیرند که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی، ساختاری یکپارچه ایجاد کند و بدین منظور لازم است از اقدامات موضعی و پراکنده فاصله گرفته و رویکردی را دنبال نمایند که بتواند از عهده پیچیدگی بافت آنها برآید (Ginot, 2010). گنز و همکاران در مؤسسه تحقیقاتی - تکنولوژیکی کارلسروهه، طی پژوهشی با عنوان پروژه‌های کوچک-مقیاس و توان آنها در بازآفرینی شهری؛ تجربه برگرفته از آلمان شرقی با نقد پروژه‌های بزرگ-مقیاس و اقدامات صرفاً کالبدی در

- 1 Organized Complex Issues
- 2 Project for public space (PPS)

مقیاس شهر، به اهمیت اقدامات در سطح محلی و ابعاد اجتماعی- فرهنگی زندگی پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند علاوه بر ارائه تعریفی مشخص از پروژه‌های کوچک-مقیاس به تبیین توان این پروژه‌ها در بازآفرینی شهری بپردازند (Gotz et al., 2015).

برخی پژوهش‌های دیگر، بر رابطه بین کیفیت زندگی و بازآفرینی شهری تمرکز داشته‌اند. در این پژوهش‌ها، انگاره اصلی این بوده که وقتی بازآفرینی شهری به خوبی تحقق پذیرد، می‌توان انتظار داشت که به ارتقای کیفیت زندگی ساکنین کمک نماید (Bahrami, et al., 2014; McCall, 1975; Myers, 1987; Davidson & Cutter 1991; O'Brien & Eddie, 1991; Grayson & Jung, 1994; Diner & Sahe, 1997; Truck Server & Atalk, 2001). از نظر این پژوهشگران، لازم است تعریفی غنی و جامع از کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه شهری و بازآفرینی شهری مبنای عمل قرار بگیرد. در برنامه‌های بازآفرینی شهری، کیفیت زندگی به طور کلی می‌تواند بر پایه سطح رضایت‌مندی افراد از زندگی‌شان تعریف شود (Lotfi, 2008).

در میان پژوهش‌های داخلی که زیر عنوان بازآفرینی شهری پایدار و اثرات آن بر ارتقای کیفیت محیط انجام شده و در آنها بر نقش مقیاس در مسئله موردنظر در پژوهش پرداخته شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد. رساله‌ی دکتری (Rahimi, 2013) با عنوان مقیاس مکان و دل بستگی؛ ارزیابی تأثیر مقیاس مکانی بر مدل دل بستگی ساکنین سعی داشته با هدف ارتقای دل بستگی ساکنین به سه مقیاس مکانی (خانه، محله و شهر) و تقویت تصویر ذهنی آنها از محله و شهر، ارتباط میزان دل بستگی ساکنین با سه مقیاس مکانی و نیز ارتباط بین عوامل فردی و دل بستگی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (Amiri, 2014) با عنوان طراحی فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد محرک توسعه بر اثرات فضاهای باز عمومی و اهمیت و نقشی که این عناصر می‌توانند در بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی داشته باشند، تأکید شده است. در این کار، مقیاس محله به عنوان مقیاسی مطلوب برای شروع اقدامات بازآفرینی معرفی شده که در طی زمان پیوند کالبدی- عملکردی محله با شهر و قابلیت تکرارپذیری در

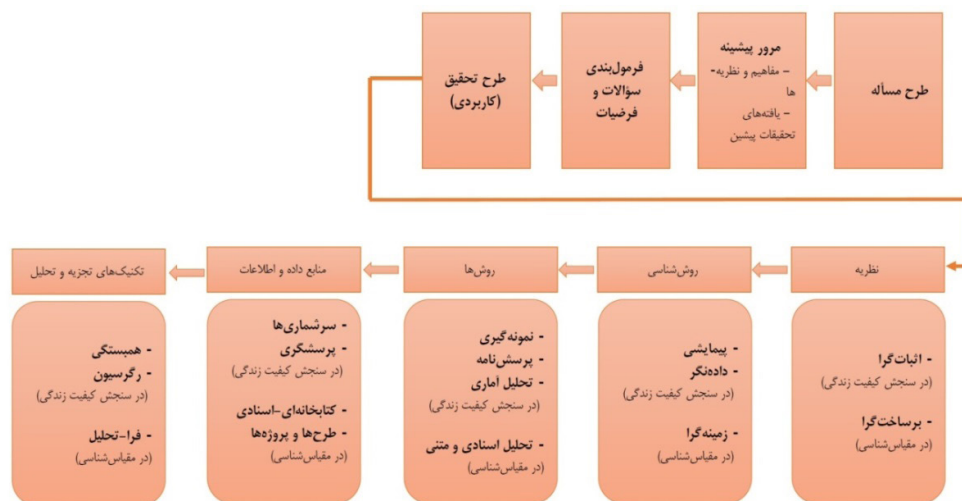
مقیاس شهر را با خود به همراه خواهند داشت؛ زیرا مقیاس محله به عنوان محرک ذاتی توسعه شهری پیش فرض گرفته شده است. کتاب فضاهای عمومی و آینده‌ی مکان‌ها به بررسی و تحلیل نمونه‌های موردی و تجارب برتر جهانی در حوزه‌ی بازآفرینی محدوده‌های ناکارآمد شهری در قالب یک مجموعه پرداخته است (Rusta, et al., 2017). همچنین طرح پژوهشی با نام تحریک توسعه در بافت‌های فرسوده از طریق شبکه اقدامات کوچک-مقیاس مشارکتی در عرصه باز همگانی در سال ۱۳۹۴ به سفارش شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران نیز از جمله پژوهش‌هایی بوده که مفهوم مقیاس جزء محورهای آن تعریف شده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و طرح پژوهش^۱ به عنوان برنامه منطقی انجام آن و به منظور حداکثرسازی اعتبار علمی در تعریف، معیارها و شاخص‌ها، رویه‌ها و شیوه‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و در نهایت، استخراج و استنباط یافته‌های موردنظر، مبتنی بر یک مسیر نظام‌مند بوده که در تصویر زیر قابل مشاهده است.

۲.۱. محدوده مورد مطالعه و جامعه نمونه پژوهش

محدوده‌های مورد مطالعه در این پژوهش شامل محدوده‌ها، محله‌ها و یا محورهای اقدام برنامه بازآفرینی در چهار شهر نمونه در سطح کشور، از جمله رشت، همدان، سنندج و گرگان است. جامعه نمونه پژوهش نیز برای انجام پرسشگری به شیوه تصادفی از بین ساکنین واقع در محدوده‌ها، محله‌ها و یا محورهای اقدام برنامه بازآفرینی و مدیران شهری مربوطه انتخاب شده است. دلیل اصلی انتخاب چنین نمونه‌هایی این بوده که چنین شهرهایی، حاوی تجربیاتی قابل توجه در زمینه اجرای انواع برنامه‌های بازآفرینی بوده است که بر اساس آن می‌توان به طور سیستماتیک به بررسی و ارزیابی نتایج آنها با توجه به اهداف و مسئله مطرح در این پژوهش پرداخت.



تصویر شماره ۱: چارچوب و فرایند روش پژوهش

۳. چارچوب نظری

هر یک از این رویکردها و ربط آنها با یکدیگر وجود داشته باشد، بسیار فراتر از اشاره‌های موجود در این مقاله است. به هر روی، رویکرد نظری مقیاس درست از طریق ایجاد هماهنگی لازم بین عناصر، رویکرد نظری برخورد مؤثر از طریق ایجاد اثربخشی، رویکرد نظری مکان‌سازی پایدار از طریق اثر بر کیفیت زندگی ساکنین هدف و در پایان، رویکرد نظری انتظارات-کارایی از طریق اثر بر رضایت‌مندی، بردارهای اصلی تدوین پرسشنامه برای سنجش وضعیت کیفیت زندگی در نمونه‌های هدف را شکل می‌دهند (تصویر شماره ۲).

چارچوب‌بندی نظری در این پژوهش، صرفاً به منظور استخراج شاخص‌ها و معیارهای پیمایش (پرسشنامه) و برای سنجش کیفیت زندگی در نمونه‌های هدف صورت گرفته است. از این رو، رویکردهای فکری بازآفرینی شهری پایدار، نظریه مقیاس درست، مدل انتظارات-کارایی، مکان‌سازی پایدار و نظریه برخورد مؤثر در این پژوهش صرفاً به عنوان رویکردهای نظری پشتیبان پیمایش مدنظر بوده، گرچه مباحث موجود در این رویکردها و مجموعه مناقشه‌هایی که می‌تواند درباره



تصویر شماره ۲: چارچوب فکری پژوهش

۲. بازآفرینی شهری در طی زمان از شکل ساده‌ی نوسازی یا احیای زیرساخت‌های کهنه و زمین‌های پیش‌تر ساخته‌شده، به سمت ساختاردهی مجدد به بافت‌های شهری، تجدید اقتصاد شهری یا منظر شهری معطوف شده است. در عین حال که در جست‌وجوی تعامل و عدالت اجتماعی بیشتر، مشارکت جمعیت محلی و یکپارچگی اجتماعی و حرفه‌ای آنها به سمت ایجاد بستری چندمنظوره است (Roberts and Sykes, 2000).

سرشت بازآفرینی شهری به طور خلاصه شامل شش ویژگی خاص است: (۱) بازآفرینی شهری یک فعالیت مداخله‌گراست، (۲) عملیات بازآفرینی شهری با فعالیت مشترک بخش‌های مختلف اجتماعی، عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد، (۳) بازآفرینی شهری فعالیتی است که در طی زمان همراه با تحولات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی، تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در ساختارهای اداری به وجود می‌آورد، (۴) بازآفرینی شهری به بسیج تلاش‌های جمعی می‌پردازد و پایه‌ای برای مذاکرات به منظور اتخاذ راه‌حل‌های مناسب است، (۵) فرایند بازآفرینی شهر مبتنی بر عملکرد عناصر مختلف سیستم شهری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) است و (۶) بازآفرینی شهری، مستلزم یکپارچگی در مدیریت تغییر در نواحی شهری است (Urban Task Force, 1990). با توجه به سرشت این رویکرد، اهداف بازآفرینی

۳.۱. رویکرد بازآفرینی شهری پایدار

از نظر رابرتز و سایکس بازآفرینی شهری، فرایندی است که به خلق فضاهای جدید شهری با حفظ ویژگی‌های اصلی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود. بازآفرینی شهری عبارت است از دیدگاهی جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بینجامد؛ به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به همراه داشته باشد (Roberts, 2000). بازآفرینی شهری همچنین با نام تجدید حیات شهری، نوسازی شهری و رنسانس شهری نیز شناخته شده که در زمینه سیاست‌های عمومی، این مفاهیم جدید و متنوع اشاره به مسائلی از قبیل رکود اقتصادی، تخریب‌های زیست‌محیطی، بی‌توجهی به جوامع، رشد بیکاری و برخی از مشکلات اجتماعی داشته که برآمده از مسائل شهری بوده است (Merriam-Webster online, 2014).

از نظر کراچ و همکاران بازآفرینی شهری با رشد مجدد فعالیت‌های اقتصادی در جاهایی که با رکود مواجه شده، احیای عملکرد اجتماعی در جایی که فاقد آن است، تقویت تعاملات اجتماعی در جایی که محرومیت اجتماعی وجود دارد و احیای کیفیت محیطی یا تعادل اکولوژیکی در جایی که از بین رفته، اشاره دارد (Couch et al., 2003).

شهری را می‌توان در موارد زیر ارائه کرد:

- ایجاد یک رابطه بین شرایط فیزیکی فضای شهری و مشکلات اجتماعی،
 - پاسخگویی به نیازهای فضاهای شهری که دائماً در حال تغییرند،
 - بهبود کیفیت زندگی شهری و رفاه اجتماعی با به‌کارگیری احیای اقتصادی و حفاظت از آن و
 - فراهم آوردن راهبردهایی به منظور کنترل پراکنده‌رویی شهرها و استفاده مفید و مؤثر از زمین‌های موجود داخل مناطق شهری (Roberts and Sykes, 2000: 10-17).
- به طور کلی از دهه ۹۰ میلادی به این سو دگرگونی‌هایی در رویکرد بازآفرینی در ابعاد مختلف صورت پذیرفتند که در هم‌سویی با بحث‌های توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گرفتند (Assefa and Frostell, 2007; Hopkins et al., 1997; Blackman, 1995). به طور کلی سیر تکاملی بازآفرینی از توسعه کالبدی دهه ۴۰ و ۵۰ و سپس رفاه اجتماعی دهه ۶۰ میلادی گذر کرده، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی شاهد دیدگاه‌های اقتصادی بوده است. آنگاه مقوله مشارکت اجتماعی محلی در دستورکار قرار می‌گیرد که نمود آن در دهه آغازین سده بیست و یکم در مکان‌های پایدار به عنوان نقطه ثقل پایداری اجتماعی است (Colantonio and Dixon, 2011). در این میان آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است این که وقتی بازآفرینی شهری پایدار به خوبی تحقق پذیرد، می‌بایست به ارتقای کیفیت زندگی کمک نماید.

۳.۱.۱. رویکرد مکان‌سازی پایدار: کیفیت زندگی^۱

با آن که سابقه بحث و گفتار درباره مفهوم مکان به رشته جغرافیا، مطالعات شهری، معماری و برنامه‌ریزی شهری و نظریات اندیشمندان مختلفی از جمله جیکوبز، وایت، لینچ، یی‌فو توان، رلف، السکاندر، شولتز و کرسول (به طور نمونه) بازمی‌گردد اما اشاعه مفهوم مکان‌سازی در ادبیات طراحی و برنامه‌ریزی شهری دنیا سابقه‌ای کمتر از دو دهه دارد. این مفهوم که به‌تازگی وارد ادبیات طراحی و برنامه‌ریزی شهری شده است، اخیراً در دستورکار برخی نهادهای بین‌المللی از جمله برنامه اسکان ملل متحد، بنیاد فضاها و مکان‌های سیستم‌های پیچیده شهری سالم^۲، مکان‌سازی شیکاگو^۳ و برخی نهادهای دیگر با هدف برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای عمومی به‌ویژه در مناطق فرودست شهرها قرار گرفته است (Rusta, et al., 2017: 18). امروزه پژوهشگران بر این مسئله تأکید دارند که چگونه می‌شود یک مکان خوب را ساخت؟ به جای این پرسش که مکان خوب وجود دارد و پژوهشگران باید صرفاً آن را کشف کنند (Arefi, 2011). اجتماع‌های پایدار در واقع مکان‌هایی هستند که مردم می‌خواهند در حال و آینده در آنها زندگی کنند، نیازهای ساکنین موجود و آینده را برطرف می‌کنند، نسبت به محیط‌زیست حساس بوده و در کیفیت بالای زندگی سهم دارند، به خوبی طراحی و ساخته شده‌اند، امن هستند و فرصت‌های برابر و خدمات خوبی

برای همه ارائه می‌دهند. به طور کلی، پژوهش در مورد کیفیت زندگی شهری می‌کوشد تا اثر ترکیبی عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و سعادت شهروندان سنجش نماید. در این میان، دو دسته شاخص عینی و ذهنی در سنجش کیفیت زندگی شهری، مورد توافق صاحب نظران (ODPM, 2003; Hancock, 1999; Dissart, 2000; Project for Public Spaces, 2007) قرار گرفته است.

۳.۱.۲. رویکرد مقیاس شهری^۴: هماهنگی بین عناصر

در فرهنگ واژگان جغرافیای انسانی، مقیاس به عنوان سطح بازنامایی^۵ (Martson, 2000: 220) تعریف شده است. هوویت سه وجه برای مقیاس جغرافیایی قائل است: (۱) اندازه، (۲) سطح و (۳) رابطه (Howitt, 1998). از نظر هوویت باید مقیاس را به عنوان عاملی در ساخت و پویایی کلیت‌های جغرافیایی پنداشت تا این که آن را به صورتی ساده‌انگارانه محصول روابط جغرافیایی دانست. مقیاس همچون محیط، فضا یا مکان، عنصری است که کلیت‌های جغرافیایی را شکل می‌دهد. در کاربست مفهوم مقیاس در اقدامات مداخله شهری نظیر طرح‌های بازآفرینی، مقیاس عاملی برای سنجش، تعریف و ارزیابی حوزه‌ی اثرگذاری و اثرپذیری مداخلات شهری بر حوزه‌های پیرامونی خواهد بود؛ زیرا سرشت درهم‌تنیده‌ی شهر و نیز مفهوم مقیاس باعث می‌شود نتوان این اقدامات را جدای از زمینه و سایر مقیاس‌ها تعریف کرد (Sheppard, et al., 2004; Gotz, et al, 2015).

مک اوور در کتابی با عنوان لمس شهر، تأملاتی درباره مقیاس شهر، بر رسیدن به مقیاس درست^۶ تأکید کرده است؛ یعنی مقیاسی که ساکنین شهری در آن احساس راحتی و آسایش دارند، مقیاسی که سبب می‌شود، افراد، شهر را (به شکل واقعی و استعاره‌ای) لمس کنند، صرفاً درون آن نباشند بلکه با آن باشند. از نگاه او، شهرها ساختاری هستند که در میانه کنش‌های متقابل بین شبکه‌ها و لایه‌ها شکل گرفته‌اند. او مقیاس‌های واسطه‌ای^۷ را به عنوان مقیاسی مطرح می‌کند که دربرگیرنده‌ی چرخه‌ی محیطی و اقتصادی اجزای گوناگون شهر از مقیاس راهبردی تا تاکتیکی است (Makower, 2014: 11-15). از نظر ماکوور، مقیاس‌های واسطه‌ای، بخش بنیادین و اساسی‌ای از ساخت شهرهای موفق هستند؛ آنها الحاق‌کننده دنیای از هم گسیخته‌ی دنیای تجربه هستند، بدین معنا که آنها نه تنها یک چیز را به چیز دیگری، یک بیرون را با درون، بلکه همچنین کلان را با خرد در اتصال و پیوند قرار می‌دهند. مقیاس برای یک طراحی خوب و فهم شهرها اهمیت دارد و هیچ مقیاسی به خودی خود بزرگ یا کوچک و درست یا اشتباه نیست، بلکه وضع آن بستگی به روابطشان دارد؛ هم به شهر باید از دید تحلیلی یک طراح یا برنامه‌ریز نگریست و هم از دید تجربه افرادی که در آن زندگی می‌کنند (Ibid).

۳.۱.۳. رویکرد رضایت‌مندی؛ مدل انتظارات- کارایی^۸

4 Urban Scale Approach

5 Representation

6 Getting the scale right

7 Intermediary Scale

8 Life satisfaction; Expectation-efficiency

1 Sustainable Place-Making; Quality of Life

2 Healthy Spaces & Places Foundation

3 Placemaking Chicago

۴. بحث و یافته ها

۴.۱. تدوین معیارها و شاخص های سنجش کیفیت زندگی بر

اساس چارچوب فکری پژوهش

تدوین معیارها و شاخص های مناسب برای سنجش وضعیت اثربخشی طرح ها و پروژه های بازآفرینی بر حسب تفاوت هایی که در کیفیت زندگی ساکنین هدف ایجاد می کند، اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت. به پشتوانه چارچوب فکری پژوهش که به طور خلاصه اشاره شد، مجموعه ای از معیارهای کیفی (ذهنی) و کمی (عینی) به شرح جدول زیر استخراج شده است. شاخص ها و متغیرهایی که در اینجا، از رویکردهای نظری و تجربیات جهانی و ایران استخراج شده، در نهایت برای تدوین پرسشنامه به خدمت گرفته شده که در گام بعدی پژوهش، نتایج توصیفی و استنباطی آن ارائه شده است. لازم به اشاره است که روایی و پایایی پرسشنامه، بر اساس نظرات هفت کارشناس برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، جامعه شناسی، اقتصاد شهری، آمار، جغرافیای شهری و شیمی حداقل CVR مورد قبول برای هر مقیاس معادل عدد ۰/۹۹ و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه های پژوهش بالاتر از ۰/۷ به دست آمده است. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع مشاهدات مربوط به متغیرها، از آزمون آماری کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده است. این آزمون در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام گرفت و در نهایت فرض نرمال بودن داده ها پذیرفته شد.

۴.۲. نتایج توصیفی پیمایش (پرسشنامه) در نمونه های مورد

مطالعه

با توجه به احراز روایی و پایایی پرسشنامه برگرفته از شاخص ها و معیارهای تدوین شده بر پایه مبانی نظری پژوهش، در گام بعدی پژوهش، پرسشنامه های موردنظر در جامعه های نمونه تکمیل و بخشی از نتایج توصیفی آن درباره میزان رضایت ساکنین از کیفیت زندگی در فضاهای سکونتی متأثر از پروژه های بازآفرینی به شرح تصویر ۳ به دست آمده است.

۴.۳. نتایج استنباطی پیمایش (پرسشنامه) در مجموع

نمونه های مورد مطالعه (رشت، همدان، سنندج و گرگان)

در این گام از پژوهش، نتایج استنباطی پیمایش در مجموعه نمونه های مورد مطالعه به شرح زیر به دست آمده است. همان طور که در تصویر زیر قابل مشاهده است، در این مرحله برای پاسخ به پرسش پژوهش مبنی بر این که، پروژه های بازآفرینی در شهرهای نمونه، از نظر تعداد، انرژی اولیه و آزاد شده و موقعیت مکانی آنها، چه اثراتی بر کارایی پروژه و وضعیت کیفیت زندگی ساکنین هدف داشته است؟ از ضریب همبستگی، آزمون F و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج استنباطی برای سنجش وضعیت همبستگی بین متغیرهای موردنظر در نمونه های مورد مطالعه در مجموع دلالت بر آن داشته است که بین تعداد پروژه های بازآفرینی، انرژی اولیه و آزاد شده پروژه های بازآفرینی و جهت گیری پروژه ها و میزان اثرگذاری آن بر کیفیت زندگی ساکنین هدف رابطه معناداری وجود داشته است.

مفهوم رضایت مندی^۱ اصلی جدایی ناپذیر در برنامه ها و پروژه های بازآفرینی است؛ زیرا مردم در صورتی از یک مکان استقبال کرده و تمایل به زندگی در آن را خواهند داشت که از آن رضایت کافی داشته باشند. پس برای اطمینان از پایداری برنامه های بازآفرینی شهری، رضایت مندی شهروندان را نمی توان نادیده گرفت (Thompson, 2012: 49). در طی دهه های گذشته مطالعات بسیاری در راستای افزایش رضایت مندی شهروندان (ساکنان شهرها) و تقلیل آثار منفی محیط های شهری و همچنین ابعاد اجتماعی آنها صورت پذیرفته و تلاش های چشمگیری در حوزه ی برنامه ریزی پایدار و تجدیدنظر در سیاست های بازآفرینی شهری از جایگاه پایداری به عمل آمده است (Bott, 2012; Carmagni et al., 2001; Girardet, 1999). به عنوان نمونه در پژوهشی (Van Kamp and et al, 2003: 7) نشان داده شد که یک محیط با کیفیت بالا، احساس رضایت را برای افراد از طریق شاخص هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد، به وجود می آورد.

۳.۱.۴. رویکرد برخورد: اثربخشی^۲

مطابق با نظریه برخورد مؤثر، یک واکنش شیمیایی هنگامی روی می دهد که بین ذره های واکنش دهنده برخوردی مؤثر صورت گیرد. برخورد هنگامی مؤثر است و به تولید فرآورده می انجامد که طی آن ذره های برخوردکننده جهت گیری مناسب و انرژی کافی داشته باشند. البته افزایش تعداد برخورد میان ذره ها نیز احتمال وقوع برخوردهای مؤثر را افزایش می دهد. بر اساس این نظریه برای انجام واکنش سه عامل زیرمهم هستند:

۱- تعداد برخورد در واحد حجم و واحد زمان: بدین معنا که افزایش غلظت باعث افزایش احتمال برخورد بین واکنش دهنده ها شده و در نتیجه سرعت واکنش نیز افزایش می یابد.

۲- جهت گیری مناسب ذرات هنگام برخورد: بدین معنا که اگر بخواهیم برخورد بین ذره های واکنش دهنده به واکنش و تولید فرآورده بینجامد، باید این ذره ها در جهت مناسبی به یکدیگر نزدیک شده و یا برخورد کنند.

۳- انرژی کافی ذرات هنگام برخورد: بدین معنا که صرف این که واکنش دهنده ها به هنگام برخورد دارای جهت گیری مناسب باشند، برای شکستن پیوندهای اولیه و تشکیل مواد فرآورده کافی نیست، بلکه برای این امر داشتن انرژی کافی نیز ضروری است. این نشان می دهد چرا در یک واکنش میان واکنش دهنده ها برخوردهای بسیاری انجام می شود اما صرفاً تعداد معدودی سبب تولید فرآورده می شود. در واقع این تعداد اندک از برخوردها همان برخوردهایی هستند که دارای جهت گیری مناسب و در عین حال دارای انرژی کافی هستند. در این زمینه قاسمی و همکاران طی پژوهشی تلاش کرده اند تا اصول نظریه برخورد را به زمینه شهری تعمیم دهند (Ghasemi, et al., 2014).

1 satisfaction

2 Collision Theory: Effectiveness

<p>شهر رشت</p> <p>نتایج نشان می‌دهد، میزان رضایت نسبتاً خوب بوده است. بیشترین رضایت مربوط به شاخص تنوع و سرزندگی با مقدار ۴٫۷۰ از ۵ و کمترین رضایت مربوط به شاخص همکاری و مشارکت با مقدار ۱٫۵ بوده است.</p>	<p>شهر همدان</p> <p>نتایج نشان می‌دهد، میزان رضایت نسبتاً خوب بوده است. بیشترین رضایت مربوط به شاخص دوستانه و تعاملی بودن با مقدار ۴٫۵۱۸ از ۵ و کمترین رضایت مربوط به شاخص همکاری و مشارکت با مقدار ۱٫۸۹ بوده است.</p>
<p>شهر سنندج</p> <p>نتایج نشان می‌دهد، میزان رضایت نسبتاً خوب بوده است. بیشترین رضایت مربوط به شاخص سرزندگی و شادابی با مقدار ۴٫۷۲ از ۵ و کمترین رضایت مربوط به شاخص نظارت و امنیت با مقدار ۱٫۵ بوده است.</p>	<p>شهر گرگان</p> <p>نتایج نشان می‌دهد، میزان رضایت نسبتاً خوب بوده است. بیشترین رضایت مربوط به شاخص تنوع و سرزندگی با مقدار ۴٫۷۰ از ۵ و کمترین رضایت مربوط به شاخص همکاری و مشارکت با مقدار ۱٫۵ بوده است.</p>

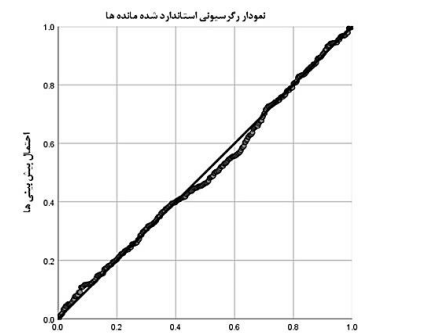
تصویر شماره ۳: وضعیت میزان رضایت کاربران از نظر شاخص‌های کیفیت زندگی در نمونه‌های مورد مطالعه

وابسته (اثربخشی پروژه‌های بازآفرینی) محاسبه کرده و در نهایت یک مدل پیشنهادی ارائه داد. جزئیات نتایج به دست آمده در تصویر ۵ قابل مشاهده است.

۴٫۴. اجرای رگرسیون چندگانه و مدل پیشنهادی
بر پایه نتایج معناداری که از آزمون فرضیه‌های پژوهش به دست آمده، می‌توان یک تابع رگرسیون چندمتغیره تعریف کرده و نقش هر یک از متغیرهای مستقل (پروژه‌ها، انرژی اولیه و جهت‌گیری) را در متغیر

تحلیل مدل					خلاصه مدل				
مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری	شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
رگرسیون	۲۴۸۴۹,۴۲۹	۱	۴۱,۴۴۳	۰,۰۰۰	مدل	۰,۰۰۰	۰,۳۱۴	۰,۰۹۸	۰,۰۹۶
مانده‌ها	۲۲۷۸۵۰,۴۶۹	۳۸۲							
کل	۲۵۲۶۹۹,۸۹۸	۳۸۳							
<p>در جدول فوق با توجه به این که سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر تعداد پروژه‌های بازآفرینی شهری و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۳۱۴ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۰۹۸ شده است. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری است که توسط تعداد پروژه های بازآفرینی شهری تبیین می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر تعداد پروژه های بازآفرینی شهری و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار، متوسط و مستقیم است. همچنین تأثیر تعداد پروژه های بازآفرینی شهری بر میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار بوده و به میزان ۹,۸ درصد است. بر این اساس، هر چقدر تعداد پروژه های بازآفرینی شهری در کلیه شهرها ارتقا یافته، میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری نیز افزایش پیدا کرده و باعث بهبود کیفیت زندگی مردم شده است.</p>									
مدل	مجموع توان دوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری	شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
رگرسیون	۸۷۵۹۲,۶۴۹	۱	۲۰,۵۹۷	۰,۰۰۰	مدل	۰,۰۰۰	۰,۵۸۹	۰,۳۴۷	۰,۳۴۵
مانده‌ها	۱۶۵۱۰۷,۲۴۹	۳۸۰							
کل	۲۵۲۶۹۹,۸۹۸	۳۸۱							
<p>در جدول فوق با توجه به این که سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر انرژی اولیه پروژه‌های بازآفرینی شهری و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۵۸۹ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۳۴۷ شده است. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری است که توسط انرژی اولیه پروژه های بازآفرینی شهری تبیین می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت، رابطه بین دو متغیر انرژی اولیه پروژه های بازآفرینی شهری و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار، متوسط و مستقیم است. همچنین تأثیر انرژی اولیه پروژه های بازآفرینی شهری بر میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار بوده و به میزان ۳۴,۷ درصد است. بر این اساس، هر چقدر انرژی اولیه پروژه های بازآفرینی شهری در کلیه شهرها بیشتر بوده، میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری نیز افزایش پیدا کرده و باعث بهبود کیفیت زندگی مردم شده است.</p>									
مدل	مجموع توان سوم داده‌ها	درجه آزادی	آماره F	سطح معناداری	شاخص‌ها	سطح معناداری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
رگرسیون	۹۴۶۱۱,۴۷۹	۱	۲۲۷,۴۱۹	۰,۰۰۰	مدل	۰,۰۰۰	۰,۶۱۲	۰,۳۷۴	۰,۳۷۳
مانده‌ها	۱۵۸۰۸۸,۴۱۹	۳۸۲							
کل	۲۵۲۶۹۹,۸۹۸	۳۸۳							
<p>در جدول فوق با توجه به این که سطح معناداری از ۰,۰۵ کوچکتر شده است، نتیجه می‌گیریم مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر موقعیت مکانی پروژه های بازآفرینی در شهر نسبت به سایر پروژه‌ها (جهت‌گیری پروژه‌ها) و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار است. از طرفی مقدار ضریب همبستگی ۰,۶۱۲ شده، بیانگر این موضوع است که نوع رابطه بین دو متغیر مستقیم و متوسط است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰,۳۷۴ شده است. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری است که توسط موقعیت مکانی پروژه‌های بازآفرینی در شهر نسبت به سایر پروژه‌ها (جهت‌گیری پروژه‌ها) تبیین می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده از اجرای رگرسیون می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر موقعیت مکانی پروژه‌های بازآفرینی در شهر نسبت به سایر پروژه‌ها (جهت‌گیری پروژه‌ها) و میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار، متوسط و مستقیم است. همچنین تأثیر موقعیت مکانی پروژه های بازآفرینی در شهر نسبت به سایر پروژه‌ها (جهت‌گیری پروژه‌ها) بر میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری معنادار بوده و به میزان ۳۷,۴ درصد است. بر این اساس، هر چقدر موقعیت مکانی پروژه های بازآفرینی در شهر نسبت به سایر پروژه‌ها (جهت‌گیری پروژه‌ها) در شهر بهتر بوده، میزان اثرگذاری برنامه بازآفرینی شهری نیز افزایش پیدا کرده و باعث بهبود کیفیت زندگی مردم شده است.</p>									

تصویر شماره ۴: نتایج استنباطی و آزمون فرضیه‌های پژوهش

بررسی شروط رگرسیون					
بررسی شاخص های رگرسیون			نرمال		
شاخص ها	معيار Tolerance	معيار Vif	فاصله ماها لاناوبیس	فاصله کوک	دروبین-واتسون
مدل	۰,۲۵	۳,۳۹۴	۱۳,۵۸	۰,۹۵	۱,۷۱۶
تعداد پروژه ها	۰,۳۳	۳,۳۰۱	-	-	-
انرژی اولیه	۰,۳۶	۲,۷۴۳	-	-	-
جهت گیری	۰,۱۸	۵,۵۸۶	-	-	-
<p>با توجه به نتایج جدول فوق از آنجا که برای سه متغیر تعداد پروژه ها، انرژی اولیه و جهت گیری مقدار $Tolerance > 0.1$ و $Vif < 10$ شده است، بنابراین عدم وجود پدیده هم-خطی تأیید می شود. با توجه به این که مقدار $Mahala = 13.58 < 15.74$ و $Cook = 0.95 < 1$ شده، بنابراین عدم وجود داده پرت تأیید می شود. همچنین با توجه به این که مقدار آماره دروین-واتسون برابر ۱,۷۱۶ شده که عددی بین (۱/۵-۲/۵) است، فرض ناهمبسته بودن خطاها پذیرفته می شود.</p>					
نرمال بودن مانده ها			ثابت بودن واریانس خطاها		
 <p>نمودار براکتش</p>			 <p>نمودار رگرسیونی استاندارد شده مانده ها</p>		
<p>در نمودار فوق با توجه به این که نقاط الگوی نظام مندی (شکل کیفی) به خود نگرفته اند، بنابراین هر دو فرض ثابت بودن واریانس خطاها و معنادار بودن مدل خطی پذیرفته می شود.</p>					
اجرای رگرسیون					
خلاصه مدل			تحلیل مدل		
شاخص ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف از برآورد	مدل
مدل	۰,۶۳۲	۰,۳۹۹	۰,۳۹۳	۰,۳۵۳۶۴	
<p>در جدول فوق ضریب همبستگی متغیرهای تعداد پروژه ها، انرژی اولیه و جهت گیری با متغیر وابسته (اثربخشی) برابر ۰/۶۳۲ شده که مقدار بسیار بالایی است. همچنین با توجه به این که ضریب تعیین برابر ۰,۳۹۹ شده و عددی قابل قبول است، می توان نتیجه گرفت که به درستی به دنبال برآورد رفته ایم. این عدد نشان دهنده درصدی از تغییرات متغیر وابسته طرح است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل طرح یعنی پروژه ها، انرژی اولیه و جهت گیری در مجموع به میزان ۳۹,۹ درصد از تغییرات متغیر اثربخشی را تبیین می کنند و توضیح می دهند و ۳۹,۹ درصد باقی مانده مربوط به عوامل دیگر است که در طرح حضور ندارند.</p>					
ضرایب مدل					
مدل	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
ضریب ثابت	۱۲,۵۳۶	۶,۳۵۴	۰,۰۰۰	۱۷,۷۳۴	۰,۰۰۰
تعداد پروژه ها	۳,۲۵	۱,۰۳۵	۰,۰۶۹	۳,۱۴	۰,۰۰۷
انرژی اولیه	۲,۰۳	۰,۹۹۹	۰,۰۴۳	۲,۰۵	۰,۰۰۸
جهت گیری	۶,۶۶	۱,۰۰۰	۰,۱۹۹	۶,۶۵	۰,۰۰۵
<p>در جدول بالا با توجه به این که برای ضریب ثابت، پروژه ها، انرژی اولیه و جهت گیری سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ شده است، بنابراین هر پنج ضریب معنادار هستند و در مدل باقی می ماند.</p>					
مدل پیشنهادی					
$Y = 12.536 + (2.03) \times \text{انرژی اولیه} + (6.66) \times \text{جهت گیری} + (3.25) \times \text{تعداد پروژه} + \text{اثربخشی}$					
<p>مدل به دست آمده بالا بیانگر این موضوع است که در پژوهش حاضر، متغیرهای مستقل یعنی پروژه ها، انرژی اولیه و جهت گیری می توانند متغیر وابسته یعنی اثربخشی را پیش بینی کنند.</p>					
تصویر شماره ۵: اجرای رگرسیون چندگانه و مدل پیشنهادی					

۵. نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده برای پرسش نخست پژوهش، مبنی بر این که، چرا و بر پایه کدام عقلانیت‌ها، مفهوم مقیاس و وجوه گوناگون آن باید در محوریت برنامه‌های بازآفرینی شهری قرار بگیرد و چنین محوریتی چگونه می‌تواند به کارآمدترسازی برنامه‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین شهری هدف کمک کند؟ نشان می‌دهد که امروزه، برخلاف رویکردهای گذشته که برنامه‌ها و پروژه‌های ملی (دولتی) در قالب طرح‌های نوسازی بزرگ-مقیاس انجام می‌گرفت، باید در قالب برنامه‌ها یا پروژه‌های محلی و طرح‌های بازآفرینی کوچک-مقیاس اما در یک یکپارچگی منطقه‌ای عمل کرد. به بیان دیگر، شرایط حاکم بر شهرها و مناطق کلانشهری امروزی در برخوردگاه‌های محلی-جهانی قرار گرفته‌اند و برای آن که بتوان به اثربخشی معناداری در کیفیت زندگی ساکنین هدف دست یافت، لازم است در مسیر جذب سرمایه‌های سیال و حفظ سطح رقابت‌پذیری جهانی در پروژه‌های کوچک-مقیاس محلی در قالب طرح‌های مکان‌سازی عمل نمود.

افزون بر این، امروزه از مفهوم مقیاس به طور کلی برای اشاره به ابعاد فضایی، زمانی، کمتی یا تحلیلی استفاده می‌شود. چنین استفاده گسترده‌ای از مفهوم مقیاس در برنامه‌های بازآفرینی شهری و اهمیت جایگاه آن در کارآمدترسازی برنامه‌ها و ارتقای کیفیت زندگی ساکنین شهری هدف، بیانگر چهار نکته کلیدی بوده است: (۱) این که چگونه مقیاس بر شناسایی الگوها اثر می‌گذارد (نظیر نوع متغیرها و شاخص‌های مورد نظر در پژوهش)، (۲) این که مقیاس چگونه بر تبیین پدیده‌های شهری (فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی) اثر می‌گذارد (نظیر نگاه ارتباطی، درهم پیوند و شبکه‌ای به عناصر موجود در شهر و نه نگاه قلمرویی و مجزا)، (۳) این که چگونه گزاره‌های نظری به دست آمده درباره پدیده‌ها در یک مقیاس فضایی، ممکن است به سطح دیگر تعمیم داده شود (نظیر کاربست نظریه برخورد مؤثر در علم شیمی در برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار) و (۴) این که چگونه فرایندهای می‌تواند در نقاط یا مناطق خاصی در یک مقیاس بهینه‌سازی شود (نظیر بهینه‌سازی مقیاس بازآفرینی در سطح مکان‌سازی برای اثربخش‌ترسازی آن در کیفیت زندگی ساکنین). بر این اساس می‌توان گفت که مقیاس عامل تعیین‌کننده‌ای در بازشناخت الگوها، تبیین پدیده‌ها، تعمیم‌بخشی نتایج و بهینه‌سازی برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی و دستیابی به رضایت‌مندی و کارایی است.

نتایج به دست آمده برای پرسش دوم پژوهش نشان می‌دهد که در کلیه شهرهای نمونه، همبستگی بین تعداد پروژه‌های بازآفرینی، انرژی اولیه پروژه‌های بازآفرینی شهری و موقعیت مکانی پروژه‌های بازآفرینی در شهر و اثرگذاری آنها بر کیفیت زندگی ساکنین هدف، معنادار بوده است. با توجه به معنادار شدن این رابطه (همبستگی) و احراز شرایط لازم برای ارائه مدل پیش‌بینی در این زمینه، یک مدل رگرسیونی چندمتغیره پیشنهاد شده است. در این مدل پیشنهادی، ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل (تعداد پروژه‌ها، انرژی اولیه و جهت‌گیری پروژه‌ها) با متغیر وابسته (اثربخشی) حدود ۶۲/۵ بوده است. افزون بر این، ضریب تعیین در مدل ۳۹/۹ به دست آمده است، این بدان معناست که متغیرهای مستقل (تعداد پروژه‌ها، انرژی اولیه و جهت‌گیری پروژه‌ها) سرجمع، حدود ۴۰ درصد از تغییرات در

متغیر وابسته (اثربخشی) را تبیین می‌کنند و مدل به دست آمده بیانگر این موضوع است که در پژوهش حاضر عوامل پروژه‌ها، انرژی اولیه و جهت‌گیری می‌توانند چگونگی اثربخشی بر کیفیت زندگی ساکنین شهری هدف را پیش‌بینی کنند.

نتایج به دست آمده به پرسش‌ها و فرضیه‌های طرح شده در این پژوهش، در مجموع، دلالت بر چند موضوع اساسی در این زمینه دارد: نخست آن که، حذف یا نادیده‌انگاری مقیاس‌های ضروری شهری به ویژه مقیاس‌های خرد (محلی) از یک سو و مقیاس‌های جهانی از سوی دیگر که در میانه مقیاس ملی قرار گرفته‌اند، سبب بروز مشکلات و مسائل بسیاری در وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شده است. از این رو، توجه و تأکید بر مقیاس‌های محلی-جهانی و بر پایه انگاشتی ارتباطی از آنها، تبدیل به یک ضرورت اساسی برای اثربخشی و کارایی برنامه‌ها و پروژه‌های بازآفرینی در همه شهرهای جهانی، از جمله ایران شده است. دوم، در بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های بازآفرینی شهری، از رویکردها و انگاره‌هایی استفاده می‌شود که عموماً مبتنی بر فرایندهای ساده‌سازی بین متغیرها و عناصر موجود در کلیت شهری است؛ یکی از این رویکردها و انگاره‌ها، درک مفهوم مقیاس صرفاً بر حسب اندازه فیزیکی پروژه و یا حجم سرمایه مالی اختصاص داده شده به پروژه است و یا مقیاس را بر پایه یک دوگانه‌انگاری ساده خرد و کلان در نظر می‌گیرد. این در حالی است که فضاهای شهری، کلیت‌های پیچیده هستند و مقیاس‌های شهری نیز نه تنها از یکدیگر مجزا، تفکیک یافته و یا سلسله‌مراتبی نیستند، بلکه درهم نفوذ پیدا کرده، باهم همپوشانی دارند و بر مبنای یک فرایند ارتباطی عمل می‌کنند. توجه و حساسیت‌های اخیر نسبت به مفهوم و جایگاه مقیاس در برنامه‌های بازآفرینی شهری و مکان‌سازی شهری، زمینه‌گذار از طرح‌ها و برنامه‌های مبتنی بر نظم‌بخشی هندسی به شهر در قالب پهنه‌بندی‌های کارکردی و درک روابط بین متغیرها به شکل هندسی-خطی به نظم‌های ارگانیک، پیچیده، غیر-خطی، از پایین به بالا و خودانگیخته شده است.

سوم، اشاره به یک گذار پارادایمی در نظریه برنامه‌ریزی شهری دارد. آنچه از تحلیل‌ها و نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان استنتاج نمود، بیانگر یک گذار از برنامه‌ریزی بر اساس استانداردهای زندگی به پارادایم برنامه‌ریزی بر اساس کیفیت زندگی است. روشن است که این گذار، به معنای عبور از برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر شاخص‌ها به برنامه‌ریزی مبتنی بر رضایت‌مندی هاست. از جمله دلالت‌های دیگر این گذار پارادایمی، تأکید بر نگاهی زمینه‌گرا و بساختی به مجموعه مؤلفه‌ها و متغیرهایی است که برنامه‌ریزی شهری با آنها سروکار دارد، به طوری که این مؤلفه‌ها، متغیرها و شاخص‌ها، برخلاف گذشته، دیگر به عنوان چیزهایی عاری از ارزش‌گذاری، بی‌طرف، خنثی، تعمیم‌پذیر و جهان‌گستر تلقی نمی‌شوند، بلکه آنها را باید در زمینه‌ها و کنش‌های مربوط به آنها، دریافت و توضیح داد و بازآفرینی شهری پایدار نیز استثنایی بر این ملاحظه و تأکید نخواهد بود.

در پایان آنچه این پژوهش را از سابقه مطالعاتی خود متمایز ساخته، علاوه بر نگاهی فراساحتی به مفهوم مقیاس در معنای سنتی آن که منجر به بازنگوشی^۱ در مفهوم شناسی مقیاس گردیده، بروندادهای کاربردی متمایزی است که در حوزه برنامه‌ریزی شهری ارائه نموده

- from European Cities.
- Couch. (1990) *Urban Renewal: Theory and Practice* [Chapter 1 covers post-war approaches to the reconstruction of urban areas], Basingstoke: Macmillan.
 - Dissart, J.C., Deller, S.C., 2000. Quality of life in the planning literature. *J. Plann. Lit.* 15 (1), 135–162.
 - Donovan, R. et al., (2005) *LARGE-SCALE URBAN REGENERATION and SUSTAINABILITY: REFLECTIONS ON THE 'BARRIERS' TYPOLOGY*. School of Geography, Earth and Environmental Sciences, University of Birmingham.
 - Ghasemi, Morvarid et al. (2014), *Stimulating development in urban contexts through a network of micro-scale participatory measures in the public open field*. Urban Engineering, Iran Urban Reconstruction Company. [in Persian]
 - GINOT, B., (2010) *Urban regeneration in Europe: state of art and perspective, an analytical study interrogating sustainability*, THESIS SUBMITTED FOR DEGREE OF master of science in design and construction management program, Department of Civil and Environmental Engineering, CHALMERS University of technology. Girardet H (1999) *Creating Sustainable Cities*. Green Books, Devon, UK.
 - Girardet, H. (1999), *Creating Sustainable Cities* (Schumacher Briefings 2), Green Books Ltd, Devon.
 - GÖTZ, C., COOPER, I., & SHAPIRA, K., (2015) *Small-Scale Projects and Their Potential for Urban Regeneration: Experiences from Eastern Germany*. *ECONOMIC AND BUSINESS REVIEW*, VOL. 17 (2): pp 203-222.
 - Gouverneur D., (2014). *Planning and Design for Future Informal Settlements: Shaping the Self-Constructed City*. Routledge, Taylor & Francis.
 - Hancock, P, A., (1999) *Human Performance and Ergonomics*, CA: Academic Press.
 - Hernandez Bonilla, M., (2004). *Transforming public spaces in Mexico: the case of colonias populares in Xalapa*, A Thesis Submitted to the University of Newcastle upon Tyne for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of Humanities and Social Sciences School of Architecture, Planning and Landscape, University of Newcastle upon Tyne.
 - Hernandez Garcia, J., (2010) *Production and Consumption of Open Spaces in Popular Settlements in Bogotá*, A Thesis Submitted to the University of
- است. به عبارت دیگر یافته های تحقیق با به چالش کشیدن نگاه جاری برنامه ریزان و طراحان شهری نسبت به سیاست بازآفرینی شهری پایدار، به اهمیت داشتن رویکردهای فراگیر در تعریف پروژه های مکان سازی شهری تأکید داشته و این ضرورت را نه تنها از نگاه کالبدی همانند مطالعات مکور در شناخت مقیاس شهری بلکه از نگاه چند رشته ای با تأکید بر رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در سه لایه روابط، سطح و اندازه پروژه ها در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و دستیابی به رضایتمندی آنان از زندگی در مکان ها تعریف نموده است (Makower, 2014). همچنین به نظر می رسد بسط و غنی تر نمودن یافته های این تحقیق در حوزه برنامه ریزی و طراحی شهری نیازمند انجام پژوهش هایی نظیر تدقیق مفهوم مقیاس در سطح و روابط اثربخش اجتماعی-فرهنگی در پیوستار شکل گیری مکان ها و شناسایی سطح و روابط اثربخش اقتصادی در پیوستار شکل گیری مکان هاست.

References:

- Alexander, K. (2001) *The city is not a tree*, (translated by Farshad, Farnaz; Golrokh, Shamin), Tehran, Armanshahr. [in Persian]
- Amiri, N. (2014) *Design of public open space in the reconstruction of informal settlements with a development stimulus approach* (Case study: Hesar Bala neighborhood, Karaj city), master's thesis. Bu Ali Sina University, Faculty of Art and Architecture, Hamadan. [in Persian]
- Arefi, Mahyar (2018) *Exploring the concept of location: needs - opportunities and assets*. Cultural Research Office. Tehran. [in Persian]
- Assefa G. and Frostell B. (2007), *Social Sustainability and Social Acceptance InTechnology Assessment: A Case Study of Energy Technologies*, *Technologies in Society* (29): 63-78.
- Bahraini, H., Izadi, M. and Mofidi, M. (2014) *Approaches and policies of urban renewal; From Reconstruction to Sustainable Urban Reconstruction*, *Motaleate Shahri*, 3 (9), 17-30. [in Persian]
- Blackman, T., (1995) *Urban Policy in Practice*, London, Routledge.
- Brenner, N., (2019) *New Urban Spaces: Urban Theory and the Scale Question*. New York: Oxford University Press.
- Carmagni R., Capello R and Nijkamp, P. (2001) *Managing sustainable urban environments*. In *Handbook of Urban Studies* (Paddison R (ed.)). Sage, London, UK, pp. 124–139.
- Colantonio, A., Dixon, T. J. (2011). *Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice*

- Newcastle upon Tyne for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of Humanities and Social Sciences School of Architecture, Planning and Landscape, University of Newcastle upon Tyne.
- Hopkins, C., Benjamin. C. and Carter. A. (1997) *Regeneration - Some Legal and Practical Issues* BURA. London
 - Hospers, G-J., (2014) *Policy Responses to Urban Shrinkage: From Growth Thinking to Civic Engagement*. *European Planning Studies*, 22 (7): pp 1507-1523
 - Howitt, Richard, (2003) *Scale*. In: Agnew, John, Mitchell, Katheryne, Toal, Gerard (eds.), *A Companion to Political Geography*. Blackwell, Oxford, pp 138–157.
 - Jacobs, J., (2017) *Death and Life of Major American Cities*, (Hamidreza Parsi and Arezoo Platoni), University of Tehran Press, Tehran. [in Persian]
 - Lawless, P. (2011) *Understanding the scale and nature of outcome change in area-regeneration programmes: evidence from the New Deal for Communities Programme in England*. *Environment & Planning C: Government & Policy*, 29 (3), pp. 520-532.
 - Levent, T. B., & Nijkamp, P. (2006). *Quality of urban life: A taxonomic perspective*. *Journal of Studies in Regional Science*, 36(2), 269-281.
 - Lotfi, S. (2011). *Culture-led Regeneration: A Reflection upon Cultural Fundamentals and the Act of Regeneration*. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va Shahrsazi*, 3(45), 49-62. [in Persian]
 - Makower, Timothy. 2014. *Thoughts on Urban Scale*. West Sussex: Wiley Blackwell.
 - Massam, B. H. (2002). *Quality of life: public planning and private living*. *Progress in Planning*, 58(3), 141–227. doi:10.1016/s0305-9006(02)00023-5.
 - Ng, M. K. (2005) *Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong* *Social Indicator Research* 71: 441-465.
 - ODPM (2003) *Creating sustainable communities: making it happen, Thames Gateway and the growth areas*. ODPM, London.
 - Rahimi, L. (2013) PhD Thesis “Place Scale and Attachment, Evaluating the Impact of Spatial Scale on Resident Attachment Model”, Isfahan University of Arts. Esfahan. [in Persian]
 - Roberts, P. and Sykes, H. (eds.) (2000) *Urban Regeneration: A Handbook*, London: Sage.
 - Roberts, P., (2000) *The evolution, definition and purpose of urban regeneration*, in P. Roberts and H. Syke (eds.). *Urban Regeneration, A Handbook*. British Urban Regeneration Association, SAGE Publications, London, 9–36.
 - Rusta, M., Sahizadeh, M., Amiri, N. (2018) *Public spaces and the future of places*. Publications of Iran Center for Architectural and Urban Studies and Research Studies. [in Persian]
 - Safaeipour, M. Zarei, J. (2017). *COMMUNITY-BASED PLANNING AND URBAN RENEWAL, SUSTAINABLE WORN TISSUE WITH AN EMPHASIS ON SOCIAL CAPITAL CASE STUDY: JOLLAN NEIGHBORHOOD OF HAMADAN. GEOGRAPHICAL PLANING OF SPACE*, 7 (23), 135-150. [in Persian]
 - Shorcheh, M. (2015) *New Perspectives on Urban Systems*, Parhamnaghesh Publications, Tehran. [in Persian]
 - Smith, Mark K., (2011) ‘Neighborhoods and regeneration: Theory, practice, issues’, the encyclopaedia of informal education.
 - Swyngedouw, E., (1997) *Neither global nor local: ‘Glocalization’ and the politics of scale*. In Cox, K. R. (ed.) *Spaces of Globalization*, pp 137-166. New York: Guildford Press.
 - Thompson J (2012) *Sustainable urbanism*. In *GreenAge: Approaches and Perspectives towards Sustainability* (Ergonul S, Kocabas A, Erbas E, Gundes S, Karaosman S and Eren O (eds)). Mimar Sinan Fine Arts University, Istanbul, pp. 47–65.
 - UN Habitat., (2010) *State of the World’s Cities 2010/2011: Bridging the Urban Divide*. Earthscan, James & James. Report of UN HABITAT.
 - UN-HABITAT., (2014). *Streets as Tools for Urban Transformation in Slums*, UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd.
 - UN-HABITAT., (2013) *UN-Habitat Global Activities Report; Our Presence and Partnerships*, in: www.unhabitat.org.
 - Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & de Hollander, A. (2003). *Urban environmental quality and human well-being*. *Landscape and Urban Planning*, 65(1-2), 5–18. doi: 10.1016/s0169-2046(02)00232-3.
 - Van Ryzin, G., (2004) *Expectations, performance, and citizen satisfaction with urban services*. Wiley online library.

نحوه ارجاع به مقاله:

روستا، مجید؛ سلیمانی، محمد؛ صرافی، مظفر؛ رفیعیان، مجتبی؛ (۱۴۰۰) تحلیل مقیاس طرح‌های بازآفرینی شهری و اثرات آن بر کیفیت زندگی ساکنان با تأکید بر تجربه ایران، مطالعات شهری، 10 (41)، 99-112. doi: 10.34785/J011.2022.404/Jms.2022.112

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



extraction and inference of the findings. Two contextual methodologies have been adopted to analyze the concept of scale, along with a survey-data methodology used to measure the quality of life. The data and information sources include censuses and questionnaires, library documents, programs and designs, and techniques of analysis, including correlation and regression (used to measure the quality of life), and meta-analysis (used to identify the scale). A set of qualitative (subjective) and quantitative (objective) criteria has been extracted in accordance with the theoretical framework of the research. The indicators and variables extracted from theoretical approaches and global and Iranian experiences have finally been used to compile a questionnaire, the descriptive and inferential results of which have been presented in the next step of the research.

Results and Discussion

The results obtained for the first question of the research demonstrate that the approaches should be implemented as local small-scale regeneration projects operated in regional integration, unlike previous approaches, in which national (government) programs and projects have been implemented as large-scale renovation projects. In addition, the concept of scale is generally used today to refer to the spatial, temporal, quantitative, or analytical dimension. Scale is also a determining factor in pattern recognition, phenomenon explanation, result generation, and program and plan optimization for regeneration and achievement of satisfaction and efficiency.

The results obtained for the second research question indicate the significance of the correlations between the number, initial energy, and locations of urban regeneration projects in all the sample cities and their impacts on target residents' quality of life. Given the importance of this relationship (correlation) and fulfillment of the requirements for presentation of the prediction model in this field, a multivariate regression model has been proposed. The obtained model indicates that the factors of projects, initial energy and orientation can predict how target urban residents' quality of life is affected in the present study.

Conclusion

Finally, what distinguishes this research from similar studies in the literature is the distinct practical outputs that it has presented in the field of urban planning as well as the focus beyond the concept of scale in its traditional sense, which has disturbed its meaning. The research findings challenge the current attitudes of urban planners and designers towards sustainable urban regeneration policies, emphasizing the significance of holistic approaches in the definition of urban place-making projects. The need has been defined not only from a physical point of view, as in Makower (2014), in the recognition of the urban scale but also from a multidisciplinary perspective, with an emphasis on socio-economic and physical approaches in the three layers of project relationships, level, and size for improvement of citizens' quality of life and realization of their satisfaction with life in places. It seems that expansion and enrichment of the findings of this research in the field of urban planning and design requires further research, refining, for example, the concept of scale at the place level and effective socio-cultural relationships on the place formation continuum and identifying the appropriate level and effective economic relationships on the continuum.

Keywords: urban regeneration, scale, sustainability, quality of life, place-making.

Citation: Rousta, M., Soleimani, M., Sarrafi, M., Rafieian, M., (2022) Scale analysis of urban regeneration projects and its effects on the quality of life of residents with emphasis on the Iran experience, *Motaleate Shahri*, 10(41), 99–112. doi: 10.34785/J011.2022.404/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Scale analysis of urban regeneration projects and its effects on the quality of life of residents with emphasis on the Iran experience

Majid Rousta¹ - Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Mohammad Soleimani - Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Muzaffar Sarrafi - Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mojtaba Rafieian - Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 23 January 2021 Accepted: 11 June 2021

Highlights

- Improvement of residents' quality of life
- Scale in urban regeneration programs and plans
- Unorganized, poor urban neighborhoods
- Statuses of urban regeneration projects in Iran and impact of project efficiency and residents' quality of life

Extended abstract

Introduction

One of the most important challenges in today's metropolises is the existence of unhealthy, poor urban neighborhoods in the peripheries. A series of regeneration policies and plans have sought to meet such a challenge over the twentieth century to provide a better quality of life for residents of such impoverished urban spaces. Such measures have hardly been successful, however. This study has assumed that a major reason for such failures has been the lack of concern for scale in urban regeneration plans and schemes. Accordingly, two main questions have been raised here. The first pertains to the reason why the concept of scale should lie at the heart of an urban regeneration plan and to the way in which such a focus can improve plans and upgrade the quality of life in an urban residence. The second question concerns the status of urban regeneration based on the criteria and indicators considered in this study and the effects it can have on project efficiency and target residents' quality of life.

Theoretical Framework

The theoretical framework of this study has been set only to extract the indicators and criteria of the survey (questionnaire) and to measure the quality of life in the target samples. Therefore, the intellectual approaches of sustainable urban regeneration, right scale theory, expectation-efficiency model, sustainable place-making, and collision effectiveness theory have been considered in this research simply as theoretical approaches supporting the survey. However, the arguments made in these approaches and the set of controversies that can arise about each along with the relationships between them go far beyond the references cited in this article. After all, the main components of the questionnaire for assessment of the quality of life in the target samples include the theoretical approach of the right scale, providing the required coordination between the elements, the theoretical approach of collision effectiveness, providing effectiveness, the theoretical approach of sustainable place-making, affecting target residents' quality of life, and the theoretical approach of expectation-efficiency, affecting satisfaction.

Methodology

The present applied research has been designed as a systematic logical plan seeking to maximize scientific validity in the definitions, criteria, indicators, procedures, and methods of data collection and analysis and in the information and

1 Responsible author: roustamajid@gmail.com

Citation: Fakhr Ahmad, S.M., Lotfi, S., Zolghadri, G., Namdari Noruzani, Z., (2022) Investigating the Impact of Street Music Performance on the Public Life in Urban Spaces: the Case Study of Public Realms of Shiraz, Motaleate Shahri, 10(41), 85–98. doi: 10.34785/J011.2022.654/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



citizens in voluntary activities. Temporary communication among people in public spaces creates a third form of activity, namely social activity, which could be performed either actively or passively. The latter is more important to public life researchers because livable spaces are those where a variety of social activities are held.

One of the most important events that occur at music venues is the provision of the opportunity to gain more knowledge of other people's cultures, which realized through face-to-face interactions with other people at such places. A Music venue can also define the identity of a street or neighborhood or evoke shared memories of a community.

Urban soundscape is affected much more by street music performances than urban landscape. Sounds heard at public spaces are twofold: main sounds and background sounds, which could lead to different perceptions of soundscape at these spaces.

Therefore, street music performance plays a significant role in the revitalization of the urban public realm by attracting people in both static and dynamic modes, on the one hand, and encouraging their long-term interaction with each other, on the other.

Methodology:

The present descriptive-analytical study used data obtained through distribution of 250 questionnaires, in the form of a Likert scale, randomly among people present at six sites of street music performance in the city of Shiraz, Iran. Ordinal logistic regression was carried out to obtain the main predictors of presence at the street music venues. The dependent variables included the tendency to perform voluntary activities, the tendency to perform active social activities, and the tendency to perform passive social activities. The independent variables fell into two categories: the environmental factors associated with music performance in urban spaces, including perceived security, sense of pleasure, place identity, and psychological comfort, and the internal factors associated with music performance in urban spaces, including interest in music, performance venue, performers' mobility, and music sound clarity.

Results and discussion:

The results of the ordinal logistic regression analysis indicated that passive social presence was affected by street music performance more than the other two components. Moreover, environmental factors relevant to street music had predominant impacts on the citizens' attendance of these urban spaces as compared to internal factors. Of the significant predictors of voluntary presence, gender, sound clarity, and sense of pleasure were found to be the most important among all the variables, the internal variables, and the environmental variables, respectively. Passive social presence was mainly determined by the sense of pleasure, the most effective factor in both the complete model and the set of environmental features, and by sound clarity, the most effective factor in the set of internal variables. Active social presence was predicted mainly by gender, perceived security, and sound clarity, the most important factors in the sets of all variables, environmental variables, and internal variables, respectively.

Conclusion:

Based on the results derived from the case study, a policy was proposed to provide the venues with advanced equipment and adapt the musicians' technical levels given the importance of each space in order to increase the vibrant attendance of the public realm. Another suggestion was to apply a policy combined with incentives and deterrent initiatives to adjust the environmental quality of the venues.

Keywords: Street Music, Sociability, Public Realm, Voluntary Presence, Social Presence.

Investigating the Impact of Street Music Performance on the Public Life in Urban Spaces

the Case Study of Public Realms of Shiraz

Seyed Mojtaba Fakhrahmad¹ - School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Sahand Lotfi - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Golrokh Zolghadri - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Jondi Shapoor University, Dezful, Iran.

Zahra Namdari Noruzani - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Jondi Shapoor University, Dezful, Iran.

Received: 17 April 2021 Accepted: 03 October 2021

Highlights

- Internal and environmental features relevant to street music are investigated to allow discovery of the predictors of the sociability of the public realm.
- Voluntary presence, active social presence, and passive social presence are examined as three types of public life characteristic.
- Environmental factors have a predominant impact on the citizens' attendance of music performance venues as compared to internal factors.

Extended abstract

Introduction

The physical expansion of cities and the proliferation of motor vehicle use have led to the fact that contemporary public spaces are less primed to people's daily commute. In such circumstances, cultural events held at the heart of the urban settings turn up essential to the improvement of the socialization potentials of the public realm. Street music is a type of cultural micro-event emerging in the public domain, which affects the public life of urban spaces by boosting the socio-cultural qualities of the public realm. The purpose of this study was to compare the impacts of the different forms of citizen presence in public spaces, including voluntary presence, inactive social presence, and active social presence during the street music performance, and to compare the impacts of environmental and relevant internal factors on audience enthusiasm.

Street performance in Iran has not been limited to a specific era, and the contents have mainly included narration of the lives of mythical figures and praise for the kings. Reproducibility can be considered as a major characteristic of these performances, which have been well integrated with urban open spaces from the past to the present, both individually and collectively.

Theoretical framework:

Pioneers of public life studies have pointed out several categorizations of presence in urban public spaces mainly through direct observation. Since most of today's cities are automobile-oriented, citizens' mandatory attendance of public spaces is not usually observed. Their voluntary activities, however, could be encouraged through enhancement of the quality of the characteristics of the space. Improvement of the quality of public spaces is aimed at making these spaces more sociable through facilitation of social activities, which are mainly dependent on the contribution of more and more

1 Responsible author: mojtabafakhrahmad@ut.ac.ir

Citation: PourMohammad, S., Shojaei, S.A., Kalantari Khalil Abad, H., Taghvaei, M., (2022) Applying of the cognitive effect of the role of memory index on promoting the sense of belonging of residents in new and old neighborhoods in Shiraz City, Motaleate Shahri, 10(41), 73–84. doi: 10.34785/J011.2022.568/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology:

The process of conducting the research is described as involving seven steps. The first step includes an extraction of the memorable factors which are influential on residents' sense of attachment. For this purpose, the memory indicators are extracted via the documentary-analytical method. The results from the section on the theoretical framework reveal that the physical and social indicators are the most influential factors on the promotion of the sense of attachment in residents of neighborhoods in the city of Shiraz, Iran. The second step involved the development of the main research questionnaire. The features of physical and social memory are considered as the independent variables, and residents' sense of attachment is considered as the dependent variable. In the third step, the ANOVA test is used for assessment of the level of homogeneity of the population from the old fabric and that from the new fabric. In the fourth step, the Spearman correlation coefficient is calculated for investigation of the effects of the memory factor on the promotion of the sense of attachment in the old and new fabrics. The fifth step involves the application of Tukey's integrated test for comparison of the effects of physical and social memory on residents' levels of sense of attachment in different neighborhoods. In the sixth step, the paired-samples T test is employed to analyze the effects of physical and social memory on the improvement of residents' sense of attachment to their neighborhoods and the significance of the differences. Consequently, the Pearson coefficient is used for investigation of the correlation between the different elements comprising the physical and social memory component, which influences residents' sense of attachment to their neighborhoods. The neighborhoods selected for the case study include three situated in the old fabric, namely Sang Siyah, Eshagh Beig, and Bazare Morgh, examined along with three neighborhoods located in the new fabric, namely Abyari, Eslahé Nezhad, and Havabord. The districts to be examined for the case study are selected separately from the old and new fabrics given the similarities of the cultural components and the shared physical and social features measured in the present study.

Results and Discussion:

It can be stated based on the above that the effect of physical and social memory on the promotion of residents' sense of attachment in the selected neighborhoods of the same fabric is insignificant, and the selection for the case study has been appropriate in terms of feature similarity and homogeneity at the end of the assessment. The results obtained from the Spearman correlation coefficient reveal that a significant relationship exists between the sense of place attachment and memory in all the neighborhoods from the old and new fabrics. However, it can be stated in general that the Eshagh Beig neighborhood exhibits the greatest effect of physical memory in the old fabric on the improvement of the sense of attachment, and Bazare Morgh shows the least effect. In the new fabric, the Abyari neighborhood exhibits the greatest effect, and Havabord shows the least.

Conclusion:

In terms of the effects of social memory on the promotion of the sense of attachment, the Sang Siyah neighborhood exhibits the greatest effect, and Bazare Morgh shows the least effect in the old fabric, while the Abyari neighborhood exhibits the greatest effect, and Havabord shows the least in the new fabric. Based on this assessment, the mean effect of physical memory on the promotion of the sense of attachment is less than that of social memory in the old fabric. In the new fabric, however, the mean effect of physical memory on the promotion of the sense of attachment is significantly greater than that of social memory, and it can be stated in general that residents' sense of attachment to neighborhoods in the new fabric is significantly lower than that in the old fabric. Given the results for the old fabric, memory-making elements in the neighborhood, from the physical memory indicator, and individuals' familiarity, from social memory, exhibit the greatest effects, while the historical monuments factor, from physical memory, and NGOs, from social memory, have the least effects on residents' sense of attachment to the living spaces. In the new fabric, memory-making elements in the neighborhood, from physical memory, and neighbors' relations, from social memory, exhibit the greatest effects, and historical monuments, from physical memory, and social class, from social memory, have the lowest effects on the improvement of residents' sense of attachment to the living spaces.

Key words:

sense of belonging to the place, collective memory, historical neighborhood, newly-built neighborhood.

Applying of the cognitive effect of the role of memory index on promoting the sense of belonging of residents in new and old neighborhoods in Shiraz City

Shahrad PourMohammad - Department of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Yasuj Branch, Yasuj, Iran.

Seyyed Alireza Shojaei - Department of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.

Hosein Kalantari Khalil Abad - Department of Urban Planning and Management, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

Masoud Taghvaei - Department of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 18 February 2021 Accepted: 28 June 2021

Highlights

- The results obtained from the present paper can be considered as a point of origin for assessment of the cognitive effects of social and physical memory on the promotion of residents' sense of attachment to the living spaces in their neighborhoods.
- In the old fabric, the highest effects on the promotion of residents' sense of attachment to their living spaces are associated with the neighborhood memorability factor, from physical memory, and individuals' familiarity with the neighborhood, from the social memory.
- In the new fabric, however, the highest effects on the promotion of residents' sense of attachment to their living spaces are associated with the factor of the neighborhood's memory elements, from physical memory, and neighborhood relations, from social memory.

Extended abstract

Introduction

A sense of belonging to a place, i.e. place attachment, means to have a perception of the environment and more or less conscious emotions on the surroundings, which brings one into an internal relationship with the surrounding environment. Thus, a person's perception and emotions are bound by and integrated with the semantic context of the environment. A sense of place gives people comfort in an environment, and also leads individuals towards possession of an identity. Moreover, it can be stated that the sense of belonging to a space is a complex concept of human emotion and attachment to an environment, which is developed as a result of adaptation to the space and man's application thereof.

Theoretical Framework:

A review of the related literature can lead one to the roles of different factors in the formation of this sense, including the physical aspects of the environment, social characteristics of the residents, relationships between individuals and the environment, duration of residence, and, in general, memorability factors. The memorability factors influencing residents' place attachment to the environment in their neighborhoods are divided into the two broad categories of physical memories and social memories. The measures affecting the probability of development of collective memory in cities include the residents' familiarity with the neighborhood, neighborhood relations, etc., and the measures concerning the development of physical and spatial memory include the neighborhood center features, signs, introversion, etc.

had the structure of a four-point Likert scale, with the answers ranging from strong disagreement to strong agreement. The questionnaire was distributed among 250 visitors of Mellat Park, Tehran. Since the differences in the environmental, socio-economic, and physical characteristics of different places can give different senses of security or fear to citizens, a major park in Tehran (Mellat Park) was chosen for a case study. It extends over an area of about 34 hectares in Municipal District 3. The purpose of this study was to construct, normalize, and validate a security scale for urban parks from the users' perspective.

Results and Discussion

Content validity was verified through preliminary implementation, open interviews with users, and expert approval. In the preliminary step, reliability was measured using the internal coordination of the questions with Cronbach's alpha. The final questionnaire was distributed among 250 park visitors. The results indicated that the questionnaire was valid and standard, and eight explanatory factors were obtained from the users' preferences as the data obtained in SPSS 22 were analyzed using the exploratory factor analysis technique. These included artificial element design, control and surveillance, plant design, readability, physical accessibility, aesthetics, activity patterns, and space size and extent. From the users' point of view, artificial element design was the most significant factor, followed by control and surveillance, plant design, readability, and physical accessibility, and aesthetics, activity patterns, and space size and extent were ranked next.

Conclusion

Understanding users' perceptions of landscape design methods and considering their preferences and desires helps landscape designers with their jobs. It can be considered as a topic for future research how each of the obtained components can induce a feeling of fear or security in urban park users. Examples include specification of the relationship between vegetation or readability and the feeling of fear or the standard for each of the service elements, pieces of furniture, etc. Through presentation of a model, the hidden relationships between factors can be achieved, and a theoretical pattern composed of many different components can be examined both entirely and partially. Of course, it should be noted that none of these factors alone induces fear or security; rather, there are a number of factors that contribute to a complex interaction, such as personal characteristics (age, gender, etc.) and social characteristics (familiarity with the environment, solitary presence, frequency of presence, etc.), which can be investigated in future research.

Key words: Urban Parks, Environmental Security, User Preference, Mellat Park.

Acknowledgment

This article was extracted from Soudabeh Gholipouri's doctoral thesis, entitled Modeling the environmental security in urban parks based on users' preferences, developed under the supervision of Dr. Jamal-e-Din MahdiNejad and advisory of Dr. Bahram Saleh Sedghpour at Shahid Rajaee Teacher Training University.

Citation: Gholipour, S., Mahdinejad, J., Saleh Sedghpour, B., (2022) Construction, Normalisation and Validation of Urban Park Environmental Security Scale based on users' preference (Case study: Mellat Park, Tehran, Iran), *Motaleate Shahri*, 10(41), 59–72. doi: 10.34785/J011.2021.513/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Construction, Normalisation and Validation of Urban Park Environmental Security Scale based on users' preference (Case study: Mellat Park, Tehran, Iran)

Soudabeh Gholipour - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

Jamal-e-Din Mahdinejad¹ - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

Bahram Saleh Sedghpour - Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.

Received: 21 July 2020 Accepted: 18 February 2021

Highlights

- Relevant key issues were extracted from users' responses to an open-ended questionnaire and their application to a closed-ended questionnaire.
- The environmental variables affecting the security of urban public spaces were documented and summarized.
- The factors and criteria effective on users' sense of security were extracted using exploratory factor analysis.

Extended abstract

Introduction

One of the most important components of environmental quality, environmental security plays an important role in the use of urban spaces. In fact, the feeling of fear and lack of security in urban environments, including parks, has turned into a problem in today's societies. Parks are areas in cities where any citizen can spend their leisure time and enjoy park-based recreational activities. Many factors affecting the security of urban parks can be attributed to their design and physical conditions. Therefore, it is necessary to identify these factors and provide appropriate solutions to improve their conditions. Since an urban park needs a conscious design that provides the users' satisfaction, it is necessary to consider their characteristics, which can be achieved through their participation.

Theoretical Framework

To explain the theoretical concept of security, two distinct dimensions are mentioned. The first is the objective dimension, which is evaluated using objective environmental and behavioral parameters, and the second is the mental dimension, which is understood based on the security of the community. Both dimensions can have a positive or negative effect on the other. Therefore, it is necessary to consider the two dimensions together in order to improve public security.

Methodology

Since a comprehensive questionnaire was not found to measure the security of urban parks based on users' preferences, a researcher-made questionnaire was prepared, and its validity and reliability were verified. The research method was qualitative and qualitative-quantitative. In the first step, the qualitative research method was used based on content analysis, and the questions of the open-ended questionnaire were implemented in textual form based on the contents of the experts' statements. The components were obtained from content analyses of users' responses to the semi-structured open-ended questionnaire, and the closed-ended questionnaire was developed on that basis. The final questionnaire was designed as a closed-ended one to quantify the variables faster and be capable of running on a larger scale. The questions

1 Responsible author: mahdinejad@sru.ac.ir

Citation: Saadati, A.M., Ahmadi, F., Ghaffari, A., Nazemi, E., (2022) Conceptual model of the role of urban space in improving the quality of life in historical contexts, *Motaleate Shahri*, 10(41), 43–58. doi: 10.34785/J011.2022.934/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology

The above strategy will in turn keep indigenous residents in historic contexts, have immigrants to those areas return, and bring about socio-economic and environmental sustainability. Employing logical reasoning, the Delphi method, and expert opinions, this descriptive-analytical study first discussed the urban space components and their qualitative requirements. Next, the dimensions and measures of the quality of urban life were analyzed, and their factors concerning the urban space and environmental quality and topics formed on urban design, planning, and management were identified based on the theoretical views found in the literature. In the next step, the factors extracted based on the characteristic features of historic districts were monitored and reviewed. The 91 factors obtained from the Delphi method were reduced to 64 after views and comments from about forty experts in the field were applied. Finally, the results were presented as a conceptual model describing the role of urban spaces on quality of life enhancement in historic urban districts.

Results and Discussion

According to the findings, there are many physical–functional and environmental qualities in public urban spaces that can guarantee the arena’s success in provision of the residents and users of historic districts with satisfaction. However, taking notice of economic activities and social mobility in these districts is fundamental to the effectiveness of a measure adopted for enhancement of the quality of life in public arenas within historic districts. Meanwhile, a rise in the sensitivity of local communities to the values of historic districts and the potentials of public arenas for enhancement of the quality of life therein encourages them to assume an active role in the application of these arenas and the local communities’ socio-economic potentials in enhancement of the quality of public arenas. This can also enable these communities to express problems and propose solutions; in some cases, it can even lead to innovative financing ideas for project implementation. In tandem with urban planning, it ensures the sustainability of public arenas in historic districts, and improves the quality of life for their residents and users. Therefore, the issues of socio-cultural livability and dynamic economy are the cornerstones of the formation of quality spaces within historic districts, and the quality of life will not improve regardless of the triad of the environment, society, and economy.

Conclusion

The presented conceptual model, based on the urban space components, offers a new approach to urban planning and management, and is concerned with all the urban regeneration measures adopted in historic districts. Functioning on local, regional, urban, and extramural scales, the model can also assume applications in the quality assessment of measures implemented in public arenas within historic districts. Here is a brief description of the intervention measures adopted for these districts and their regeneration process based on the proposed model.

The socio-cultural component. Contextualizing, contributing to/collaborating with, providing a process orientation for, innovating, and influencing the satisfaction of residents and users in public areas, utilizing the contribution/collaboration from the users of public arenas, delegating authority to non governmental organizations for utilization management, allowing for effective, constructive interaction among the organizations involved in the quality enhancement of historic districts and observing the pertinent legal frameworks, clarifying the procedures and promoting the accountability of officials, and respecting the cultural, social, and economic structures of life in the district.

The empirical-aesthetic component. Integrating old and new spaces within public arenas while respecting the features of their historic districts and taking notice of the mass and space simultaneously and avoiding shell designs.

The environmental component. Reducing environmental pollution and protecting energy resources and the natural heritage.

The functional component. Providing a favorable impact on space liveliness and enhancing social inclusion to be able to hold various events.

The economic component. Helping businesses flourish and promoting tourism.

The temporal component. Taking notice of nightlife, holding seasonal, monthly, and weekly events and recognizing the sense of place and making an effort to preserve it within the environment.

Key words: Quality of Life; Urban Public Space; Historic District; Conceptual Model; Resident.

Conceptual model of the role of urban space in improving the quality of life in historical contexts

Ali Mohammad Saadati - Department of Urban planning, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Fereshteh Ahmadi¹ - Department of Urban planning, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Ali Ghaffari - Department of Urban planning, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. and Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Elham Nazemi - Department of Urban planning, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 19 December 2020 Accepted: 15 May 2021

Highlights

- Improvement of the quality of life in historical contexts.
- Presentation of a conceptual model of the role of urban spaces in public life.
- Without the interaction of the environment, community, and economy, the quality of life will not improve.
- There are many physical-functional and environmental qualities in urban public spaces that can guarantee the success of the field in satisfaction of residents and users of historic districts.

Extended abstract

Introduction

In addition to performing all its standard functions in other urban areas, an urban space in a historic district should play its role at a higher multifaceted level matching the characteristics of a historic district with established identity. Accordingly, the present work aimed to discover how the components of an urban space, on the one hand, and the constituent elements of the flow of life in a historic district, on the other, are linked and interact so as to enable reasonable management of urban space potentials in a historic district and their proper application to enhance the quality of life for the residents and users.

Theoretical Framework

The model consisted of six components defining the following factors: the environmental component, with life quality in micro spaces and environmental sustainability as criteria; the empirical-aesthetic component, with old-new area integration and quality of urban landscape as criteria; the functional component, with variety in environment usage, environmental liveliness and quality, safety and security, and transportation and accessibility as criteria; the socio-cultural component, with social liveliness and cohesion and maintenance of population balance as criteria; the economic component, with economic liveliness and stability and flexibility of development plans as a criterion; and the temporal component, with time management in public spaces and continuity of place as criteria.

Generated based on the urban space components, the presented conceptual model offered a new approach to urban planning and management, and was concerned with all the urban regeneration measures adopted in historic districts. Functioning on local, regional, urban, and extramural scales, it can also assume applications in the quality assessment of measures adopted in public arenas within historic districts.

1 Responsible author: feahmadi60@gmail.com

was used to control Type I error if there was a significant difference between the opinions.

Results and discussion

The results of the present research indicated that there were different visual preferences for the images. Thus, the closed visual scale and open visual scale between all the groups were undesirable, as well as the semi-open visual scale and open visibility under canopy landscape between all the participating groups. Among the studied underlying factors (difference in the income levels in the regions, age, and gender), gender exhibited little effect on the formation of the landscape preferences, and women preferred more enclosed landscapes.

Conclusion

The results of this research demonstrated given the desirability of semi-open images that the spatial configuration of vegetation formed through planting and pruning should not allow for any visual barrier in the foreground layer while planting at the observer's line of vision is obstructed in the background layer and sporadically in the middle layer. Moreover, it is desirable for plant height to be less than the observer's line of vision and for tree canopies to be placed at heights greater than the observer's visibility in the background layer. Due to the desirability of open visibility under canopy images, it is possible to provide favorable climatic conditions through selection of a combination of canopy umbrella trees of two types, fallow and non-fallow, which also allows for wide visual access. Due to the unfavorable landscape of the closed view, it is not appropriate to practice such planting at the observer's line of vision in the foreground layer of the view. It is also necessary to avoid open visual scale design, where the coating exhibits low density in all the three layers. Regarding the influence of underlying factors, it can be stated that the landscape preferences for optimal visual access were almost the same for the different groups, but the women were more inclined to prefer semi-open visual-scale images due to the need for privacy and security, and images with closed vision were less favorable for them. Thus, the proposed species could be proposed given their heights for all the three layers of foreground, middle ground and background, according to the obtained patterns. The present study took the first steps in landscape planning based on awareness of public preferences, and these findings provide practical solutions for landscape planting design.

Keywords: Visual Scale; Spatial Configuration of Plants; Neighborhood Park; Landscape Vision; Preference.

Acknowledgment

This article has been taken from a doctoral dissertation entitled Promoting Cultural Services of Urban Green Spaces Based on the Visual Assessment of Landscape: A Case Study of Urban Parks in Tehran, developed by the first author under the supervision of the second author and the advisory of the third author in the Faculty of Art of Tarbiat Modares University. The dissertation has enjoyed financial and spiritual support from the Tehran Urban Research and Planning Center as a research project.

Citation: Sadeghi, Z., Ansari, M., Haghghat Bin, M., (2022) Investigating the Planting Pattern Based on Desirable Visual Scale in Neighborhood Parks (Case Study: Neighborhood Parks in Districts 18 and 1 of Tehran), *Motaleate Shahri*, 10(41), 31–42. doi: 10.34785/J011.2022.795/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Investigating the Planting Pattern Based on Desirable Visual Scale in Neighborhood Parks

(Case Study: Neighborhood Parks in Districts 18 and 1 of Tehran)

Zahra Sadeghi - Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mojtaba Ansari¹ - Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mehdi Haghghat Bin - Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 26 November 2020 Accepted: 01 September 2021

Highlights

- The spatial configuration of vegetation creates the visual scales and the different visual accesses in green spaces.
- Closed visual scales and open visual scales are not desirable for neighborhood park users.
- Users prefer semi-open visual scales and open visibility under canopy landscape for park landscape.
- Women's preferences demonstrated that greater green space confinement is more desirable for them.

Extended abstract

Introduction

Neighborhood parks play an important role in the relationship between people and the nature. In fact, vegetation and planting are the most important motivations for attendance of and recreations available in parks. For improvement of the quality of green spaces in neighborhood parks and enhancement of public participation, it is necessary to design the park landscape with respect to people's preferences and their perceptions of the desired landscape, while there are some shortcomings in this regard. Therefore, the purpose of this research was to investigate people's visual preferences in order to optimally design vegetation in neighborhood parks. A neighborhood park is a small green space (about two hectares large) with a penetration radius of about one kilometer, and it is readily accessible on foot from residential areas. The present research aimed to study these preferences in the field of spatial configuration of vegetation based on a visual scale. The visual scale is an important, effective feature in the creation of confinement and control of visual access. In this study, the underlying factors of age, gender, and socio-economic class differences were considered. Due to the difference in economic level in the northern and southern regions of Tehran, neighborhood parks in these two regions and their users were selected for evaluation. Five neighborhood parks in each region were considered purposefully.

Methodology

The method adopted in the present research was a combination of the qualitative and quantitative approaches. First, the spatial configuration of vegetation in the creation of different types of visual scale was investigated, and five categories of visual scale were identified. Images were provided of the vegetation compositions of neighborhood parks with high income levels (region 1) and low income levels (region 18). After consultation with the elite, the images were categorized based on a variety of visual scales. The visual questionnaire consisted of two images for each visual scale, where landscape desirability was examined with a Likert scale. Using random sampling, 363 people who visited neighborhood parks in the two areas of Tehran (District 1 and District 18) completed the questionnaire. The data were analyzed using the Bonferroni post hoc test in SPSS. After their collection, the homogeneity of variance was first examined through the Levin variance homogeneity test for comparison of the user preferences in terms of the type of landscape, and the results demonstrated that there was no significant difference between the variances of the variables in the groups ($P < 0.05$). Therefore, one-way analysis of variance was used to compare the studied variables between the groups, and the Bonferroni post hoc test

1 Responsible author: ansari_m@modares.ac.ir

advantage, hindrance, emphasis, enclosure, narrowness, openness, sequence, and concentration (ibid.: 121-136)

Methodology

For achievement of the research aim, a mixed method was adopted based on data collection through archives, observations, interviews, and visual preference techniques. Among different cities, Tehran was selected due to its position, and the Tehran Theater subway station was chosen among different stations because of its location in the proximity of Vali-asr Street, Tehran Theater, and Daneshju Park. Then, nine murals were selected from among those available at the station. Given the nature of the data, the methods of regression analysis and correlation analysis were used along with SPSS techniques for analysis of the collected data.

Result and Discussion

The results indicated that perceptual-visual desirability existed in all the three groups: untrained observers (citizens), trained supervisors (visual art experts) and creators of artworks (artists). The findings also demonstrated that tonality (degree of darkness/brightness), shape (design), color, line, and texture exhibited the greatest impacts on perceptual-visual desirability, in that order. The elements of shape, color, tonality, line, and texture played the greatest roles, in order of priority, in the perceptual-visual utility of the station frontage for the citizens, the elements of tonality, shape, line, texture, and color for the specialists, and shape and tonality, color, and line and texture for the artists. The most important reasons for these differences follow. The main reason why tonality was selected as the first priority by the three information sources is the community's need to observe color diversity at different levels of the society. Unfortunately, this field has been neglected for years. However, its negative effects, such as the increase in the number of patients with depression, are evident. The second priority involved the designs and patterns used in the murals, which demonstrated the significance of form and content and of the choice of subject and consideration of the aspects of visual beauty. In the studied cases, the messages and feelings that the artist tried to convey to the audience had a negative impact on citizens' perception although understood to a large extent by the audience, as the predicted lighting was not considered properly, the mural lights were used only occasionally, and inappropriate accessions led to visual disturbance.

Conclusion

The results indicated perceptual-visual desirability in all the three groups of untrained observers (citizens), trained observers (visual art specialists), and creators (artists). Furthermore, the citizens' and artists' opinions were close to each other. The citizens appreciated the use of creative designs with rhythms and formal contrasts, being satisfied both with the location of the murals in terms of visibility and view-shed and with their association with the frontages, but not with the lighting of the works. These were identified as the main perceptual-visual desirability factors in the studied samples.

Key words: visual element, visual desirability, mural, Tehran Theater, subway station.

Citation: Kabiri, F., Zamani, B., Khajeh Ahmad Attari, A., (2022) The effect of the visual elements of the murals of Tehran Theater Metro Station on the perceptual-visual desirability from the viewpoint of citizens, professionals and artists, *Motaleate Shahri*, 10(41), 17–30. doi: 10.34785/J011.2022.551/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The effect of the visual elements of the murals of Tehran Theater Metro Station on the perceptual-visual desirability from the viewpoint of citizens, professionals and artists

Faranak Kabiri - Department of Handicrafts, Faculty of Art & Humanities, University of Shahrekord, Farsan, Iran.

Bahador Zamani¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Alireza Khajeh Ahmad Attari - Department of Handicrafts, Faculty of Handicrafts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 09 April 2020 Accepted: 02 December 2020

Highlights

- Artworks concerning frontages as media of communication among the artwork, the artist, and the public and frameworks for interaction with locations.
- Common viewpoint held by untrained observers (citizens), trained observers (visual art specialists), and creators (artists) in the appraisal of the perceptual-visual desirability of murals.
- Closeness of the citizens' and artists' attitudes toward the appraisal of the perceptual-visual desirability of murals.
- Citizens' greater appreciation of the use of creative designs with rhythms and formal contrasts in the appraisal of the perceptual-visual desirability of murals.

Extended abstract

Introduction

As subway stations are regarded as public spaces in cities, their frontages, involving public artworks, especially murals, are taken into account as part of the urban townscape. The artworks on frontages can provide a medium for interaction, functioning as a visual communication system among the artwork, the artist, and the public. Therefore, it is important to identifying the factors influencing the visual preferences of the audience. The aim of this paper is to investigate the effect of the visual elements of murals on the perceptual-visual desirability of frontages at the Tehran Theater subway station. It seeks to answer the question of how the visual elements of the murals at the station affect the perceptual-visual desirability of the station frontage.

Theoretical Framework

Among the large number of visual components assumed by various theorists, the main common components taken into account in this research include color, shape, texture, line, tonality, and light (Jansen, 1998: 69). This study investigates element quality, the quality of the relationship between elements, and that for figures and the ground (Pakzad, 2006) to achieve the degree of visual desirability in response to questions about the aesthetic component and the scape quality. The element quality is mural, and the relationship between the murals is considered for appraisal of the quality of the relationship between the elements. Moreover, the relationship between the mural and the wall is considered for appraisal of the quality of the relationship between the figure and the ground. The components related to the quality of the element include intensity, tension, and ingravity, those pertaining to the quality of the relationship between the elements include balance, symmetry, proportion, dominance, clarity, and density. The components concerning the quality of the relationship between a particular element and others (figure and ground) include contrast, opposition, conformity,

1 Responsible author: b.zamani@aui.ac.ir

profession given the type of acceptance and the way education deals with emerging phenomena and ideas in the field of urban planning. At the same time, there is the missing link between education and profession, which is being moved from the channel of education to profession in the transition towards sustainable development. The specific area and research gap elaborated on in this study is the number of orientation patterns of education towards sustainable development, which are specified based on the research method.

The main tool used in this fundamental qualitative descriptive-analytical method is content analysis, enabled through the capabilities of the SPSS software.

Results and Discussion

The results of the authors' surveys at 128 universities in 9 different countries demonstrated that the predominant orientation in the teaching of sustainability is to provide an independent course on sustainability and environmental concepts and to teach sustainability in the procedure and materials of urban planning courses. The results can be observed in the case of Iran, as a developing country that strives to move towards sustainability, contrary to the direction taken in the profession corresponding to the discipline. In Iran, the only independent course on sustainability is that entitled Sustainable Urban Development, which is an optional course presented in two theoretical credits. Among all the universities with doctorate programs in urban planning, however, this course is taught only at two, namely the University of Tehran and Tehran University of Art. For a master's degree in urban planning, on the other hand, it is included in different sub-disciplines of the curricula. Although courses with environmental content and topics are offered in all sub-disciplines, consideration of the issue of sustainability can be observed formally in urban design and regional planning as one and two optional courses, respectively.

Conclusion

The current trend will practically slow down the process of replacing the growth paradigm with the sustainability paradigm and bring about wide gaps therein. However, the proper orientation adopted in the discipline in recent years in regard to education of sustainability and sustainable development conveys the message that the gap will be reduced greatly in the future. This means that the appropriate orientation of the discipline (in education and research) is also reflected in the profession to help responds to the requirements of the field in the right direction. This is especially important in the training of graduates who will be developing plans and programs in the future. Education of sustainability and sustainable development, one of the criteria examined in the Green Metric ranking system, can be considered as a focus of future applied research and as a step forward in its achievement.

Keywords

Sustainable development, urban planning education in Iran, master program in urban planning, content analysis.

Citation: Azizi, M.M., Khosravanezhad, S., (2022) Content analysis and comparative study of urban planning programs in the world and Iran with a sustainable development approach, with emphasis on master's courses, *Motaleate Shahri*, 10(41), 3–16. doi: 10.34785/J011.2022.462/Jms.2022.112.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Content analysis and comparative study of urban planning programs in the world and Iran with a sustainable development approach, with emphasis on master's courses

Mohammad Mehdi Azizi¹ - School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Samaneh Khosravaninezhad - School of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 18 November 2020 Accepted: 14 April 2021

Highlights

- Analysis of the pedagogical orientation of the planning discipline towards the concept of sustainable development and its position in the academic field
- Orientation of the patterns of education towards sustainable development
- The predominant orientation in the teaching of sustainability involves the provision of an independent course on sustainability and environmental concepts and inclusion of instructions on sustainability in the procedure and materials of planning courses worldwide.
- Consideration of the issue of sustainability can be observed formally in the sub-disciplines of urban design and regional planning as one and two optional courses, respectively, in masters studies of educational planning in Iran.

Extended abstract

Introduction

The change in the attitude of the urban planning discipline from the growth to the sustainability paradigm resulted from the inefficiency of the discipline and profession in response to environmental concerns around the world since the second half of the twentieth century; this shifted the substantial, procedural orientation of the discipline to the latter dominant paradigm. The result of such a change in attitude in the late twentieth century was reflected worldwide in formal and informal educational planning, and different orientations towards sustainability and sustainable development took shape according to the conditions in each country.

Theoretical Framework

The fundamental question that this article seeks to answer can be raised as follows: given the position of urban planners in plans and programs where they function as specialized managers and coordinators, what is the position of sustainable development with a focus on environmental and social issues in urban planning education, and how can urban development graduates be promoted in the field to improve the quality of professional activities? The purpose of this study is to analyze the pedagogical orientation of the urban planning discipline towards the concept of sustainable development and its position in the academic field, where professionals are trained to work in the profession.

Methodology

It is directly affected by the nature of the field how an emerging idea is addressed in any knowledge. Transition from theory to practice requires the idea to go through the scientific process of education. Education that has adopted its input from research and profession conceptualizes it and transmits it to future students and professionals as educational content–involving the knowledge, skills, and value of urban planning curricula. Thus, different feedbacks can be provided to the

1 Responsible author: mmazizi@ut.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Content analysis and comparative study of urban planning programs in the world and Iran with a sustainable development approach, with emphasis on master's courses**
Mohammad Mehdi Azizi, Samaneh Khosravaninezhad
- **The effect of the visual elements of the murals of Tehran Theater Metro Station on the perceptual-visual desirability from the viewpoint of citizens, professionals and artists**
Faranak Kabiri, Bahador Zamani, Alireza Khajeh Ahmad Attari
- **Investigating the Planting Pattern Based on Desirable Visual Scale in Neighborhood Parks**
Case Study: Neighborhood Parks in Districts 18 and 1 of Tehran | Zahra Sadeghi, Mojtaba Ansari, Mehdi Haghghat Bin
- **Conceptual model of the role of urban space in improving the quality of life in historical contexts**
Ali Mohammad Saadati , Fereshteh Ahmadi, Ali Ghaffari, Elham Nazemi
- **Construction, Normalisation and Validation of Urban Park Environmental Security Scale based on users' preference**
Case Study: Mellat Park, Tehran, Iran | Soudabeh Gholipour, Jamal-e-Din Mahdinejad, Bahram Saleh Sedghpour
- **Applying of the cognitive effect of the role of memory index on promoting the sense of belonging of residents in new and old neighborhoods in Shiraz City**
Shahrad PourMohammad, Seyyed Alireza Shojaei, Hosein Kalantari Khalil Abad, Masoud Taghvaei
- **Investigating the Impact of Street Music Performance on the Public Life in Urban Spaces**
Case study: Public Realms of Shiraz | Seyed Mojtaba Fakhrahmad , Sahand Lotfi, Golrokh Zolghadri, Zahra Namdari Noruzani
- **Scale analysis of urban regeneration projects and its effects on the quality of life of residents with emphasis on the Iran experience**
Majid Rosta, Mohammad Soleimani, Muzaffar Sarrafi, Mojtaba Rafeian

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Mozafar Sarrafi, Professor, University of Shahid Beheshti

Secretary : Kayoumars Irandoost, Associate Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Associate Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

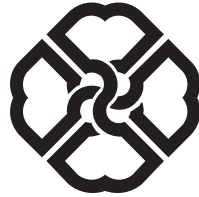
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.41, winter 2022